

۴۸۸

کشمکش

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۵ آبان تا پنجشنبه ۱ آذر ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۵۴

بمب ساعتی بحران انرژی در ایران

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۵۴ (۴۸۸)
جمعه ۲۵ آبان تا پنجشنبه ۱ آذر ۱۴۰۳
۱۵ تا ۲۱ نوامبر ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

وبسایت کیهان انجمن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (امیر خلیان)»
برای نخستین بار ایجاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالته رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علائق‌منان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هریمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



کیهان

فهرست مطالب**

۴	سر مقاله - بخت و فرصت و ملت / الاهی بقراط
۴-۵	تیر هفته - بمب ساعتی بحران انرژی در ایران ... /
۶	شاهزاده رضا پهلوی: مردم ایران در نهایت رژیم را سرنگون خواهند کرد نه ... /
۶	پیام مهم شاهزاده رضا پهلوی به مردم ایران: توان من ناشی از قدرت شماست و ... /
۷	دو مخالف سرسخت رژیم جمهوری اسلامی مسئول سیاست خارجی و امنیت ملی ... /
۷	نتانیا هو: «رژیم خامنه‌ای از شما بیشتر از اسرائیل می‌ترسد» ... /
۸-۹	متن کامل گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با «پراگریو» (بخش ۲) ... /
۱۰-۱۱	تصمیم عجیب شعبه ۱۳: صدور حکم «اعدام» علیه شش جوان «پرونده اکباتان»! ... /
۱۱	ای شغالان، همین مخوانیدم شغال! ... / خیراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	جامعه، دولت و جنبش زنان (بخش ۱) - ... / مهناز افخمی
۱۴	یسرا نیل کاتز: حمله به برنامه‌های امنیتی جمهوری اسلامی هرگز تا این اندازه ... /
۱۴-۱۵	سفر محرمانه وزیر امور استراتژیک اسرائیل به مسکو: انتظار نتانیا هو از پوتین برای ... /
۱۵	حمله هوایی به «محل تجمع» اعضای حزب الله در دمشق دست کم هفت کشته و ... /
۱۶-۱۷	دومین گفتگوی پاتریک بت - دیوید با شاهزاده رضا پهلوی (۱) ... /
۱۸	وزارت دادگستری آمریکا: طرح توطئه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای ترور ... /
۱۹	حمله به تماشاگران اسرائیلی تیم مکیابی در آمستردام ... /
۲۰	مصاحبه «انسیگل» با عباس عراقچی: «شارمهد عادلانه محاکمه شد ... /
۲۱	انتیژه جمهوری اسلامی برای «کشتن دونالد ترامپ» آفندرز یاد است که ... /
۲۲	قطر به درخواست آمریکا یکارهبران حماس را اخراج می‌کند ... /
۲۳	نفوذ موساد در «بیت رهبری» و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ... /
۲۴	ارتش اسرائیل فاش کرد: فیلم‌هایی از شکنجه بی رحمانه مردم غزه توسط ... /
۲۴	رئیس پیشین سیا: «چک سفید به نتانیا هو برای جنگ علیه رژیم ایران» ... /
۲۵	ادامه درگیری‌های خونین در مناطق مرزی سیستان و بلوچستان ... /
۲۵	حمله سنگین هوایی آمریکا به پایگاه‌های گروه‌های نیابتی وابسته به ... /
۲۶-۲۷	عباس پالیزدار پس از سال‌ها سکوت از فساد مقامات ارشد حکومت می‌گوید تا ... /
۲۷	تیراندازی به دو هواپیمای مسافربری در هائیتی ... /
۲۸-۲۹	هشدار خودی‌ها به پزشک‌ها و خامنه‌ای: برای «حفظ بقای نظام» کنار آمدن با ... /
۲۹	روزنامه آلمانی «بیلد»: جمهوری اسلامی به دنبال ساخت سلاح شیمیایی برای ... /
۳۰	سفر «کم سابقه» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان به تهران ... /
۳۱	ترامپ و پر خور دبا دو جنگ غزه و لبنان ... / عبدالرحمن الراشد (شرق الاوسط)
۳۲	پر تاب شبانه یک موشک بالستیک از شاهرود ... /
۳۳	نصف شدن سهمیه گاز صنایع فولاد در کنار جیره بندی برق بخش خانگی ... /
۳۴	ابطال انتخابات کانون و کلات توسط دادگاه عالی انتظامی قضات ... /
۳۵	«کلینیک تو کی بی حاجی»، این از جدید سرکوب زنان ... / حنیف حیدر نژاد
۳۶-۳۷	زننجیر هجرت: مبارزه برای آزادی و مسیر به سوی یک ایران سکولار و ... / اسیمون درایه
۳۷	دومینم اصلی سرقت از بانک ملی شعبه «دانشگاه» محکوم به قطع دست شدند ... /
۳۸	در انتظار اقدام بعدی اسرائیل: آیا حمله نظامی می‌تواند ... / آیدین پناهی (واشنگتن تایمز)
۳۹	بازگشت ترامپ و نگرانی جمهوری اسلامی ... / محمد خوش بیان
۴۰-۴۲	فشار حداکثری ترامپ، تله اسرائیل و دوراهی سخت جمهوری اسلامی ... / حسین آقایی
۴۲-۴۴	جبهه ملی: شاه: نفست: پوپولیسیم و تکنوکراتیسم ... / بیژن نامدار
۴۵	رافائل گروسی به تهران می‌رود: منابع حکومتی: آژانس در تصمیمات خود مستقل نیست ... /
۴۵	رافائل گروسی: حکومت ایران باید درک کند که فضای بین‌المللی وخیم شده است ... /
۴۶	خودکشی کیانوش سنجر: روزنامه نگار و فعال سیاسی در اعتراض به ... /
۴۷	صدور گواهینامه مو تور برای زنان: منع قانونی وجود ندارد اما همچنان ... /
۴۸-۴۹	صادی دولت پزشک‌ها، بی عمل و دور از وعده‌های انتخاباتی! ... /
۴۹	گزارش هادرباره اختلال در سیستم خودپردازها و احتمال هک «بلو بانک» ... /
۵۰	رفع فیلترینگ: این از کسب پایگاه اجتماعی برای دولت پزشک‌ها ... /
۵۱	تیم اقتصادی دولت پزشک‌ها، بی عمل و دور از وعده‌های انتخاباتی! ... /
۵۲-۵۳	خاموشی در سر اسرائیل: به دلیل کمبود برق: نارضایتی عمومی در راه است؟! ... /
۵۳-۵۴	قطع برق از فردا: کمبود گاز هم جدی است ... /
۵۴-۵۵	کمبود جدی بنزین: هزیننه هر لیتر بنزین ۳۸ هزار تومان است! ... /
۵۶	دروغجویی مقامات دولت پزشک‌ها در باره علت قطع برق ... /
۵۷	ادامه اعتراض کارگران پیمانکاری پارس جنوبی و بی تفاوتی مسئولان ... /
۵۸	چند کشته و زخمی در حمله مسلحانه به کاروان نیروهای سپاه حوالی راسک ... /
۵۸-۵۹	تلاش دوباره حکومت برای «سازماندهی تجمعات و اعتراضات شهر و ندان» ... /
۶۰-۶۱	خبرهای کوتاه ... /
۶۲	پشت جلد - عکس هفته / کیانوش سنجر: «مرگ خودخواسته»! ... /

بازنشر
بازنشر



سرمقاله

بخت و فرصت و ملت

«بخت» و «فرصت» دو مفهوم کلیدی در کتاب معروف «شهریار» از ماکیاولی هستند که فارغ از زمان و مکان و عقاید و دیدگاه‌ها، در سیاست واقعی نقش بازی می‌کنند و هشیاری سیاستمداران از یکسو در تشخیص به‌موقع آنها و از سوی دیگر در توان استفاده از آنهاست.

سه روز پس از دومین موشک‌پرانی جمهوری اسلامی به خاک اسرائیل در یکم اکتبر ۲۰۲۴ (۱۰ مهر ۱۴۰۳) کیهان لندن در سرمقاله‌ای با عنوان «فرصت آخر برای همه؟» نوشت: «با تضعیف و یا حتی نابودی نیابتی‌های این رژیم تا زمانی که غرب



نیز مانند برخی نیروهای سیاسی ایران و همچنین قشر موسوم به «خاکستری»، جایگاه خود را مشخص نکنند، نه ایران و نه اسرائیل و نه منطقه و غرب روی آرامش نخواهند دید: استمرار مداخلات با یک جمهوری اسلامی ضعیف و یا تغییر شکل داده، یا سهم بودن در ایران آینده که به دموکراسی و صلح و همزیستی و حقوق بین‌الملل پایبند است؟»

در آن زمان آمریکا در تب و تاب انتخاباتی بسر می‌برد و رسانه‌هایی که رسالت و وظیفه خود را نه بازتاب افکار عمومی بلکه «ساختن» افکار عمومی به سود منافع و منابع و محافل و عقاید خود می‌دانند، به این واقعیت فکر نکردند که گذشت آن دورانی که «مطبوعات» می‌توانستند افکار عمومی بسازند.

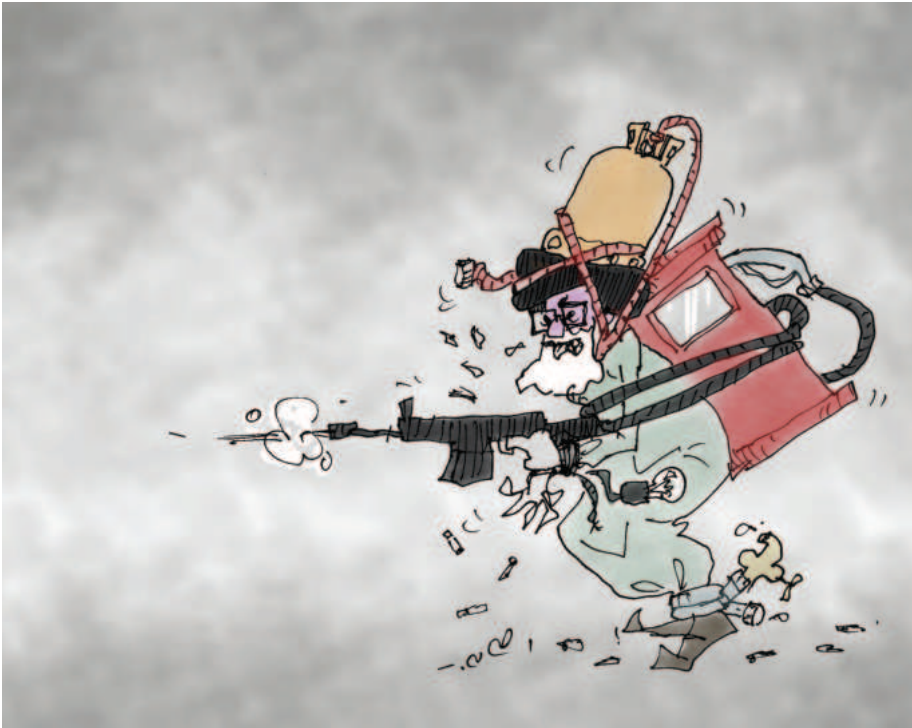
اکنون با توجه به پیروزی قاطع دونالد ترامپ که در اولین دوره ریاست جمهوری خود در کنار مردم ایران ایستاد و سیاست «فشار حداکثری» را علیه جمهوری اسلامی پیش برد، آن «فرصت» آخر برای همه؟ از ابهام خارج و به واقعیت تبدیل شده است. اما مفهوم و عامل کلیدی «مردم» و «ملت» که در دوران ماکیاولی بیش از ناصد سال پیش نمی‌توانست در کنار «بخت» و «فرصت» وجود داشته باشد و موجودیت رعیت‌وارش به قدرت «شهریار» یا «حاکم» وابسته بود، امروز نقش قاطع در سیاست بازی می‌کند!

«بخت» مورد نظر ماکیاولی در سال ۵۷ به زمامداران جمهوری اسلامی نیز روی آورد و «فرصت»ی با حمایت غرب در اختیار آنها قرار داد تا قدرت را قبضه کنند. غافل از آنکه در جهان مدرن بدون عامل سوم، این قدرت دیر یا زود فرو خواهد پاشید. عاملی که شاه فقید آن را می‌شناخت و به آن باور داشت و به همین دلیل ایران را ترک گفت. این عامل در سخنان و نوشته‌های فرزندش نیز حضور قاطع دارد چون تجربه کرده که قدرت مدرن تنها ناشی از بخت و فرصت و توانایی‌های «شهریاران» و «حاکمان» نیست! از همین رو در پیام مهم ۲۴ آبان نه تنها «ملت بزرگ ایران» را خطاب قرار می‌دهد بلکه دو انتخاب به آنها پیشنهاد می‌کند: «با نظاره‌گر و منتظر باشیم تا شاید دیگران، تغییرات دلخواه خود را برای ما رقم بزنند؛ یا اینکه با عزم و اراده‌ی ملی، خود، موتور محرک تغییر باشیم.»

شاهزاده رضا پهلوی بار دیگر نقش خود را «برای هدایت این تغییر و رهبری دوران گذار، در مسیر «استقرار دولت ملی» اعلام و بلافاصله اما تأکید می‌کند: «توان من ناشی از قدرت شماست!» واقعیت اینست که «زمان انتخاب» بین جمهوری اسلامی و آزادی و امنیت و رفاه در ایران آینده سال‌هاست که رسیده اما آن زمانی که ملت نیز بخت و فرصت خود را در رها شدن از نکت این رژیم تشخیص دهد، اکنون است. بخت و فرصتی که چه بسا هرگز دیگر تکرار نشود.

تیر هفته

مب ساعتی بحران انرژی در ایران



● برخلاف ادعای مقامات دولتی، جیره‌بندی برق بخش خانگی نه به دلیل حفظ سلامت شهروندان و محیط زیست، بلکه به علت کمبود شدید گاز، مازوت و گازوئیل برای تولید برق است.

سهام مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها در آلودگی شهرها ۷ درصد اعلام شده در حالی که سهم استفاده از سوخت گازوئیل و بنزین نزدیک به ۸۰ درصد عنوان شده است. این در حالیست که دولت پزشک‌یان با ادعای نگرانی برای سلامت مردم و محیط زیست، هیچ برنامه‌ای برای رفع عوامل اصلی ایجاد آلودگی در شهرهای مختلف ارائه نکرده است.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که اواسط هفته جاری منتشر شد نشان می‌دهد که مقامات دولت در حال فریبکاری درباره علت قطع مازوت‌سوزی در سه نیروگاه مهم کرج، اراک و اصفهان بوده‌اند. بر اساس این گزارش، کشور با کمبود شدید سوخت گاز، گازوئیل و مازوت روبروست و روند سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها با اختلال روبرو شده است.

این گزارش در حالی از علت اصلی خاموشی‌ها و کمبود برق پرده برداشته که تنها سه روز پیش از آن فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در ادعایی کذب در شبکه «ایکس» نوشته بود: «شرط عدالت نیست برای تولید برق، بخشی از جامعه با جان خود هزینه آن را پرداخت کند. از همین رو به دستور رئیس جمهور، مازوت‌سوزی در سه نیروگاه اراک، کرج و اصفهان که شرایط ویژه‌ای دارند، متوقف می‌شود. می‌توان برای مدت محدودی «خاموشی منظم» را جایگزین «تولید سم» برای عموم شهروندان کرد.»

از سوی دیگر در سال‌های گذشته در فصل سرما و با افزایش مصرف گاز، سوخت نیروگاه‌ها با مازوت تأمین می‌شد و مشکلی در تولید برق مورد نیاز کشور نبود.

در آنسو آثار کمبود گاز نیز با کاهش ۲۰ تا ۵۰ درصدی سهمیه گاز صنایع مختلف از همراه امسال نمایان شده است. در سال‌های گذشته که همچنان بحران کمبود گاز در فصل سرد سال وجود داشت، کاهش سهمیه گاز

زنگ خطر بحران انرژی در ایران از مدت‌ها پیش به صدا درآمده بود و طی هفته‌های گذشته جلوه‌های جدیدی از این بحران نمایان شده است. وزارت نیرو در اقدامی بی‌سابقه در فصل غیرگرم اقدام به جیره‌بندی برق بخش خانگی در سراسر کشور کرده و سهمیه گاز صنایع نیز برخلاف هر سال که از اواخر پاییز کم می‌شد، امسال از مهرماه با کاهش تا ۵۰ درصد روبرو شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی از کمبود شدید گاز، گازوئیل و مازوت خبر داده و این میان را عامل اصلی کمبود برق اعلام کرده است. در این میان دولت مسعود پزشک‌یان با گذشت چهار ماه از آغاز فعالیت همچنان برنامه و نقشه راهی برای جبران کمبود شدید انرژی با وجود منابع سرشار طبیعی کشور ارائه نکرده است. از ابتدای هفته‌ای که گذشت برق بخش خانگی در سراسر کشور دست‌کم دو ساعت در روز قطع می‌شود. شرکت توانیر در شهرهای بزرگ با ارائه برنامه‌ای بر اساس منطقه‌بندی محلات اقدام به قطع برق می‌کند اما در شهرهای کوچک و روستاها قطع برق بدون اینکه از پیش اطلاع داده شود قطع می‌شود.

مردم در حالی در نیمه فصل پاییز که «پیک مصرف برق» به شمار می‌رود با قطع برق روبرو شده‌اند که مقامات دولت پزشک‌یان از جمله فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مدعی‌اند دولت برای حفظ سلامت شهروندان و محیط زیست، مازوت‌سوزی در سه نیروگاه تولید برق در اراک، کرج و اصفهان را «ممنوع» اعلام کرده و در نتیجه برای جبران کمبود تولید در این سه نیروگاه قطع برق سراسری در دستور کار قرار گرفته است.

اما این ادعا که طی چند روز بارها از سوی مقامات دولت مطرح شد زیر سوال رفته است. بر اساس ادعاهای دولت

حکومت در توسعه صنعت نفت و گاز که سبب عدم بهره‌مندی شهروندان از این دارایی‌های ملی شده است! پیش از انقلاب ۵۷ ایران پس از ایالات متحده آمریکا و

را نیز روزانه ۵ میلیون لیتر عنوان کرده بود. در شرایطی که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی کمبود گاز را در «اوج مصرف» اعلام کرده، به گفته هاشم

صنایع از اواخر پاییز آغاز می‌شد.

کمبود سوخت در ایران شرایطی «آخرالزمانی» ایجاد کرده و کارشناسان هشدار می‌دهند این روند بحرانی نه تنها از



عربستان، سومین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان بود. بر اساس گزارش دیپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در سال ۲۰۲۰ ایران به جایگاه دهم تولید نفت جهان سقوط کرد.

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر به نسبت پیش از انقلاب ۵۷ حدود ۴۵ درصد از ظرفیت تولید نفت خود را از دست داده است. جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته اقدامات لازم و کافی برای توسعه صنعت نفت و گاز و پتروشیمی انجام نداده و تکیه اصلی منابع درآمدی را بر درآمد حاصل از خام‌فروشی نفت گذاشته است. بخشی از این منابع درآمدی برای هزینه‌های جاری دولت، و بخشی دیگر برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک حکومت در منطقه و جهان و پولپاشی به نیروهای نیابتی حکومت هزینه شده است. در این میان سهمی از منابع خام‌فروشی نفت نیز در ساختار رانتی و فاسد حکومتی به جیب «خودی»ها ریخته شده و به هدر رفته است.

آنچه امروز در حوزه انرژی ایران دیده می‌شود، تصویری از نتایج نیم قرن عملکرد حکومتی نالایق و ناشایست و بی‌کفایت است که پیوسته ویرانی آفریده و به تولید و بازتولید انواع بحران پرداخته است. از جمله قطع مکرر برق و گاز در بخش صنعت، سبب کاهش شدید تولید، ایجاد زیان انباشته در واحدهای صنعتی و تولیدی و همچنین افزایش رکود در کشور شده است.

جمهوری اسلامی در روندی ضدتوسعه، منابع ارزی کشور را به اشکال مختلف برای اهداف ایدئولوژیک و رانت و پولپاشی به باد داده در حالی که این منابع باید برای توسعه بخش‌های مختلف مولد و زیرساختی هزینه می‌شد. اکنون به گفته مقامات حکومتی صنعت نفت ایران به ۱۶۰ میلیارد دلار، صنعت گاز به ۸۰ میلیارد دلار و صنعت پتروشیمی ۷۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد تا بتواند حیات خود را حفظ کند!

اورعی میانگین کمبود گاز ۲۵۰ میلیون مترمکعب گاز است و تولید گاز مدت‌هاست روی رقم ۸۰۰ میلیون مترمکعب مانده و افزایش نیافته است. او با بیان اینکه میانگین کسری گاز به زودی روی رقم ۳۵۰ میلیون مترمکعب خواهد ماند گفته رقم کسری ۵۰ درصد است. یعنی تولید گاز باید ۵۰ درصد بیش از تولید فعلی افزایش پیدا کند تا گاز مصرفی مورد نیاز داخل تأمین شود.

در آنسو نیز جمهوری اسلامی به دلیل عدم تسویه حساب با کشورهای صادرکننده انرژی، نمی‌تواند قراردادهای واردات را پیش برد. این موضوع به تازگی از سوی مسعود پزشکیان افشا شد. او در یک سخنرانی گفت «جنگ امروز جنگ اقتصادی است. جنگ پمپ و موشک نیست. دشمن در عرصه نظامی نمی‌تواند ما را زمینگیر کند، اما در حوزه جنگ اقتصادی مشکل داریم. دیروز به من گفتند ترکمنستان حاضر نیست درباره گاز با ما قرارداد ببندد؛ می‌گویند دولت پول نمی‌دهد.»

همچنین دولت هفته گذشته واردات بنزین سوپر را آزاد اعلام کرد. بر اساس مصوبه هیئت وزیران واردات و توزیع بنزین سوپر توسط اشخاص حقوقی دارای مجوز از وزارت نفت با قیمت غیربیارانه‌ای آزاد شد که کارشناسان آن را پیش‌درآمد گران شدن قیمت بنزین می‌دانند. بنزین نیز سوخت دیگری است که میزان تولید آن کمتر از میزان مصرف است. بر اساس گزارش‌ها تولید روزانه بنزین در کشور به ۱۰۴ میلیون لیتر و مصرف روزانه بنزین در نیمه نخست امسال به ۱۲۴.۵ میلیون لیتر رسیده که ناترازی روزانه، حدود ۲۰ میلیون لیتر بنزین را نشان می‌دهد.

نیم قرن اقدامات ضدتوسعه بحران انرژی برای ایران که با ۱۶۰.۱۲ میلیارد بشکه نفت و ۳۲.۵ تریلیون مترمکعب گاز، به ترتیب چهارمین و دومین دارنده نفت و گاز است، تنها یک معنا دارد؛ ناکارآمدی

سوی دولت قابل کنترل نیست بلکه کمبودها گسترش خواهد یافت. وضعیت بحران انرژی در ایران به «مپ ساعتی» تبدیل شده که هر لحظه احتمال انفجار آن وجود دارد.

آمارها چه می‌گویند؟

جدا از نمایش بازی با افکار عمومی از سوی مقامات دولت مسعود پزشکیان درباره علت چیره‌بندی برق که سخنگوی دولت آن را «خاموشی منظم» خوانده، آمار و ارقام بیانگر عمق فاجعه انرژی در ایران است.

اگر تا چند سال پیش صحبت از ناترازی انرژی به معنی اختلاف میان تولید و مصرف مطرح بود، اکنون کارشناسان معتقدند ایران با کمبود همه حامل‌های انرژی روبروست. محسن پاک‌نژاد وزیر نفت گفته دولت چهاردهم ذخایر نیروگاهی را با حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد کاهش نسبت به مدت مشابه سال گذشته تحویل گرفته است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز اعلام کرده که در سال ۱۴۰۱ میزان ناترازی گاز طبیعی در اوج مصرف به ۳۱۵ میلیون مترمکعب در روز رسید و اگرچه به واسطه افزایش دما در سال ۱۴۰۲ این عدد به حدود ۲۸۰ میلیون مترمکعب در روز کاهش یافت، اما همچنان چالش ناترازی گاز طبیعی در کل سال به ویژه ماه‌های سرد وجود دارد.

در این گزارش آمده که از سوی دیگر مصرف سوخت مایع در نیروگاه‌های حرارتی افزایش یافته و در زمان حاضر ذخایر گازوئیل و نفت کوره نیروگاه‌ها در ۶ ماهه ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش پیدا کرده و افزایش ناترازی گاز و عدم امکان تأمین سوخت مایع جایگزین، چالش‌هایی را برای تأمین برق در زمستان به وجود آورده است.

هاشم اورعی رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران نیز پیشتر اعلام کرده بود که کسری برق در تابستان امسال ۱۸ هزار مگاوات بوده است. وی پیش‌بینی کرده بود این رقم به ۲۴ هزار مگاوات خواهد رسید و همچنین کمبود گازوئیل

پیام مهم شاهزاده رضا پهلوی به مردم ایران: توان من ناشی از قدرت شماسست و آن را برای استقرار یک دولت ملی به کار می‌بندم



ویدیو

و در مواجهه با بحران‌ها، درمانده‌تر است. در این میان، بزرگ‌ترین نقطه ضعف این رژیم، نداشتن مشروعیت و مقبولیت مردمی است.

ایران ما سرشار از منابع طبیعی و ثروت انسانی است، و مردمش هرگز نباید دغدغه‌ی آب و نان، دارو و درمان، و سوخت و برق را در گرما و سرما داشته باشند؛ به ریال دستمزد بگیرند، اما با دلار ۷۰ هزارتومانی و گرانی افسارگسیخته، به سختی روزگار بگذرانند. مشکلات روزافزونی که شما با آن مواجه هستید، ناشی از بی‌کفایتی و فساد است که با تار و پود این رژیم، گره خورده است. جمهوری اسلامی، اساسا، اراده و توان اداره‌ی کشور و تامین ابتدایی‌ترین نیازهای مردم را ندارد.

آنها که به ملت ایران، وعده‌ی آب و برق مجانی می‌دادند، سرزمین ثروتمند ما را خشک کردند و به عصر تاریکی بازگرداندند؛ چشم‌انداز تمدن بزرگ ما را با وحشتی بزرگ، جایگزین کردند.

اما اکنون، در این دوره‌ی حساس، در این فرصت نو، دو راه پیش روی ماست؛ یا نظاره‌گر و منتظر باشیم تا شاید دیگران، تغییرات دلخواه خود را برای ما رقم بزنند؛ یا اینکه با عزم و اراده‌ی ملی، خود، موتور محرک تغییر باشیم؛ و خواست ملت ایران را در میهن‌مان، و در اتاق‌های فکر و دالان‌های قدرت در سراسر جهان، به کرسی بنشانیم. انتخاب من، بدون تردید، گزینه‌ی دوم است.

من بنا به خواست شما، آمادگی خود را برای هدایت این تغییر، و رهبری دوران گذار اعلام کرده‌ام. توان من ناشی از قدرت شماسست. نیرویی را که از تداوم مبارزه و اعتراضات حق طلبانه‌تان می‌گیرم، در مسیر استقرار دولتی ملی، و جلب حمایت حداکثری جهانی برای تحقق آن، به کار می‌بندم.

اینک، زمان انتخاب است. بیاییم با عزمی راسخ، به سوی آینده‌ی روشن، آزاد، مرفه و آباد حرکت کنیم.

پاینده ایران»

شاهزاده رضا پهلوی در پیام مهمی که امروز پنجشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۳ برابر با ۱۴ نوامبر ۲۰۲۴ از طریق ویدئو در رسانه‌های اجتماعی خود منتشر کرد، بار دیگر بر فرصتی که هم‌اکنون برای تغییر شرایط در اختیار ملت ایران قرار گرفته تأکید و یادآوری کرد: «ایران ما سرشار از منابع طبیعی و ثروت انسانی است، و مردمش هرگز نباید دغدغه‌ی آب و نان، دارو و درمان، و سوخت و برق را در گرما و سرما داشته باشند؛ به ریال دستمزد بگیرند، اما با دلار ۷۰ هزارتومانی و گرانی افسارگسیخته، به سختی روزگار بگذرانند. مشکلات روزافزونی که شما با آن مواجه هستید، ناشی از بی‌کفایتی و فساد است که با تار و پود این رژیم، گره خورده است. جمهوری اسلامی، اساسا، اراده و توان اداره‌ی کشور و تامین ابتدایی‌ترین نیازهای مردم را ندارد.»

ولیعهد ایران در بخش دیگری از این پیام اعلام کرد: «در این دوره‌ی حساس، در این فرصت نو، دو راه پیش روی ماست؛ یا نظاره‌گر و منتظر باشیم تا شاید دیگران، تغییرات دلخواه خود را برای ما رقم بزنند؛ یا اینکه با عزم و اراده‌ی ملی، خود، موتور محرک تغییر باشیم؛ و خواست ملت ایران را در میهن‌مان، و در اتاق‌های فکر و دالان‌های قدرت در سراسر جهان، به کرسی بنشانیم. انتخاب من، بدون تردید، گزینه‌ی دوم است.»

وی همچنین به مسئولیت بزرگ خود اشاره کرد و گفت: «من بنا به خواست شما، آمادگی خود را برای هدایت این تغییر، و رهبری دوران گذار اعلام کرده‌ام. توان من ناشی از قدرت شماسست. نیرویی را که از تداوم مبارزه و اعتراضات حق طلبانه‌تان می‌گیرم، در مسیر استقرار دولتی ملی، و جلب حمایت حداکثری جهانی برای تحقق آن، به کار می‌بندم.» متن کامل این پیام به شرح زیر است:

«ملت بزرگ ایران، تحولات جهانی و منطقه‌ای، فرصت تازه‌ای را برای بازپس‌گیری و نجات ایران عزیزمان پیش روی ما قرار داده است. امروز، جمهوری اسلامی از هر زمان دیگری ضعیف‌تر،

و تأکید کرد «هیچکس جنگ نمی‌خواهد، ایرانی‌ها جنگ نمی‌خواهند، حتی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر [اسرائیل] نیز در آخرین پیام خود به مردم ایران تأکید کرد که ما خواهان جنگ نیستیم.»

او در ادامه عنوان کرد، «اگرچه درگیری‌های خاورمیانه برای آمریکا خسته‌کننده شده، اما خروج کامل ایالات متحده از منطقه می‌تواند برای کشورهایی مانند چین یا روسیه خلاء ایجاد کند تا نفوذ خود را گسترش دهند... با خروج آمریکا، منطقه دچار خلاء می‌شود و چین یا روسیه و کسانی که از بقای رژیم سود می‌برند، جای آمریکا را پر می‌کنند.»

وی همچنین در این مصاحبه بار دیگر تأکید کرد که حکومت آینده ایران «صلح و همکاری با همسایگان خود را تقویت می‌کند و به دنبال نابودی هیچ کشور یا شهروندان آن نیست.» او افزود: «ما می‌خواهیم [پس از سرنگونی رژیم ایران] زندگی و صلح را با همسایگان خود در منطقه جشن بگیریم.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «نیوزمکس»: مردم ایران در نهایت رژیم را سرنگون خواهند کرد نه مداخله خارجی



● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با راب اشملت در شبکه تلویزیونی «نیوزمکس» که چهارشنبه ۱۳ نوامبر (۲۳ آبان‌ماه) انجام شد گفت: «مبارزه مردم ایران در داخل و نه مداخله خارجی، در نهایت رژیم ایران را سرنگون خواهد کرد.»

● او با اشاره به افزایش احتمال وقوع یک جنگ در منطقه عنوان کرد: «به نظر راه حل، جنگ مستقیم با رژیم ایران نیست، بلکه باید مطمئن شویم مردم ایران در مقابل حکومت، زمین بازی برابر دارند تا از درون به حکومت فشار وارد کرده و فروپاشی را به رژیم تحمیل کنند. این باید اساس رویکرد به یافتن راه حل در مورد ایران باشد که در نهایت راهکارهای مربوطه را برای آمریکا آسان‌تر می‌کند.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با راب اشملت در شبکه تلویزیونی «نیوزمکس» که چهارشنبه ۱۳ نوامبر (۲۳ آبان‌ماه) انجام شد گفت: «مبارزه مردم ایران در داخل و نه مداخله خارجی، در نهایت رژیم ایران را سرنگون خواهد کرد.»

موقعیت جمهوری اسلامی در خاورمیانه، درگیری‌ها با اسرائیل و مبارزات مردم ایران علیه رژیم محوره‌ای اصلی این مصاحبه بود.

ولیعهد ایران با تأکید بر «لزوم حمایت از مردم ایران به عنوان عامل اصلی دستیابی به صلح در منطقه» گفت که «راه حل مشکل ایران باید از درون باشد، نه از طریق درگیری مستقیم.» او با اشاره به افزایش احتمال وقوع یک جنگ در منطقه عنوان کرد: «به نظر راه حل، جنگ مستقیم با رژیم ایران نیست، بلکه باید مطمئن شویم مردم ایران در مقابل حکومت، زمین بازی برابر دارند تا از درون به حکومت فشار وارد کرده و فروپاشی را به رژیم تحمیل کنند. این باید اساس رویکرد برای یافتن راه حل در مورد ایران باشد که در نهایت راهکارهای مربوطه را برای آمریکا آسان‌تر می‌کند.»

به اعتقاد شاهزاده رضا پهلوی «با استقرار ناوگان نظامی در منطقه صلح و ثبات برقرار نمی‌شود، بلکه باید به ملت ایران کمک کرد تا از شر رژیم رها شوند.»



دو مخالف سرسخت رژیم جمهوری اسلامی مسئول سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا می‌شوند

وفاداران پر و پا قرص دونالد ترامپ است. او همچنین از منتقدان بسیار جدی دولت بایدن است و وی را به تضعیف اسرائیل در جریان جنگ غزه و لبنان متهم کرده است. والتز در مقاله‌ای در نشریه اکونومیست نوشته است: «رئیس جمهوری جدید آمریکا باید بگذارد اسرائیل کار را تمام کند و فوراً تکلیف حماس را نیز روشن سازد.»

والتز در همین مطلب تصریح کرده که دولت ترامپ باید یک گزینه نظامی معتبر نیز روی میز بگذارد تا به رهبران رژیم تهران بفهماند که آمریکا مانع از دستیابی آنان به سلاح اتمی خواهد شد.

مایکل والتز همچنین خواسته است که دولت ترامپ برای متوقف و محدود کردن حمایت حکومت جمهوری اسلامی از نیروهای نیابتی‌اش، کارزار فشار سیاسی و اقتصادی خود را علیه رژیم ملایان از سر گیرد و حضور نظامی خود را در منطقه دست کم تا پایان جنگ غزه و لبنان ادامه دهد.

کند. انتخاب مایکل والتز اعلام شده اما درباره مارکو روبیو هنوز بطور رسمی اعلام نشده است. مارکو روبیو در جریان جنگ غزه مدافع اسرائیل است و سازمان حماس را مسبب کشته شدن غیرنظامیان فلسطینی در نوار غزه معرفی می‌کند. سناتور جمهوریخواه از ایالت فلوریدا به دلیل مواضع سرسختانه‌اش، مخالف کشورهای چین، جمهوری اسلامی ایران و رژیم‌های ونزوئلا و کوبا شناخته می‌شود. مواضع او در خصوص جنگ اوکراین با ترامپ مشترک است و می‌گوید که این جنگ در بن‌بست قرار گرفته و باید برای خاتمه دادن به آن به توافق رسید.

رویتز به نقل از دو منبع آگاه خبر داد که دونالد ترامپ یک نماینده دیگر کنگره آمریکا، مایکل والتز را به عنوان مشاور خود در امور امنیت ملی برگزیده است. مایکل والتز یک کلاه سبز بازنشسته ارتش آمریکا و از

● مارکو روبیو سناتور جمهوریخواه از ایالت فلوریدا به دلیل مواضع سرسختانه‌اش، مخالف کشورهای چین، جمهوری اسلامی ایران و رژیم‌های ونزوئلا و کوبا شناخته می‌شود.

● دونالد ترامپ یک نماینده دیگر کنگره آمریکا، مایکل والتز را به عنوان مشاور خود در امور امنیت ملی برگزیده است. والتز یک کلاه سبز بازنشسته ارتش آمریکا است و در مقاله‌ای در نشریه اکونومیست نوشته است: «رئیس جمهوری جدید آمریکا باید بگذارد اسرائیل کار را تمام کند و فوراً تکلیف حماس را نیز روشن سازد.»

نشریه آمریکایی «نیویورک تایمز» و خبرنگاری «رویتز» به نقل از منابع آگاه نوشته‌اند که دونالد ترامپ رئیس جمهوری منتخب ایالات متحده قصد دارد مارکو روبیو و مایکل والتز دو مخالف سرسخت حکومت ایران را به عنوان وزیر امور خارجه جدید آمریکا و مشاور امنیت ملی کاخ سفید انتخاب

جمهوری اسلامی، تأسیسات هسته‌ای ایران از همیشه آسیب‌پذیرتر شده و فرصت برای ضربه زدن به این تأسیسات فراهم آمده است.»

نخست وزیر اسرائیل نیز در پیام خود به مردم ایران با بیان اینکه آیا علی‌خامنه‌ای درباره هزینه این حمله موشکی به ایرانیان توضیحی داده است، ادامه داد: «این سرمایه‌گرانه‌های شما بود که جمهوری اسلامی در حمله به اسرائیل هدر داد و خسارت آن حمله در اسرائیل ناچیز بود. این پول می‌توانست میلیاردها دلار به بودجه حمل و نقل یا آموزش و پرورش ایران اضافه کند. خامنه‌ای پولی که قرار بود مال ملت باشد را غارت کرده است.» بنیامین نتانیاهو خطاب به مردم ایران اضافه کرد: «تصور کنید اگر اینهمه هزینه جنگ‌های بیهوده ایران نبود، مردم این کشور چه زندگی متفاوتی می‌داشتند؛ آموزش و پرورش در سطح جهانی، جاده‌های زیبا، بیمارستان‌های پیشرفته و آب پاک.»

وی همچنین با بیان اینکه اسرائیل پیشرفته‌ترین تکنولوژی نمک‌زدایی آب را دارد و خوشحال می‌شود بتواند برای بازسازی زیرساخت‌های فرسوده ایران کمک کند، تأکید کرد که رژیم خامنه‌ای این فرصت را از مردم گرفته است. بنیامین نتانیاهو با بیان اینکه جمهوری اسلامی بجای آبادی ایران در پی نابودی اسرائیل است، افزود: «یک حمله دیگر به اسرائیل، اقتصاد ایران را فلج خواهد کرد که برای مردم ایران بسیار زیان‌آور خواهد بود.»

نخست وزیر اسرائیل در پیام خود بار دیگر خطاب به ایرانیان تأکید کرد: «می‌دانم که شما مردم جنگ نمی‌خواهید؛ من هم نمی‌خواهم. مردم اسرائیل نیز نمی‌خواهند. فقط یک جناح می‌خواهد: دیکتاتورهای تهران. اما خبر خوب این است که آنها هر روز ضعیف‌تر و اسرائیل هر روز قوی‌تر می‌شود.»



وی افزود: «مطمئنم روزی ایران به آزادی دست خواهد یافت و مردم اسرائیل و ایران آینده‌ای سرشار از رفاه و صلح خواهند ساخت. آینده‌ای که هم اسرائیل و هم ایران سزاوار آن هستند.» به گفته‌ی او مردم ایران باید بدانند که اسرائیل و دیگر کشورهای آزاد جهان همراه و در کنارشان هستند. بنیامین نتانیاهو همچنین در بخشی از پیام خود با اشاره به دومین حمله موشکی جمهوری اسلامی در اول اکتبر ۲۰۲۴ به خاک اسرائیل گفت که این حمله ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برای ایران هزینه داشته است. پس از حمله موشکی روز اول اکتبر، اسرائیل نیز در پاسخ به برخی تأسیسات موشکی و پدافند هوایی جمهوری اسلامی حمله کرد.

یسرائیل کاتز وزیر دفاع جدید اسرائیل دوشنبه ۱۱ نوامبر گفت: «در پی حمله اخیر این کشور به اهداف نظامی

نتانیاهو: «رژیم خامنه‌ای از شما بیشتر از اسرائیل می‌ترسد»

● «مردم ایران باید بدانند اسرائیل و دیگر کشورهای آزاد جهان در کنارشان هستند.»

نخست وزیر اسرائیل دومین پیام خود را به مردم ایران روز سه‌شنبه ۱۲ نوامبر ۲۰۲۴ در حساب کاربری خود منتشر کرد و گفت: «پیام ویژه من برای مردم ایران یک چیز است. اینکه حکومت خامنه‌ای بیشتر از اسرائیل، از شما مردم ایران می‌ترسد.»

بنیامین نتانیاهو در پیامی به زبان انگلیسی با زیرنویس فارسی خطاب به مردم ایران تأکید کرد: «به همین دلیل است که رژیم جمهوری اسلامی اینهمه هزینه و زمان صرف می‌کند تا امیدهای شما را از بین برده و آرزوهایتان را مهار کند.»

وی همچنین با یادآوری شعار «زن، زندگی، آزادی» به زبان فارسی از مردم ایران خواست اجازه ندهند رویاهای‌شان بمیرد.

متن کامل گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با «پراگریو»: (بخش ۲)

برای قدرتمندتر شدن مردم ایران ابتدا باید دندان‌های نیش رژیم را کشید



شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با ماریسا استریت

که مردم امروز ایران را در تضاد کامل با این رژیم قرار می‌دهد. بچه‌هایی که در سال‌های اخیر در خیابان‌های ایران در جنبش‌های مختلف دست به اعتراض زده و می‌زنند، همانهایی هستند که دیگر فریب نمی‌خورند. آنها بررسی‌های لازم را انجام می‌دهند. آنها تحقیق می‌کنند. بنابراین هیچ ساده‌لوحی نظیر آنچه در سال ۵۷ و در زمان انقلاب شاهدش بودیم وجود ندارد.

● به نظر شما آیا هیچکدام از ایرانی‌ها نسبت به غرب کینه‌ای در دل دارند؟ آیا آنها سازمان CIA یا انگلیس را مقصر می‌دانند؟ آیا از ایندست رنجش‌ها وجود دارد؟

- ببینید، بگذارید یک مثال ضمنی از انتظاری که در ایران وجود دارد به شما بگویم که در مورد انتظار آنها در مورد کمک از سوی جهان آزاد است. در جریان «جنبش سبز» شعارهای زیادی وجود داشت. این جنبش در دوران دولت اوباما بود. شما می‌توانستید تراکت‌هایی را به زبان انگلیسی، در دست مردم ببینید که رو به دوربین‌ها نشان می‌دادند. واضح است که هدف آنها از چنین کاری نشان دادن مهارت‌های زبانی‌شان به انگلیسی نبود بلکه آنها سعی داشتند به شما پیامی بفرستند. در واقع آنها شعار می‌دادند، «اوباما، اوباما، یا اونا یا ما» این یعنی یا با رژیم باید باشی یا با ما، سمت و سوی خود را انتخاب کنی.

در طول تمام آن سال‌هایی که رسانه‌های اجتماعی به این شکل وجود نداشتند و دسترسی به یکدیگر تا این حد نبود، پیام‌هایی که از ایران می‌آمد توسط رسانه‌های خارجی پوشش داده نشد. بنابراین همیشه و در مواجهه و برخورد با رژیم، ذهنیت خارجی‌ها این بود که بهتر است با گروهی از معتدل‌ترها مراد داشته باشیم و نه با تندروها.

باور بر این بود که شاید بتوانیم با آنها به نقاط مشترکی برسیم، یا شاید بتوانیم استراتژی تغییر رفتار را با آنها پیش ببریم که سیاستی برای رسیدن به توافق و مواردی

اگر بنا نیست چنین کاری کنید چرا باید در راستای آموزش ملتی بکوشید و گام بردارید که می‌دانید فردا مطالبات و خواسته‌های بیشتری خواهد داشت؟ اما همچنین نباید فراموش کرد که در مورد زمان جنگ سرد صحبت می‌کنیم یعنی زمانی که برخی از این گروه‌ها وابسته به قدرت‌های خارجی بودند که درگیر جنگ سرد بودند. حزب توده اساساً ابزاری برای مداخله در ایران از طرف مسکو بود. شاید در نسل امروز، آنها کاملاً با آن دوران ارتباط نداشته باشند، اما در آن زمان اوضاع اینگونه بود. به هر حال، موضوع این است که به محض اینکه رژیم به قدرت رسید، بلافاصله شروع به درگیری با روشنفکران کرد. آنها دانشگاه‌ها را بستند، اساتید را به زندان انداختند. چیزی که می‌گویم این است که بسیاری ناگهان متوجه شدند که نمی‌توانند در کشور بمانند. بسیاری بلافاصله تحت تعقیب قرار گرفتند از جمله یهودیان و بهاییان به دلیل اینکه اقلیت مذهبی بودند. آنها از اولین مهاجران ایرانی بودند که مجبور شدند از ایران خارج شده و بگریزند و آنقدر خوش شانس بودند که می‌توانستند به دلیل عقاید سیاسی خود یا به دلیل اعتقادات مذهبی‌شان یا وابستگی‌هایشان به کشورهای دیگر بگریزند. اینگونه بود که از آغاز این رژیم، موج بزرگی از فرار مغزها آغاز شد و همچنان ادامه دارد. این فرار مغزها، باعث به وجود آمدن جامعه بزرگی از ایرانیان خارج کشور شد. مهاجرانی از نظر مالی توانمند و همچنین بسیار خلاق و توانا. بسیاری از آنها شرکت‌ها، صنایع و مراکز پزشکی را اداره می‌کنند.

و همین موضوع اتفاقاً، فرقی نمی‌کند که شما آمریکایی هستید یا اهل جای دیگری، همین موضوع باید این پرسش را در ذهن شما ایجاد کند که: ایرانی‌ها چه کسانی هستند؟ آنها چه می‌گویند؟ آنها چگونه فکر می‌کنند؟ آنها بر خلاف فرافکنی‌های رژیم، چه توانایی‌هایی دارند؟ اینجاست که می‌توانید اختلاف‌ها را به وضوح را ببینید. این چیز است

● ماریسا استریت: پس به نظر شما مردمی که به انقلاب رای دادند فریب خوردند؟ آیا آنها از اساس فریب خوردند؟ آیا ماجرا این بود که مارکسیست‌ها و اسلامگرایان جمع شده و این نسخه جدید از اسلام سیاسی را ایجاد کردند که رسانه‌ها را کنترل می‌کرد و به مردم دروغ می‌گفت؟ مردم واقعاً متوجه نشدند که وارد چه معرکه‌ای می‌شوند؟ زیرا ترکیب مارکسیسم با دین اسلام تقریباً شبیه یک فاجعه‌ی ناممکن است؛ مارکسیسم به معنای واقعی هیچ سنخیتی با دین ندارد. از این رو پیوند و ترکیب عجیب این دو هیچ هدفی جز انحصار قدرت سیاسی و فساد نمی‌توانست داشته باشد. واقعا ایرانیان فریب خوردند؟ آیا این یک تصادف وحشتناک در یک برهه و موقعیت ناگوار بود یا اینکه یک نقشه‌ی برنامه‌ریزی شده که می‌بایست اتفاق بیفتد؟

- خوب، در این چهار دهه، از زمانی که در صحنه سیاسی و سیاست اپوزیسیون ایران فعالیت کرده و بسیاری چیزها را دیده‌ام، با بسیاری از ایرانیان، از جمله بسیاری از آنها که سرسخت‌ترین مخالفان رژیم پدرم بودند نیز بحث و گفتگو داشتم از جمله افرادی از اعضای همان گروه‌هایی که شما توضیح دادید. آنها اغلب گفته‌اند که ما تازه متوجه شدیم که آن زمان چه چیزهایی را نمی‌دانستیم. اکثر آنها اعتراف می‌کنند که اشتباه کرده‌ایم. اما حقیقت این است که جنون و سرمستی آن دوران آنقدر زیاد بود که نمی‌شد با آنها بحث منطقی داشت.

ما اساتیدی در دانشگاه داشتیم که قسم می‌خوردند که با چشمان خود چهره خمینی را در ماه دیده‌اند. شما در مورد یک فرد بی‌سواد صحبت نمی‌کنید که تحت پروپاگاندا یا شستشوی مغزی قرار داشت. این استاد‌های دانشگاه بودند که این را می‌گفتند. بنابراین وقتی روشنفکران یا متفکران یک جامعه در چنین دامی افتادند دیگر نمی‌توان انتظار داشت که بقیه مردم بفهمند. آنها حتی نمی‌دانستند که خمینی واقعاً قصد و اراده‌اش چیست و چه باوری دارد. هیچکس واقعاً رساله‌های او را نخوانده بود؛ رساله‌ای که اگر امروز بخوانید، می‌فهمید او همان چیزی را می‌خواست که امروز هست. منظوم این است که کل این روند به شدت مبهم و ناشفاف بود.

خیلی‌ها می‌گفتند تنها جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیش نه یک کلمه کم! و مردم به فراندوم فراخوانده شدند بدون اینکه بدانند به چه چیزی رای می‌دهد. البته در شکل ظاهری رأی دادن بود اما در حقیقت این رأی با حضور کسانی انجام شد که با کلاشنیکف پای صندوق‌های رأی ایستاده بودند و شما باید رنگ سبز یا قرمز را در پیش چشمان آنها به صندوق می‌انداختید.

بنابراین آنچه می‌خواهم بگویم این است که روند جنون‌آمیزی که در آن زمان در حال شکل‌گیری بود، بیشتر از همه توسط این دو گروه تحریک و تهییج شده بود که در نهایت به آنچه دیدیم منجر شد. برخی که به گذشته نگاه می‌کنند می‌گویند، خوب، شاید رژیم آن زمان همانطور بوده که ایندسته می‌گویند و این باعث شد حرفشان شنیده شود. من نمی‌گویم که خواسته‌های مشروعی برای آزاد ساختن فضای سیاسی وجود نداشت و بسیاری از لیبرال‌های صادق و واقعی در آن زمان اشتباه نمی‌کردند و خواسته‌های برحق هم داشتند. هرچند پدرم واقعاً می‌خواست این کار را بکند.

چه مشکلاتی در صورت عدم مشارکت ما پیش خواهد آمد؟ چه اتفاقی می‌افتد اگر، مثلاً ما اینجا مرزبان را امن‌تر کنیم، کشورمان را امن کنیم، روی آمریکا تمرکز کنیم و اجازه دهیم مسائل خاورمیانه در خود خاورمیانه حل شود؟ آنگاه چه خواهد شد؟

-پیش از هر چیزی، من می‌گویم که آمریکا ممکن است بگوید خوب، ما می‌خواهیم آنها را به حال خودشان رها کنیم. اما آنها شما را به حال خودتان رها نخواهند کرد! این اولین نکته است. آنها باز هم [با وجود سیاست انزوای شما] به سراغ شما خواهند آمد...

● ...چطور؟

-با دانستن این موضوع که بزرگترین موفقیتی که آنها می‌توانند داشته باشند این است که تقریباً آنچه را که همیشه از آغاز کار می‌گفتند یعنی شیطان بزرگ یا همان آمریکا را شکست داده‌اند! به همین دلیل است که آنها همیشه دارای چنین تضاد خصمانه‌ای به عنوان یک سیستم ایدئولوژیک علیه دنیای غرب بوده‌اند که عمدتاً توسط آمریکا نمایندگی می‌شود.

اما من درک می‌کنم، من هم اینجا یک مالیات‌دهنده هستم. من هم نمی‌خواهم پولم در نهایت صرف منابع هدررفته شود. اما نباید تصور کنید که موضوع در مورد ایران، باید جنگ باشد. بگذارید دلیل‌اش را برایتان توضیح دهم. چرا که عامل تغییر در ایران به این موضوع بستگی دارد که بدانیم عامل واقعی تغییر در ایران چیست و چه عنصری می‌تواند نظام را به زیر بکشد. این عامل تغییر، چیزی نیست جز خود مردم ایران نیست. مردم ایران طبیعی‌ترین ارتش موجود روی زمین هستند که علیه رژیم‌اند. همه می‌دانند که آنها همین اکنون و بدون هیچ حمایتی در حال مبارزه هستند. شما نیازی به درگیر کردن آمریکا در هیچ نوع جنگ دیگری نخواهید داشت. درواقع من اصلاً با هر نوع مداخله خارجی مخالف هستم. اما معتقدم که اگر فشار لازم را بر رژیم وارد کنید و زمین بازی را برای ایرانیان برابر کنید، نیاز به کاری بیشتر از این ندارید، زیرا بقیه کار توسط خود مردم انجام خواهد شد.

اما ما نیاز به یک تغییر عمده در سیاست داریم که هنوز در جهان غرب وجود ندارد. زیرا آنها هنوز هم در فکر رسیدن به یک توافق و سازش و انتظار تغییر رفتار رژیم هستند که از همان ابتدا یک انتظار معیوب بود. این بسیار ساده و اثبات‌شده است و ساده‌لوحانه است که فکر کنیم DNA این رژیم چیزبست که بتواند با دنیایی که ما می‌شناسیم، سازگار شود و با آن همزیستی داشته باشد. برای آنها همه چیز یا سفید یا سیاه است و هیچ منطقه خاکستری وجود ندارد.

بنابراین، بیایید ببینیم آمریکا برای ایجاد سیاستی متفاوت چه کاری می‌تواند انجام دهد. نه اینکه تنها آمریکا باشد، بلکه بطور ویژه آمریکا به این دلیل که، می‌دانید، وقتی آمریکا رهبری می‌کند، احتمالاً دیگران نیز از آن پیروی خواهند کرد.

از این رو من همیشه یک رویکرد دیگر، یک رویکرد موازی را پیشنهاد کرده‌ام. یکی کمپین فشار حداکثری بر رژیم است که می‌توان آن را در قالب تحریم انجام داد. به عنوان مثال، قرار دادن سپاه پاسداران در لیست ممنوعیت و تروریسم که آمریکا قبلاً این کار را کرده اما متحدان شما در اروپا هنوز این کار را نکرده‌اند. انجام این کار به این معنی است که شما راه‌های بیشتری را برای محدود کردن توانایی‌های رژیم برای دسترسی به منابع می‌بندید. منابعی که آنها از آن برای آتش‌افروزی در منطقه توسط نیروهای نیابتی و سرکوب مردم در داخل، استفاده می‌کنند. (دنباله دارد)

جنبه‌های کنترل قدرت و بازرگانی و تجارت در ایران درگیر شد. به همین دلیل است که این نهاد تا این اندازه قدرتمند است، زیرا در همزیستی با رژیم است.

● این گروه چقدر بزرگ است؟ چند نفر برای این سازمان کار می‌کنند؟

-اگرچه ممکن است تعداد نیروهای سپاه بیشتر از ارتش نباشد، اما بخش‌های دیگری هم وجود دارد که بسیاری از آنها توسط سپاه کنترل می‌شوند. نکته اینجا است که آنها شاخه‌های زیادی دارند. اگر به هر زمانی که رژیم در سوریه و یا حتی لبنان یا جاهای دیگر مداخله کرده است، نگاه کنید، به نوعی یک شاخه از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آنها دخیل است. بنابراین ممکن است شما از حماس یا حزب‌الله حمایت مالی کنید، اما عنصری از سپاه وجود دارد که همه این ویژگی‌ها را شامل می‌شود. و این دقیقاً مرا به این نکته می‌رساند که اگر تغییری در سیاست‌ها از نظر نحوه برخورد با این رژیم صورت نگیرد، چگونه می‌توان این رژیم را تضعیف کرد؟ خواه نیابتی‌هایش باشند و یا خود رژیم! این باید یکی از موضوعات روی میز باشد. به نظر من باید بخشی از این سیاست این باشد که سپاه تحریم شود و در لیست سازمان‌های تروریستی قرار گیرد. اکنون برخی از دولت‌ها به دنبال آن و یافتن راه‌های قانونی برای انجام آن هستند.

اما اگر به مردم ایران نشان ندهید که شما نسبت به کارهای پلید این رژیم واقف هستید، چه سرکوب مردم در داخل و چه جنگ‌های نیابتی در خارج، آنگاه نمی‌توانید انتظار داشته باشید که نه ایرانیان در داخل و نه همسایگان نزدیک ما مانند اسرائیلی‌ها یا سعودی‌ها فکر کنند که ابزارهای واقعی برای پاسخ به رژیم وجود دارد.

در این میان در مواجهه با این وضعیت چه کنیم؟ می‌دانیم که این فقط به ایران محدود نمی‌شود و در نهایت بر آمریکا نیز تأثیر می‌گذارد. چرا؟ چون این را می‌دانم و بارها از آمریکایی‌ها شنیده‌ام که می‌گویند، خوب، می‌دانی، این مرتبط به آنهاست و چرا پای ما باید به این موضوع باز شود؟ ما در افغانستان تجربه بدی داشتیم. ما تجربه بدی در عراق داشتیم. ما به عنوان مالیات‌دهندگان، بار دیگر باید همه مخارج آن را تأمین کنیم و مسائلی از ایندست.

اما هیچیک از اینها وقتی در مورد ایران، صحبت می‌کنیم نیاز نیست اتفاق بیفتد. شما نمی‌توانید امیدوار باشید که بدون قدرتمند کردن مردم ایران و در آوردن دندان‌های نیش این رژیم، یک زمین بازی برابر برای مردم ایران در مقابله با این رژیم ایجاد کنید. این دندان‌های نیش باید به معنای واقعی کلمه کشیده شوند. بنابراین، شما نمی‌توانید شانس برای ایجاد تغییر واقعی در کشورهایی که می‌خواهند تغییر کنند، داشته باشید. آنها با ادامه‌ی روند پاداش دادن به این رژیم و با دادن امکانات بیشتر به آنها به مسلمانه‌ی این امکانات داشته باشند. این چیزبست که بسیاری از ایرانیان می‌گویند: شما رژیم را مجازات نمی‌کنید بلکه در واقع با دادن امکانات بیشتر، آنها را برای انجام اهداف شوم‌شان، جسورتر می‌کنید.

● شما این نکته را مطرح می‌کنید که بسیاری از ما آمریکایی‌ها از جنگ خسته شده‌ایم. در حال حاضر از نظر مالی نیز در مضیقه هستیم. مرزهای ما آشفته و نفوذپذیر است. ما در اینجا در آمریکا مشکلات زیادی داریم، و این ایده که نباید مجبور شویم تا در جنگ‌های دیگر نقاط جهان درگیر شویم؛ ایده‌ای که پرطرفدار است. بنابراین ما مطمئن نیستیم که آیا تغییر در ایران واقعاً باید اولویت ما باشد یا نه زیرا اولویت ما باید مراقبت از خودمان باشد. کنجکاو هستم تا پاسخ شما را در این خصوص بدانم که

→ از ایندست با آنها بود. همه اینها در حالی بود که ایرانیان در خانه سرکوب می‌شدند، و من فکر می‌کنم بزرگترین نكوهش و دلخوری که ایرانی‌ها نسبت به کشورهای مانند آمریکا یا متحدانش در جهان غرب دارند این است که آیا هنوز تفاوت مردم ایران با ارزش‌ها و آرزوهایشان را با این رژیم ندیده‌اید؟! همان ارزش‌ها و آرزوهای که شما آمریکایی‌ها یا فرانسوی‌ها دارید. منظور همان ارزش‌های دنیای آزاد در مورد آزادی، عدالت و حقوق بشری است که شما در کشورهای خود از آن برخوردارید. آیا توجه نمی‌کنید؟ شما بجای اینکه به ما کمک کنید تا از شر رژیمی که همه حقوق را از ما می‌گیرد خلاص شویم، اصرار دارید که با آنها سر و کله زده و به توافق برسید و هر بار که با این بحران مواجه شدیم شما ما را کاملاً رها کردید. من فکر می‌کنم این همان چیزی است که بسیاری از هم‌میهنان مرا در ایران ناامید می‌کند. آنها با خود می‌گویند: دیگر چگونه قرار است از خود، آنها بدون سلاح و بدون تجهیزات، در برابر یک رژیم به شدت سرکوبگر دفاع کنیم؟ چرا وقتی می‌دانید این رژیم در داخل، ما را سرکوب می‌کند و جنگ نیابتی خود را در خارج کشور انجام می‌دهد، نه تنها به آنها فشار بیشتری نمی‌آورد، بلکه با آزاد کردن پول بیشتر به آنها پاداش می‌دهید؟! همه می‌دانند که این پول برای مردم در ایران و وضعیت اقتصادی آنها هزینه نمی‌شود بلکه برای کل این جنگ‌های نیابتی هزینه می‌شود. این دقیقاً چیزبست که دلخوری‌ها را به آسیب‌ها اضافه می‌کند. این واقعاً همان چیزی است که فکر می‌کنم اکثر ایرانی‌های امروزی به آن نگاه می‌کنند، چرا که دنیای آزاد ما را کاملاً نادیده گرفته و فراموش کرده است.

● خیلی جالب است؛ چرا ایران درگیر جنگ‌های نیابتی است؟ چرا آنها این کار را با دنیا می‌کنند؟

-بسیار خوب، اولین چیزی که باید به آن توجه کنیم این است که شما در مورد یک دولت متعارف صحبت نمی‌کنید که می‌خواهد از شهروندان خود مراقبت کند. هدف خمینی از ابتدا این نبود. خمینی صرفاً به ایران به عنوان سکوی پرتابی برای صدور ایدئولوژی برای ایجاد خلافت شیعی مدرن آنها برای تسلط بر منطقه و فراتر از آن نگاه می‌کرد. شما برای انجام این کار، باید بتوانید از هر ابزاری که در اختیار دارید استفاده کنید تا بتوانید آن را به منطقه و فراتر از آن تحمیل کنید. جنگ‌های نیابتی بخشی از این استراتژی است و از همان ابتدا، درواقع، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و در جهت بخشی از کمک به صدور این ایدئولوژی در سراسر جهان، مجهز به سلاح شد. این در اساسنامه و ماموریت آنها آمده است. کاملاً قابل توجه اینکه کلمه‌ای از ایران در نام این سازمان ذکر نشده و همین نشان می‌دهد که این موجود، ایرانی نیست. نام آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که برای حمایت از رژیم تشکیل شده. اما چرا ایجاد شد؟ و من این را از افرادی که در ایجاد مشارکت داشتند می‌دانم. زیرا آنها می‌دانستند که نمی‌توانند به ارتش اعتماد کنند و بنابراین باید بین ارتش حائل ایجاد می‌کردند و این از همان ابتدا زود شروع شد، از جمله زمانی که جنگ ایران و عراق آغاز شد. دلیل تشکیل سپاه پاسداران این بود که تضمینی برای محافظت از رژیم در برابر کودتای نظامی احتمالی توسط ارتش باشد.

بنابراین یک نیروی نظامی دوم که مستقیم از رژیم اسلامی دستور می‌گیرد و از آن محافظت می‌کند ایجاد شد. اساساً برای محافظت از رژیم با توجه به عدم اعتمادی که به ارتش داشتند، چنین حائلی را ایجاد کردند. اتفاقی که البته بعد از آن افتاد این بود که این سازمان بیش از پیش تبدیل به یک سازمان مافیایی شد و در تمام

تصمیم عجیب شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک تهران؛ صدور حکم «اعدام» علیه شش جوان «پرونده اکباتان»!



«اعدام» علت بازداشت این چهار متهم بوده است! «پرونده اکباتان» یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های طراحی شده توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) علیه شهروندان معترض در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ است. در جریان اعتراضات چهارم آبان ۱۴۰۱ آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان علی‌وردی را با عنوان «قتل» پیگیری کرد. این پرونده در مجموع ۱۴ متهم داشت که چهار تن از آنها میلاد آرمون، حسین نعمتی، علیرضا کفایی و مهدی حسینی چهار جوان ساکن شهرک اکباتان تهران به «مبارزه» متهم شدند. دیگر متهمان این پرونده نیز به اتهاماتی چون «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» متهم شده‌اند.

یکی از نکات مهم درباره «پرونده اکباتان» تلاش نهادهای امنیتی و قضایی برای مخفی نگه داشتن ابعاد آن است بطوری که حتی نام همه متهمان این پرونده نیز مشخص نیست.

همچنین بر اساس گزارش‌ها علیرضا برمرز پورناک از متهمان پرونده اصلا در تصاویر مربوط به ضرب و جرح بسیجی کشته‌شده حضور نداشته اما از سوی نهادهای امنیتی و قضایی به عنوان متهم به قتل شناخته شده است! بر اساس گزارش مرکز مشاوره حقوقی «دادبان»، علیرضا برمرز پورناک متولد دی ۱۳۷۶ است و از جمله اولین بازداشت‌شدگان پرونده کشته‌شدن آرمان علی‌وردی بسیجی سرکوبگر و آتش به اختیار در شهرک اکباتان تهران بوده است.

به گزارش «دادبان» علیرضا در ابتدا توسط اطلاعات سپاه انقلاب اسلامی استان تهران بازداشت و پس از نزدیک

نعمتی و علیرضا برمرزپورناک را «به قصاص نفس» محکوم کرده است.

بابک پاک‌نیا افزوده این احکام اعدام «با رأی مستشاران شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک حکم به قصاص نفس صادر شد». وی افزوده «رئیس شعبه با این حکم مخالف بود و رأی اقلیت صادر نمود».

این وکیل دادگستری از قابل فرجام‌خواهی بودن این حکم خبر داده است. بر این اساس متهمان و وکلای آنها می‌توانند درخواست تجدید نظر در دیوان عالی کشور بدهند.

آخرین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات میلاد آرمون، سید محمد مهدی حسینی، مهدی ایمانی و نوید نجاران روز شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۳ برگزار شد. این چهار شهروند که همچنان با اتهام «مبارزه» روبرو بودند آخرین دفاعیات خود را در ارتباط با رد اتهام «مشارکت در قتل و ضرب و جرح عمدی» ارائه کردند.

حسین نعمتی، علیرضا برمرزپورناک، علیرضا کفایی و امیرمحمد خوش‌اقبال، چهار متهم دیگر این پرونده که بهمن ۱۴۰۲، با تودیع وثیقه از زندان قزلحصار آزاد شده بودند نیز روز یکشنبه ۱۳ آبان برای آخرین بار در دادگاه حاضر شدند.

پس از برگزاری دادگاه در اقدامی غیرمنتظره این چهار متهم نیز بازداشت و به زندان منتقل شدند. پیام درفشان، وکیل حسین نعمتی، روز یکشنبه ۱۳ آبان و پس از برگزاری دادگاه در شبکه «ایکس» نوشت مولکش به همراه علیرضا برمرزپورناک، علیرضا کفایی و امیرمحمد خوش‌اقبال پس از بازداشت به زندان قزلحصار منتقل شدند.

پیام درفشان تأکید کرده بود که هیچ اتهام جدیدی به این افراد تفهیم نشده و «علت تبدیل قرار برای وکلا مشخص نیست».

اکنون مشخص شده تصمیم دادگاه برای صدور حکم

● میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیر محمد خوش‌اقبال، نوید نجاران، حسین نعمتی، و علیرضا برمرزپورناک شهروندان بازداشت شده در اعتراضات ۴۰۱ هستند که با اتهامات واهی به اعدام محکوم شده‌اند.

● گزارش‌ها نشان می‌دهد علیرضا برمرزپورناک اصلا در صحنه ضرب و جرح بسیجی کشته شده حضور نداشته اما از سوی نهادهای امنیتی و قضایی متهم به قتل شده و اکنون در حکمی عجیب به «اعدام» محکوم شده است.

● مهرماه امسال «کیهان لندن» گزارش داد این پرونده چندین بار در دادگاه بررسی شده و بی‌گناهی متهمان ثابت شده اما مأموران وزارت اطلاعات با اعمال فشار این پرونده را دوباره به جریان انداختند.

● «پرونده اکباتان» یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های طراحی شده توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ است که در آن شهروندانی بی‌گناه متهم به قتل آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان شده‌اند.

یک وکیل دادگستری در تهران از صدور حکم «اعدام» برای شش متهم یکی از پرونده‌های اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ معروف به «پرونده اکباتان» خبر داده است. میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیر محمد خوش‌اقبال، نوید نجاران، حسین نعمتی، و علیرضا برمرزپورناک شهروندان بازداشت شده در اعتراضات هستند که به اعدام محکوم شده‌اند.

بابک پاک‌نیا وکیل دادگستری اعلام کرده شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک تهران شش تن از متهمان «پرونده اکباتان» را به اعدام محکوم کرده است.

وی که از جمله وکلای متهمان این پرونده چهارشنبه ۲۳ آبان در شبکه اجتماعی ایکس نوشت این شعبه میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش‌اقبال، نوید نجاران، حسین

باز نشر

ای شغالان، هین مخوانیدم شغال!

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۰۷) خرداد ۱۳۸۵



بر بناگوش ملامتگر بگفت

بنگر آخر در من و در رنگ من
یک صنم در من ندارد خود شَمَن
چون گلستان گشته‌ام صد رنگ و خوش
مرمر اسجده کن، از من سر مکش

کز و فرّ و آب و تاب و رنگ بین
فخر دنیا خوان مرا و رکن دین

مظهر لطف خدائی گشته‌ام
لوح شرح کبریائی گشته‌ام

ای شغالان، هین مخوانیدم شغال
کی شغالی را بود چندین جمال؟

آن شغالان آمدند آنجا به جمع
همچو پروانه به گرداگرد شمع

جمله گفتندش «چه خوانیمت هری؟»
گفت: طاووس نر چون مشتری

پس بگفتندش که طاووسان جان
جلوه‌ها دارند اندر گلستان

تو چنان جلوه کنی؟ گفتا که: نی!
بادیه نارفته چون گویم متی؟

بانگ طاووسان کنی؟ گفتا که: لا
پس نئی طاووس خواجه بوالعلا

خلعت طاووس آید زآسمان
کی رسی از رنگ و دعویها بدان؟!

۱- ملتوی: پیچ در پیچ

۲- یعنی حیل‌های در کار است یا عقل از سرت پریده!

مفسران بین‌المللی که دو روزی در برخورد با «ابتکار» پرزیدنت ایران سرگیجه گرفته بودند و نامه نوشتن احمدی‌نژاد را برای «همتای آمریکایی» خود با معیارهای فرنگستانی تفسیر و تعبیر می‌کردند، بعد از آن که توضیحات آشنایان به تاریخ و فرهنگ اسلام را شنیدند، متوجه شدند ابتکاری در کار نیست و تقلیدی است از یک تقلیدچی دیگر.

پیامبر اسلام برای امپراتور روم (هراکلیوس) و امپراتور ایران (خسرو پرویز) نامه نوشت و آنان را به دین مبین دعوت کرد. قرن‌ها بعد، آیت‌الله خمینی به تقلید از پیامبر اسلام برای میخائیل گورباچف نامه نوشت و نصایح پیامبرگونه کرد. حالا جناب مستطاب پرزیدنت احمدی‌نژاد به تقلید از آیت‌الله خمینی برای جرج بوش نامه نوشته و رسالت خود را جهت اصلاح اوضاع جهان اعلام داشته است.

«هگل» عقیده داشت حوادث مهم تاریخ دو بار تکرار می‌شوند و شخصیت‌های تاریخساز دو بار به دنیا می‌آیند. «مارکس» نوشت آری، چنین است. اما هگل فراموش کرده بود بنویسد که بار اول، این حوادث و این شخصیت‌ها به صورت تراژدی ظاهر می‌شوند و بار دوم به صورت کمدی. همیشه قهرمانان حوادث تکراری تاریخ کاریکاتوری از قهرمانان ماجراهای بار اولند. اما پرزیدنت احمدی‌نژاد، با این «ابتکار» خود نشان داد که قصد دارد به صورت کاریکاتوری از کاریکاتور قبلی در صحنه ظاهر شود. شغالی که درآرزوی طاووس شدن می‌سوزد و بزغاله‌ای در پوست شیر. مولانا جلال‌الدین در وصف حال شغال طاووس‌نما فرماید:

آن شغالک رفت اندر خُم رنگ
اندر آن خُم کرد یک ساعت درنگ

پس درآمد پوستین رنگین شده
کاین منم طاووس علییین شده

پشم رنگین رونق خوش یافته
زآفتاب آن رنگها برتافته

دید خود را سرخ و سبز و فور (= بور) و زرد
خویششت را بر شغالان عرضه کرد

جمله گفتند ای شغالک، حال چیست
که ترا در سر نشاط ملتویست (۱)

از نشاط از ما کرانه کرده‌ای
این تکبر از کجا آورده‌ای؟

یک شغالی پیش او شد کای فلان
شید کردی یا شدی از خوشدلان؟ (۲)

شید کردی تا به منبر برجهی
تا ز لاف این خلق را حسرت دهی

بس بجوشیدی ندیدی گرمی
پس ز شید آورده‌ای بی شرمی
آن شغال رنگ رنگ آمد نهفت

→ به یک هفته به آگاهی تهران تحویل داده می‌شود. جزئیات نشان می‌دهند بازداشت علیرضا توسط اطلاعات سپاه در محله آبشار تهران و پس از آن صورت می‌گیرد که ماموران دو نفر از دوستان علیرضا را دستگیر کرده و خواهان شناسایی او می‌شوند. یک منبع آگاه به «دادبان» گفته «تصویر علیرضا تنها در فیلم تعقیب آرمان علی‌وردی توسط شماری از جوانان موجود است و در تصاویر مربوط به ضرب و شتم او، علیرضا حضور ندارد.»

علیرضا برمز پورناک از جمله شش متهم پرونده است که امروز خبر محکومیت او به «اعدام» منتشر شد! خردادماه سال گذشته نام یکی دیگر از متهمان پرونده از سوی «دادبان» منتشر شد؛ نوید نجاران شهروند جوانی که توسط ضابط خاص قضایی در این پرونده به اتهام ارتکاب اعمال مجرمانه در زمینه جان باختن آرمان علی‌وردی بسجیجی کشته شده در اکباتان تهران، در اهواز بازداشت و پس از بازجویی اولیه برای ادامه تحقیقات به تهران منتقل شده است.

بر اساس گزارش‌ها نوید از دسترسی به وکیل مدافع محروم بوده و هیچکس اعم از خانواده یا دوستان و نزدیکان تا کنون پیگیر وضعیت پرونده او نبوده است.

در پرونده معروف به «اکباتان» نیز مانند چند پرونده دیگر مشابهی که در دو سال گذشته از سوی نهادهای امنیتی ساخته و پرداخته شده است، ایرادهای اساسی حقوق وجود دارد. از جمله آنکه حتی در صورت کشته شدن آرمان علی‌وردی در درگیری با متهمان این پرونده در جریان اعتراضات، مشخص نیست دقیقاً او با ضربه چه کسی یا کسانی کشته شده است.

مهرماه امسال «کیهان لندن» به نقل از یک منبع آگاه گزارش داد این پرونده چندین بار در دادگاه مورد بررسی قرار گرفته و بی‌گناهی این متهمان ثابت شده اما ماموران وزارت اطلاعات با اعمال فشار این پرونده را دوباره به جریان می‌اندازند.

به گفته این فرد آگاه به پرونده «اکباتان» چهار متهم این پرونده نزدیک به دو سال است که زیر فشار و اضطراب شدید در ارتباط با صدور حکم‌های سنگین قرار دارند. پرونده آنها در دو دادگاه به جریان افتاده است؛ یکی، دادگاه کیفری به اتهام قتل آرمان علی‌وردی؛ و دیگری، دادگاه انقلاب متهم به محاربه و قتل. وی اضافه کرد: «چندین بار این پرونده در دادگاه در رفت و آمد بوده و بی‌گناهی بچه‌ها ثابت شده، اما فشار ماموران وزارت اطلاعات دوباره پرونده را فعال می‌کند.»

این منبع آگاه به «کیهان لندن» گفته بود «زمستان سال قبل از هشت متهم پرونده چهار متهم با قرار وثیقه آزاد شدند و با اینهمه به هیچ عنوان زندگی طبیعی ندارند بطوری که بعضی از ماجراهایی که برای این جوانان اتفاق افتاده اصلاً قابل گفتن نیست؛ در همین حد بگویم که اصلاً نمی‌توانند عادی باشند و از نظر روانی شدیداً بهم ریخته هستند.»

به گفته او وضعیت روحی چهار جوان زندانی دیگر از متهمان این پرونده که در زندان بسر می‌برند چند برابر بدتر است.

او همچنین به «کیهان لندن» گفته بود که «از آنجا که زندانی‌های زندان قزلحصار خبر دارند که جرم و اتهام این جوانان سیاسی است از نظر فیزیکی آسیبی به آنها نمی‌رسانند اما با این حال، فشارهای روانی به شدت آنها را عذاب می‌دهد به‌خصوص وقتی که دوباره پرونده دادگاه کیفری آنها از ابتدا دوباره فعال شد و آنها به مدت چندین هفته در بازداشتگاه اطلاعات سپاه زندانی بودند.»



هویدا، معجون عجیب و غریبی از انواع خصوصیتها بود

به عنوان يك فرد ممكن است به او نمره ۲۰ بدهم ولی به عنوان نخست وزیر به او نمره پائینی می‌دهم
او نخست وزیر قدرتمندی بود ولی خیلی مواظب بود در انظار مردم چهره کسی را داشته باشد که فقط
مجری دستورهای شاه است

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهرماه تا بهمن ماه ۱۳۸۲ - شماره ۹۹۰-۹۷۶)



جامعه، دولت و جنبش زنان (بخش ۱۱)

خاطرات مهناز افخمی
ناشر: بنیاد مطالعات ایران

«جامعه، دولت و جنبش زنان ایران» عنوان خاطرات مهناز افخمی است؛ چهارمین دبیرکل سازمان زنان و اولین وزیرمشاور در امور زنان که در دولت هویدا و دولت آموزگار عضویت داشت. مهناز افخمی «امیرابراهیمی» پس از آنکه تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در آمریکا به پایان رساند در ۲۶ سالگی به ایران بازگشت و در دانشگاه ملی به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۷ او به سازمان زنان پیوست و در سال ۱۳۵۰ دبیرکل سازمان شد. درین بخش از خاطرات مهناز افخمی، او از چگونگی انتخاب شدن به دبیرکلی و مسائلی که در این مقام با آنها روبرو بود سخن می‌گوید. یادآور می‌شویم که خاطرات مهناز افخمی براساس مصاحبه وی با خانم فرشته نورائی تدوین شده و از سوی بنیاد مطالعات ایران انتشار یافته است.

اولا خیلی به آدم احساس اعتماد به نفس می‌داد و مشوق برنامه‌هایی بود که به نظرش می‌رسید که موفق هستند. در بیشتر زمینه‌ها با من بخصوص خیلی کمک و همکاری می‌کرد، مثلا دو برنامه خیلی جالب مملکتی، سوای کار زنان، را به من محول کرده بود که امکان این را می‌داد که در زمینه‌های مختلف، نه منحصرأ در ارتباط با مسائل زنان، من چه به عنوان يك زن و چه به عنوان يك فرد بتوانم مشارکت کنم.

وزیر فوق‌العاده قدرتمندی بود، امکان اجرای برنامه‌ها را در سطح خیلی وسیعی داشت و تقریباً هرچه که مورد نظرش بود می‌توانست به تصویب اعلیحضرت برساند، ولی خیلی مواظب بود که آن چهره‌ای که در بین مردم منعکس می‌کند، چهره کسی باشد که فقط مجری دستورهای شاه است و همیشه سعی می‌کرد وزرا را هم طوری آموزش بدهد، افراد تازه کار و افرادی را که به برنامه وارد می‌شدند طوری آموزش بدهد، که همه در آن قالب جا بیفتند و همه، به

● در دوران هویدا این شبهه به وجود آمد که همه چیز دستور شخص شاه است و همه چیز منشاء آن از دربار است و هویدا همیشه این طور نشان می‌داد که او نوکر و چاکر اعلیحضرت همایونی است، دستورات ایشان را اجرا می‌کند و این فکر در دوران هویدا، در دوران نخست‌وزیری طولانی او به وجود آمد. نظراتان در این مورد چیست؟
- من متأسفانه مجبورم که تاحد زیادی با این برداشت موافقت کنم، یعنی درنهایت علاقه‌ای که به هویدا به عنوان



محمدرضا شاه پهلوی و امیرعباس هویدا و کابینه‌اش

● یکی برنامه نوسازی جنوب شهر تهران بود؟
- بله، و دیگری برنامه يك سازمانی بود که مورد علاقه خاص او بود، سازمان پرورش استعدادهای درخشان، که ازطرف او به عنوان قائم مقامش اداره می‌کردم. مضافاً وزرای مشاور و بعضی از موارد به عنوان نماینده نخست وزیر، نقش هماهنگ کننده را اجرا می‌کردند، و هر زمان که امکان داشت و موضوع مربوط به مسائل ←

اصلاح، بازی را با این قوانین بکنند، درحالی که چنین چیزی با واقعیت زیاد مطابقت نمی‌کرد.

● از زمانی که در هیأت دولت بودید، کار با هویدا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ منظورم این است که رابطه شما با هویدا به عنوان وزیر درکابینه چطور بود؟
- هویدا از نظر شخص من انسان فوق‌العاده جالبی بود.

يك دوست داشتم و احترامی که برایش به عنوان يك فرد واقعا با فرهنگ و انسان و متمدن داشتم، به عنوان يك نخست‌وزیر این مسأله را با او داشتم که گاهی هم در بحثهایی که با هم داشتیم مطرح می‌شد، منتهی جواب او همیشه این بود که تو تجربه کافی نداری، ایران را فقط این طوری می‌شود چرخاند، تو به قدرکافی در جریان نبودی. این تنها جوابی بود که از او داشتم. هویدا به نظر من نخست

اجتماعی، رفاهی یا آموزشی می شد، هویدا کار را به من ارجاع می کرد. خوب، به عنوان يك زن، که تنها زن در کابینه بودم، و به عنوان يك آدم جوان که در «بوروکراسی» ایران سابقه ای نداشتم، این مسأله خیلی مهم بود که من بتوانم کارهایم را پیش برم. خیلی هم از تجربیاتش استفاده می کردم، زیرا او کسی بود که در زمینه نحوه کار و ارتباط بین گروهها تجربه خیلی زیادی در ایران داشت. هویدا مانند يك معلم در این زمینهها مرا راهنمایی می کرد، و هر جا که لازم بود يك حالت تقویتی و حمایتی داشت، و در هر جلسه ای که لازم بود حضور پیدا می کرد و پشتیبانی می کرد. مثلاً یادم هست در اولین ماهی که من وارد کابینه شدم جلسه ای تشکیل داده بودیم از تمام خانمهایی که در سطح تصمیم گیری بودند و یا نقش مؤثری در زمینههای مختلف داشتند و میخواستیم از این خانمها گروهی تشکیل بدهیم برای تجهیز زنان در مشارکت سیاسی. انتخابات در پیش بود و میخواستیم هریک از خانمها در زمینه تجهیز گروهها برای شرکت در انتخابات کمک کنند. هویدا در این جلسه شرکت کرد و در ضمن معرفی من گفت: خانمها، ایشان تازه آمده و وارد کابینه شده و زن جوانی است و امید می رود همان طور که در گذشته موفق بوده بازمه موفق باشد. ولی تنها مقام مهم در دولت این سمت نیست. جا برای همه هست و اگر کمک کنید تعداد زیادی از زنان می توانند در سطح بالای دولت باشند، و هیچ دلیلی نیست که یکی باید نباشد تا دیگری جایش را بگیرد. اصولاً ارتباط هویدا با مردم خیلی مردمی بود.

● با مردم یا با مقاماتی که سروکار داشت؟

— با مردم هم همین طور، برای اینکه من با هویدا سفر زیاد کردم و هر جا که امکان این را داشت که بنشینم و با دهقانی و کارگری یا گروه دانشجویی صحبت کند خیلی راحت با مردم طرف می شد و می توانست ارتباط برقرار کند و اثر خوبی بگذارد.

● اگر قرار باشد به هویدا نمره ای بدهید در مجموع چه از نظر کارایی، چه از نظر تاثیر و قاطعیتش، یا هوش و ذکاوت، چه نمره ای به او می دهید؟

— هویدا معجون عجیب و غریبی بود از انواع خصوصیت ها. به عنوان يك فرد، يك آدم خارج از نخست وزیری، ممکن است به او نمره بیست بدهم. برای اینکه در سطح معاشرت، در سطح دوستی، در سطح انسانیت. در سطح فرهنگ و اطلاعات عمومی، آدم فوق العاده آگاه، حساس و دوست داشتنی و جالبی بود. از نظر يك نخست وزیر به او نمره پائینی می دهم، برای اینکه با موفقیتی که در نگهداشتن این بند بازی بین گروههای قدرتی مختلف در ایران داشت و از نظر تداوم کار که به مدت سیزده سال نخست وزیر ایران بود، فکر می کنم صدمه بزرگی به رژیم قبلی زد، و به برنامه هایی که با موفقیت هرچه تمامتر داشت پیش می رفت. منظوم این است که هویدا، شاید ناآگاهانه، با موفقیتش در بند بازی بین گروهها و نهادهای مختلف، از جمله شاه، دولت، مجلس، اصناف، سرمایه داران، کارگران و مردم معمولی، توانست برای مدتی طولانی تضاد میان این گروه ها و نهادها را پنهان نگاه دارد تا در نهایت تضادها آن چنان شدت یافت که حل آنها بسیار مشکل شد. ولی نمی شود گفت که این مسأله فقط به هویدا مربوط می شود. متأسفانه مسأله ای است که به خیلی از افراد و گروهها و دستگاهها چه در درون و چه در خارج از دولت مربوط می شود و من فکر می کنم که بسیاری از افراد و سازمانها و گروهها

مسئولیتی را که باید، قبول نکردند.

● یا زیادی قبول کردند، يك وزیر ممکن بود ده تا شغل داشته باشد، چند جلسه اینجا و آنجا باید می رفت، هزار و يك کار و مشغله داشت؟

— بله دیگر، یا قبول کردن هرچه که می شد و می گذشت، خودش به منزله قبول نکردن يك مسئولیت واقعی بود. دیگر اینکه گروهها بطور کلی آن نقشی را که می بایستی بازی کنند، نکردند و مسئولیتی که بایستی در زمانهای حیاتی تقبل کنند، قبول نکردند، حرفشان را نزدند و آن نقشی را که باید به عهده بگیرند، نگرفتند. هویدا فقط زمانی می توانست موفق باشد که دیگران هم در این برنامه همراهی کنند. متأسفانه کمتر کسی بود که چنین کند. در نتیجه فکر می کنم همه دست اندرکاران مسئولیت دارند.

سیزده سال نخست وزیری

● چرا شاه سیزده سال هویدا را نگهداشت اگر از کار و لیاقت او راضی نبود؟

— همانطور که گفتم در بعضی زمینه ها هویدا خیلی کارآئی داشت، مثلاً در زمینه اینکه کاری کند که اصطکاک پیش نیاید، مانع از هرنوع تضاد یا رو شدن هرنوع تضاد بشود، به نرمی و آرامش مسائل بین افراد را حل کند، با نیازهای افراد روبرو شود، بهرکسی آنچه را بدهد که نیاز دارد. مثلاً کسی احتیاج به يك سمت داشت، یکی احتیاج داشت به كمك مادی، یکی احتیاج داشت که احساس کند دارد خدمت می کند، یکی احتیاج داشت به مقامی که به هدفهای اجتماعیش برسد، در این موارد هویدا به هرکسی كمك می کرد که آن نوع چیزی را که نیاز داشت بدست آورد.



امیرعباس هویدا

نتیجه این بود که بخصوص در مورد کسانی که عشق به رشته خاصی داشتند و رسالت خاصی احساس می کردند شانس داد که برنامه های مهم مملکتی را با موفقیت انجام دهند. در نتیجه، خوب پیشرفتهای قابل توجهی بدست آمد. کمتر کسی می توانست با این موفقیت مسائل را حل کند.

● به عبارتی پس می بایستی نیاز روحی شاه را نیز به

نحوی رفع کرده باشد؟

— قاعدتاً من نمی دانم. این چیزی نیست که تجربه خود من باشد یا از کسی شنیده باشم که او از شاه شنیده باشد، و یا از هویدا شنیده باشم. این چیزی است که آدم احساس می کرد. به نظر می رسید که همه چیز دارد خوب پیش می رود، خیلی خوب هم پیش می رفت. فراموش نکنیم که تحول ایران در دوران نخست وزیری هویدا در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، و بویژه اقتصادی و تکنیکی چشمگیر بود. من فکر می کنم که علی رغم همه مسائل این دوران به عنوان یکی از ادوار درخشان زندگی مردم ما در تاریخ ضبط خواهد شد. از نظر سیاسی هم تا زمانی که درآمد نفت به سرحدی رسید که همه ما را صدا کردند و گفتند بوجه تان را دو برابر می توانیم بالا ببریم، تا آن زمان همه چیز خیلی خوب داشت پیش می رفت، وضع اقتصادی خوبی بود، و مردم رویهمرفته راضی بودند، از آن زمان به بعد بود که مسائل و مشکلات شدت پیدا کرد.

● شما به عنوان يك زن مطلع، وقتی همه چیز به این سرعت پیش می رفت ارزیابی تان از اجتماع چه بود، چه فکر می کردید، آینده را چطور می دیدید؟

— من آینده را خیلی درخشان می دیدم. البته جالب تر آن است که با همه اتفاقاتی که افتاده هنوز هم فکر می کنم اگر به هزار دلیل مختلف که همه با هم جمع شد و این انقلاب را به وجود آورد، اگر چند عامل از این عوامل موجود نمی بود و به نحوی تداوم رژیم امکان پذیر می شد، تا چند سال دیگر ما واقعاً به مرحله ای می رسیدیم که زیربنای سیاسی لازم برای مشارکت مردم در توسعه مملکت پیش می آمد و ایران بسیاری از این تضادها و مشکلات را پشت سر می گذاشت و آن قدرتی را که لازم بود در جامعه به وجود آید، یعنی قدرت مردمی، به وجود می آمد، و دیگر امکان يك چنین انفجاری نمی بود. متأسفانه وقت به قدر کافی نبود.

● آیا پیشرفتهای خیلی سریع بود؟

— در بعضی از زمینهها خیلی سریع بود و در بعضی از زمینهها خیلی کند و در این تضاد بود که هسته های اولیه این انفجار به وجود آمد.

نخست وزیری آموزگار

● شما با آموزگار هم در دوران نخست وزیری کار کردید، رابطه تان چطور بود و او را چگونه ارزیابی می کنید؟

— آموزگار آدم مشکلتری بود. از نظر کار کردن با او، آدمی خشک تر و از نظر اجتماعی محدود تر. اصولاً آدم سیاسی نبود. از نظر اداری خیلی دقیق بود و در آن نوع کار به عنوان وزیر می توانست خیلی موفق باشد، ولی نه به عنوان يك رهبر سیاسی، چون اصولاً شاید علاقه ای هم به تجهیز سیاسی نداشت.

● پس آیا شاه اشتباه کرد در انتصاب او به نخست وزیری؟

— اگر ایشان چند سال پیش از بحرانی شدن اوضاع نخست وزیر می شد، قطعاً نخست وزیر موفق می شد، ولی در آن زمان خاص که ایران بیش از هر چیز احتیاج داشت به نخست وزیری با توانایی های سیاسی و قدرت تماس با گروههای مختلف و درک مشکلات سیاسی و خنثی کردن آنها، با اینکه آموزگار آدم مؤثر و واردی بود، تخصص و توانایی های او برای این زمان خاص مناسب نبود. (دنباله دارد)

یسرائیل کاتز: حمله به برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی هرگز تا این اندازه واقع‌بینانه و محتمل نبود



اولین جلسه یسرائیل کاتز به عنوان وزیر دفاع با فرماندهان ارشد ارتش اسرائیل

● وزیر دفاع اسرائیل در اولین جلسه با فرماندهان ارشد ارتش به عنوان وزیر دفاع، با اشاره به دو مرحله حمله به تأسیسات پدافندی و موشکی جمهوری اسلامی توسط نیروی هوایی اسرائیل می‌گوید، وضعیت دیپلماتیک، عملیاتی و تاکتیکی برای حمله به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی هرگز به اندازه وضعیت فعلی شدنی، واقع‌بینانه و محتمل نبوده است.

یسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل می‌گوید، وضعیت دیپلماتیک، عملیاتی و تاکتیکی برای حمله به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی هرگز به اندازه وضعیت فعلی شدنی، واقع‌بینانه و محتمل نبوده است.

کاتز در این جلسه که دوشنبه ۲۲ آبان‌ماه برگزار شد، اشاره کرد که دو حمله تلافی‌جویانه قبلی اسرائیل به «پیشرفته‌ترین سیستم‌های پدافندی در داخل ایران» در اردیبهشت و مهرماه ۱۴۰۳ نشان داد که نیروی هوایی اسرائیل تا چه اندازه قدرتمند است.

او افزود: «فرصتی برای دستیابی به مهمترین هدف‌مان وجود دارد، خنثی کردن و از بین بردن خطر نابودی اسرائیل... امروز یک اشتراک نظر گسترده ملی و دفاعی وجود دارد که ما باید برنامه هسته‌ای [رژیم] ایران را خنثی کنیم و این درک وجود دارد که این امر نه تنها در حوزه امنیتی، بلکه در میدان دیپلماتیک قابل انجام است.»

روزنامه «اورشلیم پست» می‌نویسد، در همین ارتباط بسیاری از مقامات از جمله نخست‌وزیران سابق نفتالی بنت و یائیر لاپید خواستار حمله نیروی هوایی به برنامه هسته‌ای ایران در عملیات هوایی «روزهای پاسخ» شده بودند. تحت فشار دولت جو بایدن، بنیامین نتانیاهو از حمله به تأسیسات اتمی و پالایشگاهی در ایران خودداری کرد و دستور حمله به تأسیسات و سایت‌های موشکی و پدافندی صادر شد.

علاوه بر این، وزیر دفاع جدید اسرائیل گفت تا وقتی که حزب‌الله به پشت رودخانه لیتانی در لبنان عقب‌نشینی نکند، هیچ آتش‌بسی برقرار نخواهد شد. این رودخانه حدود ۲۰ کیلومتر با مرز اسرائیل فاصله دارد.

تقویت مواضع اسرائیل با بازگشت ترامپ

ران درمر وزیر امور استراتژیک پیش از انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آینده آمریکا در مصاحبه با روزنامه آلمانی «بیلد» گفته بود، «وقتی صحبت از تسلیحات هسته‌ای که خطرناک‌ترین سلاح است به میان می‌آید، زمانی که یک رژیم [ایران] می‌خواهد شما را نابود کند و تلاش می‌کند تا تسلیحات هسته‌ای بسازد، باید این تهدید را بسیار جدی بگیرد». درمر اخیراً در واشنگتن با دونالد ترامپ دیدار و گفتگو کرده است.

با بازگشت مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید، عوامل داخلی و برون‌مرزی جمهوری اسلامی علنی‌تر از گذشته تهدید می‌کنند که برای حفظ موجودیت نظام دستیابی به سلاح اتمی ضروری است.

در واکنش به یک آزمایش موشکی در حوالی شاهرود، احمد نادری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفته است، «پرتاب موشک قاره‌پیما موضوع جدیدی نیست و روال نظامی ما در توسعه موشک‌های بازدارنده، همین بوده و هست... آنچه باید به زودی انجام شود، (و تا الان هم دیر شده) آزمایش اتمی و اعلام رسمی آن است. این یعنی بازدارندگی حداکثری.»

اخیراً حسین موسویان سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان نیز در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر پیروزی ترامپ بر استراتژی امنیت ملی ایران» نوشت، در دکترین جدید امنیت ملی جمهوری اسلامی یکی از عناصر «دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای و بازدارندگی هسته‌ای است.»

سفر محرمانه وزیر امور استراتژیک اسرائیل به مسکو؛ انتظار نتانیاهو از پوتین برای کشیدن لگام جمهوری اسلامی و حزب‌الله

● رون درمر وزیر امور استراتژیک اسرائیل هفته گذشته محرمانه به روسیه سفر کرده است.

● منابع نزدیک به ارتش اسرائیل گفته‌اند، «انتظار می‌رود روسیه نقش مهمی» در توافق احتمالی آتش‌بس ایفا کند، اما جزئیات زیادی از مأموریت این مقام اسرائیلی در دست نیست.

● یک منبع دیپلماتیک به «اورشلیم پست» می‌گوید، مداخله روسیه منطقی است زیرا این کشور قدرت محدود کردن حزب‌الله را دارد و خود مسکو نیز می‌خواهد در این معامله مشارکت داشته باشد.

● پایگاه تحلیلی «دیفنس پست» در مقاله‌ای به قلم لورانس سولومون تحلیلگر امور استراتژیک می‌نویسد «دیپلماسی نتانیاهو با پوتین، حمله موفقیت‌آمیز اسرائیل به نقاطی در ایران را تضمین کرد».

● در بخشی از این مقاله آمده، اسرائیل نگران نیست که ایران از روسیه پشتیبانی‌های استراتژیک دریافت کند اما «اگر ملاحه‌ای منفور ایران قدرت خود را از دست بدهند، چنانکه در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ این امر محتمل به نظر می‌رسد، ایران می‌تواند بار دیگر با غرب متحد شود و در مقابل روسیه قرار بگیرد» که یقیناً مطلوب پوتین نیست.

منابع اسرائیلی روز یکشنبه ۱۰ نوامبر (۲۰ آبان‌ماه) گزارش دادند رون درمر وزیر امور استراتژیک اسرائیل هفته گذشته محرمانه به روسیه سفر کرده است.

گفته می‌شود درمر به عنوان فرستاده بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل مسئولیت مذاکرات در مورد جنگ در غزه و لبنان را بر عهده دارد.

منابع نزدیک به ارتش اسرائیل گفته‌اند، «انتظار می‌رود روسیه نقش مهمی» در توافق احتمالی آتش‌بس ایفا کند، اما جزئیات زیادی از مأموریت این مقام اسرائیلی در دست نیست. درمر برای مذاکره درباره شرایط آتش‌بس بین ارتش اسرائیل و حزب‌الله روز دوشنبه به واشنگتن سفر کرد.

اسرائیل به دنبال آن است که روسیه تضمین کند، جمهوری اسلامی و حزب‌الله دیگر در امتداد مرز شمالی اسرائیل مستقر نخواهند بود.

یک منبع دیپلماتیک به «اورشلیم پست» می‌گوید، مداخله روسیه منطقی است زیرا این کشور قدرت محدود کردن حزب‌الله را دارد و خود مسکو نیز می‌خواهد در این معامله مشارکت داشته باشد.

روسیه یک بازیگر کلیدی در سوریه است و همکاری آنها می‌تواند زمینه‌ساز عقب‌نشینی عوامل جمهوری اسلامی و حزب‌الله از مرزهای شمالی اسرائیل باشد که از شروط اصلی نتانیاهو برای یک توافق احتمالی است. برای همین ←

زینب» در حومه دمشق پایتخت سوریه دست کم هفت نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی شدند.

خبرگزاری دولتی «سانا» گزارش داد که این حمله یک «ساختمان مسکونی» را هدف قرار داد اما منابع نزدیک به مخالفان اسد می‌گویند آن ساختمان محل تجمع نیروهای حزب الله و «سپاه قدس» بود.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه، مستقر در لندن تعداد تلفات این حمله را ۹ کشته و ۱۴ زخمی گزارش کرد. گفته می‌شود یکی از کشته‌شدگان «از مقام‌های ارشد حزب الله لبنان» است.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه همچنین گفته است ساختمانی که هدف قرار گرفت محل سکونت «اعضای حزب الله» و خانواده‌های لبنانی بود.

منابع غیررسمی می‌گویند در این حمله «علی موسی دقدوق» یکی از فرماندهان ارشد حزب الله مرتبط با «پرونده جولان» کشته شده است.

اسرائیل هنوز مسئولیت این حمله را به عهده نگرفته اما آویای آدرایی سخنگوی ارتش اسرائیل پیشتر در شبکه «ایکس» گفته بود که اسرائیل انبارها و تأسیسات نظامی مورد استفاده حزب الله و گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی در سوریه را هدف قرار داده است.

اسرائیل که به ندرت در مورد عملیات نظامی داخل سوریه اظهار نظر می‌کند، از سال ۲۰۱۱ حملات هوایی

حمله هوایی به «محل تجمع» اعضای حزب الله در دمشق دست کم هفت کشته و ۲۰ زخمی برجای گذاشت

● مقامات رژیم بشار اسد یکشنبه ۱۰ نوامبر (۲۰ آبان‌ماه) اعلام کردند در حمله هوایی اسرائیل به منطقه «سیده زینب» در حومه دمشق پایتخت سوریه دست کم هفت نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی شدند.

● خبرگزاری دولتی «سانا» گزارش داد که این حمله یک «ساختمان مسکونی» را هدف قرار داد اما مخالفان اسد می‌گویند آن ساختمان محل تجمع نیروهای حزب الله و «سپاه قدس» بود.



تصویری از آپارتمان محل استقرار اعضای حزب الله در «سیده زینب»

در سوریه را آغاز کرد که تمرکز اصلی آن بر روی تأسیسات و پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب الله است.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی مدعی شد اسرائیل یک «ساختمان مسکونی» را هدف قرار داده و این حمله را محکوم کرد.

طی ماه‌های اخیر بارها اسرائیل مناطقی را در سوریه و لبنان هدف قرار داد که ادعا شد مسکونی بوده اما مدتی بعد، از زیر آوارها فرماندهان ارشد «سپاه قدس» و حزب الله و همچنین تسلیحات و تجهیزات نظامی را بیرون آمد.

محل «سیده زینب» در دمشق پاتوق نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و اعضای سپاه پاسداران است که بارها از سوی اسرائیل نقاطی در آن هدف قرار گرفته است.

● به گزارش منابع غیررسمی در این حمله «علی موسی دقدوق» یکی از فرماندهان ارشد حزب الله مرتبط با «پرونده جولان» کشته شده است.

● اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی مدعی شد اسرائیل یک «ساختمان مسکونی» را هدف قرار داده و این حمله را محکوم کرد.

● طی ماه‌های اخیر بارها اسرائیل مناطقی را در سوریه و لبنان هدف قرار داد که ادعا شد مسکونی بوده اما در نهایت از زیر آوارها فرماندهان ارشد «سپاه قدس» و حزب الله و همچنین تجهیزات و تسلیحات نظامی بیرون آمد.

مقامات رژیم بشار اسد یکشنبه ۱۰ نوامبر (۲۰ آبان‌ماه) اعلام کردند در حمله هوایی اسرائیل به منطقه «سیده

➔ نخست وزیر اسرائیل انتظار دارد که پوتین لگام رژیم ایران و حزب الله را در لبنان بکشد.

در همین ارتباط جیک سالیوان مشاور امنیت ملی ایالات متحده در مصاحبه با شبکه «سی‌بی‌اس» گفت که خوشبین است که به زودی توافقی در این زمینه به دست آید. برخی تحلیلگران بر این باورند که بازگشت مجدد دونالد



رون درمر وزیر امور استراتژیک اسرائیل / عکس: رویترز

ترامپ به کاخ سفید، برای پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های اسرائیل در مقابل جمهوری اسلامی و شرکای آن از جمله حزب الله و حماس، امتیاز قابل توجهی محسوب می‌شود. برخی دیگر نیز معتقدند روابط نزدیک پوتین و نتانیاهو نیز دست او را برای اقدام نظامی علیه مراکز نظامی در ایران باز گذاشت.

همسویی‌های استراتژیک روسیه و اسرائیل

پایگاه تحلیلی «دیفنس پست» در مقاله‌ای به قلم لورانس سولومون تحلیلگر امور استراتژیک می‌نویسد «دیپلماسی نتانیاهو با پوتین، حمله موفقیت‌آمیز اسرائیل به نقاطی در ایران را تضمین کرد.»

اسرائیل برای خنثی کردن پدافند هوایی جمهوری اسلامی نیازی به مشکلات اضافی ندارد. در شرایطی که جمهوری اسلامی انتظار داشت از روسیه هوایی‌های «سوخو-۳۵» و «سیستم پدافندی S-400» دریافت کند، اما هیچکدام از اینها در اختیار تهران قرار داده نشد. جنگنده‌های فرسوده ارتش ایران و پدافند هوایی ضعیف کار را برای هدف قرار دادن نقاط مورد نظر اسرائیل در داخل ایران آسان می‌کند. به ویژه آنکه روسیه تمایلی ندارد با در اختیار قرار دادن S-400 و سوخو-۳۵ ضعف‌های آنها برای اسرائیل و آمریکا مشخص شود.

در بخشی از این مقاله آمده، اسرائیل نگران نیست که رژیم ایران از روسیه پشتیبانی‌های استراتژیک دریافت کند اما «اگر ملاحضات منور ایران قدرت خود را از دست بدهند، چنانکه در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ این امر محتمل به نظر می‌رسد، ایران می‌تواند بار دیگر با غرب متحد شود و در مقابل روسیه قرار بگیرد» که یقیناً مطلوب پوتین نیست.

حذف رهبران ارشد حماس و حزب الله و ضربات سنگینی که «جریان مقاومت» از اسرائیل دریافت کرد، کمربند امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه را به شدت تضعیف کرده است. این وضعیت بر نگرانی‌های مقامات تهران افزوده به ویژه آنکه با پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، احتمال اینکه فشارها بر حکومت ایران بطور جدی افزایش پیدا کند بسیار بالاست.

دومین گفتگوی پاتریک بت- دیوید با شاهزاده رضا پهلوی (۱) برای تغییر رژیم باید روی مردم ایران سرمایه‌گذاری کرد



شاهزاده رضا پهلوی در برنامه پاتریک بت- دیوید ۴ نوامبر ۲۰۲۴

بر ایران تا چه اندازه بد است؟ او پاسخ داد که ویرانگر است. در همین ارتباط از ترامپ پرسیدم: با شما در مقام ریاست جمهوری چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا قرار است هیچ کاری برای ایران انجام دهید تا به آنچه در دهه هفتاد [میلادی] بود بازگردد؟ این پاسخ او بود و پس از آن می‌خواهم واکنش شما را بدانم.

(پخش کلیپ گفتگو با ترامپ)

ترامپ: من تنها می‌توانم این را به شما بگویم که قدرت ناپودکننده است. من همیشه گفته‌ام که این مثل دو تانک ارتش نیست که اینور و آنور به دنبال هم بروند.

-اما برای ایران تا پایان دولت [احتمالی] شما چه اتفاقی خواهد افتاد؟

ترامپ: من می‌خواهم ایران را بسیار موفق ببینم. تنها چیزی که که آنها نمی‌توانند داشته باشند، سلاح هسته‌ای است.

-آیا شما با همین حکومت و روش‌های آن مشکلی ندارید یا دوست دارید ببینید که ایران مشابه دهه ۷۰ و آنگونه که شاه آن را اداره می‌کرد، اداره شود؟ یعنی زمانی که ایران یکی از سه کشور برتر گردشگری بود.

ترامپ: بله، ما می‌توانیم خودمان را کاملا درگیر همه چیز کنیم، منظوری این است که ما حتی نمی‌توانیم خودمان را اداره کنیم، بیایید این را بپذیریم، پاتریک، ما می‌توانیم خودمان را اداره کنیم.

-شما [جمهوری اسلامی را] تحریم کردید... و مردم ممکن است برگردند و با آن مخالف آن شوند...

ترامپ: وقتی من دولت را تحویل دادم [به جو بایدن] به آنها گفتم همین الان با ایران معامله کنید؛ آنها حاضرند [برای این معامله] هر کاری بکنند. آنها می‌خواستند با من معامله کنند؛ اگر که در آن انتخابات [۲۰۲۰] تقلب و دزدی نمی‌شد، من به شما می‌گویم که اکنون، در هیچ جای دنیا مشکلی نداشتیم...

(پایان کلیپ)

بگیرند... الان تمرکز من تنها بر روی نقشی است که فکر می‌کنم بیشترین حمایت را از سوی هموطنانم برای ایفای آن دارم و آن رهبری دوران انتقال است. اما برای مدیریت دوران یک انتقال منصفانه می‌توانید جانبدار باشید. باید کاملاً بی‌طرف و منصف باشید. من نباید توصیه کنم که آیا ایران جمهوری باشد یا پادشاهی. چیزی که به هموطنانم می‌گویم این است که برای موفقیت، ما باید یک سیستم سکولاردموکراتیک داشته باشیم.»

نخستین گفتگوی پاتریک بت- دیوید نویسنده، تحلیلگر و یوتیوبر ایرانی- با شاهزاده رضا پهلوی شنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۲۳ (۲۷ آبان ۱۴۰۲) پخش شد. پاتریک بت- دیوید در یک خانواده ایرانی آسوری پیش از انقلاب ۵۷ در تهران به دنیا آمد و ده ساله بود که با خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت کرد. دومین گفتگو یکسال بعد، اندکی پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که ۵ نوامبر برگزار شد، انجام گرفت و در ۴ نوامبر ۲۰۲۴ در یوتیوب پخش شد که ترجمه‌ی مهم‌ترین بخش‌های آن را در ادامه می‌خوانید. متن فارسی اولیه توسط رسانه «یونیکا» در اختیار کیهان لندن قرار گرفته است.

پاتریک بت- دیوید: آخرین بار، گفتگوی ما با ولیعهد رضا پهلوی، میلیون‌ها بازدید داشت. بسیاری از علاقمندان در سراسر جهان می‌خواستند آن را بشنوند. نخستین بار بود که وی یک نشست سه‌ساعته و بسیار پویا داشت. امروز این دومین گفتگوی ماست که یک روز پیش از انتخابات [ریاست جمهوری آمریکا در ۵ نوامبر ۲۰۲۴] منتشر می‌شود.

می‌خواهم با یک کلیپ شروع کنم و واکنش شما را نسبت به آن بدانم. سه هفته پیش با پرزیدنت ترامپ در اینجا گفتگو کردیم. یکی از چیزهایی که مطرح کردم این بود که وقتی در موناکو بودم، با آقای آشنا شدم که در سیستم بانکداری تمام ۲۱ کشور خلیج فارس کار می‌کرد و من از او درباره ایران را پرسیدم که تحریم‌های اعمال شده

این گفتگو اندکی پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که ۵ نوامبر برگزار شد، انجام گرفت و در ۴ نوامبر ۲۰۲۴ در یوتیوب پخش شد.

«مشکل، خود رژیم است و این نیست که شما از چه دیپلماسی با آنها استفاده می‌کنید و یا چگونه برای کنار آمدن با آنها تلاش می‌کنید... تغییر رژیم در ایران پیش‌نیاز آینده‌ای بهتر است که به نفع همه است.»

«موضوع اصلی این است که ما ریشه این مشکلات را بفهمیم. و فکر می‌کنم این چیز است که قوی‌ترین متحدان آمریکا در منطقه ممکن است آن را ابراز نکنند، اما آن را درک می‌کنند، چه در ریاض چه در اورشلیم. واقعیت این است که تا زمانی که این رژیم وجود دارد، هیچ‌یک از این مشکلات از بین نمی‌رود. پس بیاید مبنای بر این بگذاریم که اینبار عنصر تغییر، مردم ایران هستند.»

«ما به دنبال مداخله آمریکا نیستیم. ما خیلی ساده می‌گوییم که از تلاش برای توافق با این رژیم دست بردارید و بار دیگر مردم ایران را فراموش نکنید. این فرصتی است برای سرمایه‌گذاری روی مردم ایران به عنوان عامل تغییر، که بسیار متفاوت از آنچه در افغانستان و عراق روی داد، خواهد بود.»

«همان افرادی که از رویکرد و سختگیری ترامپ قدردانی کردند، اگر فکر کنند که او آمده تا آنها را دور بزند و با رژیم معامله کند، اولین کسانی خواهند بود که به آن واکنش منفی نشان می‌دهند.»

«تغییر در ایران، عنصری را ایجاد می‌کند که در آن شما یک ایران متفاوت خواهید داشت که با اسرائیل و با عربستان سعودی در صلح است. ما در منطقه، عنصر ثبات را فراهم می‌کنیم و دیگر نیازی نخواهد بود که آمریکا برای حفظ ثبات، نیروها یا ناوگان خود را در منطقه مستقر کند.»

«من همیشه گفته‌ام که زندگی وقف آزادی کشورم است و همیشه نقطه پایان را روزی می‌دانم که ایرانیان به پای صندوق‌های رای می‌روند و دولت دموکراتیک آینده‌شان را انتخاب می‌کنند. من به عنوان ابزار یا به عنوان عاملی برای تغییر، به آن فرا خوانده شده‌ام. من از این مسئولیت و انتظارات عظیمی که هموطنانم از نقشی که می‌توانم در کمک به این انتقال ایفا کنم فرار نمی‌کنم... باید به جایی برسیم که بعد از آن، همه از جمله خود من بتوانند بگویند خوب گام بعدی چیست؟ اما باید اول به آن نقطه برسیم و من باید متمرکز را حفظ کنم چون می‌خواهم مردم با فرضیه‌های مختلف، دچار سردرگمی شوند.»

«به محض اینکه این رژیم از بین برود همه چیز تغییر می‌کند؛ همه شرایط برای همه ما از جمله خود من فراهم می‌شود تا بتوانیم کشورمان را بازسازی و کمک کنیم اما نمی‌بینم که نیاز باشد برای چیزی مقام تعیین کنیم. من فکر می‌کنم این باید یک فرایند باشد و به همین دلیل گفتم بجای عجله کردن، بر روی آنچه باید اتفاق بیفتد تمرکز کنیم. من آماده‌ام که این انتقال را رهبری کنم... البته من نمی‌توانم این کار را از راه دور انجام دهم. باید به محض اینکه شرایط طوری باشد که بتوانم با امنیت در ایران حضور پیدا کنم البته به آنجا بروم و در این انتقال کمک کنم و بعد خواهیم دید که چه می‌شود. بگذارید مردم ایران تصمیم

➔ نظر شما در مورد پاسخ او [ترامپ] چیست؟

بدون اینکه لزوماً این پرسش را به پرزیدنت ترامپ محدود کنیم، ما نیاز داریم تا در وهله نخست، دو درک اساسی از باتلاقی که ایران از زمان انقلاب تا کنون در آن فرو رفته داشته باشیم.

اول از همه، و چیزی که به نظر من بزرگترین ایراد در طرز تفکر دولت‌های غربی از جمله ایالات متحده در مواجهه با این رژیم بوده، عدم درک کامل ماهیت آن است.

چرا این را می‌گوییم؟ چون فکر می‌کنم اگر به تاکتیک‌ها یا استراتژی‌هایشان نگاه کنید، چه استراتژی مهار یا مامشات یا تلاش برای انجام یک توافق، همه در بستر تغییر رفتار شکل گرفته‌اند. و علت شکست همه این رویکردها، به این دلیل است که... برخلاف دولت‌هایی که ممکن است استراتژی داشته باشند یا استراتژیک فکر کنند، این رژیم، یک رژیم ایدئولوژیک است. وقتی آنها می‌گویند مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، این تنها یک شعار نیست، بلکه منظورشان همین است!

و به همین دلیل است که من در تمام این مدت گفته‌ام که تلاش شما و باور به اینکه می‌توانید با آنها کنار بیایید و فکر می‌کنید که این نوع رژیم، امکان همزیستی با کشورهایمانند آمریکا یا فرانسه یا آلمان به عنوان دموکراسی‌های غربی را دارد، غیرواقعی است. بنابراین مشکل، خود رژیم است و این نیست که شما از چه دیپلماسی با آنها استفاده می‌کنید و یا چگونه برای کنار آمدن با آنها تلاش می‌کنید.

و دومین موضوعی که باید درک شود این است که برخی تجربه‌های تاریخ اخیر که آمریکا درگیر آن بوده و منجر به تغییر دولت‌ها شده، اما نتایج خوبی نداشته، نمی‌تواند به عنوان معیاری برای رد این ایده [ایده‌ی حمایت] باشد. اینکه آیا ما دوباره درگیر ماجراجویی دیگری می‌شویم که با پول مالیات دهندگان ایالات متحده می‌بایست انجام شود و قرار است سربازان ما را به آنسوی جهان اعزام کند شاید کمی دلهره ایجاد کند ولی ما باید از این فکر اصلاً دوری کنیم.

دلیل اینکه من از این به عنوان یک دستورالعمل بنیادین استفاده می‌کنم این است که بگوییم، ببینید:

باید متوجه شویم که تا زمانی که رژیم در ایران به حیات خود ادامه می‌دهد، نه تنها تهدید هسته‌ای... بلکه بسیاری از بحران‌های دیگر که رژیم موجودیت خود را به آنها وابسته می‌بیند و به همین دلیل به بی‌ثباتی‌ها دامن می‌زند و در امور کشورهای دیگر مداخله می‌کند، از بین نمی‌رود. زیرا این ماهیت آن است. مهم نیست که شما چه فکر می‌کنید، این ماهیت تغییر نخواهد کرد.

تغییری که ما ایرانی‌ها خواستارش هستیم و امیدواریم دولت‌هایی مانند دولت ایالات متحده آن را درک کنند و از ما برای تغییر حمایت کنند، شامل آن دسته از عناصری نیست که برخی افراد ممکن است تصور کنند باید اتفاق بیفتد. [برای نمونه اینکه] مثلاً ما دیدیم که در افغانستان چه گذشت؛ یا دیدیم که در عراق چه گذشت. آیا قرار است دوباره چنین سناریویی داشته باشیم؟ ولی تغییر در ایران شبیه هیچیک از این موارد نیست. بلکه کاملاً متفاوت خواهد بود وقتی در مورد تغییر صحبت می‌کنیم ما ابتدا باید درک کنیم که تغییر رژیم در ایران پیش‌نیاز آینده‌ای بهتر است که به نفع همه است. البته می‌توانم توضیحات بیشتری در این زمینه بدهم.

● من آنچه را گفتید درک می‌کنم اما پاسخ پرزیدنت ترامپ و برداشت او متفاوت است. برداشتی که من از

گفته‌های او دارم این است که می‌گوید، من همیشه سیال هستم. این یک ذهن سیال است. ما آخرین بار از تحریم استفاده کردیم و شاید حالا از چیز دیگری استفاده کنیم. این نموداری است که من با وی مطرح کردم: رشد اقتصادی در ایران، وقتی او در سال ۲۰۱۶ رئیس جمهور شد و زمانی بود که توافق هسته‌ای به اجرا درآمد و در دولت اوباما تحریم‌ها برداشته شد همه چیز رونق گرفت.

سپس ترامپ وارد می‌شود، تحریم‌ها در دوره او بازگردانده می‌شوند. وقتی به سال ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ نگاه کنید، می‌بینید که ایران در آن زمان وارد رکود شده. شما با بسیاری از افراد در سراسر جهان در ارتباط هستید. کسانی که علاقمند هستند یک ایران دموکراتیک را ببینند، چه پادشاهی باشد یا هر چیز دیگری. شاید بسیاری از ما بتوانیم به کشوری که در آن متولد شده‌ایم و در آن زندگی کرده‌ایم، برگردیم. من تقریباً ۱۱ سال آنجا زندگی کردم. تحلیل شما از مقایسه سطح تنش‌ها در ایران چیست و چقدر می‌توانستیم به فروپاشی و تغییر رژیم نزدیک باشیم اگر ترامپ دوباره [در ۲۰۲۰] انتخاب می‌شد و اگر آن تحریم‌ها باقی می‌ماندند؟

این سوال خیلی خوبی است. لازم است این بحث را بسط دهم چون چندین مؤلفه دارد. واضح است آنچه در دولت پرزیدنت ترامپ شاهد بودیم چیزی بود که مؤثر بود و آن فشار حداکثری بر رژیم بود. در نتیجه دیدیم که چگونه بر رژیم تأثیر گذاشت یا ابزارهایی را که در اختیار داشت کاهش داد تا اساساً توان ماشین جنگی‌اش کاهش یافته و یا نتواند به نیروهای نیابتی خود کمک مالی کرده و یا کارهای دیگری انجام دهد. برخلاف دولت او، دولت فعلی [دولت بایدن] دقیقاً برعکس عمل کرده؛ تحریم‌های نفتی را اجرا نکرده، به این معنی که رژیم با فروش نفت به چینی‌ها به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار، شاید نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی دسترسی داشته است. پولی که برای مردم ایران مصرف نشده. اما مامشات و حتی باج دادن برای بازگرداندن گروگان‌ها، همه اینها رژیم را بیشتر بدخیم کرد و نباید تعجب کرد چرا به نقاطی رسیدیم که نباید می‌رسیدیم. هفتم اکتبر [۲۰۲۳] تنها نمونه‌ای از پیامدهای این رویکرد است.

اما آیا فشار به تنهایی کافوست؟ البته از منظر سیاست خارجی می‌گوییم. دوباره این موضوع را به این گره می‌زنم که آیا درک می‌شود که اکنون زمانش رسیده که رژیم باید برود یا نه؟ و نه اینکه فشار بیابوریم تا آنها را مجبور کنیم به میز مذاکره بازگردند و انتظار تغییر رفتارشان را داشته باشیم. بنابراین موضوع اصلی این است که ما ریشه این مشکلات را بفهمیم. و فکر می‌کنم این چیز است که قوی‌ترین متحدان آمریکا در منطقه ممکن است آن را ابراز نکنند، اما آن را درک می‌کنند، چه در ریاض چه در اورشلیم. واقعیت این است که تا زمانی که این رژیم وجود دارد، هیچیک از این مشکلات از بین نمی‌رود. پس بیاید مبنا را بر این بگذاریم که اینبار عنصر تغییر، مردم ایران هستند. و اتفاقاً از دفعه قبل که با هم صحبت کردیم، قطعاً یک تغییر چشمگیر در ایران اتفاق افتاده و آن اینکه گفتمان در ایران دیگر گفتمان اصلاح نیست. گفتمان در ایران اکنون انقلابی و برای تغییر رژیم است. ما در مرحله پیش‌انقلاب هستیم.

این می‌تواند به موازات فشار حداکثری از خارج، با مؤلفه حمایت حداکثری برای کمک به مردم در داخل ایران، به مرحله‌ی انقلابی تبدیل شود. البته نه با اعزام نیرو، نه با ارسال پول مالیات‌دهندگان، بلکه فرض کنید تغییر کاربری دارایی‌های مسدود شده رژیم که در واقع پول خود مردم ایران است.

مکانیسم این کار ممکن است کمی پیچیده باشد، اما

واقعیت این است که ما به دنبال مداخله آمریکا نیستیم. ما خیلی ساده می‌گوییم که از تلاش برای توافق با این رژیم دست بردارید و بار دیگر مردم ایران را فراموش نکنید. این فرصتی است برای سرمایه‌گذاری روی مردم ایران به عنوان عامل تغییر، که بسیار متفاوت از آنچه در افغانستان و عراق روی داد، خواهد بود. و اگر شما شروع به انجام این کار کنید، مؤلفه سوم نیز به آن اضافه می‌شود یعنی افراد درون سیستم، چه بوروکرات‌ها و چه تکنوکرات‌هایی که سرخورده هستند، با این واقعیت روبرو می‌شوند که در نتیجه تشدید تنش، مردم از بین می‌روند از جمله افسران ارتش که در وهله نخست نباید در چنین موقعیتی قرار بگیرند، و مایل هستند که از نظام خارج شوند. در اینصورت و در نهایت این مؤلفه محتملاً منجر به ریزش حداکثری از رژیم می‌شود و امکانات آنها را محدود می‌کند.

اگر شما همه این مؤلفه‌ها را در نظر بگیرید، می‌بینید که عوامل تغییر وجود دارند و تنها مسئله این است که تصمیم بگیرید سیاست خود را به سمت سیاستی تغییر دهید که همچنان در جهت حفظ وضعیت موجود نیست و تلاش نمی‌کند دوباره بگوید حُب تا وقتی آنها خطر هسته‌ای نداشته باشند، ما می‌توانیم با آنها همزیستی کنیم. شما با توجه به آنچه آنها هستند نمی‌توانید با آنها همزیستی داشته باشید! آنها ستیز و خصومت خود را با غرب و به ویژه ایالات متحده به عنوان یک هدف رها نمی‌کنند. به عنوان مثال، به بودجه و حمایت مالی که رژیم در دانشگاه‌های آمریکا خرج می‌کند نگاه کنید که چگونه به تفکر ضد اسرائیلی و ضد آمریکایی دامن می‌زند و حتی در روند انتخابات در اینجا مداخله می‌کند. یا اینکه، همزمان با گفتگوی ما در اینجا، به اصطلاح وزیر اطلاعات و فناوری آنها در حال کمک به ونزوئلا و کوبا می‌باشند، آنها هم همان ابزارهای فیلترینگ اینترنت و مواردی از این دست که علیه مردم ایران در داخل کشور استفاده کرده‌اند.

آنها هیچکدام از اینها را رها نمی‌کنند. بنابراین تصور نکنید و ساده‌اندیش نباشید که اگر بتوانیم یکی از تهدیدهای فوری را از بین ببریم، بقیه نیز حل خواهد شد. ذات آنها قرار نیست تغییر کند و به این کار ادامه خواهند داد.

● از یکسو ترامپ را داریم که در زمان ریاست جمهوری‌اش، ایران در لیست پنج اولویت نخست‌اش نیست. اینها عبارتند از اقتصاد، انتخاب مجدد، خانواده، مرزهای آمریکا و ساخت دیوار [جلوگیری از مهاجران غیرقانونی] و مسائلی از این دست و یا اخراج و استخدام کارکنان جدید و... اما برای فردی مثل شما، ایران جزو سه اولویت برتر شماست. صبح وقتی از خواب بیدار می‌شوید به آن فکر می‌کنید، احتمالاً اولین گزارش‌هایی که می‌خوانید مربوط به ایران است. همه چیز شما... نام خانوادگی شما... ریشه‌هایتان.... اینهمه درباره ایران است. کاری که دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ کرد چه نقشی داشت و آیا مردم ایران رابه تغییر رژیم نزدیک کرد و ممکن بود در صورت ادامه، شرّ همه این هرج و مرجی که رژیم در خاورمیانه ایجاد کرده، از تامين مالی حزب‌الله، حوثی‌ها و بقیه کم شده بود؟ ترامپ تا چه اندازه نزدیک بود باعث سقوط رژیم ایران شود؟ آنها چقدر به سقوط نزدیک بودند؟

- واضح است که حرکت در مسیر درستی بوده و به همین دلیل بود که او از طرف مردم ایران بسیار مورد قدردانی و حمایت قرار گرفت، تا جایی که حتی پیام‌هایی را به زبان فارسی برای مردم ایران ارسال کرد.

(ادامه دارد)

وزارت دادگستری آمریکا:

طرح توطئه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای ترور دونالد ترامپ خنثی شد



دونالد ترامپ و معاونش جی دی ونس

ماموریت داشته شبکه‌ای از همدستان جنایتکار را برای پیشبرد طرح‌های ترور [رژیم] ایران علیه اهدافش، از جمله رئیس‌جمهوری منتخب دونالد ترامپ، هدایت کند. همچنین دو نفر دیگر را که به عنوان بخشی از این شبکه استخدام شده بودند تا یک روزنامه‌نگار آمریکایی منتقد رژیم را در خاک ایالات متحده ساکت کنند و به قتل برسانند، متهم و بازداشت کرده‌ایم. ما هیچگاه تلاش‌های حکومت ایران را برای به خطر انداختن مردم آمریکا و امنیت ملی کشورمان تحمل نخواهیم کرد.»

در این بیانیه از این روزنامه‌نگار آمریکایی ایرانی‌تبار نامی برده نشده است.

کریستوفر رای مدیر اف‌بی‌آی نیز در همین زمینه گفت: «افراد هدایت‌شده از سوی حکومت ایران به تهدید شهروندان آمریکایی، از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری منتخب، دیگر مقامات دولتی و مخالفان رژیم تهران ادامه می‌دهند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی شناخته شده است، با جنایتکاران و قاتلان همکاری می‌کند تا آمریکایی‌ها را در خاک آمریکا هدف قرار دهد و این مسئله به هیچ عنوان قابل تحمل نیست. با تلاش‌های فراوان اف‌بی‌آی، این توطئه‌های مرگبار خنثی شدند. ما متعهدیم که از تمام منابع اف‌بی‌آی برای حفاظت از شهروندان خود در برابر ایران یا هر دشمن دیگری که آمریکایی‌ها را هدف قرار دهد، استفاده کنیم.»

دامیان ویلیامز دادستان منطقه جنوب نیویورک نیز گفت: «افرادی که از سوی حکومت ایران هدایت می‌شوند، همچنان شهروندان ما، از جمله رئیس‌جمهوری منتخب را در خاک آمریکا و خارج از آن تهدید می‌کنند. این وضعیت باید متوقف شود. کیفرخواست امروز پیامی دیگر به کسانی است که به تلاش‌هایشان برای ترور شهروندان آمریکایی ادامه می‌دهند. ما در تعقیب افراد متخلف، فارغ از اینکه آنها در کجا ساکن هستند، بدون وقفه عمل خواهیم کرد و برای حفظ امنیت و ایمنی کشورمان، از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد.»

انقلاب اسلامی در ماه سپتامبر (۱۱ شهریور تا ۹ مهر) به یکی از عوامل حکومت ایران دستور داده بود برنامه‌ای را برای رصد و در نهایت کشتن ترامپ آماده کند. فردی که در این پرونده از او با عنوان «عامل مرتبط با سپاه» نام برده شد، «فرهاد شاکری» است.

بر اساس اعلام دستگاه قضایی آمریکا، آن مقام سپاه که اشاره‌ای به نام او نشده، از شاکری خواسته بود که برنامه‌ای را برای زیر نظر گرفتن و در نهایت به قتل‌رساندن دونالد ترامپ در سپتامبر گذشته آماده کند. قرار بر این بود که اگر این فرد نتواند تا آن زمان برنامه‌ای را آماده اجرا کند، حکومت ایران طرح ترور دونالد ترامپ را تا پس از انتخابات به تعویق بیاورد. بر اساس این پرونده، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معتقد بود که ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری شکست خواهد خورد و در نتیجه کشتن او پس از انتخابات آسان‌تر خواهد بود.

پیش از این دولت آمریکا تأیید کرده بود که جمهوری اسلامی از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دنبال گرفتن انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده پیشین «سپاه قدس» از دونالد ترامپ، مایک پمپئو، برایان هوک و جان بولتون است.

- بر اساس بیانیه وزارت دادگستری آمریکا، فرهاد شاکری (۵۱ ساله) از ایران، کارلایل ریورا معروف به «پاپ» (۴۹ ساله) از بروکلین نیویورک و جانانان لودهولت (۳۶ ساله) از استاتن آیلند نیویورک، روز جمعه به دخالت در طرح ترور یک شهروند آمریکایی با اصالت ایرانی در نیویورک نیز متهم شدند.

ریورا و لودهولت اواسط آبان‌ماه بازداشت و محاکمه شدند اما فرهاد شاکری همچنان متواری و احتمالاً ساکن ایران است.

مریک گارلند، دادستان کل ایالات متحده، در همین مورد گفت: «کشورهای کمی در دنیا به اندازه [حکومت] ایران تهدیدی جدی برای امنیت ملی آمریکا به شمار می‌روند. وزارت دادگستری یک عامل رژیم ایران را متهم کرده که

● وزارت دادگستری ایالات متحده روز جمعه هشتم نوامبر (۱۸ آبان) در بیانیه‌ای جزئیات کیفرخواست مربوط به خنثی ساختن یک توطئه جمهوری اسلامی برای ترور دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا، پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را منتشر کرد.

● بر اساس یک کیفرخواست جنایی ثبت‌شده در دادگاه فدرال منتهن (نیویورک) یک مقام ناشناس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ماه سپتامبر (۱۱ شهریور تا ۹ مهر) به یکی از عوامل حکومت ایران به نام «فرهاد شاکری» دستور داده بود برنامه‌ای را برای رصد و در نهایت کشتن ترامپ آماده کند.

● طبق اعلام دستگاه قضایی آمریکا، آن مقام سپاه که اشاره‌ای به نام او نشده، از شاکری خواسته بود که برنامه‌ای را برای زیر نظر گرفتن و در نهایت به قتل‌رساندن دونالد ترامپ در سپتامبر گذشته آماده کند. قرار بر این بود که اگر این فرد نتواند تا آن زمان برنامه‌ای را آماده اجرا کند، حکومت ایران طرح ترور دونالد ترامپ را تا پس از انتخابات به تعویق بیاورد.

● کریستوفر رای مدیر اف‌بی‌آی نیز در همین زمینه گفت: «افراد هدایت‌شده از سوی حکومت ایران به تهدید شهروندان آمریکایی از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری منتخب، دیگر مقامات دولتی و مخالفان رژیم تهران ادامه می‌دهند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی شناخته شده، با جنایتکاران و قاتلان همکاری می‌کند تا آمریکایی‌ها را در خاک آمریکا هدف قرار دهد و این مسئله به هیچ عنوان قابل تحمل نیست.»

وزارت دادگستری ایالات متحده روز جمعه هشتم نوامبر (۱۸ آبان) در بیانیه‌ای جزئیات کیفرخواست مربوط به خنثی‌سازی یک توطئه جمهوری اسلامی برای ترور دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا، پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را منتشر کرد.

بر اساس یک کیفرخواست جنایی ثبت‌شده در دادگاه فدرال منتهن (نیویورک) یک مقام ناشناس سپاه پاسداران

حمله به تماشاگران اسرائیلی تیم مکابی در آمستردام؛ «زنگ خطر یهودی‌ستیزی در اروپا به صدا در آمده»



پلیس آمستردام نزدیک ۶۰ نفر را به دلیل حمله به شهروندان اسرائیلی بازداشت کرد

این وزارتخانه همچنین در بیانیه دیگری گفت که «صحنه‌های وحشتناک» آمستردام «بازتاب تاریک‌ترین تاریخ اروپا» است. شورای امنیت ملی اسرائیل نیز در یک بیانیه از کسانی که در انتظار عمومی هستند، خواست هیچ نماد اسرائیلی یا یهودی را به نمایش نگذارند.

آمریکا محکوم کرد

دبورا لیپستات، فرستاده ویژه آمریکا برای رصد و مقابله با یهودستیزی، حملات به هواداران تیم فوتبال مکابی تل‌آویو را محکوم کرد.

او در در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «از حملات امشب در آمستردام که به طرز وحشتناکی یادآور یک قتل عام کلاسیک است، وحشت زده شده ام. من همچنین از اینکه حملات گزارش شده چقدر طول کشید، عمیقاً ناراحت هستم و از دولت می‌خواهم که تحقیقات کاملی در مورد مداخله نیروهای امنیتی و چگونگی وقوع این حملات نفرت‌انگیز انجام دهد.»

دبورا لیپستات اشاره کرد که «این اتفاق دو روز قبل از سالگرد تلخ رایش‌سپوگروم‌ناخت در سال ۱۹۳۸ روی داده است، زمانی که نازی‌ها قتل عام یهودیان را در سراسر آلمان آغاز کردند.»

برخی منابع گزارش دادند، وضعیتی که در آمستردام بود، در منطقه برگنفیلد نیوجرسی در آمریکا نیز تکرار شد و طرفداران آرمان‌های فلسطین در حالیکه برخی از آنها تصویر هیتلر را نشان می‌دادند علیه یهودی‌ها تجمع کردند. پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» به ویژه در کشورهای اروپایی موج یهودی‌ستیزی به راه افتاد. براساس گزارش برخی نهادهای اطلاعاتی غربی، عوامل جمهوری اسلامی در تحریک و تقویت تحرکات حامیان آرمان‌های فلسطین در شهرهای مختلف اروپایی نقش فعال داشتند. در مورد حمله به اسرائیلی‌ها در آمستردام هنوز مقامات اطلاعات خاصی ارائه ندادند اما برخی منابع غیررسمی می‌گویند ردپای عوامل جمهوری اسلامی در این اقدام دیده می‌شود.

پوشانده بودند. بعضی از آنها شعار «فلسطین آزاد» سر دادند. گیلا گاملیل وزیر نوآوری و دانش و تکنولوژی اسرائیل نیز در «ایکس» نوشت، «حمله هولناک و یهودستیزانه به اسرائیلی‌ها در هلند یادآوری نگران کننده از دوران تاریک است، اما همچنین زنگ خطر برای کشورهای جهان است تا تروریسم و اسلام‌گرایی افراطی در خاک خود را محکوم کنند. دولت اسرائیل در حال مبارزه با جنگ تمام جهان علیه نفرت، خشونت و تاریکی است. برای سلامتی همه مجروحان و آسیب‌دیدگان دعا کنیم.»

هجوم به اسرائیلی‌ها در شرایطی برگزار شد که حامیان فلسطین از سوی مقامات مجوز گرفته بودند که در اعتراض به سفر تیم مکابی به آمستردام تجمع کنند. محل برگزاری این تجمع نزدیک استادیوم بود که به دلایل امنیتی به محل دیگری منتقل شده بود.

دنی دانون، سفیر اسرائیل در سازمان ملل با انتشار ویدیویی از حمله‌های خشونت‌بار به طرفداران اسرائیلی تیم فوتبال مکابی در «ایکس» نوشت: «این چهره واقعی همان تروریسم افراطی است که در حال مبارزه با آن هستیم. اکنون جهان غرب باید بیدار شود. سازمان ملل باید فوراً و صراحتاً خشونت فلسطینیان و حامیان آنها را محکوم کند. مقام‌های هلند باید اکنون علیه تروریسم اقدام قاطع انجام دهند.»

وزارت خارجه اسرائیل به نقل از مقامات هلندی اعلام کرد که دست‌کم ۱۰ نفر از هواداران مکابی زخمی شدند. تعدادی از هواداران هم مفقود هستند. به نوشته وبسایت اسرائیلی «والا»، یکی از مفقودها، گای آویدور یک مرد ۳۳ ساله اسرائیلی بلغارستانی است که برای تماشای مسابقه فوتبال از لندن به آمستردام رفته بود.

پلیس آمستردام حدود ۶۰ نفر را دستگیر کرده است. در بین بازداشت شدگان شماری عرب و ترک‌تبار بودند. روزنامه «معاریو» گزارش داد که هواداران تیم مکابی گفتند که این حملات از قبل طراحی شده بوده است. وزارت خارجه اسرائیل از شهروندان این کشور خواست تا هتل‌های خود را ترک نکنند.

● در هلند شامگاه پنجشنبه هفتم نوامبر (۱۷ آبان‌ماه) در حاشیه مسابقه فوتبال بین تیم‌های آژاکس و مکابی تل‌آویو که در آمستردام برگزار شد، گروهی از فلسطینی‌های افراطی به هواداران اسرائیل مکابی حمله کردند و آنها را به شدت مورد ضرب و جرح قرار دادند.

● دنی دانون، سفیر اسرائیل در سازمان ملل با انتشار ویدیویی از حمله‌های خشونت‌بار به طرفداران اسرائیلی تیم فوتبال مکابی در «ایکس» نوشت: «این چهره واقعی همان تروریسم افراطی است که در حال مبارزه با آن هستیم. اکنون جهان غرب باید بیدار شود. سازمان ملل باید فوراً و صراحتاً خشونت فلسطینیان و حامیان آنها را محکوم کند. مقام‌های هلند باید اکنون علیه تروریسم اقدام قاطع انجام دهند.»

● بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، جمعه ۸ نوامبر (۱۸ آبان‌ماه) دستور اعزام دو فروند هواپیمای امداد را به هلند صادر کرد تا هواداران این تیم را که در خشونت‌های آمستردام زخمی شدند، به کشور بازگرداند.

● دیک شاف نخست‌وزیر هلند این اقدام را «حملات کاملاً غیرقابل یهودستیزانه» توصیف کرده و گفته در این خصوص با نتانیاهو در تماس است.

● پلیس آمستردام حدود ۶۰ نفر را دستگیر کرده است. در بین بازداشت شدگان شماری عرب و ترک‌تبار بودند.

● هجوم به اسرائیلی‌ها در شرایطی برگزار شد که حامیان فلسطین از سوی مقامات مجوز گرفته بودند که در اعتراض به سفر تیم مکابی به آمستردام تجمع کنند. محل برگزاری این تجمع نزدیک استادیوم بود که به دلایل امنیتی به محل دیگری منتقل شده بود.

در هلند شامگاه پنجشنبه هفتم نوامبر (۱۷ آبان‌ماه) در حاشیه مسابقه فوتبال بین تیم‌های آژاکس و مکابی تل‌آویو که در آمستردام برگزار شد، گروهی از فلسطینی‌های افراطی به هواداران تیم اسرائیلی بودند، حمله کردند و آنها را به شدت مورد ضرب و جرح قرار دادند.

در طول مسابقه بارها شعارهای یهودی‌ستیزانه سر داده شد. در پایان مسابقه در خیابان‌های اطراف استادیوم اتفاق کم‌سابقه‌ای افتاد، فلسطینی‌های اوباش دسته جمعی به هواداران مکابی حمله می‌کردند و به آنها را به شدن کتک می‌زدند. آنها به زن و مرد رحم نمی‌کردند و حتا از اقدام وحشیانه خود فیلم می‌گرفتند! درست شبیه حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل.

نخست‌وزیر اسرائیل، جمعه ۸ نوامبر (۱۸ آبان‌ماه) دستور اعزام دو فروند هواپیمای امداد را به هلند صادر کرد تا هواداران این تیم را که در خشونت‌های آمستردام زخمی شدند، به کشور بازگرداند.

بنیامین نتانیاهو در بیانیه‌ای حمله به هواداران تیم مکابی را «وحشتناک» خواند و گفت آن را با «جدیت» دنبال می‌کند و از دولت و نیروهای امنیتی هلند می‌خواهد تا اقداماتی سریع و قاطع علیه «آشوبگران» انجام دهند و امنیت شهروندان اسرائیل را تضمین کنند.

دیک شاف نخست‌وزیر هلند این اقدام را «حملات کاملاً یهودستیزانه» توصیف کرده و گفته در این خصوص با نتانیاهو در تماس است. برخی مهاجمان صورت خود را با ماسک و چفیه فلسطینی

مصاحبه «اشپیگل» با عباس عراقچی؛ «شارمهد عادلانه محاکمه شد؛ جسد را هر کجا خانواده اش بخواهد می فرستیم»



پوستر جمشید شارمهد در تجمع ایرانیان در برلین



مصاحبه عراقچی با اشپیگل، آبان ۱۴۰۳

جنگ گسترده کند ولی ما بودیم با هوشمندی و درایت از وقوع یک جنگ گسترده جلوگیری کردیم.»
او هشدار داد که «بعضی مواقع اوضاع از کنترل خارج می شود و اگر اسرائیل به این آتش بازی خود ادامه دهد حتماً یک جواب مناسب خواهد گرفت.»

به روسیه موشک نفروختیم

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در بخش دیگری از این مصاحبه ادعای جمهوری اسلامی را تکرار کرد و نه تنها گفت «هیچوقت از تهاجم روسیه به اوکراین حمایت نکرده ایم» بلکه مدعی شد «از تمامیت ارضی اوکراین حمایت کردیم» و رژیم «ایران به روسیه موشک بالستیک نفروخته است.»

مراقب باشید دیگر اشتباه نکنید!

بخش دیگری از این مصاحبه درباره توسعه فعالیت های اتمی در ایران و همکاری با روسیه بود که عراقچی از آلمان طلبکار شد! او به خبرنگار اشپیگل گفت: «شما به همکاری های ایران و روسیه اشاره می کنید ولی فراموش کرده اید که صنعت هسته ای ما با کمک آلمان شروع شد و این آلمان بود که بعد از انقلاب ایران را رها کرد و ما مجبور شدیم برای تکمیل پروژه به سمت روسیه برویم. اگر آلمان رها نکرده بود شاید اکنون برنامه هسته ای ایران شکل دیگری می داشت. اینها اشتباهات دولت آلمان در مقاطعی بود! الان مراقب باشید اشتباه دیگری نکنید!»

پس از اعدام شارمهد در ایران، آتالنا بربوک وزیر خارجه آلمان از اتحادیه اروپا خواست تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به فهرست گروه های تروریستی خود اضافه کند. از پیامدهای اعدام این شهروند ایرانی- آلمانی بسته شدن کنسولگری های جمهوری اسلامی در فرانکفورت، مونیخ و هامبورگ بود اما سفارت رژیم در برلین همچنان فعال است.

ایشان یک فرد ایرانی بود زیرا ما تابعیت مضاعف را قبول نداریم. ایشان به عنوان یک ایرانی دستگیر و به ایران منتقل شده و در یک محاکمه عادلانه بر اساس قوانین ایران به اعدام محکوم شده است.»

قوه قضائیه جمهوری اسلامی هفتم آبان ماه اعلام کرد که جمشید شارمهد اعدام شد. اما یک هفته بعد (۱۵ آبان ماه) پس از آنکه آلمان سه کنسولگری جمهوری اسلامی را بست و سفیر خود را فرا خواند، سخنگوی قوه قضائیه مدعی شد که شارمهد قبل از اعدام درگذشته بود!

عباس عراقچی در مصاحبه با اشپیگل، در اینباره گفت که «قبول داریم که اطلاعیه دادستانی تهران در این خصوص، ابهام دارد اما از اعدام صحبتی نشده است!»

او ادعا کرد محاکمه شارمهد «عادلانه» بود و او از وکیل برخوردار بود و «قبل از دستگیری خودش به جنایات خودش اعتراف کرده بود.» عراقچی همچنین گفت، «خانواده شارمهد می توانند درخواست انتقال جسد را بدهند. از نظر قوانین ایران خانواده متوفی در مورد محل دفن تصمیم می گیرند. اگر خانواده ایشان رسماً درخواست دهند جنازه برای دفن به هر جایی منتقل شود از نظر ما بلامانع است.» شارمهد ۴۸ ساعت پس از حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی داخل ایران اعدام شد. عراقچی در بخشی از این مصاحبه از حمایت های آلمان از اسرائیل انتقاد کرد و گفت که این کشور با اسرائیل «روابط ویژه» دارد و «کشتار مردم غزه» برای مقامات آلمان اهمیتی ندارد. او همچنین گفت: «مردم فلسطین نباید به خاطر آنچه آلمانی ها در قبال یهودی ها انجام دادند، مجازات شوند.»

اسرائیل سعی می کند وارد جنگ شویم

عراقچی در بخش دیگری از مصاحبه با اشپیگل عنوان کرد که «اسرائیل در یک سال گذشته بارها سعی کرد ایران را وارد

● دو هفته پس از اعدام جمشید شارمهد زندانی ایرانی- آلمانی، خبرنگار هفته نامه آلمانی «اشپیگل» در تهران روسری بر سر گذاشت و به دیدار وزیر خارجه جمهوری اسلامی رفت تا با او درباره وضعیت شارمهد، بسته شدن کنسولگری های جمهوری اسلامی در آلمان، جنگ در منطقه و موضوعات دیگر گفتگو کند.

● عباس عراقچی ادعا کرد محاکمه شارمهد «عادلانه» بود و او از وکیل برخوردار بود و «قبل از دستگیری خودش به جنایات خودش اعتراف کرده بود.» عراقچی همچنین گفت، «خانواده شارمهد می توانند درخواست انتقال جسد را بدهند. از نظر قوانین ایران خانواده متوفی در مورد محل دفن تصمیم می گیرند. اگر خانواده ایشان رسماً درخواست دهند جنازه برای دفن به هر جایی منتقل شود از نظر ما بلامانع است.»

● او در بخشی از مصاحبه با اشپیگل عنوان کرد که «اسرائیل در یک سال گذشته بارها سعی کرد ایران را وارد جنگ گسترده کند ولی ما بودیم با هوشمندی و درایت از وقوع یک جنگ گسترده جلوگیری کردیم.»

دو هفته پس از اعدام جمشید شارمهد زندانی ایرانی- آلمانی، خبرنگار هفته نامه آلمانی «اشپیگل» در تهران روسری بر سر گذاشت و به دیدار عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی رفت تا با او در باره وضعیت شارمهد، بسته شدن کنسولگری های جمهوری اسلامی در آلمان، جنگ در منطقه و موضوعات دیگر گفتگو کند.

در این مصاحبه که هشتم نوامبر (۱۸ آبان ماه) منتشر شد عراقچی عنوان کرد که جمشید شارمهد «رهبر یک گروه تروریستی بود» و این «واقعیتی است که دوستان ما در آلمان نادیده می گیرند و علاقه ندارند به آن اشاره کنند.»

او توضیح داد، اگر مقامات آلمان فکر می کنند شارمهد یک آلمانی است باید بپذیرند که او یک «آلمانی تروریست» است. عراقچی در همین بخش اضافه می کند که «البته از نظر ما

انگیزه جمهوری اسلامی برای «کشتن دونالد ترامپ» آنقدر زیاد است که قابل انکار نیست



مراسم تشییع جنازه سلیمانی در تهران

اولین مراسم سالگرد کشته شدن سلیمانی تأکید کرد، «انتقام قطعی است» و خطاب به رهبران آمریکا گفت: «ممکن است از داخل خانه‌تان پاسخ جنایت‌تان را بدهند.» همچنین ابراهیم رئیسی رئیس دولت پیشین جمهوری اسلامی که در سانحه سقوط مشکوک هلی‌کوپتر کشته شد، دی‌ماه ۱۴۰۰ در یک سخنرانی رسمی تهدید کرد که «ترامپ و پمپئو باید محاکمه و قصاص شوند وگرنه دست انتقام از آستین ملت بیرون خواهد آمد.»

منابع اطلاعاتی آمریکا اواخر تیرماه سال ۱۴۰۳ گزارش دادند که مقامات ارشد ایالات متحده به اطلاعاتی دست یافتند که حاکی از توطئه جمهوری اسلامی برای ترور دونالد ترامپ بوده است.

دو مقام آمریکایی به پولیتیکو گفته بودند، که دولت بایدن اطلاعات را از طریق منابع مختلف از جمله منابع انسانی جمع‌آوری کرده و این اطلاعات با تهدیدهای جمهوری اسلامی مربوط به اقدام فیزیکی که می‌تواند به قتل ترامپ بیانجامد مرتبط است.

جمهوری اسلامی بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی، در صورت ترور ترامپ برای افکار عمومی زمینه‌سازی ذهنی می‌کند که از جمله آن برگزاری راهپیمایی «قیام خونخواهان» و ساخت کلیپ ترور ترامپ در زمین گلف بود. موضوع انتقام از ترامپ از سوی نهادهای وابسته به علی خامنه‌ای نیز همیشه تبلیغ می‌شده است.

حالا برخی مقامات نظام به ویژه در دولت پزشکیان بنا به مصلحت، قصد عقب‌نشینی از این تهدیدات را دارند اما حزب‌اللهی‌ها و سپاهی‌ها و بخش اعظمی از طرفداران حکومت که ترامپ را آمر «قتل سلیمانی» می‌دانند با همان انگیزه گذشته «خونخواهی» را پیگیری می‌کنند و این را با صراحت بیان نیز می‌کنند حتی اگر منافع حکومت اقتضا کند که دیپلمات‌ها و واقعیت را انکار کنند.

به سلاح اتمی است. در واکنش به این مسائل، عباس عراقچی شنبه شب ۹ نوامبر (۱۹ آبان‌ماه)، گفت: «آیا ترور اسماعیل هنیه بلافاصله بعد از مراسم تحلیف رئیس‌جمهور ما را به یاد می‌آورد؟ همه می‌دانند چه کسی و چرا آن را انجام داد.» او افزود: «اکنون با انتخاباتی دیگر یک سناریوی جدید با هدفی مشابه ساخته شده است: البته از آنجا که قاتلی در واقعیت وجود ندارد، فیلمنامه‌نویسان یک کمدی پیش‌پاافتاده ساخته‌اند. کدام عقل سلیمی می‌تواند باور کند که یک قاتل فرضی در ایران نشسته و با افس‌بی‌آی آنلین صحبت می‌کند؟»

عراقچی در مورد انتخاب ترامپ توضیح داد: «مردم آمریکا تصمیم خود را گرفته‌اند. و ایران به حق آنها برای انتخاب رئیس‌جمهور مورد نظرشان احترام می‌گذارد. مسیر پیش رو نیز یک انتخاب است. و این انتخاب، با احترام شروع می‌شود.»

وی در پایان نیز ادعا کرد که رژیم «ایران دنبال سلاح‌های هسته‌ای نیست، تمام! این سیاست مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و محاسبات امنیتی ما است. اعتمادسازی به صورت متقابل مورد نیاز است. این خیابان یکطرفه نیست.» عراقچی در شرایطی تلاش‌های جمهوری اسلامی برای ترور ترامپ را انکار می‌کند که بارها مقامات ارشد سیاسی و فرماندهان سپاه در مورد ضرورت کشتن ترامپ به انتقام ترور قاسم سلیمانی تأکید کرده‌اند.

امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران اسفند ۱۴۰۱ در یک برنامه زنده تلویزیونی عنوان می‌کند که «انشالله بتوانیم ترامپ را بکشیم، ترامپ را باید کشت.»

موارد تهدید برای ترور ترامپ کم نیست. اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس»، دی‌ماه ۱۳۹۹ در یک سخنرانی در

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گزارش وزارت دادگستری آمریکا مبنی بر تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای کشتن دونالد ترامپ را رد کرد و آن را «سناریوی جدید» خواند.

موارد تهدید برای ترور ترامپ کم نیست. اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس» دی‌ماه ۱۳۹۹ در یک سخنرانی در اولین مراسم سالگرد کشته شدن سلیمانی تأکید کرد، «انتقام قطعی است» و خطاب به رهبران آمریکا گفت: «ممکن است از داخل خانه‌تان پاسخ جنایت‌تان را بدهند.»

امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران اسفند ۱۴۰۱ در یک برنامه زنده تلویزیونی، عنوان می‌کند که «انشالله بتوانیم ترامپ را بکشیم، ترامپ را باید کشت.»

ابراهیم رئیسی رئیس دولت پیشین جمهوری اسلامی که در سانحه سقوط مشکوک هلی‌کوپتر کشته شد، دی‌ماه ۱۴۰۰ در یک سخنرانی رسمی تهدید کرد که «ترامپ و پمپئو باید محاکمه و قصاص شوند وگرنه دست انتقام از آستین ملت بیرون خواهد آمد.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی گزارش وزارت دادگستری آمریکا مبنی بر تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای کشتن دونالد ترامپ را رد کرد و آن را «سناریوی جدید» خواند. او همچنین تلاش حکومت برای دستیابی به سلاح اتمی را نیز رد کرد.

وزارت دادگستری آمریکا جمعه ۸ نوامبر (۱۸ آبان‌ماه) در بیانیه‌ای اعلام کرد علیه فردی به نام فرهاد شاکری و دو نفر دیگر به اتهام همکاری با سپاه پاسداران برای ترور ترامپ کیفرخواست صادر کرده است. همزمان برخی رسانه‌های بین‌المللی با استناد به مواضع مقامات تهران گزارش دادند که رژیم ایران با تلاش برای خروج از تنگنا به دنبال دستیابی

قطر به درخواست آمریکا رهبران حماس را اخراج می‌کند؛ شبکه «المیادین»: صحت ندارد!



دیدار مسعود پزشکیان و خالد مشعل در قطر / مهرماه ۱۴۰۳



دیدار تروریست‌ها در دوحه: سال‌هاست قطر پاتوق رهبران طالبان و حماس است

بدهد، موافقت کند.

المیادین: صحت ندارد!

اما در واکنش به این موضوع، شبکه «المیادین» وابسته به حزب‌الله به نقل از یک «منبع آگاه» گزارش داد که ادعاها در مورد تصمیم دولت قطر برای اخراج حماس صحت ندارد. این منبع تأکید کرد: «آنچه توسط رسانه‌های صهیونیستی در اینباره منتشر شده تلاشی گسترده از سوی اسرائیل برای ایجاد فشار بر جنبش حماس است.»

اوایل سال ۲۰۲۴ وزارت دادگستری ایالات متحده شماری از مسئولان ارشد حماس را به دخالت در حمله «هفت اکتبر» به اسرائیل متهم کرد.

در حال حاضر دست‌کم یکی از رهبران حماس، خالد مشعل، در قطر اقامت دارد. اسماعیل هنیه رهبر قبلی حماس نیز که در تهران کشته شد، در دوحه اقامت داشت. او برای حضور در مراسم تحلیف ریاست جمهوری مسعود پزشکیان از دوحه به تهران رفت اما دیگر برنگشت!

آنتونی بلینکن وزیر خارجه دولت بایدن نیز تابستان از قطر خواسته بود به حماس هشدار دهد که اگر با توقف جنگ در غزه موافقت نکنند، با خطر اخراج رهبرانش از دوحه مواجه خواهد شد.

روزنامه «نشنال» اوایل تیرماه ۱۴۰۳ گزارش داد، کادر رهبری حماس پس از مشورت با تهران، در حال بررسی انتقال از دوحه پایتخت قطر به عراق هستند.

گفته شده بود، جمهوری اسلامی ایران مسئولیت حفاظت از رهبران، دفاتر و کارکنان حماس در بغداد را بر عهده خواهد گرفت. با این حال، بر اساس گزارش وبسایت روزنامه اسرائیلی «یدیوت آحرانوت»، حماس این ادعاها را رد کرد و نوشت که «گزارش‌ها در مورد برنامه‌ریزی حماس برای ترک قطر و انتقال به عراق حقیقت ندارد.»

بود کاهش یافت، مقامات آمریکایی حدود دو هفته پیش به قطری‌ها پیام دادند که اقامت رهبران حماس در قطر باید پایان یابد.

بر همین اساس گفته می‌شود حکومت قطر با این درخواست موافقت کرده و حدود یک هفته پیش به حماس اطلاع نیز داده است.

یک مقام ارشد دولت آمریکا به سی‌ان‌ان می‌گوید: «حماس یک گروه تروریستی است که آمریکایی‌ها را کُشت و همچنان به گروگان گرفتن آمریکایی‌ها ادامه می‌دهد و پس از رد پیشنهادات مکرر برای آزادی گروگان‌ها، دیگر نمی‌توان از رهبران آن در پایتخت‌های هیچیک از شرکای آمریکایی استقبال کرد.»

در جریان جنگ و مذاکرات برای بازگرداندن گروگان‌ها به آمریکا، مقامات آمریکایی از قطر خواستند که از «تهدید به اخراج» به عنوان اهرم فشار در مذاکرات خود با حماس استفاده کند.

انگیزه نهایی قطر برای موافقت با اخراج حماس اخیراً پس از مرگ هرش گلدبرگ پائولین گروگان آمریکایی-اسرائیلی و رد مجدد پیشنهاد آتش‌بس توسط حماس مطرح شد.

به گزارش سی‌ان‌ان قطر یکی از بازیگران اصلی تلاش‌ها در سال گذشته برای تضمین آتش‌بس بین اسرائیل و حماس بوده است و تا حدی به دلیل حضور اعضای ارشد حماس در قطر بخش عمده مذاکرات در دوحه انجام شد.

مشخص نیست که اعضای حماس دقیقاً چه زمانی از قطر اخراج خواهند شد و به کجا خواهند رفت. یک مقام آمریکایی به سی‌ان‌ان گفت که حماس برای خروج از قطر فرصت زیادی ندارد.

در حالی که ترکیه به عنوان گزینه احتمالی تلقی می‌شود، بعید است که ایالات متحده با این سناریو نیز به همان دلایلی که نمی‌خواهد قطر به رهبری حماس پناهندگی

سی‌ان‌ان روز شنبه ۹ نوامبر (۱۹ آبان‌ماه) به نقل از منابع آمریکایی و قطری گزارش داد که قطر در هفته‌های اخیر با درخواست آمریکا برای اخراج حماس از خاک خود موافقت کرده است.

● یک مقام ارشد دولت آمریکا به سی‌ان‌ان می‌گوید: «حماس یک گروه تروریستی است که آمریکایی‌ها را کُشت و همچنان به گروگان گرفتن آمریکایی‌ها ادامه می‌دهد و پس از رد پیشنهادات مکرر برای آزادی گروگان‌ها، دیگر نمی‌توان از رهبران آن در پایتخت‌های هیچیک از شرکای آمریکایی استقبال کرد.»

● در حالی که ترکیه به عنوان گزینه احتمالی تلقی می‌شود، اما بعید است که ایالات متحده با این سناریو موافقت کند.

● در حال حاضر دست‌کم یکی از رهبران حماس، خالد مشعل، در قطر اقامت دارد. اسماعیل هنیه رهبر سابق حماس نیز که در تهران کشته شد، در دوحه اقامت داشت. او برای حضور در مراسم تحلیف ریاست جمهوری مسعود پزشکیان از دوحه به تهران رفت اما دیگر برنگشت!

سی‌ان‌ان روز شنبه ۹ نوامبر (۱۹ آبان‌ماه) به نقل از منابع آمریکایی و قطری گزارش داد که قطر در هفته‌های اخیر با درخواست آمریکا برای اخراج حماس از خاک خود موافقت کرده است. اما شبکه المیادین وابسته به حزب‌الله لبنان مدعی شده است که این خبر صحت ندارد.

شماری از رهبران ارشد گروه تروریستی حماس سال‌هاست در دوحه پایتخت قطر زندگی می‌کنند. پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» فشار برای اخراج آنها از این کشور به شدت زیاد شده است.

از آنجا که تلاش‌ها برای متوقف کردن جنگ بین اسرائیل و حماس، که اولویت اصلی جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا

نفوذ موساد در «بیت رهبری» و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

می شوند. عضو پیشین سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه سپس افزود: «برای پی بردن به عمق نفوذ موساد در رژیم ایران و نیروهای نیابتی‌اش باید در نظر داشت که حسن نصرالله هرگز دو شب متوالی را در یک محل نمی‌خوابیده و بیش از دو ساعت در یک مکان نمی‌مانده و ردیابی او بسیار دشوار بوده و پس از انفجار وسایل ارتباطی اعضای حزب‌الله نیز حسن نصرالله حتی یک گرم وسیله الکترونیک با خود حمل نمی‌کرد».

به نظر وی، اگر اسرائیل توانست حسن نصرالله را در ساعت و محل دقیق آنهم با پرتاب ده‌ها موشک سنگر شکن به قتل برساند علت‌اش این بود که فردی در لحظه‌ای حساس اطلاعات دقیق را به موساد رسانده است.

عضو پیشین سرویس‌های اطلاعات خارجی فرانسه ادامه داد: اگر رژیم تهران متوجه مسئله نفوذ موساد در ارکان خود شده، اما، ناتوان از حل آن است آنهم به دلیل شمار زیاد مأموران سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل یا تعداد زیادی

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل، یکشنبه دهم نوامبر اعلام کرد که فرمان این عملیات را خود او صادر کرده است. گفتنی است، علی لاریجانی در اظهارات روز جمعه خود، با اشاره به همین عملیات و همچنین قتل محسن فخری زاده، مسئول برنامه اتمی نظامی حکومت تهران گفت: «شما با دشمنی روبرو هستید که سال‌ها فکر می‌کند و در یک آن به شما آسیب می‌رساند».

خبرگزاری فرانسه با اشاره به اظهارات لاریجانی نوشته، سخنان او در واقع بر ناتوانی سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از نفوذ اسرائیل در ایران تأکید دارد. الکساندر گرینبرگ پژوهشگر بنیاد امنیت و راهبرد اورشلیم به خبرگزاری فرانسه گفته است که در زمان انفجار دستگاه‌های ارتباطی اعضای حزب‌الله رهبران این گروه انتظار داشتند که سرویس‌های اطلاعاتی ایران به یاری آنان بشتابند غافل از اینکه اگر از دست این سرویس‌ها کاری ساخته بود، اول از همه به کمک خودشان می‌شتافتند. به

● کارشناس مسائل ایران در کنگره آمریکا: « میزان نارضایتی در تمام وزارتخانه‌ها، ادارات، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و استانداری‌ها به حدی بالاست که بسیاری حتی در درون حکومت آماده‌اند تا در ازای دریافت پول به اسرائیل یاری برسانند، زیرا همگی با رژیم اسلامی مخالفند.»

● مدیر برنامه‌های «اتحاد علیه ایران هسته‌ای»: « ارکان‌های امنیتی سپاه پاسداران مملو از افراد نفوذی است و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران تا پایین‌ترین سطوح این نیرو را به کار گرفته‌اند. از آن بدتر در میان نزدیکترین اطرافیان علی خامنه‌ای مأموران نفوذی موساد لانه کرده‌اند.»

مدیر برنامه‌های «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» گفته است که ارکان‌های امنیتی سپاه پاسداران و «بیت رهبری» پر از افراد نفوذی موساد (سرویس اطلاعاتی اسرائیل) است و بسیاری بغل گوش خامنه‌ای برای سرویس‌های اطلاعاتی خارجی کار می‌کنند یا مستعدند که به استخدام آنها درآیند. به گفته یک عضو پیشین سرویس اطلاعاتی فرانسه، موساد ساختارهای متعددی در داخل ایران دارد که قادرند هر لحظه وارد عمل شوند.

مسعود پزشکیان رئیس جمهوری رژیم اسلامی دوشنبه ۲۱ آبان در ملاقات با برخی کارشناسان اقتصادی کشور گفت که او در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری و پس از پیروزی در این انتخابات همواره تأکید کرده است که به دنبال درگیری و جنگ با اسرائیل نیست و تمرکز او صرفاً «معطوف به توسعه کشور» است، اما، از همان روز نخست روی کار آمدن، اسرائیل با کشتن اسماعیل هنیه آنهم در قلب تهران و جایی که توسط سپاه پاسداران محافظت می‌شد، در برنامه‌های او اختلال ایجاد کرد.

با این سخنان، پزشکیان، خواسته یا ناخواسته، به عمق و نفوذ گسترده موساد در عالی‌ترین مراتب امنیتی و قدرت در ایران اعتراف کرده است. خبرگزاری فرانسه در گزارشی در همین مورد دو عامل نارضایتی و فلاکت اقتصادی جمهوری اسلامی را مهمترین بستر نفوذ موساد در تمام ارکان اصلی قدرت در ایران دانسته است. نفوذی که بیش از پیش به منشاء نگرانی‌های علنی رهبران حکومت تهران نیز بدل شده است.

برای نمونه، جمعه نوزدهم آبان‌ماه علی لاریجانی رئیس پیشین مجلس و مشاور علی خامنه‌ای، در مصاحبه‌ای کم‌سابقه با تلویزیون جمهوری اسلامی نسبت به مسئله نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی خارجی در رژیم که به گفته او ریشه در سال‌ها بی‌توجهی زمامداران دارد، هشدار داد و تلاش‌های سرویس‌های اطلاعاتی نظام برای مقابله با این نفوذ را ناموفق دانست.

قتل اسماعیل هنیه در تهران، حسن نصرالله و جان‌نشین او در بیروت و همچنین کلیه فرماندهان نظامی حزب‌الله نشان داد که مسئله نفوذ موساد فقط شامل ارکان‌های مهم حکومتی در ایران نمی‌شود، بلکه مهمترین نیروهای نیابتی تهران (حزب‌الله و حماس) را نیز در بر می‌گیرد. در نتیجه‌ی همین نفوذ در سپتامبر گذشته موساد توانست با منفجر کردن وسایل ارتباطی حزب‌الله در عرض چند ثانیه ۳۹ تن از اعضای حزب‌الله را به قتل برساند و سه هزار نفر دیگر از آنان از جمله سفیر جمهوری اسلامی در بیروت را مجروح کند.



علی خامنه‌ای در حال اقامه نماز در جمع فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی / آوریل ۲۰۲۴

که حاضرند به مأموران موساد ببینوند بطوری که کنترل از دست رژیم ایران خارج شده است.

جیسون برودکسی مدیر برنامه‌های «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» گفته: «ارکان‌های امنیتی سپاه پاسداران پر از افراد نفوذی است و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران تا پایین‌ترین سطوح این نیرو را به کار گرفته‌اند. از آن بدتر در میان نزدیکترین اطرافیان علی خامنه‌ای مأموران نفوذی موساد لانه کرده‌اند.»

خبرگزاری فرانسه همچنین نوشته که «بیت رهبری» یک دستگاه بوروکراتیک گسترده است و بسیاری در آن برای سرویس‌های اطلاعاتی خارجی کار می‌کنند یا بسیار مستعدند که به استخدام سرویس‌های قدرت‌های خارجی درآیند. این خبرگزاری بعید ندانسته که اسرائیل بار دیگر توانایی خود را در این زمینه به نمایش بگذارد.

عضو پیشین سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه به خبرگزاری فرانسه گفته: «مطمئنم که موساد ساختارهای متعددی در ایران دارد که قادرند هر لحظه وارد عمل شوند.»

نوشته این خبرگزاری برای مقابله با این نفوذ، دیگر از دست رژیم ایران کاری ساخته نیست چون جمهوری اسلامی با یک وضعیت اقتصادی دشوار و فقدان محبوبیت و مشروعیت در میان مردم روبروست.

از سوی دیگر، کنت کاترمن کارشناس مسائل ایران در کنگره آمریکا به خبرگزاری فرانسه گفته: «درجه نارضایتی در تمام وزارتخانه‌ها، ادارات، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و استانداری‌ها تا حدی بالاست که بسیاری حتی در درون حکومت آماده‌اند تا در ازای دریافت پول به اسرائیل یاری برسانند، زیرا همگی با رژیم اسلامی مخالفند.» یک عضو پیشین سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه با اشاره به همین وضعیت به این خبرگزاری گفته است که این اوضاع عمومی بستر رونق همکاری با قدرت‌های خارجی در درون جمهوری اسلامی است.

به گفته‌ی همین منبع، قتل حسن نصرالله ثابت کرد که این منابع انسانی هنگامی که با فنون عالی اطلاعاتی اسرائیل ترکیب می‌شوند قادر به انجام ماموریت‌های شگفت انگیز

رئیس پیشین سیا: «چک سفید به نتانیاهو برای جنگ علیه رژیم ایران»



لئون ادوارد پانته‌ئا

نتانیاهو خواستار گسترش و تشدید جنگ و نگرانی در منطقه است؟» وی بعید ندانسته که دونالد ترامپ با کنترل بخش‌هایی از اوکراین توسط روسیه نیز موافقت کند.

پانته‌ئا شرایط و موقعیت کنونی جهان را بسیار خطرناک دانسته و خاورمیانه، جمهوری اسلامی و تروریسم را از کانون‌های اصلی خطر جنگ در جهان دانسته است. او افزود: «رئیس جمهوری منتخب آمریکا بارها بر مهارت‌های خود برای پیشگیری از جنگ و دستیابی به توافق صلح تأکید کرده است، اما، روش او در عمل چیزی جز تسلیم در مقابل مستبدان و اقتدارگرایان نبوده و بعید است که حتی حزب جمهوریخواه آمریکا با چنین رویکردی که دست مستبدان را باز می‌گذارد موافقت کند.»

هفته‌نامه فرانسوی «لوپوئن» در سرمقاله خود به مناسبت پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده نوشته: «پیروز واقعی این انتخابات در صحنه بین‌المللی، اسرائیل و شخص نخست وزیر آن کشور بنیامین نتانیاهو است.»

«لوپوئن» تأکید کرده که با بازگشت ترامپ به کاخ سفید، نخست وزیر اسرائیل از این پس از حمایت سیاسی- نظامی قدرتمندتر واشنگتن برخوردار خواهد بود.

این هفته‌نامه فرانسوی افزود: «دونالد ترامپ با تمام نیرو کوشش خواهد کرد تا در خاورمیانه ائتلافی مرکب از اسرائیل و عربستان را در مقابل جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش قرار دهد.»

«لوپوئن» با صراحت نوشته، از جمله نخستین اقدامات دونالد ترامپ پس از بازگشت به کاخ سفید، از سر گرفتن سیاست «فشار حداکثری» علیه رژیم تهران خواهد بود به ویژه اینکه سرویس‌های جاسوسی جمهوری اسلامی تلاش کردند ترامپ را در جریان کارزار انتخاباتی آمریکا به قتل برسانند.

لوپوئن در پایان ادعا کرده است که روی کار آمدن دوباره ترامپ، با خطر جنگ منطقه‌ای در خاورمیانه همزمان خواهد بود.

● رئیس پیشین سازمان اطلاعات آمریکا یادآور شده که پیش از انتخابات پنجم نوامبر، دونالد ترامپ حمایت کامل خود را از همه اقدامات بنیامین نتانیاهو اعلام کرده بود.

لئون پانته‌ئا وزیر دفاع و رئیس پیشین سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) گفته: «دونالد ترامپ یک چک سفید به نخست وزیر اسرائیل برای جنگ علیه رژیم ایران خواهد داد و این احتمالاً به معنای یک کشمکش و نبرد تمام‌عیار با جمهوری اسلامی خواهد بود.»

رئیس پیشین سازمان اطلاعات آمریکا یادآور شده که پیش از انتخابات پنجم نوامبر، دونالد ترامپ حمایت کامل خود را از همه اقدامات بنیامین نتانیاهو اعلام کرده بود. او ادامه داد: «اکنون مسئله اصلی این است که آیا

مقامات اسرائیلی می‌گویند، «این اسناد روش حکومت سازمان تروریستی حماس در نوار غزه را فاش می‌کند که ترور را به آنها تحمیل کرده و آزادی بیان شهروندان را نقض می‌کند، در حالی که آنها در معرض آسیب‌های ناشی از این سازمان تروریستی هستند.»

مستندات مربوط به بازجویی‌های بی‌رحمانه از غیرنظامیان غزه که توسط سازمان تروریستی حماس انجام شده، مربوط به سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ است که در طول جنگ کنونی در نوار غزه پیدا شده است.

وزارت خارجه اسرائیل با انتشار تصاویری از این شکنجه‌ها در «ایکس» نوشت: «چقدر تروریست‌های حماس شبیه اربابان خود در جمهوری اسلامی هستند.»

بر اساس تازه‌ترین اطلاعات، نیروهای ارتش اسرائیل و شاپاک به فعالیت‌های خود در نوار غزه برای شناسایی و از بین بردن زیرساخت‌های تروریستی ادامه می‌دهند. طی ماه‌های اخیر مردم غزه چند مرتبه به دلیل قحطی و گرسنگی که توسط حماس به آنها تحمیل شده دست به اعتراض زده‌اند. نیروهای حماس به زور اسلحه کمک‌های امدادی خارجی را سرقت می‌کند و اجازه نمی‌دهند بین مردم توزیع شود.

ارتش اسرائیل فاش کرد: فیلم‌هایی از شکنجه بی‌رحمانه مردم غزه توسط تروریست‌های حماس



تصویری از یک شهروند غزه که یک فرد از نیروهای حماس او را از سقف آویزان کرده است

● بر اساس گزارش ارتش اسرائیل درباره ویدیویی که یکشنبه ۱۰ نوامبر (۲۰ آبان‌ماه) منتشر شد، حماس از شکنجه‌های بی‌رحمانه و سیستماتیک برای بازجویی از کسانی استفاده می‌کرده که مظنون به مخالفت با این گروه تروریستی هستند.

● این ویدیوها که مجموعاً نزدیک به ۴۶ دقیقه است و به مقامات امنیتی حماس ارائه شده، مربوط به فعالیت‌های «پایگاه ۱۷» در غزه است، جایی که در آن غیرنظامیان ساعت‌ها تحت بازجویی قرار گرفته‌اند. بازجوها متهمان را از سقف آویزان کرده و در مواردی آنها را فلک می‌کنند.

● مستندات مربوط به بازجویی‌های بی‌رحمانه از غیرنظامیان غزه که توسط سازمان تروریستی حماس انجام شده، مربوط به سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ است که در طول جنگ کنونی در نوار غزه پیدا شده است.

● وزارت خارجه اسرائیل با انتشار تصاویری از این شکنجه‌ها در «ایکس» نوشت: «چقدر تروریست‌های حماس شبیه اربابان خود در جمهوری اسلامی هستند.»

ارتش اسرائیل با انتشار ویدیویی از دوربین‌های مداربسته افشا کرد که سازمان تروریستی حماس اقدام به شکنجه‌های خشن و بی‌رحمانه غیرنظامیان در غزه کرده است.

بر اساس گزارش ارتش اسرائیل درباره این ویدیو که یکشنبه ۱۰ نوامبر (۲۰ آبان‌ماه) منتشر شد، حماس از شکنجه‌های بی‌رحمانه و سیستماتیک برای بازجویی از کسانی استفاده کرده که مظنون به مخالفت با این گروه تروریستی هستند.

این ویدیوها که مجموعاً نزدیک به ۴۶ دقیقه است و به مقامات امنیتی حماس ارائه شده، مربوط به فعالیت‌های «پایگاه ۱۷» در غزه است، جایی که در آن غیرنظامیان ساعت‌ها تحت بازجویی قرار گرفته‌اند. بازجوها متهمان را از سقف آویزان کرده و در مواردی آنها را فلک می‌کنند.

در گذشته درباره شکنجه و اذیت و آزار مردم غزه توسط گروه‌های تروریستی حماس و جهاد اسلامی گزارش‌هایی منتشر شده بود اما برای نخستین بار است که از این وحشیگری‌ها ویدیوهایی افشا و منتشر می‌شود.

حمله سنگین هوایی آمریکابه پایگاه‌های گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه



هواپیمای اف ۳۵- آمریکا در مأموریت نیروهای سنتکام در منطقه

کرد «حملاتی علیه انبارهای سلاح و تأسیسات لجستیک گروه‌های مرتبط با ایران در یمن و سوریه انجام دادیم.» سرلشکر پت رایدر سخنگوی نیروی هوایی پنتاگون نیز طی یک نشست خبری گفت که نیروهای سنتکام در روزهای شنبه و یکشنبه حملات هوایی علیه چندین انبار تسلیحات حوثی‌ها انجام دادند. رایدر گفت: «این تأسیسات شامل انواع تسلیحات متعارف پیشرفته بود که توسط حوثی‌های مورد حمایت حکومت ایران برای هدف قرار دادن کشتی‌های نظامی و غیرنظامی آمریکا و بین‌المللی که در آب‌های بین‌المللی در دریای سرخ و خلیج عدن استفاده می‌شد.»

در این حملات نیروی هوایی و دریایی آمریکا مشارکت داشتند و مأموریت را جنگنده‌های F-35 انجام دادند. رایدر همچنین تأکید کرد، «همانطور که قبلاً از ما شنیده‌اید، همچنان برای حوثی‌ها روشن خواهیم کرد که حملات غیرقانونی و بی‌پروا آنها پیامد خواهد داشت.» این مقام نظامی توضیح داد که یک روز قبل نیز سنتکام حملاتی را علیه ۹ هدف در دو مکان مرتبط با «گروه‌های ایرانی» در سوریه انجام داد. این حملات در پاسخ به دو حمله به پرسنل آمریکایی در سوریه بود که در ۱۰ نوامبر در شمال شرق سوریه رخ داد. یکی از این حملات شامل یک پهپاد بود، در حالی که حمله دوم با دو موشک صورت گرفت. هیچ آسیبی از سوی ایالات متحده در هر دو حمله گزارش نشده است. ژنرال مایکل اریک کوریل فرمانده نیروهای سنتکام نیز عنوان کرد که ایالات متحده آنچه را لازم است برای دفاع از پرسنل خود در منطقه مسئولیت سنتکام انجام خواهد داد. کوریل افزود: «پیام ما روشن است. حملات علیه ایالات متحده و شرکای ائتلاف در منطقه قابل تحمل نخواهد بود. ما به برداشتن هر گام لازم برای محافظت از پرسنل و شرکای ائتلاف خود و پاسخ به حملات بی‌پروا ادامه خواهیم داد.» طی روزهای اخیر نیروهای آمریکایی در پایگاه نظامی «الشدادی» در استان الحسکه و پایگاه پشتیبانی حوالی میدان گازی «کونیکو» در استان دیرالزور هدف حملات موشکی و پهپادی گروه‌های نیابتی قرار گرفتند.

● جنگنده‌های ارتش آمریکا بامداد چهارشنبه ۱۳ نوامبر (۲۳ آبان‌ماه) سایت‌های وابسته به نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته به آن را در منطقه «الجمعیات» البوکمال در نزدیکی مرز سوریه با عراق هدف حمله قرار دادند.

● شبکه‌های آمیادین وابسته به حزب‌الله اعلام کرد در این حمله دست‌کم سه نفر کشته و پنج نفر دیگر زخمی شدند اما منابع غیررسمی شمار تلفات را بالاتر اعلام کرده‌اند. هنوز مشخص نیست در بین کشته‌شدگان و زخمی‌های نیروهای ایرانی نیز وجود دارند یا نه.

● جنگنده‌های ارتش آمریکا بامداد چهارشنبه ۱۳ نوامبر (۲۳ آبان‌ماه) سایت‌های وابسته به نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته به آن را در منطقه «الجمعیات» البوکمال در نزدیکی مرز سوریه با عراق هدف حمله قرار دادند. شبکه‌های آمیادین وابسته به حزب‌الله اعلام کرد در این حمله دست‌کم سه نفر کشته و پنج نفر دیگر زخمی شدند اما منابع غیررسمی شمار تلفات را بالاتر اعلام کرده‌اند. هنوز مشخص نیست در بین کشته‌شدگان و زخمی‌های ایرانی نیز وجود دارند یا نه. ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در بیانیه‌ای اعلام

حکومتی و تعدادی از مقامات به همکاری سپاه و پاکستان در این رزمایش اشاره کردند. مقامات جمهوری اسلامی ادعا دارند اسرائیل و آمریکا از عملیات‌های مسلحانه علیه نیروهای سپاه و مأموران نیروی انتظامی پشتیبانی می‌کنند.

دو هفته قبل از این ۱۰ سرباز وظیفه در حمله مسلحانه به نیروهای یک واسگاه حوالی تفتان کشته شدند. طی یک ماه گذشته تعداد کشته‌شدگان و زخمی‌های این درگیری به بیش از ۳۰ نفر رسید. در چند مورد گروه «جیش العدل» مسئولیت حمله به پاسگاه‌های سپاه و نیروی انتظامی را پذیرفت. برخی منابع گزارش دادند این درگیری‌ها بهانه‌ای برای بازداشت فعالان سیاسی آن مناطق و افزایش سرکوب‌ها شده است.

ادامه درگیری‌های خونین در مناطق مرزی سیستان و بلوچستان؛

سپاه می‌گوید چهار «تروریست» کشته شدند



عکس: تسنیم

● درگیری‌های مسلحانه شدید میان یگان‌های نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های مسلح در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان همچنان ادامه دارد و تلفات از هر دو طرف بالا می‌رود.

● پس از کشته شدن پنج بسیجی در حمله گروه‌های مسلح، سپاه پاسداران اعلام کرد که در ادامه رزمایش عملیاتی خود در ۴۸ ساعت گذشته چهار «تروریست» وابسته به اسرائیل، را کشته و ۱۲ نفر را نیز بازداشت کرده است.

● برخی منابع محلی گزارش دادند که جمهوری اسلامی و پاکستان این عملیات رزمی را به صورت مشترک انجام دادند اما ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای این موضوع را تکذیب کرد.

درگیری‌های مسلحانه شدید میان یگان‌های نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های مسلح در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان همچنان ادامه دارد و تلفات از هر دو طرف بالا می‌رود.

پس از کشته شدن پنج بسیجی در حمله گروه‌های مسلح، سپاه پاسداران اعلام کرد که در ادامه رزمایش عملیاتی خود در ۴۸ ساعت گذشته چهار «تروریست» وابسته به اسرائیل، را کشته و ۱۲ نفر را نیز بازداشت کرده است.

احمد شفایی سخنگوی «رزمایش عملیاتی شهدای امنیت» که «قرارگاه قدس سپاه» آن را برگزار می‌کند، روز چهارشنبه ۲۳ آبان گفت، «این عملیات با مشارکت یگان‌های صابران، نیرو مخصوص، تکاور، بالگردی، جنگال (جنگ الکترونیک) و یگان‌های مردم‌پایه ورده‌های بسیج و یگان‌هایی از فراجای استان و رده‌های اطلاعاتی از جمله اداره کل اطلاعات استان، سازمان اطلاعات سپاه و فراجا استان همچنان در حال انجام است.» جزئیات زیادی از محورهای این رزمایش مشخص نشده اما از دهم آبان‌ماه درگیری‌ها در مرز ایران و پاکستان بالا گرفته است. برخی منابع محلی گزارش دادند که جمهوری اسلامی و پاکستان این عملیات رزمی را به صورت مشترک انجام دادند اما ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای این موضوع را تکذیب کرد. با اینهمه اما برخی رسانه‌های

عباس پالیزدار پس از سال‌ها سکوت از فساد مقامات ارشد حکومت می‌گوید تا پسر رهبر فاسدان را حلال مشکلات قلمداد کند!

شکایت کردم و شکایتم به نمره رسید.»

او در بخشی از سخنانش درباره گسترش فساد در جمهوری گفته «برخی مقامات امنیتی هم می‌گویند «ما زورمان نمی‌رسد. یعنی زور فاسدین به قدری است که وقتی عنوان یک دستگاه امنیتی وارد پرونده آنها می‌شویم، برخی اجازه نمی‌دهند که پرونده را جلو ببریم. ما تا یک حدی که جلو می‌رویم، می‌گویند آقا دیگر رهائش کن!»

پالیزدار افزوده «آنها (اشاره به افراد حاضر در نهادهای امنیتی)، چون علاقمند هستند که پرونده به جایی برسد به سراغ من می‌آیند و می‌گویند اگر پرونده رسانه‌ای شود، ما دوباره می‌توانیم آن را جلو ببریم تا به نتیجه برسد.»

او می‌گوید ۵۴ هزار صفحه پرونده از فسادهای مقامات جمهوری اسلامی و فرزندانشان تهیه شده بود که اسم ۵۲ مقام آورده شده و فرصت نشد دیگر اسامی مطرح شود. عباس پالیزدار گفته پس از زندانی شدن او، این پرونده هم از دست بررسی خارج شد و هیچکس آن را پیگیری نکرد!

او در بخش دیگری از گفتگو از تهیه خلاصه‌ای از ۵۴ هزار صفحه سند در ۱۸۳ صفحه گزارش می‌گوید که به علی خامنه‌ای رسانده و بعدتر خامنه‌ای در جلسه‌ای از محمود هاشمی شاهرودی رئیس وقت قوه قضاییه پرسیده چرا با این فسادها برخورد نشده و شاهرودی پاسخ داده «این‌ها از علما هستند و ما نمی‌توانیم با آنها برخورد کنیم. من را از ستم برکنار کنید و فرد دیگری را به عنوان رئیس دستگاه قضا بگذارید و از او این کار را بخواهید، من نمی‌توانم با اینها برخورد کنم.»

عباس پالیزدار همچنین گفته فساد از ابتدای انقلاب ۵۷ در ساختار حکومت رخنه کرده و روح‌الله خمینی و علی خامنه‌ای نتوانستند با آن مبارزه کنند اما مجتبی خامنه‌ای می‌تواند: «به نظرم در طول مدت انقلاب، شرایطی وجود داشته که متأسفانه آدم‌های فاسد در بخش‌هایی از حاکمیت حضور پیدا کرده‌اند و شاید امکان برخورد با آنها برای افرادی در گذشته یا حال، حضرت امام و مقام معظم رهبری، فراهم نبوده است. اما من معتقدم آقا مجتبی این روحیه را دارد که با فساد مبارزه جدی کند. نه تنها سرویس‌گیرنده‌ها، بلکه سرویس‌دهنده‌ها را مورد ماخذ و برخورد جدی قرار بدهد و از گردونه سپهر سیاسی و حاکمیتی کشور حذف کند.»

او همچنین مجتبی خامنه‌ای را «گزینه رهبری جمهوری اسلامی» دانسته و گفته «ایشان باید پذیرای مباحث دیگری غیر از مبارز با فساد هم باشد؛ مثل آزادی‌های اجتماعی، آزاد کردن فعالین سیاسی از زندان و... ما اصلاً نباید یک فعال سیاسی هم در زندان داشته باشیم، در هیچ سطوحی. باید این فضای اعتراضی کشور را از خیابان خارج و به فضای نقد در رسانه تبدیل کنیم. اگر افراد و گروه‌ها حرف‌شان را در رسانه بزنند، بدون این که مورد برخورد قرار بگیرند، دیگر نیازی نیست به خیابان بیایند و فضای اعتراضی ایجاد کنند. امیدواریم با آمدن آقا مجتبی، این فضا باز شده و شرایط برای این موضوعات فراهم شود.»

یکی از ادعاهای عباس پالیزدار در دهه هشتاد این بود که سقوط هواپیمای رحمان دامن وزیر وقت راه و ترابری دولت محمد خاچی، عمدی بوده و او ترور شده است. او درباره پرونده‌ای که برای تحقیق درباره مرگ رحمان دامن تشکیل شده بود نیز توضیح داده «جعبه



عباس پالیزدار

برسد. او گفته که «با آمدن آقا مجتبی در عرصه رهبری آینده کشور، اصلاحات بنیادین اتفاق می‌افتد. کسی را بالاتر از ایشان نداریم که مشرف به مسائل اجرایی و شرایط کشور باشد. ایشان همچنین توانایی آن را دارند که گردن مفسدان اقتصادی را بشکنند» و حتی گفته حاضر است «مأمور ویژه» مجتبی خامنه‌ای برای برخورد جدی با فساد باشد!

عباس پالیزدار همچنین به سعید مرتضوی اشاره کرده که در اواخر دهه هشتاد نام او را در کنار دیگر مقامات فاسد جمهوری اسلامی آورد و حالا می‌گوید تاوان افشای این اسامی را هم داده است: «من اسامی را افشا کردم هر چند هزینه سنگینی مانند زندان را تحمل کردم. آقای سعید مرتضوی... البته حالا باید با احتیاط به ایشان، آقا بگویم. معلوم نیست ایشان آقا باشند. چون واقعا کسی که اینهمه جنایت کرده است، نباید لقب آقا به او داده شود. او بارها گفت که اعدام می‌شوی. در دوران انفرادی به بند ۲۴۱ اوین می‌آمد و می‌گفت: فکر می‌کنی که از اینجا زنده بیرون می‌روی. مطمئن باش خودم اعدام می‌کنم و چهارپایه را از پایت می‌کشم.»

عباس پالیزدار گفته رد پای سعید مرتضوی در فروش سوالات کنکور، در کنار پسر محمد جاسبی رئیس وقت دانشگاه آزاد وجود داشته است. او گفته مرتضی «نه تنها به من فشار آورد بلکه به همسر هم فشار می‌آورد. وقتی همسر برای گرفتن وقت ملاقات نزد سعید مرتضوی رفته بود، ایشان گفته بود: «خانم چندتا بچه دارید؟» همسر پاسخ داده بود: «۴ تا». مرتضوی گفته بود: «با چهار تا بچه علاف پالیزدار نشو و برو یک پدر برای بچه‌هایت پیدا کن. ایشان حداقل حکم‌شان اعدام است.» این لفظ را برای همسر من به کار برده بود و افراد دیگری هم شاهد هستند که این لفظ را به کار بردند. بعد از اینکه از زندان بیرون آمدم بابت این موضوعات در دادرسی قضات از ایشان

● عباس پالیزدار در سال ۱۳۸۷ و پس از چند سخنرانی درباره فسادهای مقامات ارشد حکومت به اتهام سوء استفاده مالی، افترا، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و پخش شایعه بازداشت و زندانی شد.

● عباس پالیزدار گفته فساد از ابتدای انقلاب ۵۷ در ساختار حکومت رخنه کرده و روح‌الله خمینی و علی خامنه‌ای نتوانستند با آن مبارزه کنند اما خودش مدعی است که مجتبی خامنه‌ای، پسر رهبر فاسدان، اگر رهبر شود می‌تواند با فساد مبارزه کند!

● پالیزدار گفته تمام فسادهای انجام شده اول در بیت آقایان اتفاق افتاده است. یعنی اول بچه، داماد، عروس یا اطرافیان مسئولان را تحریک کرده‌اند و گفته‌اند مگر نمی‌خواهید از این شرایط بیرون بیایید، پس این کار را انجام بدهید.

● او گفته «اولین کسی بودم که آژیر دزدی را در جمهوری اسلامی به صدا درآوردم» و «پیام دستگیری من چراغ سبزی به مفسدین بود که بخورید و پچاپید. غیر از این نیست.»

عباس پالیزدار عضو هیئت تفحص از قوه قضاییه در دهه ۸۰ در گفتگویی جدید به بخشی از پرونده‌های فساد مقامات ارشد حکومت اشاره کرده و گفته است «پرونده فساد محمد یزدی اندازه قد من بود». عباس پالیزدار در بخش دیگری از سخنانش گفته مفسدین در بدنه دولت‌ها رخنه کرده‌اند و مدعی شده مجتبی خامنه‌ای، پسر رهبر فاسدان، در صورتی که جانشین پدرش شود توان مبارزه با فساد را دارد.

عباس پالیزدار نماینده قوه قضاییه در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس دوره هفتم و عضو هیئت تفحص از قوه قضاییه در دهه ۸۰ بود. او در سال ۱۳۸۷ پس از چند سخنرانی درباره فسادهای مقامات ارشد حکومت به اتهام سوء استفاده مالی، افترا، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و پخش شایعه بازداشت شد. او در نهایت به ۱۰ سال زندان محکوم شد و در حالی که ۱۳ ماه پس از بازداشت، مدت کوتاهی برای درمان سرطان همسرش با سپردن وثیقه از زندان آزاد شده بود، در مهر ۱۳۹۰ بار دیگر بازداشت شد. برخی از تحلیلگران سیاسی بر این عقیده‌اند که فهرست لیست ۵۲ اسامی پالیزدار از مقامات و آقازاده‌های فاسد، همان لیستی است که محمود احمدی‌نژاد در دوره ریاست جمهوری‌اش بارها اعلام کرد که به عنوان لیست مفسدان اقتصادی در جیب خود دارد. هرچند محمود احمدی‌نژاد و عباس پالیزدار در ابتدا رابطه خوبی با هم داشتند اما این رابطه بعدها تیره و تار شد.

عباس پالیزدار که پیش از بازداشت گفته بود فساد ۴۴ نفر از روحانیون حکومتی و مسئولین بلند پایه کشوری، احراز شده است، اکنون پس از حدود یک دهه سکوت در گفتگویی با وبسایت «دیده‌بان ایران» توضیحاتی درباره فسادهای حکومتی مطرح کرده است.

عباس پالیزدار در جبهه هم حضور داشته و گفته می‌شود که جانباز ۴۵ درصد است و چند ماه در «گردان حبیب لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله» در کنار مجتبی خامنه‌ای بوده است. وی حالا در گفتگو با «دیده‌بان ایران» ابراز امیدواری کرده که رهبری آینده جمهوری اسلامی به مجتبی خامنه‌ای

تیراندازی به دو هواپیمای مسافربری در هائیتی؛ لغو پرواز سه ایرلاین آمریکایی به فرودگاه «پورتو پرنس»



عکس: رویترز

به سفر به این کشور هشدار داده بودند. شرکت «آمریکن ایرلاین» نیز اعلام کرد که پرواز به هائیتی را به حالت تعلیق درآورده است.

مقامات هوانوردی محلی به «ای بی سی نیوز» گفتند که پرواز NK951 خطوط هوایی «اسپیریت» که از فلوریدا به مقصد پورتو پرنس پرواز می‌کرد، پس از چهار بار شلیک گلوله در حین فرود، مجبور به تغییر مسیر به جمهوری دومینیکن شد. این هواپیما به سلامت فرود آمد اما گزارش شد که یکی از مهمانداران هواپیما جراحات جزئی دیده است.

سفارت آمریکا در هائیتی در بیانیه‌ای اعلام کرد که تمامی پروازهای داخل و خارج از فرودگاه بین‌المللی «توسن لوورتور» در پورتو پرنس متوقف شده است.

در این بیانیه آمده، «از تلاش‌های گروه‌های تبهکار برای جلوگیری از سفر به پورتو پرنس که ممکن است شامل خشونت‌های مسلحانه، اختلال در جاده‌ها، بنادر و فرودگاه‌ها باشد، آگاه هستیم.»

اوضاع امنیتی در هائیتی به دلیل اختلافات و کشمکش‌های سیاسی مسلحانه میان جریان‌ها و باندهای مختلف بهم ریخته است.

سی‌ان‌ان در گزارشی می‌نویسد، «هائیتی نزدیک به یک سال است که با فعالیت گسترده باندهای تبهکار و هرج و مرج سیاسی روبروست و بازیگران بین‌المللی نیز در هفته‌های اخیر تحت تأثیر خشونت مستقیم قرار گرفته‌اند.

ماه گذشته یک هلیکوپتر سازمان ملل در حین پرواز بر فراز پورتو پرنس مورد اصابت گلوله قرار گرفت... در اواخر فوریه و اوایل ماه مارس، حملات گروه‌های گروهبی باعث بسته شدن فرودگاه و بندر اصلی در پایتخت هائیتی شد و منابع حیاتی مواد غذایی و کمک‌های بشردوستانه به این کشور حوزه کارائیب را مسدود کرده است.»

● تیراندازی به دو هواپیمای مسافربری در فرودگاه «پورتو پرنس» هائیتی، باعث متوقف شدن پروازهای چند ایرلاین از جمله «اسپیریت ایرلاینز»، «جت بلو» و «آمریکن ایرلاین» به این کشور شد.

● مقامات هوانوردی محلی به «ای بی سی نیوز» گفتند که پرواز NK951 خطوط هوایی «اسپیریت» که از فلوریدا به مقصد پورتو پرنس پرواز می‌کرد، پس از چهار بار شلیک گلوله در حین فرود، مجبور به تغییر مسیر به جمهوری دومینیکن شد. این هواپیما به سلامت فرود آمد اما گزارش شد که یکی از مهمانداران هواپیما جراحات جزئی دیده است.

● سفارت آمریکا در هائیتی در بیانیه‌ای اعلام کرد که تمامی پروازهای داخل و خارج از فرودگاه بین‌المللی «توسن لوورتور» در پورتو پرنس متوقف شده است.

-اوضاع امنیتی در هائیتی به دلیل اختلافات و کشمکش‌های سیاسی مسلحانه میان جریان‌ها و باندهای مختلف بهم ریخته است.

شلیک به دو هواپیمای مسافربری در فرودگاه «پورتو پرنس» هائیتی، باعث متوقف شدن پروازهای چند ایرلاین به این کشور شد.

یک هواپیمای مسافربری متعلق به شرکت آمریکایی «اسپیریت ایرلاینز» روز دوشنبه ۱۱ نوامبر (۲۱ آبان‌ماه) هنگام فرود در فرودگاه «پورتو پرنس» هائیتی مورد اصابت گلوله قرار گرفت.

صبح همان روز نیز یک هواپیمای مسافربری متعلق به شرکت «جت بلو» که از پایتخت هائیتی به مقصد نیویورک پرواز می‌کرد مورد اصابت قرار گرفت.

مدیران هر دو شرکت اعلام کردند که به دلیل مسائل امنیتی، پرواز به هائیتی را به حالت تعلیق در می‌آورند. این در شرایطی است که قبلاً مقامات ایالات متحده نسبت

سپاه هواپیما توسط دستگاه‌های بررسی کننده خارج از کشور بررسی شده و به کشور آمده بود. سازمان بازرسی کل کشور هم روی این مطلب گزارشی تهیه کرده بود و گفتند که طبق پیمان‌های بین‌المللی، اصلاً نباید پرواز صورت می‌گرفت. آن خلبانی که مسئولیت این پرواز را برعهده گرفته بود، طبق معاهدات بین‌المللی، حق انجام آن پرواز را نداشت. خلبان باید قبل از این پرواز در آن مسیر پرواز می‌کرد. این در حالی بود که اصلاً سابقه پرواز در آن مسیر را نداشت. حتی خلبان آن پرواز به عنوان کمک‌خلبان هم در آن مسیر پرواز نکرده بود. به همین دلیل حق پرواز نداشته و این پرواز به صورت دستوری، انجام شده بود.»

عباس پالیزدار گفته معدن طلای موهه اصفهان از جمله منابعی بود که در اختیار خانواده هاشمی شاهرودی قرار داشت. در پرونده‌ای متعلق به زمین‌خواری در دماوند اسم غلامحسین حداد عادل و خواهرش وجود داشته که پدرزن و عمه همسر مجتبی خامنه‌ای هستند.

او همچنین درباره پرونده‌های متعدد فساد محمد یزدی از مقامات قوه قضاییه جمهوری اسلامی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مجلس خبرگان رهبری و شورای عالی حوزه‌های علمیه نیز گفته «پرونده او هم قد من بود». یکی از پرونده‌های فساد محمد یزدی تصاحب شرکت لاستیک دنا بود. همچنین زمین‌خواری و جنگل‌خواری ۳ هزار هکتار در خلیل‌محله بهشهر توسط پسر محمد یزدی، یکی دیگر از پرونده‌ها مرتبط با گرفتن یک میلیارد تومان از رئیس قوه قضاییه استان هرمزگان برای خرید خانه‌اش بود. پالیزدار توضیح داده که «حالا رئیس دادگستری هرمزگان چطور پول را تهیه کرده بود؟ لنج‌های مردم را در خلیج فارس بازداشت و توقیف کرده بود. جنس‌های آنها را فروختند و پول را برایشان واریز کردند. بعد طبق قانون، جنس‌هایی که توقیف کردند، اگر دارای برگ سبز و اسناد گمرکی نباشند، قاچاق محسوب می‌شود. پول اینها باید به ستاد مبارزه با قاچاق و جاهایی دیگری باید می‌رفت. این مورد را قانون‌گذار گفته است. آنهایی که اشتباه گرفتند، برای اینکه سریع‌الفساد بوده است، برای این که از بین برود، باید سریع به فروش می‌رساندند. باید کارشناس آن را محاسبه کند و پول آن را برگرداند.»

او معتقد است همه فسادها از بیت آخوندهای حکومتی آغاز شده است: «طبق آسیب‌شناسی که من انجام داده‌ام، تمام فسادهای انجام شده اول در بیت آقایان اتفاق افتاده است. یعنی اول بچه، داماد، عروس یا اطرافیان مسئولان را تحریک کرده‌اند و گفته‌اند مگر نمی‌خواهید از این شرایط بیرون بیایید، پس این کار را انجام بدهید. خلاف نیست و فقط حمایت کرده‌اید که یک کار اقتصادی شکل بگیرد. چون آنها فهم لازم را نداشته‌اند و در تقوا هم متاسفانه کمبود زیادی داشته‌اند، دچار آلودگی می‌شوند. زمانی که آنها آلوده شدند، پدر خانواده هم نتوانسته بچه، داماد و عروس خود را رها کند. ناچار می‌شود در پی آنها بیرونند. بسیاری از مسئولان در این مسیر رفتند و خودشان هم آلوده شده‌اند.»

وی همچنین محمود احمدی‌نژاد را آدمی به دنبال قدرت خوانده و حتی گفته «با سوابقی که از ایشان سراغ دارم و رفتارهایی که از ایشان دیدم و الان هم می‌بینم، رفتارهایی است که بیشتر می‌خورد عنصر جایی باشد». پالیزدار گفته داوود احمدی‌نژاد برادر محمود احمدی‌نژاد نیز معتقد است او یک آدم لامذهب است.

عباس پالیزدار گفته «اولین کسی بودم که از ژیر دزدی را در جمهوری اسلامی به صدا درآوردم» و «پیام دستگیری من چراغ سبزی به مفسدین بود که بخورید و پچاپید. غیر از این نیست.»

هشدار خودی‌ها به پزشکیان و خامنه‌ای:

برای «حفظ و بقای نظام» کنار آمدن با ترامپ ضروری است!



دونالد ترامپ و ملانیا همسرش و جی دی ونس معاون اول وی پس از اعلام پیروزی در انتخابات ۵ نوامبر / ۶ نوامبر ۲۰۲۴ / رویترز

● بازگشت دوباره دونالد ترامپ به کاخ سفید به دردسری بزرگ و جدی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در ایران اوضاع داخلی نسبت به دور اول ریاست جمهوری ترامپ چنان بهم ریخته‌تر و نزاع حکومت با اسرائیل آنقدر شدیدتر شده که از سوی افراد سیاسی و تحلیلگران خودی درباره به خطر افتادن «موجودیت و بقای نظام» به مقامات ارشد هشدار داده می‌شود.

● حسین مرعشی دبیرکل حزب «کارگزاران سازندگی» در روزنامه سازندگی نوشت: «زمان ترک مخاصمه با آمریکا فرا رسیده است».

● فیاض زاهد فعال سیاسی اصلاح‌طلب و محمد مهاجری فعال سیاسی اصولگرا نیز در یک یادداشت مشترک با عنوان «ما و آمریکای ترامپ» که ۱۹ آبان‌ماه در روزنامه «اعتماد» منتشر شد، با اشاره به پیامد تحریم‌ها و بحران اقتصادی ایران با استناد به صحبت‌های روح‌الله خمینی به دولت و وزارت خارجه توصیه کرده‌اند «حفظ نظام از اوجب واجبات» است.

● آنها عنوان کرده‌اند که «ترامپ قطعاً جنگ‌طلب نیست، اما تجربه قبلی نشان داده راه فشار بر ایران [جمهوری اسلامی] را بلد است».

● در بخش پایانی این یادداشت نویسندگان در شرایطی که یقیناً می‌دانند تصمیم‌های کلان در اختیار علی خامنه‌ای است، اما رو به پزشکیان و عراقچی تأکید کرده‌اند «شما اوضاع را می‌دانید، از وضعیت سرمایه اجتماعی ساختار باخبرید... شما آن دولتی باید باشید که برود و با منطق و استدلال توضیح دهد که چه راهی برای کلیت بقا و حفظ هیمنه و اقتدار کشور باید و لازم است».

بازگشت دوباره دونالد ترامپ به کاخ سفید به دردسری بزرگ و جدی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در ایران اوضاع داخلی نسبت به دور اول ریاست جمهوری ترامپ چنان بهم ریخته‌تر و نزاع حکومت با اسرائیل آنقدر شدیدتر شده که از سوی افراد سیاسی و تحلیلگران خودی درباره به خطر افتادن «موجودیت و بقای نظام» به مقامات ارشد هشدار داده می‌شود.

به نظر می‌رسد خط مشی اصلی حکومت فعلاً، بی‌اهمیت جلوه دادن نتیجه انتخابات آمریکاست. جریان نزدیک به هسته مرکزی قدرت در ایران، شامل فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که قدرت روایت‌سازی دارند و شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در رکاب آن فرماندهان هستند، با ادبیات توهین‌آمیز ترامپ را خطاب قرار می‌دهند، او را آمر «قتل سلیمانی» می‌نامند و مستقیم و غیرمستقیم همچنان او و مشاوران سابق‌اش را تهدید به «انتقام» می‌کنند.

برخی دیگر از عوامل نظام چنین وانمود می‌کنند که نسبت به بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید بی‌تفاوت‌اند و پیروزی او و سیاست‌های کاخ سفید در چهار سال آینده تأثیری در سرنوشت جمهوری اسلامی ندارد. این گروه در مصاحبه‌ها و تحلیل‌های‌شان القاء می‌کنند که حکومت بر اوضاع مسلط است و برای هر شرایطی آماده تصمیم‌گیری است. از جمله پاسدار اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید «ترامپ چیزی سرش نمی‌شود!» بهنام سعیدی عضو دیگر این کمیسیون نیز

اقتصادی که جمهوری اسلامی بر ایران تحمیل کرده، با استناد به صحبت‌های روح‌الله خمینی به دولت و وزارت خارجه توصیه کرده‌اند «حفظ نظام از اوجب واجبات» است. آنها عنوان کرده‌اند که «ترامپ قطعاً جنگ‌طلب نیست، اما تجربه قبلی نشان داده راه فشار بر [جمهوری اسلامی] ایران را بلد است.» نویسندگان می‌گویند: «ما آنقدر دارای ظرفیت بزرگ اقتصادی نیستیم که چین به خاطر ما در برابر آمریکا بایستد؛ روسیه هم رفیق قابل اعتمادی نیست که از روابط شخصی پوتین با ترامپ سود ببریم؛ تازه باید خدا را شاکر باشیم اگر از ما [جمهوری اسلامی] به عنوان کارت قربانی در داستان اوکراین سود نبرد.»

نویسندگان غیرمستقیم خواستار آن شده‌اند که پزشکیان و عباس عراقچی خوش‌رقصی برای جریان انقلابی رژیم را کنار بگذارند. در همین ارتباط آنان که به روی خود نمی‌آورند که گزینش پزشکیان توسط علی خامنه‌ای در نمایش انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ ربطی به انتخاب مردم ندارد، می‌نویسند: «گاهی احساس می‌شود وزیر خارجه و مقامات دیگر دولت پادشاه رفته چپا و به چه علتی این دولت رای آورده! خب گاهی آدمی مجبور است تن به حرکات موزون بدهد، اما بیشتر از آن را که نخواسته‌اند! باید این بزرگواران دقت بیشتری در انتخاب واژگان کنند. در این کشور به اندازه کافی سخنران و طالب کلمات انقلابی و جنگ‌طلبانه وجود دارد، به شما دیگر نیازی نیست.»

در بخش پایانی این یادداشت نویسندگان در شرایطی که یقیناً می‌دانند تصمیم‌های کلان در اختیار علی خامنه‌ای است، اما رو به پزشکیان و عراقچی تأکید کرده‌اند «شما اوضاع را می‌دانید، از وضعیت سرمایه اجتماعی ساختار باخبرید، از ناترازی‌ها و مشکلات و کسری بودجه و غیره باخبرید. شما آن دولتی باید باشید که برود و با منطق و استدلال توضیح دهد که چه راهی برای کلیت بقا و

ادعا می‌کند «پیروزی ترامپ تأثیری بر اقتصاد ما نگذاشت!» اما مسئله اصلی این است که اظهارات جریان اصلی قدرت در ایران درباره ترامپ اصلاً بیان‌کننده‌ی تمام واقعیت نیست، به ویژه آنکه محاسبات آنها در پیش‌بینی تحولات و یافتن راه حل برای معادلات بزرگ بین‌المللی در بالاترین سطح خطا بوده است و همین نیز آنها بن‌بستی را که رژیم در آن گرفتار است، روز به روز تنگ‌تر کرده است. چنانکه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی طی چهار سال گذشته بارها در سخنرانی‌های خود کار ترامپ را تمام شده دانست و گفت: «او به زیاده‌دان تاریخ رفت» و «به فراموشی سپرده شده است».

بر همین اساس، گروه کثیری از دلبستگان و وفاداران به نظام عمدتاً در جریان اصلاح‌طلب از بازگشت ترامپ به وحشت افتاده و صریح‌تر از گذشته از سیاست‌های حکومت انتقاد می‌کنند و می‌گویند اگر فکری به حال اوضاع نشود «موجودیت» نظام به خطر می‌افتد.

زمان ترک مخاصمه رسیده

حسین مرعشی دبیرکل حزب «کارگزاران سازندگی» با اشاره به پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا، با بیانی که در آن تلاش شده جمهوری اسلامی را خیلی دست بالا جلوه دهد، در روزنامه سازندگی نوشته است: «زمان ترک مخاصمه با آمریکا فرا رسیده و پزشکیان می‌توانند با همراهی حاکمیت، با آمریکا در موضوع آتش‌بس جنگ غزه همکاری کند و اولین قدم‌ها را برای ترک مخاصمه بین دو کشور بردارد.»

گفتگو با ترامپ برای حفظ نظام و کلیت بقا

فیاض زاهد فعال سیاسی اصلاح‌طلب و محمد مهاجری فعال سیاسی اصولگرا نیز در یک یادداشت مشترک با عنوان «ما و آمریکای ترامپ» که ۱۹ آبان‌ماه در روزنامه «اعتماد» منتشر شد، با اشاره به پیامد تحریم‌ها و بحران‌های



حفظ هیمنه و اقتدار کشور باید و لازم است.»

بعضی از صاحبزنان در داخل ایران معتقدند با آمدن ترامپ، شاخ سپاه پاسداران شکسته خواهد شد. در همین ارتباط مهدی نصیری مدیرمسئول پیشین روزنامه کیهان (چاپ تهران)، در یک مناظره با صادق زیباکلام با اشاره به پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا و حملات نظامی جمهوری اسلامی به اسرائیل به کتابه می‌گوید، «وعده صادق ۳» که اشاره به پاسخ نظامی تهران به اسرائیل دارد به «وعده کاظم» تبدیل می‌شود. «کاظم» که اسم و صفت مردانه عربی و لقب امام هفتم شیعیان است به معنی «خاموش» و کسی است که می‌باید خشم خود را فرو بخورد. صادق زیباکلام نیز که از حامیان کنار آمدن حکومت با آمریکا است، می‌گوید «در دوره ترامپ جمهوری اسلامی دست و پایش را جمع‌تر خواهد کرد.»

فرصت برای تغییر نظام

در آنسو، مخالفان آزادیخواه جمهوری اسلامی بر اساس تجربیات گذشته، بر این باورند که بازگشت مجدد ترامپ به کاخ سفید تقویت‌کننده فرصت برای تغییر نظام خواهد بود. آنها می‌دانند برای سرنگونی نظام حساب باز کردن روی رهبران و دولت‌های خارجی وقت تلف کردن است اما ضرورت فشارهای بین‌المللی از جمله قطع دسترسی حکومت به تأمین مالی برای به حرکت انداختن ماشین سرکوب و پشتیبانی از تروریسم، بر عهده رهبران کشورهایی است که مدافع دموکراسی و مدعی صلح و آرامش هستند.

در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی در پیام تبریک به ترامپ به او یادآوری کرده که «شما در اولین دوره ریاست جمهوری خود، قاطعانه در کنار مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی ایستادید» و «اکنون شما این فرصت را دارید که تاریخ‌ساز شوید و با کمک به پایان دادن به این تهدید، یک بار برای همیشه، میراثی از صلح پایدار به جا بگذارید.» آنچه اکثریت مردم ایران از دولت جدید آمریکا توقع دارند به گوش ترامپ همکارانش رسیده است. برابان هوک نماینده آمریکا در مسائل ایران در دولت اول دونالد ترامپ هفتم نوامبر (۱۷ آبان) در مصاحبه با سی‌ان‌ان گفت که رئیس جمهوری منتخب آمریکا «علاقه‌ای به تغییر رژیم در تهران ندارد» اما می‌خواهد جمهوری اسلامی را از نظر سیاسی منزوی و از نظر اقتصادی تضعیف کند.

پایان دادن به جنگ‌های منطقه‌ای، پشتیبانی از شرکای آمریکا در خاورمیانه، کمک به برقراری صلح در منطقه و گسترش «پیمان ابراهیم» و مقابله با تروریسم و اتمی شدن رژیم ایران از جمله محورهای است که ترامپ پیگیر آنها خواهد بود و همه اینها دقیقاً مسائلی هستند که در تهران علی‌خامنه‌ای را به شدت نگران و هراسان کرده است طوری که به فکر مرگ یا کشته شدنش و سرنوشت جمهوری اسلامی پس از خودش افتاده است.

وی در دیدار با اعضای «مجلس خبرگان رهبری» که پنجشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۳ در حسینیه خمینی انجام گرفت، نتوانست ترس خود را از نابودی جمهوری اسلامی پنهان کند و درباره «خطر بازگشت به عقب» هشدار داد و بدون اینکه بگوید چه کسانی، افزود: «می‌خواهند حرکت انقلاب و نظام را در این مسیر متوقف کنند و اگر نتوانستند با بازگشت به عقب، وضع ارتجاعی گذشته را ولو در ظاهر و لباس نو، تکرار کنند.» خامنه‌ای همچنین خود را با پیامبر مسلمانان مقایسه کرده و گفته: «خداوند در سال سوم هجرت که هنوز نظام اسلامی قوام نیافته، مسلمانان را ملامت می‌کند که اگر پیامبر اعظم - یعنی اصلی‌ترین شخص نظام هستی - فوت کند یا کشته شود، شما به عقب بازمی‌گردید؟!»

روزنامه آلمانی «بیلد»: جمهوری اسلامی به دنبال ساخت سلاح شیمیایی برای نیروهای نیابتی خود است



تصویر آرشیوی از جابجایی یک سلاح آلوده شیمیایی / رویترز

استنشاق این ماده سمی باعث از دست دادن هوشیاری افراد می‌شود. سپس مهاجمان می‌توانند به سرعت و بی‌سر و صدا پیشروی کرده، به افراد شلیک کنند یا آنها را برابند. بر اساس گزارش «بیلد»، یکی از این سلاح‌ها مشتق شده از فنتانیل است که توسط روسیه در سال ۲۰۰۲ استفاده شد، زمانی که نیروهای شورشیان چچنی در تئاتر مسکو صدها نفر را به گروگان گرفته بودند. نیروهای ویژه روسیه در پس گرفتن سالن تئاتر و کشتن تروریست‌ها موفق بودند، اما بیش از ۱۳۰ گروگان در این عملیات جان باختند.

محققان در مؤسسه تحقیقاتی «آلما» اواسط مرداد ۱۴۰۲ گزارش دادند که جمهوری اسلامی در تلاش است تا کنترل بخش‌های اصلی صنعت ساخت تسلیحات شیمیایی در سوریه را به دست بگیرد.

طبق گزارش این مؤسسه، مرکز مطالعات و تحقیقات علمی سوریه (SSRC) که در سال ۱۹۷۱ تأسیس شد مسئول تحقیق، توسعه و تولید سلاح‌های پیشرفته، شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای است که با عوامل جمهوری اسلامی در این حوزه همکاری داشته است.

رژیم بشار اسد متهم است که در جریان جنگ داخلی سوریه بارها علیه مخالفان خود از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده است.

جمهوری اسلامی در ساخت تسلیحات شیمیایی یا ارسال آن به سایر کشورها بد سابقه است. وزارت خارجه آمریکا در دی‌ماه ۱۳۹۹ گزارش داده بود جمهوری اسلامی در سال‌های دهه هشتاد میلادی در جریان جنگ لیبی و چاد، سلاح شیمیایی به لیبی ارسال کرده است.

در گزارش وزارت خارجه ایالات متحده تأکید شده بود که حکومت ایران به استفاده از مواد شیمیایی در تولید ادوات ضدشورش، اعلام نکردن مراکز تولید تسلیحات شیمیایی و استفاده از مواد شیمیایی در جنگ با عراق متهم است.

● روزنامه آلمانی «بیلد» روز سه‌شنبه ۱۲ نوامبر (۲۲ آبان‌ماه) گزارش داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دنبال ساخت سلاح شیمیایی برای نیروهای نیابتی خود است. ● ماتيو لوویت کارشناس مشهور مرکز مبارزه با تروریسم در آمریکا به «بیلد» گفته است، بر اساس اسناد سازمان سیا، جمهوری اسلامی از سال ۱۹۸۴ با کمک کارشناسان چینی و روسی در حال کار بر روی تولید تسلیحات شیمیایی بوده است. ● لوویت توضیح داد، دولت آمریکا در هشدارهای خود بطور خاص به سلاح‌های شیمیایی مبتنی بر دارو اشاره کرده که سیستم عصبی را هدف قرار می‌دهد و به ظاهر ناتوان‌کننده و غیرکشنده نامیده می‌شوند، اما در عمل می‌توانند کشنده باشند.

روزنامه آلمانی «بیلد» روز سه‌شنبه ۱۲ نوامبر (۲۲ آبان‌ماه) گزارش داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دنبال ساخت سلاح شیمیایی برای نیروهای نیابتی خود است. در این گزارش آمده، حکومت ایران چندین دهه است که علیه اسرائیل می‌جنگد و از شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان با تسلیحات - احتمالاً از جمله تجهیزات جنگ شیمیایی - پشتیبانی می‌کند. اکنون مقامات امنیتی آمریکا به صراحت درباره سلاح‌های ترسناک جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند! ماتيو لوویت کارشناس مشهور مرکز مبارزه با تروریسم در آمریکا به «بیلد» گفته است، بر اساس اسناد سازمان سیا، جمهوری اسلامی از سال ۱۹۸۴ با کمک کارشناسان چینی و روسی در حال کار بر روی تولید تسلیحات شیمیایی بوده است.

لوویت توضیح داد، دولت آمریکا در هشدارهای خود بطور خاص به سلاح‌های شیمیایی مبتنی بر دارو اشاره کرده که سیستم عصبی را هدف قرار می‌دهد و به ظاهر ناتوان‌کننده و غیرکشنده نامیده می‌شوند، اما در عمل می‌توانند کشنده باشند.

سفر «کم سابقه» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان به تهران؛ چرا پزشکيان را به نشست رياض در مورد فلسطين نفرستادند؟!



دیدار محمد باقری و فیاض بن حامد الرویلی رؤسای ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و عربستان / تهران، آبان ۱۴۰۳

با اینکه حکومت ایران و عربستان سعودی با میانجیگری چین، طی یک سال گذشته برای کاهش اختلافات و بهبود روابط سیاسی خود گام برداشتند اما تعارض منافع میان آنها به ویژه در مورد مسائل امنیتی و جایگاه منطقه‌ای مرتبط با ارکان قدرت‌ساز که برای رژیم ایران جنبه ایدئولوژیک دارد، از موانع اصلی برای عادی شدن روابط جمهوری اسلامی و عربستان سعودی به عنوان «مرکز جهان اسلام» به شمار می‌رود.

بعد از توقف پنج سال جنگ عربستان با حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی، رهبران ریاض ترجیح دادند خود را مستقیم درگیر موشک‌پرانی حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در دریای سرخ نکنند. در مقابل، تهدیدها از سوی جمهوری اسلامی و نیابتی‌ها علیه عربستان سعودی کاهش قابل توجهی یافت.

برای سعودی‌ها که در مسیر پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی گام بر می‌دارند، هیچ موضوعی به اندازه ثبات و امنیت ضرورت و اهمیت ندارد به ویژه آنکه موضوع عادی‌سازی روابط با اسرائیل نیز در چشم‌انداز سیاسی عربستان تعریف شده و این موضوعی حیاتی است که در نقطه مقابل منافع حکومت ایران قرار دارد؛ تا جایی که علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی عملیات تروریستی «هفت اکتبر» ۲۰۲۳ علیه اسرائیل را اقدامی منطقی می‌داند که یک «توطئه بزرگ بین‌المللی را خنثی کرد!»

اشاره‌ی خامنه‌ای به «توطئه بزرگ بین‌المللی»، نزدیکی اعراب و اسرائیل و «بیمان ابراهیم» است که با ابتکار و تلاش دولت اول دونالد ترامپ شکل گرفت. اکنون با انتخاب مجدد ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده، رژیم ایران بیش از پیش خود را در تنگنایی می‌بیند که امید داشت با آمدن کامالا هریس و استقرار حزب دموکرات آمریکا در کاخ سفید و تداوم سیاست‌های دولت جو بایدن، گشایش پیدا کند.

به علت «تراکم امور اجرایی» نمی‌تواند به ریاض برود اما برخی منابع گزارش دادند علاوه بر کشمکش‌ها و اختلافات داخلی رژیم بر سر رابطه با عربستان سعودی، تلاش‌های ریاض برای عادی ساختن روابط با اسرائیل و محور قرار گرفتن سعودی‌ها برای حل مسئله فلسطین در میان کشورهای اسلامی منطقه از جمله عواملی است که سبب شد پزشکيان را به ریاض نفرستند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» درباره اینکه چرا پزشکيان به نشست اضطراری ریاض نرفت می‌نویسد، در حالی که جمهوری اسلامی بر «برگزاری فراندوم» با حضور تمامی ساکنان فلسطین تأکید کرده و همزمان آن را با ملاحظات نظامی و امنیتی خود در خصوص مبارزه با اسرائیل ترکیب می‌کند، ریاض بر «راه حل دو دولتی» بدون خصومت نظامی و اینکه اسرائیل بخشی از پروژه ادغام خاورمیانه جدید است، تأکید می‌کند.

با اینهمه اما در رویدادی که «کم سابقه» توصیف شده، فیاض الرویلی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان روز یکشنبه ۲۰ آبان به تهران رفت و با علی باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دیدار کرد.

وزارت دفاع عربستان اعلام کرد دو طرف در این دیدار درباره «توسعه روابط دوجانبه در زمینه نظامی و دفاعی به گونه‌ای که به ارتقای امنیت و ثبات در منطقه کمک کند» گفتگو کردند. منابع نزدیک به سپاه پاسداران در ایران نیز گزارش دادند طرفین در مورد «تقویت روابط و همکاری‌های دفاعی و نظامی» به گفتگو پرداختند.

هرچند مقامات ارشد نظامی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی در رویدادی کم سابقه درباره «تقویت روابط و همکاری دفاعی و نظامی» صحبت می‌کنند اما به نظر می‌رسد این دیدار و گفتگو بیشتر از آنکه مربوط به «همکاری» باشد، در ارتباط با پیشگیری از تشدید تنش و نزاع باشد.

● در شرایطی که رهبران و مقامات ارشد دولت‌های عربی و اسلامی به ریاض رفته‌اند تا روز دوشنبه ۱۱ نوامبر (۲۱ آبان‌ماه) در نشستی با موضوع فلسطین شرکت کنند، مسعود پزشکيان در تماس تلفنی با بن سلمان ولیعهد عربستان گفته به علت «تراکم امور اجرایی» نمی‌تواند به ریاض برود! جمهوری اسلامی بجای وی محمدرضا عارف را فرستاده است.

● برخی منابع گزارش دادند علاوه بر کشمکش‌ها و اختلافات داخلی رژیم بر سر رابطه با عربستان سعودی، تلاش‌های ریاض برای عادی ساختن روابط با اسرائیل و محور قرار گرفتن سعودی‌ها برای حل مسئله فلسطین در میان کشورهای اسلامی منطقه از جمله عواملی است که سبب شد پزشکيان را به ریاض نفرستند.

● روزنامه «دنیای اقتصاد» می‌نویسد، در حالی که جمهوری اسلامی بر «برگزاری فراندوم» با حضور تمامی ساکنان فلسطین تأکید کرده و همزمان آن را با ملاحظات نظامی و امنیتی خود در خصوص مبارزه با اسرائیل ترکیب می‌کند، ریاض بر «راه حل دو دولتی» بدون خصومت نظامی و اینکه اسرائیل بخشی از پروژه ادغام خاورمیانه جدید است، تأکید می‌کند.

● در رویدادی که «کم سابقه» توصیف شده، فیاض الرویلی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان به تهران رفت و با علی باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دیدار کرد. طرفین می‌گویند درباره همکاری و توسعه روابط دوجانبه گفتگو کردند! اما به نظر می‌رسد این دیدار و گفتگو بیشتر از آنکه مربوط به «همکاری» باشد، در ارتباط با پیشگیری از تشدید تنش و نزاع باشد.

● برای سعودی‌ها که در مسیر پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی گام بر می‌دارند، هیچ موضوعی به اندازه ثبات و امنیت ضرورت و اهمیت ندارد به ویژه آنکه موضوع عادی‌سازی روابط با اسرائیل نیز در چشم‌انداز سیاسی عربستان تعریف شده و این موضوعی حیاتی است که در نقطه مقابل منافع حکومت ایران قرار دارد.

● «بیمان ابراهیم» با ابتکار و تلاش دولت اول دونالد ترامپ شکل گرفت و اکنون با انتخاب مجدد ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده، رژیم ایران بیش از پیش خود را در تنگنایی می‌بیند که امید داشت با آمدن کامالا هریس و استقرار حزب دموکرات آمریکا در کاخ سفید و تداوم سیاست‌های دولت جو بایدن، گشایش پیدا کند.

رهبران و مقامات ارشد دولت‌های عربی و اسلامی به ریاض رفته‌اند تا روز دوشنبه ۱۱ نوامبر (۲۱ آبان‌ماه) با هدف «مقابله با تشدید تنش اسرائیل در منطقه» و حمایت از تلاش‌ها برای راه حل دو کشوری «نشست اضطراری» برگزار کنند، اما مسعود پزشکيان به این نشست فرستاده نشد و محمدرضا عارف را بجای او به عربستان فرستادند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز روز یکشنبه در نشست وزرای خارجه دولت‌های عربی و اسلامی حضور نداشت و کاظم غریب‌آبادی معاون بین‌الملل وزارت خارجه در این نشست شرکت کرد.

منابع نزدیک به دولت مدعی شدند، پزشکيان یکشنبه ۲۰ آبان در تماس تلفنی با بن سلمان ولیعهد عربستان گفته که

ترامپ و برخورد با دو جنگ غزه و لبنان



دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در مراسم امضای پیمان ابراهیم / کاخ سفید / واشنگتن / ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ / رویترز

● به نظر می‌رسد که ترامپ نسخه جدید متفاوت از ترامپ نسخه قبلی است. او کمتر خشن است، توجه بیشتری نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد در مسائل سیاسی آگاه‌تر است.

● حماس افراد ربوده شده را آزاد خواهد کرد، اسرائیل رهبری تشکیلات خودگردان فلسطین در پروژه اداره غزه را خواهد پذیرفت، ارتش لبنان جنوب این کشور را کنترل خواهد کرد و شبه‌نظامیان حزب‌الله خلع سلاح شده و از آن منطقه خارج خواهند شد.

● ترامپ از درخواست تل‌آویو برای جلوگیری از تبدیل شدن حزب‌الله به یک نیروی نظامی تهدیدکننده اسرائیل حمایت می‌کند. این امر این گروه را به یک توافق محدود مجبور می‌کند، چرا که هیچ گزینه دیگری برای مذاکره‌کنندگان از طرف حزب‌الله وجود ندارد.

عبدالرحمن الراشد (شرق الاوسط) - زمانی که دونالد ترامپ اولین بار به ریاست جمهوری رسید، غافلگیرکننده بود. ما هیچ چیز درباره او نمی‌دانستیم، نه در مورد شخصیت و ایده‌های او، و نه درباره شیوه مدیریت اش. یکی از نزدیکانش در یک سمینار غیرعمومی گفت: «عیب ترامپ، مزیت اوست: شخصیت قوی! پس مراقب باشید که او را عصبانی نکنید، زیرا ممکن است شما را زیر اتوبوس هل بدهد.» او در ارزیابی ترامپ اشتباه نکرده بود.

با اینهمه به نظر می‌رسد که ترامپ نسخه جدید متفاوت از ترامپ نسخه قبلی است. او کمتر خشن است، توجه بیشتری نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد در مسائل سیاسی آگاه‌تر است.

ما قبل از شروع کار در دولت جدید به او خوشبین هستیم، زیرا محبوبیت زیادی در داخل کشور خود به دست آورده و این باعث حمایت قوی در داخل و خارج از وی می‌شود. ترامپ در تمام مبارزات انتخاباتی خود پیروز شد و مخالفانش سلاح‌های خود را زمین گذاشتند و پیروزی او را تشخیص دادند.

ما توانایی‌های این مرد را از دوران ریاست جمهوری قبلی‌اش می‌دانیم. او شجاعت و انرژی کافی برای تغییر جهان دارد و مانند هر رئیس‌جمهور در دور دوم، برای جاودان کردن نام خود در کتاب‌های تاریخ تلاش خواهد کرد.

ممکن است بیش از حد احساس کنیم که ترامپ همان مردی است که به جنگ‌ها و درگیری‌ها پایان می‌دهد و اغراق‌آمیز است که بگوییم او می‌تواند جهان را از این جنگ‌ها نجات دهد. اما به هر حال او این قول را داده است.

جنگ اوکراین و اروپا، جنگ غزه و لبنان، مسئله دولت فلسطین، رویارویی با جمهوری اسلامی ایران و حوثی‌ها در آبراهه‌های دریای سرخ، پایان حضور نظامی آمریکا در عراق و سوریه، تهدیدات کره شمالی برای متحدانش و مشکل‌ترین موضوع تنش در روابط با چین در زمینه سیاسی و نظامی و تهدید دریایی پکن علیه فیلیپین و

تابوان مهمترین پرونده‌های روی میز دولت دونالد ترامپ هستند.

ترامپ بارها درباره اینکه چگونه می‌تواند روابط خود را با پوتین رئیس‌جمهوری روسیه برای پایان دادن به جنگ اوکراین فعال کند، صحبت کرده است. اروپا و روسیه در منجلاط خود گیر کرده‌اند و پس از حدود دو سال نه روسیه توانسته اوکراین را بلعد و نه اوکراینی‌ها موفق به حذف نیروهای روسی شده‌اند و هیچ نشانه‌ای از اینکه تعیین سرنوشت این جنگ از طریق نیروی نظامی خاتمه بیابد، در افق دیده نمی‌شود.

راه حل در اوکراین در مقایسه با درگیری‌های متعدد و پیچیده خاورمیانه، کار آسانی است. آیا ترامپ می‌تواند از شن‌هایی عبور کند که رؤیای رؤسای جمهور پیشین مانند بایدن، بوش پسر، کلینتون و ریگان را قبل از او زیر خود مدفون کرده است؟

گفته می‌شود که ترامپ فعالیت غیررسمی و اعلام نشده خود را زودتر برای ترتیب دادن پایان جنگ بین اسرائیل با غزه و لبنان آغاز کرده است.

این بدان معناست که طرفین متخاصم باید تا بعد از بیستم ژانویه آینده که ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور وارد کاخ سفید می‌شود تا اولین توافق صلح را به جهان اعلام کند، به جنگ ادامه دهند. تا آن زمان، یعنی دو ماه دیگر، مأموریت به نتانیاهو واگذار می‌شود که آنچه را از حماس و حزب‌الله باقی مانده از میان بردارد و سپس ترامپ سه طرف لبنانی، فلسطینی و اسرائیلی را برای حل و فصل بر اساس بده و بستان برخی امتیازات،

تحت فشار قرار دهد. حماس افراد ربوده شده را آزاد خواهد کرد، اسرائیل رهبری تشکیلات خودگردان فلسطین در پروژه اداره غزه را خواهد پذیرفت، ارتش لبنان جنوب این کشور را کنترل خواهد کرد و شبه‌نظامیان حزب‌الله خلع سلاح شده و از آن منطقه خارج خواهند شد.

ترامپ از درخواست تل‌آویو برای جلوگیری از تبدیل شدن حزب‌الله به یک نیروی نظامی تهدیدکننده اسرائیل حمایت می‌کند. این امر این گروه را به یک توافق محدود مجبور می‌کند، چرا که هیچ گزینه دیگری برای مذاکره‌کنندگان از طرف حزب‌الله وجود ندارد.

بدون چنین توافقی اما اسرائیل نفوذ خود را در جنوب گسترش خواهد داد، عملیات نظامی آن با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت و لبنان در نهایت مجبور خواهد شد آنچه را که امروز رد می‌کند در آینده بپذیرد.

با این حال، زمانی که این توافق احتمالی اعلام شود، می‌توان آن را یک گام مثبت تلقی کرد زیرا طولانی‌ترین جنگ با اسرائیل در تاریخ منطقه را متوقف خواهد کرد. اگر ترامپ بتواند همانطور که انتظار می‌رود در ماه ژانویه از توافقات سه جانبه حمایت مالی کند، موفقیت او مقدمه‌ای برای رویداد بزرگتر یعنی گفتگو درباره توافق با جمهوری اسلامی در ایران خواهد بود.

*منبع: شرق الاوسط
*نویسنده: عبدالرحمن الراشد
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

پرتاب شبانه یک موشک بالستیک از شاهرود؛ «دکترین جدید» رژیم ایران دست یافتن به سلاح هسته‌ای است



نمایشگاه موشکی سپاه پاسداران در شهر قم / خرداد ۱۴۰۲

ایران» فراهم گردد.

تغییر موضع رسمی وزارت خارجه جمهوری اسلامی

صحبت‌های موسوی در شرایطی مطرح می‌شود که وزارت خارجه جمهوری اسلامی اخیراً در پاسخ به هشدارهای اروپا و آمریکا نسبت به توسعه فعالیت‌های هسته‌ای در ایران عنوان کرد، «برنامه هسته‌ای ایران همواره ماهیتی کاملاً صلح‌آمیز داشته و سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در دکترین نظامی و دفاعی ایران ندارد». اما این موضع اکنون کاملاً تغییر کرده است.

با ادامه افزایش تنش بین اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران، مقامات فعلی و سابق جمهور رژیم آشکارا درباره ضرورت دستیابی به سلاح هسته‌ای به عنوان یک از ارکان اصلی امنیت ملی که در واقع حفظ و بقای جمهوری اسلامی است حرف می‌زنند. هرچند استناد آنها به «فتوای» علی خامنه‌ای مبنی بر «حرام بودن ساخت و استفاده از بمب اتمی» است اما مستقیم و غیرمستقیم درباره احتمال تغییر این موضع صحبت می‌کنند.

پیش از برگزاری انتخابات پنجم نوامبر آمریکا، در شرایطی که جو بایدن رئیس جمهوری فعلی ایالات متحده تلاش کرد تا اسرائیل را از هدف قرار دادن تأسیسات نفتی و اتمی داخل ایران منصرف کند، دونالد ترامپ به اظهارات بایدن که گفته بود «اسرائیل نباید تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد» به شدت انتقاد کرد و گفت که «این احمقانه‌ترین چیزی است که تا به حال شنیدم».

با اینهمه اما، بعید به نظر می‌رسد هسته‌های ایدئولوژیک قدرت در ایران نزدیک به سپاه پاسداران و ستاد کل نیروهای مسلح با اندیشه‌های آخرزمانی به دیپلمات‌های نظام اجازه بدهند با آمر «قتل سلیمانی» مذاکره و توافق کنند، اینکه آیا خامنه‌ای تمایل به چنین توافقی داشته باشد یا نه مشخص نیست. حتا معلوم نیست که اگر رهبر نظام هم با هدف بقا و استمرار نظام، در این مورد تمایل نشان دهد بتواند این پروژه را پیش برد یا نه!

بر اساس یک «قاعده تکراری»، تهدیدات موشکی و فعالیت‌های غیرمجاز اتمی جمهوری اسلامی همزمان با فشارهای بین‌المللی، ابزار دلالت‌های سیاسی و لایب‌گران برای تقویت مواضع حکومت در برابر غربی‌ها می‌شود. آنها برای کسب و کارشان که «فروش کلای تهدید» است دست به کار شده‌اند.

«۷۰ درصد ایرانی‌ها موافق داشتن سلاح هسته‌ای هستند»

خط اصلی این جریان را حسین موسویان که در زمان ترور فحیح مخالفان جمهوری اسلامی در رستوران میکونوس در برلین، سفیر رژیم ایران در آلمان بود و اکنون استاد مهمان در دانشگاه پرینستون است، در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر پیروزی ترامپ بر استراتژی امنیت ملی ایران» روز ۱۹ آبان‌ماه در روزنامه «اعتقاد» تشریح کرد.

وی گفته که فشارهای ترامپ در دور اول ریاست جمهوری، رژیم ایران را به سمت تولید اورانیوم غنی‌شده نزدیک به درجه تسلیحاتی سوق داد. همچنین او تأکید کرده، «چراغ سبز آمریکا و ناتو برای جنگ‌های اسرائیل در غزه و لبنان، همراه با ترور فرماندهان ارشد حماس، حزب‌الله و سپاه، زمینه را برای دکترین جدید امنیت ملی ایران فراهم کرده است».

موسویان توضیح داده که یکی از عناصر این دکترین «دستیابی [جمهوری اسلامی] ایران به سلاح‌های هسته‌ای است و بازدارندگی هسته‌ای در دستور کار ایران قرار دارد». او مدعی شده یک «نظرسنجی در اوایل امسال نشان داد که نزدیک به ۷۰ درصد از ایرانی‌ها موافقند که کشورشان باید سلاح هسته‌ای داشته باشد».

گزینه‌ای که موسویان جریان امنیتی نزدیک به اصلاح‌طلبان برای علی خامنه‌ای روی میز گذاشته است، «همکاری با ترامپ برای پایان دادن به جنگ غزه و لبنان و کمک به آزادی گروگان‌هاست».

او در پایان تأکید کرده، میان رژیم ایران و غرب باید گفتگوهای جدی آغاز شود، تا شانس «توافق بزرگ ترامپ با

کمتر از ۷۲ ساعت پس از اعلام پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، سپاه دست به پرتاب آزمایشی یک موشک قاره‌پیما زد. همزمان عوامل داخلی و برون‌مرزی جمهوری اسلامی تهدید می‌کنند که جمهوری اسلامی به سوی روغمایی از سلاح اتمی می‌رود!

احمد نادری در واکنش به پرتاب موشک‌پرانی سپاه گفت، «پرتاب موشک قاره‌پیما موضوع جدیدی نیست و روال نظامی ما در توسعه موشک‌های بازدارنده، همین بوده و هست... آنچه باید به زودی انجام شود، (و تا الان هم دیر شده) آزمایش اتمی و اعلام رسمی آن است. این یعنی بازدارندگی حداکثری».

او مدعی شده یک «نظرسنجی در اوایل امسال نشان داد که نزدیک به ۷۰ درصد از ایرانی‌ها موافقند که کشورشان باید سلاح هسته‌ای داشته باشد».

کمتر از ۷۲ ساعت پس از اعلام پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دست به پرتاب آزمایشی یک موشک قاره‌پیما زد. همزمان عوامل داخلی و برون‌مرزی جمهوری اسلامی تهدید می‌کنند که جمهوری اسلامی به سوی روغمایی از سلاح اتمی می‌رود!

بر اساس گزارش‌های منابع محلی و ویدیویی کوتاه که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، یک فروند موشک بالستیک جمعه شب ۱۸ آبان‌ماه ۱۴۰۳ از اطراف شاهرود از محلی در حوالی پایگاه موشکی و فضایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به آسمان پرتاب شد.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند، پس از گزارش‌ها در مورد هدف قرار گرفتن تأسیسات موشکی سپاه در شاهرود در حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی داخل ایران، سپاه به دنبال نمایش قدرت بود.

در این ویدیو که حدود ۲۰ ثانیه است دو نفر با لحن و زبان شبیه به حامیان حکومت، زمان و مکان پرتاب موشک را اعلام می‌کنند. یکی از آنها بین حرف‌هایش در تمجید از این موشک‌پرانی می‌گوید: «موشک زدند، بنام، اما چرا یه‌دونه زدن حاجی!»

مقامات و نهادهای نظامی جمهوری اسلامی دست‌کم تا عصر روز شنبه ۱۹ آبان‌ماه واکنشی به پرتاب این موشک نشان ندادند، اما احمد نادری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی عنوان کرد، «پرتاب موشک قاره‌پیما موضوع جدیدی نیست و روال نظامی ما در توسعه موشک‌های بازدارنده، همین بوده و هست». این نماینده تهدید کرد، «آنچه باید به زودی انجام شود، (و تا الان هم دیر شده) آزمایش اتمی و اعلام رسمی آن است. این یعنی بازدارندگی حداکثری».

در جمهوری اسلامی جریانی که روغمایی از سلاح اتمی را برای «حفظ نظام» ضروری می‌داند، پس از کشته شدن رهبران حزب‌الله و حماس و همچنین حمله اسرائیل به مراکز نظامی در ایران، علنی‌تر از گذشته مواضع‌شان را بیان می‌کنند. به ویژه آنکه کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی و مشاور رهبر جمهوری اسلامی برای دومین بار طی یک سال گذشته (۱۱ آبان‌ماه در مصاحبه با شبکه المیادین) تهدید به احتمال «تغییر دکترین هسته‌ای» نظام کرد.

نصف شدن سهمیه گاز صنایع فولاد در کنار جیره‌بندی برق بخش خانگی؛ تصویر آخرازمانی از کمبود انرژی در ایران

برق نیز جبران شود. در نتایج کاهش شدید ذخایر مازوت و گازوئیل نیروگاه‌ها رخ داد و اکنون کمبود هر سه سوخت گاز، گازوئیل و مازوت تولید برق را با مشکل روبرو کرده است.

دولت پزشک‌یان از ابتدای هفته فعالیت سه نیروگاه کرج، اصفهان و اراک را متوقف کرد. مقامات دولت مدعی شدند مازوت‌سوزی در این سه نیروگاه را پایان داده تا محیط زیست سلامت شهروندان تهدید نشود. برخلاف این ادعا اما گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان داد توقف فعالیت این سه نیروگاه به دلیل کمبود سوخت مازوت بوده است!

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی علت تصمیم دولت برای قطع برق، کاهش ذخایر گازوئیل و نفت کوره نیروگاه‌ها در ۶ ماهه ۱۴۰۳ و افزایش ناترازی گاز بوده که چالش‌هایی را برای تأمین برق در زمستان به وجود آورده است.

دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این گزارش افزوده که در سال ۱۴۰۱ میزان ناترازی گاز طبیعی در اوج مصرف به ۳۱۵ میلیون مترمکعب در روز رسید و اگر چه به واسطه افزایش دما در سال ۱۴۰۲ این عدد به حدود ۲۸۰ میلیون مترمکعب در روز کاهش یافت، اما همچنان چالش ناترازی گاز طبیعی در کل سال به‌ویژه ماه‌های سرد وجود دارد.

در این گزارش آمده که از سوی دیگر مصرف سوخت مایع در نیروگاه‌های حرارتی افزایش یافته و در زمان حاضر ذخایر گازوئیل و نفت کوره نیروگاه‌ها در ۶ ماهه ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش پیدا کرده و افزایش ناترازی گاز و عدم امکان تأمین سوخت مایع جایگزین، چالش‌هایی را برای تأمین برق در زمستان به وجود آورده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که انتظار می‌رود تدوین لایحه بودجه و احکام آن متناسب با وضعیت ناترازی انرژی و چالش‌های آن بوده و راهکارهایی برای مدیریت و کاهش ناترازی در آن مدنظر قرار گرفته باشد.

روزنامه «فرهیختگان» نیز در شماره روز گذشته در گزارشی نوشت طبق آمار وزارت نفت (تصویر ۱)، بیشترین رشد مصرف مازوت در نیروگاه‌ها به سال ۱۳۹۹ و دولت دوازدهم برمی‌گردد که بیش از ۳۶ درصد رشد داشت. در دولت سیزدهم، رشد مصرف مازوت در نیروگاه‌ها روندی نزولی به خود گرفت، بطوری که در سال ۱۴۰۲ نسبت به ۱۴۰۱، مصرف مازوت ۱۷ درصد کاهش یافت.

این گزارش افزوده که دولت چهاردهم می‌توانست با تداوم این روند نزولی، قدم به قدم مازوت را از سبد سوخت نیروگاه‌ها حذف کند، به‌گونه‌ای که کشور درگیر خاموشی گسترده نیز نشود.

«فرهیختگان» همچنین به «کاهش سطح ذخایر گازوئیل نیروگاه‌ها» اشاره کرده و نوشته از شهریور امسال تا کنون، میزان پُرشدگی مخازن گازوئیل نیروگاه‌ها از ۵۰ درصد به ۳۵ درصد کاهش یافته است. این مخازن تا قبل از تغییر تیم وزارت نفت، در حال پُر شدن بود و در سه ماه گذشته به ناگهان در حال تخلیه است. به عنوان مثال در مردادماه، به صورت خالص روزانه ۱۱.۷ میلیون لیتر گازوئیل در نیروگاه‌ها



عضو انجمن صنایع فولاد همچنین گفته محدودیت گاز صنایع فولادی از ۲۰ درصد شروع شده و در برخی از واحدها به ۵۰ درصد رسیده است. به عنوان نمونه در واحدهای آهن اسفنجی محدودیت گاز به ۵۰ درصد رسیده است که همین موضوع اثر کاهش ۵۰ درصدی تولید را هم به وجود آورده است.

وحید یعقوبی گفته بیش از ۷۰ درصد زنجیره فولاد در آهن اسفنجی انجام می‌شود و کاهش تولید در بخش آهن اسفنجی تأثیر قابل توجهی بر تولید فولاد کشور خواهد گذاشت.

کاهش سهمیه گاز صنایع فولادی که از جمله صنایع مادر کشور به شمار می‌روند در حالی امسال از ابتدای پاییز انجام شده که این صنایع با احتمال قطع برق نیز روبرو هستند. عقب‌ماندگی و ناتوانی جمهوری اسلامی در تولید برق سبب شده وزارت نیرو از هفته جاری قطع برق سراسری بخش خانگی را به مدت دست‌کم دو ساعت در روز آغاز کند.

در چنین شرایطی وحید یعقوبی توضیح می‌دهد که محدودیت انرژی صنایع فولادی در طول سه سال و نیم گذشته یعنی ۱۴۰۰ تا شش ماه ۱۴۰۳ فقط ارزش تولید از دست رفته صنایع فولادی را به ۳۱۰ هزار میلیارد تومان رسانده است.

او گفته این حجم محدودیت انرژی در حالی در صنایع فولادی اتفاق افتاده است که ما فقط ۵ درصد گاز کشور و ۷ درصد برق کشور را مورد استفاده قرار می‌دهیم اما در زمان اوج مصرف انرژی ما باید با محدودیت ۵۰ درصدی استفاده از انرژی‌ها برخورداری شویم.

اینهمه در حالیست که در فصل‌های بهار و تابستان امسال نیز صنایع فولاد و دیگر صنایع کشور به دلیل کمبود برق با قطع و جیره‌بندی برق روبرو بوده‌اند.

در نیمه ابتدایی امسال مصرف مازوت و گازوئیل نیروگاه‌ها به ترتیب ۱۰۰ درصد و ۸۰ درصد افزایش پیدا کرد تا کمبود گاز به صورت مقطعی جبران و بخشی از کمبود

● عضو انجمن صنایع فولاد خبر داده که محدودیت ۲۰ تا ۵۰ درصدی گاز صنایع فولادی امسال خیلی زودتر از سال‌های گذشته و از نیمه مهرماه آغاز شده است.

● در واحدهای آهن اسفنجی محدودیت گاز به ۵۰ درصد رسیده که همین موضوع اثر کاهش ۵۰ درصدی تولید را هم به وجود آورده است.

● در فصل‌های بهار و تابستان امسال نیز صنایع فولاد و دیگر صنایع کشور به دلیل کمبود برق با قطع و جیره‌بندی برق روبرو بوده‌اند.

● عقب‌ماندگی و ناتوانی جمهوری اسلامی در تولید برق سبب شده وزارت نیرو از هفته جاری قطع برق سراسری بخش خانگی را به مدت دست‌کم دو ساعت در روز آغاز کند.

کمبود شدید انرژی در ایران سبب شده صنایع فولادی از اوایل مهرماه با نصف شدن سهمیه گاز روبرو و سطح تولید در این صنایع کاهش پیدا کند.

در حالی که کمبود انرژی در ایران به مرحله بحرانی رسیده، جیره‌بندی برق بخش خانگی در سراسر کشور به اجرا درآمده و صنایع مختلف نیز با کاهش سهمیه و قطع گاز روبرو هستند.

وحید یعقوبی عضو انجمن صنایع فولاد خبر داده که محدودیت ۲۰ تا ۵۰ درصدی گاز صنایع فولادی از نیمه مهرماه آغاز شده است. او توضیح داده در حالی که سال‌های گذشته محدودیت گاز در اواسط آذرماه اعمال می‌شد، اما سال گذشته محدودیت گاز صنایع فولادی از اواخر آبان ماه و امسال از نیمه مهرماه آغاز شده است.

عضو انجمن صنایع فولاد همچنین گفته محدودیت گاز صنایع فولادی از ۲۰ درصد شروع شده و در برخی از واحدها به ۵۰ درصد رسیده است. به عنوان نمونه در واحدهای آهن اسفنجی محدودیت گاز به ۵۰ درصد رسیده است که همین موضوع اثر کاهش ۵۰ درصدی تولید را هم به وجود آورده است.

وحید یعقوبی گفته بیش از ۷۰ درصد زنجیره فولاد در آهن اسفنجی انجام می‌شود و کاهش تولید در بخش آهن اسفنجی تأثیر قابل توجهی بر تولید فولاد کشور خواهد گذاشت.

کاهش سهمیه گاز صنایع فولادی که از جمله صنایع مادر کشور به شمار می‌روند در حالی امسال از ابتدای پاییز انجام شده که این صنایع با احتمال قطع برق نیز روبرو هستند. عقب‌ماندگی و ناتوانی جمهوری اسلامی در تولید برق سبب شده وزارت نیرو از هفته جاری قطع برق سراسری بخش خانگی به مدت دست‌کم دو ساعت در روز را آغاز کند.

در چنین شرایطی وحید یعقوبی توضیح می‌دهد که محدودیت انرژی صنایع فولادی در طول سه سال و نیم گذشته یعنی ۱۴۰۰ تا شش ماه ۱۴۰۳ فقط ارزش تولید از دست رفته صنایع فولادی را به ۳۱۰ هزار میلیارد تومان رسانده است.

او گفته این حجم محدودیت انرژی در حالی در صنایع فولادی اتفاق افتاده است که ما فقط ۵ درصد گاز کشور و ۷ درصد برق کشور را مورد استفاده قرار می‌دهیم اما در زمان اوج مصرف انرژی ما باید با محدودیت ۵۰ درصدی استفاده از انرژی‌ها برخورداری شویم.

ابطال انتخابات کانون وکلا توسط دادگاه عالی انتظامی قضات

وکلا دادگستری با عزت عبور خواهد نمود.»
ابراهیم ایوبی وکیل دادگستری نیز گفته «ابطال انتخابات کانون وکلا دادگستری مرکز که گفته شده قدیمی‌ترین نهاد مدنی پابرجای ایران است و در میان حدود سی کانون وکلا کشور نقش محوری دارد، به صرف اعتراض یک وکیل عضو کانون کرمان که سمتی ندارد و به بهانه عدم رعایت مقررات تبلیغات که در انتخاباتی مانند ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی به وفور رخ می‌دهد؛ پذیرفتنی نیست.»
این حقوقدان اظهار می‌کند که ابطال انتخابات کانون وکلا دادگستری مرکز در آستانه بیستم آبان و گذشت ۹۴ سال از تأسیس این کانون، آن هم به صرف اعای وقوع یک تخلف نه‌چندان مهم، موجب ناامیدی در جامعه وکالت و خلاف سیاست ملی وفاق است.»

پس از انقلاب مشروطه در مردادماه سال ۱۲۸۵، حسن پیرنیا که خود دانش‌آموخته علم حقوق بود به وزارت دادگستری تعیین شد و در سال ۱۲۸۷، کمیسیون تنقیح قوانین را تشکیل داد. وظیفه این کمیسیون، تدوین قوانین جدید و روزآمد از طریق ترجمه قوانین خارجی بود.
در سال ۱۳۲۲ قمری، اداره تنقیح قوانین قانون «اصول تشکیلات عدلیه» را به تصویب رساند که بر اساس آن، وکلا موظف شدند برای شرکت در جلسات دادگاه امتحان وکالت دهند و اجازه وکالت یا تصدیق نامه وکالت بگیرند.

سال ۱۳۰۰ خورشیدی و پس از آنکه عده‌ای از وکلا تصدیق قانونی وکالت را دریافت کردند، در نامه‌ای خطاب به وزارت عدلیه خواستار تشکیل «مجمع وکلا رسمی» شدند. در نهایت وکلا دادگستری در تیرماه ۱۳۰۰ خورشیدی هیئت مدیره شش نفره‌ای را از طریق برگزاری انتخابات انتخاب کردند و شیخ جلال‌الدین به عنوان رئیس و نقیب‌زاده به عنوان نایب‌رئیس انتخاب شدند. این هیئت درخواست‌های صنفی خود را طی پنج ماده به اطلاع وزیر دادگستری رساندند. بر همین اساس وزارت دادگستری با تشکیل نخستین مجمع موافقت کرد و این وضع تا آبان‌ماه ۱۳۰۴ خورشیدی و انتقال حکومت از قاجاریه به رضاشاه پهلوی ادامه داشت تا اینکه مرحوم علی اکبرخان داور به وزارت دادگستری رسید.

علی اکبرخان داور عضو عدلیه بود و از طریق عدلیه برای تکمیل تحصیلات خود به سوئیس رفته بود. وی با بازگشت به ایران، در شهریور ۱۳۰۰، تصدیق نامه وکالت گرفت. علی اکبرخان با ذهنیتی که از دادگستری اروپا پیدا کرده بود در بهمن ماه ۱۳۰۵ اختیار ویژه برای ایجاد عدلیه نوین را از رضاشاه اخذ کرد و با حذف مجمع وکلا رسمی از اصول تشکیلات پیشنهادی مرحوم داور، امور مربوط به وکلا زیر نظر اداره‌ای به نام «اداره احصاییه امور قضایی وزارت عدلیه» قرار گرفت. این اجازه، چهار ماهه بود و در خرداد ۱۳۰۶ اجرا شد.

این هیأت توانست در تیرماه ۱۳۰۹، علاوه بر کسب استقلال ضمنی، مقدمات تشکیل کانون وکلا را نیز فراهم کند. ضرورت تشکیل نهاد متولی و ناظر بر وکلا با دو هدف اصلی رسیدگی و احراز صلاحیت علمی و اخلاقی وکلا و پیگیری تخلفات ایشان بود. امور مربوط به وکلا زیر نظر اداره‌ای بود به عنوان «اداره احصاییه امور قضایی وزارت عدلیه» و سرپرست این اداره هم مرحوم داود پیرنیا بود. در روز سه‌شنبه ۲۰ آبان ۱۳۰۹، کانون وکلا بطور رسمی با حضور علی اکبرخان داور، تشکیل شد.



وارد دانسته است.

دادگاه عالی انتظامی قضات یکی از دلایل ابطال انتخابات را «انجام تبلیغات گسترده غیرمجاز» عنوان کرده است. علی نجفی توانا نوشته «بر فرض ثبوت، با توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت انتظامی و کیفری، باید افراد مرتکب تخلف موضوع تصمیم‌گیری قرار می‌گرفتند نه اینکه حقوق مکتسبه و قانونی سایر نامزدهای انتخاب شده و شرکت کنندگان در انتخابات بی‌اعتبار تلقی می‌شد.»

«سلب حقوق استفاده از فرصت مطلوب قانونی تبلیغات برای شش نفر از داوطلبین احراز صلاحیت شده» از دیگر ایرادهای دادگاه عالی انتظامی قضات به این انتخابات بوده است. ادعایی که علی نجفی توانا درباره آن معتقد است «این استدلال زمانی قابل دفاع خواهد بود که تمام و یا بعضی از این افراد معترض بوده و چون نامزدهای مشمول از این حق اعتراض استفاده نکرده‌اند رسیدگی ارتجالی به این امر منطبق با اصول سیاست تقنینی و قضایی باشند.»
علی نجفی توانا همچنین نوشته «علی‌القاعده تا احراز و اثبات تخلف اعضای محترم هیأت نظارت -که در این مسیر متحمل زحمات زیادی نیز گردیده‌اند- و اتخاذ تصمیم نسبت به آن به نظر می‌رسد ابتدا ابطال انتخاب به دلیل «عدم اهتمام جدی هیأت نظارت بر کنترل اوضاع...» از منظر حقوقی قابلیت توجیه نداشته باشد.»

دکتر بهنام حبیب‌زاده رئیس کانون وکلا دادگستری مرکز، نیز در یادداشتی نوشته که «تلاش‌های تمامی ارکان کانون وکلا مرکز و هیئت نظارت بر انتخابات برگزاری انتخاباتی سالم، شفاف و بی‌طرفانه و در شأن وکلا دادگستری بود.»
رئیس کانون وکلا در ادامه نوشته «شوربختانه با ایرادات جزئی و طبیعی، مواجه با ابطال انتخابات توسط دادگاه انتظامی شدید و اینک بررسی چرایی این اتفاق ناگوار نیازمند تحلیلی حقوقی خارج از احساس با تعقلی منطق مدار و لحاظ عوامل و امور قابل کنترل و غیرقابل کنترل خواهد بود. بی شک با امید به آینده از این مقطع نیز کانون

● دادگاه عالی انتظامی قضات روز گذشته ۲۰ آبان‌ماه سی و سومین دوره انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا دادگستری مرکز را باطل اعلام کرد. پیشتر و در سال گذشته نیز با دخالت دادگاه عالی انتظامی قضات از برگزاری انتخابات اسکودا (اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا دادگستری ایران) جلوگیری شده بود.

● دکتر بهنام حبیب‌زاده رئیس کانون وکلا دادگستری مرکز، نیز در یادداشتی نوشته که «تلاش‌های تمامی ارکان کانون وکلا مرکز و هیئت نظارت بر انتخابات برگزاری انتخاباتی سالم، شفاف و بی‌طرفانه و در شأن وکلا دادگستری بود.»

همزمان با نود و چهارمین سالگرد تأسیس کانون وکلا دادگستری در ایران دادگاه عالی انتظامی قضات سی و سومین دوره انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا دادگستری مرکز را باطل اعلام کرد. این انتخابات ۱۹ مهرماه با بیش از ۵۰۰۰ رای دریافتی برگزار شده بود و اعضای اصلی و علی‌البدل کانون انتخاب شده بودند.

دادگاه عالی انتظامی قضات روز گذشته ۲۰ آبان‌ماه سی و سومین دوره انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا دادگستری مرکز را باطل اعلام کرد. پیشتر و در سال گذشته نیز با دخالت دادگاه عالی انتظامی قضات از برگزاری انتخابات اسکودا (اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا دادگستری ایران) جلوگیری شده بود.

سعید پرور وکیل و کنشگر صنفی وکلا معتقد است که هیچیک از موارد مطروحه در دادنامه دادگاه عالی انتظامی قضات بر اساس «آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا» که مصوب قوه قضائیه هم هست، از موجبات ابطال انتخابات نیست.

او به روزنامه «هم‌میهن» توضیح داده که «به عنوان مثال حتی اگر تبلیغات انجام شده توسط کاندیداها فراتر از تبلیغات عرفی هم باشد، ضمانت اجرای آن به موجب آئین‌نامه صرفاً متوجه شخص کاندیدا است یا اگر سایر افراد دست به چنین اقدامی زده بودند هم تخلف متوجه آنها بود. بنابراین ضمانت اجرای آئین‌نامه درباره تخلفات تبلیغاتی، ابطال کل فرایند انتخابات نیست و نمی‌توان فراتر از قانون عمل کرد.»

سعید پرور به تغییرات ایجادشده در دادگاه عالی انتظامی قضات و شعبه دو آن، اشاره کرده و معتقد است: «کلیت ابطال انتخابات دلیلی فراتر از این دلایل دارد و احتمالاً به مسئله احراز صلاحیت‌هایی که در شعبه دو دادگاه رخ داد باز می‌گردد؛ به این معنا که شاید نهادهای امنیتی یا خود قوه قضائیه با این احراز صلاحیت‌ها موافق نبوده‌اند اما این موضوع ارتباطی با انتخابات ندارد و اگر مسئله‌ای درباره احراز صلاحیت‌ها وجود داشته است، شعبه‌ای از دادگاه عالی انتظامی قضات که زیرمجموعه قوه قضائیه است اقدام به تایید صلاحیت‌ها کرده است. تایید صلاحیت‌ها در قالب دادنامه یا رای اعلام شده است و در علم حقوق اگر رای اشتباه هم صادر شود، اجرای آن بهتر از عدم اجرای قانون است. بنابراین ما نباید انتخاباتی را که در یکی از اصناف مهم کشور رخ داده است به بهانه عدم رعایت شرایط شکلی ابطال کنیم.»

علی نجفی توانا وکیل پایه یک دادگستری در واکنش به ابطال انتخابات اخیر کانون وکلا در یادداشتی سه ایراد به «توجهیات و استدلال مورد اتکا در تصمیم انتظامی مذکور»

«کلینک ترک بی‌حجابی»، ابزار جدید سرکوب زنان



● ایجاد «کلینک ترک بی‌حجابی» این هدف را دنبال می‌کند که با «بیمارانگاری» بی‌حجابی، توجیه پزشکی-حقوقی برای دستگیری زنان معترض بتراشد.

● اصل و اساس «حجاب» بر سلب اختیار زن بر بدن و رفتار خویش استوار است. با حجاب و همه احکام و تعاریف و شرایط و ضوابط و قوانینی که برای آن مشخص شده، کرامت و ارزش انسانی زن حذف و او فقط در جنسیت‌اش خلاصه می‌شود. این دیدگاه، جنسیت زن را «منشاء فتنه و فسق و فساد دانسته که می‌تواند مرد را از راه ایمان خارج کرده و به گناه بیالاید». چنین تفکری از یک ایدئولوژی متعفن و متحجر بر می‌خیزد که می‌خواهد سرنوشت زنان را دردست داشته باشد.

حنیف حیدرئزاد- خبرنگاری‌های حکومتی روز سه‌شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۳ خبر دادند که «به همت اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف، کلینک ترک بی‌حجابی در تهران با هدف درمان علمی و روان شناختی بی‌حجابی ویژه نسل نوجوان، جوان و بانوان جویای هویت اجتماعی و اسلامی افتتاح می‌شود».

ایجاد «کلینک ترک بی‌حجابی»، توهینی آشکار به زنان ایران است که سیاست حجاب اجباری رژیم را در مبارزه روزانه خود در خیابان‌های شهرهای کوچک و بزرگ کشور به چالش گرفته‌اند. انتخاب نوع پوشش و نوع سبک زندگی، یک حق شهروندی و از بنیادی‌ترین حقوق بشر است که در آن بر انتخاب آزاد انسان و حق او بر تعیین سرنوشت خود تاکید کرده، همانگونه که ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند: «هیچکس را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا خلاف انسانیت و شئون انسانی یا موهن باشد».

حکومت اسلامی از بدو تاسیس، زنان را مجبور به «رفتاری» کرده است که نمی‌خواهند به آن تن دهند. آنها حجاب اجباری را مصداق «رفتار ظالمانه‌ای که خلاف شئون و کرامت انسانی» است، می‌دانند.

«بیمارانگاری» بی‌حجابی، توجیه جدید برای سرکوب زنان

ایجاد «کلینک ترک بی‌حجابی» این هدف را دنبال می‌کند که با «بیمارانگاری» بی‌حجابی، توجیه پزشکی-حقوقی برای دستگیری زنان معترض بتراشد. ده روز پیش، بعد از عصیان برهنه آهو دریائی، «دختر علوم تحقیقات»، نیروهای لباس شخصی او را ربودند. در پی اعتراض گسترده و سریع مردم در ایران و حمایت گسترده جهانی از آهو دریائی، حکومت ناگزیر به واکنش شده و رسانه‌های حکومتی اعلام کردند: «این دانشجو تحت فشار روحی شدید و دچار اختلالات روانی است و در حال حاضر به یک مرکز درمانی منتقل شده است».

موضوع «اختلال روانی و انتقال به مرکز درمانی» یکی از سناریوهای سوخته حکومتی است و در مورد بسیاری از دستگیر شدگان و زندانیان عُصیانگر که حاضر نیستند به اطاعت و بردگی تن در دهند مطرح می‌شود. جدیدترین نمونه‌ها «دختر تبریز» و سامان یاسین، زبیر معترض کرمانشاهی بودند که به خوبی در یاد مردم باقی مانده‌اند. رژیم اسلامی حاکم بر ایران پس از دستگیری آهو دریائی و انتقال او به یک مرکز روان‌درمانی با موج گسترده حمایت مردم در ایران و همبستگی گسترده جهانی با او روبرو شد که هم دستگیری و هم انتقال او به چنین مرکزی را محکوم

خودشان عمل کنند».

او با این سخنان، خطوط کلی برای حمله به زنانی را که با حجاب اجباری مقابله می‌کنند صادر کرد.

او در یک سخنرانی دیگر در مورد مقابله با اینترنت، فضای مجازی و فیلترینگ گفته بود: «درباره‌ی فضای مجازی... آنچه مهم است این است که در فضای مجازی، حکمرانی قانونمند وجود داشته باشد؛ اینکه بنده گاهی گفته‌ام فضای مجازی رها و ول است، به خاطر این است. حکمرانی بر اساس قانون؛ اگر قانونی ندارید، قانون را به وجود بیاورید و بر اساس آن قانون، زمام کار را به دست بگیرید».

درواقع حکومت در تلاش است تا سرکوب زنان را در چهارچوب «حکمرانی قانونمند» به نحوی سیستماتیک سر و سامان داده تا به ویژه در برابر اعتراض جامعه جهانی بتواند با توسل به چنین استدلالی وانمود کند آنچه اتفاق می‌افتد بخشی از قانون و در چهارچوب سیستم اداری نظام است.

زنان ایران قیومیت می‌پذیرند

اصل و اساس «حجاب» بر سلب اختیار زن بر بدن و رفتار خویش استوار است. با حجاب و همه احکام و تعاریف و شرایط و ضوابط و قوانینی که برای آن مشخص شده، کرامت و ارزش انسانی زن حذف و او فقط در جنسیت‌اش خلاصه می‌شود. این دیدگاه، جنسیت زن را «منشاء فتنه و فسق و فساد دانسته که می‌تواند مرد را از راه ایمان خارج کرده و به گناه بیالاید». چنین تفکری از یک ایدئولوژی متعفن و متحجر بر می‌خیزد که می‌خواهد سرنوشت زنان را دردست داشته باشد. زنان ایران نمی‌خواهند کسی بر آنها قیومیت داشته باشد و برایشان راه و روش زندگی و سبک لباس پوشیدن و یا خوب و بد رابطه جنسی یا کار و تحصیل و دیگر مناسبات را تعیین کند.

مبارزه زنان نه فقط حرکتی در دفاع از حقوق زنان، بلکه حرکتی در دفاع از کرامت انسان، هم مرد و هم زن، و برای اعتلای جامعه است. مبارزه‌ای که هر روز به شکل جدیدی ادامه داشته و تا برچیده شدن حکومت اسلامی در ایران ادامه خواهد یافت.

کرده و خواهان آزادی او شدند. بعد از ده روز هنوز نسبت به وضعیت او خبری در دست نیست. نمونه‌های قبلی نشان از آن دارد که رژیم فرد دستگیرشده را زیر فشار قرار داده و به اعتراف اجباری می‌کشاند. سیاستی که البته رنگ باخته است.

به نظر می‌رسد رژیم ایران با اعلام ایجاد «کلینک ترک بی‌حجابی» در تلاش است تا به روش جدیدی اقدامات سرکوبگرانه خودش را توجیه کند. مه‌ری طالبی دارستانی رئیس اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف استان تهران که خبر ایجاد کلینک ترک بی‌حجابی را اعلام کرده، می‌گوید: «این مرکز به عنوان بخشی از نقشه جامع راهبردی «زیست بوم غیرت، حیا، عفت، حجاب» با رویکرد فرهنگی نوین و با هدف ارائه خدمات روان‌شناختی، مشاوره‌ای و مددکاری به افرادی که تمایل به رعایت حجاب دارند و ممکن است به دلیل فشارهای اجتماعی یا تأثیرات محیطی در این زمینه دچار چالش شده باشند، طراحی و به مرحله اجرا رسیده است».

«چالش به دلیل فشارهای اجتماعی یا تأثیرات محیطی و اختلال روانی» سرپوش تازه‌ای است که این رژیم ضد زن می‌خواهد با توسل به آن دستگیری زنان را توجیه کرده و آن را تحت عنوان «ارائه خدمات کلینکی» به جهان بفروشد. می‌توان انتظار داشت که در آینده، زنانی بر صفحه تلویزیون رژیم ظاهر شده و همین حرف‌ها را تکرار کرده و «سپاسگزار» هم باشند که از چنین «خدمات و حمایتی» برخوردار شده‌اند.

خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌های خود در فروردین ۱۴۰۳ در مورد حجاب گفته بود: «مسئله‌ی حجاب تبدیل شده به یک چالش... بنده نظر قاطع خودم را در این مورد عرض می‌کنم... هم از دیدگاه قانونی... هم از لحاظ شرعی، حجاب یک حکم مسلم شرعی است... رعایت حکم قانون برای همه واجب است. چه آن کسانی که به شرع معتقدند، چه حتی آن کسانی که به شرع هم معتقد نیستند، قانون را بایستی رعایت کنند. بنده معتقدم در دولت، در قوه قضائیه، در بخش‌های مختلف، در این زمینه مسئولیت وجود دارد که بایستی به مسئولیت‌های قانونی و شرعی

زنجره شجاعت: مبارزه برای آزادی و مسیر به سوی یک ایران سکولار و دموکراتیک



نشان داده‌اند که جنبش‌ها با خواسته‌های خاص و هدفمند احتمال بیشتری برای جلب حمایت عمومی و دستیابی به تغییرات پایدار دارند. کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز وقتی بر اهداف ملموس و واحد متمرکز می‌کنند، موفق هستند و زمینه حمایت عمومی گسترده‌تری را فراهم می‌کنند. جنبش‌هایی که فاقد این عناصر هستند، اگرچه ممکن است توجه را به خود جلب کنند- همان‌طور که حرکت نمادین این زن در دانشگاه علوم تحقیقات کرد- اما بدون پیام متمرکز، خطر آن وجود دارد که به نمادهای گذرای مقاومت تبدیل شوند، نه بذرهای تغییرات بنیادین.

برای موفقیت یک انقلاب، باید چند عنصر کلیدی وجود داشته باشد. اول، نارضایتی عمومی گسترده که امروز در ایران مشهود است. دوم، این نارضایتی باید به خواسته‌های سازماندهی شده و مشخص همراه با یک پیام واضح تبدیل شود که به جنبش جهت و هدف دهد. سوم، جنبش از عواملی مانند فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی که می‌توانند رژیم را تحت فشار قرار دهند، سود ببرد و همچنین حمایت نیروهای خارجی از جنبش مردمی. و در نهایت، ریزش و جدایی نیروهای مدیریتی رژیم و همچنین اعضای نیروهای نظامی و مسلح.

با انتخاب مجدد دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری پنجم نوامبر ۲۰۲۴ در ایالات متحده، حمایت بی‌دریغ اسرائیل از مردم ایران و تمایل گسترده‌تر غرب به مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی، فرصت‌هایی برای هم‌راستایی با بازیگران خارجی که هدفشان تضعیف جمهوری اسلامی است افزایش می‌یابد. اگر معترضان ایرانی بتوانند با اهداف مشخص و جبهه‌ای متحد به میدان بیایند، این هم‌راستایی می‌تواند به نفع‌شان عمل کند؛ به ویژه آنکه متحدانی چون اسرائیل در حال تضعیف ظرفیت‌های

هرچند هنوز اطلاعات چندانی درباره او یا دلیل دقیق این رویداد نداریم، اما شجاعت او انکارناپذیر است. این اقدام به عنوان یک نافرمانی مدنی قدرتمند و گواهی بر عزم زنان ایران برای پس گرفتن حق تصمیم و اختیارشان می‌درخشد. با این حال، با اینکه چنین اقدامات شجاعانه‌ای الهام‌بخش‌اند، این پرسش کلیدی نیز مطرح می‌شود: چگونه می‌توان شجاعت فردی را به سوی تغییرات معنادار و سیستماتیک سوق داد؟

مسیر انقلابی ایران برای آزادی و دموکراسی با لحظات و اقدامات سرنوشت‌ساز شکل گرفته که هرکدام یک پله در مسیر گسترده‌تر مبارزه برای این هدف بوده‌اند. یک نمونه، جنبش «زن، زندگی، آزادی» که خواستار کرامت، برابری جنسیتی و عدالت شد و حمایت‌های گسترده‌ای در ایران و در سراسر جهان جلب کرد. به همین ترتیب، فریاد «رای من کجاست؟» در جنبش سبز ۱۳۸۸ آگاهی سیاسی گسترده‌ای ایجاد کرد و سرکوبگری رژیم را آشکار ساخت. هرچند جنبش سبز در نهایت در چارچوب رژیم باقی ماند، اما پایه‌ای برای موج‌های بعدی فعالیت‌های اعتراضی فراهم کرد. در این میان چندین قیام دیگر نیز صورت گرفت مانند آبان خونین ۱۳۹۸ با جرقه اقتصادی پس از افزایش قیمت بنزین و اعتراضاتی به دلیل مسائل محیط زیست در خوزستان و اصفهان با درخواست رسیدگی به کمبود آب. اما امروز، جنبش ایران به رویکردی گسترده‌تر و متحدتر نیاز دارد تا بتواند حاکمیت ملی کامل و آزادی‌های مورد درخواست ایرانیان را به دست آورد.

تحقیقات در مورد اثربخشی مقاومت مدنی نشان می‌دهد که انقلاب‌های موفق به چیزی فراتر از اقدامات لحظه‌ای شجاعانه نیاز دارند؛ آنها به اهداف روشن و پیام‌رسانی مستمر نیاز دارند. محققین سیاسی، اریکا چنوووت و ماریا استفان،

تحقیقات در مورد اثربخشی مقاومت مدنی نشان می‌دهد که انقلاب‌های موفق به چیزی فراتر از اقدامات لحظه‌ای شجاعانه نیاز دارند؛ آنها به اهداف روشن و پیام‌رسانی مستمر نیاز دارند.

نافرمانی مدنی در یک رژیم سرکوبگر الهام‌بخش است، اما اغلب از ایجاد موج تغییر گسترده ناتوان است. ایرانیان اکنون باید نه تنها نارضایتی خود، بلکه دیدگاه خود را برای آینده‌ای نوین در ایران بیان کنند: حکومتی سکولار و دموکراتیک که حقوق و آزادی‌هایشان را محترم بشمارد. اعتراضات خاموش، هرچند شجاعانه، اما قدرت لازم برای بسیج یک ملت را ندارد. رژیم سرکوبگر اسلامی از نارضایتی جامعه مطلع است؛ آنچه اکنون باید بشنود، خواسته جمعی مردم برای یک ایران سکولار و دموکراتیک تحت رهبری مشخص است.

برای تثبیت این مسیر، انقلاب باید زیر پرچمی که این خواسته جمعی را نمایندگی می‌کند متحد شود و اصول جنبش «زن، زندگی، آزادی»، خواسته‌های اقتصادی قیام ۱۳۹۸، اعتراضات محیط زیستی خوزستان و اصفهان و بسیاری از اعتراضات گسترده گذشته را با هدف وسیع‌تری برای یک ایران دموکراتیک و سکولار تحت رهبری مشخص ترکیب کند. واجد اهمیت است که درک کنیم اقداماتی مانند اعتراض خاموش زن دانشگاه علوم تحقیقات به تنهایی و بطور منفک قدرت ایجاد تغییر را ندارند بلکه تنها «یک» حلقه در این زنجره شجاعت هستند.

سیمون درایه - اقدام اخیر یک زن جوان در دانشگاه علوم تحقیقات ایران که گفته شده است برای مقابله با آزار نیروهای نهمی منکر، لباس‌های خود را به حد لباس زیر درآورد، توجه گسترده‌ای را جلب کرد و مباحث جدیدی را درباره جهت‌گیری جنبش انقلابی ایران برانگیخت.

دو متهم اصلی سرقت از بانک ملی شعبه «دانشگاه» محکوم به قطع دست شدند



متهمان سرقت از بانم ملی شعبه «دانشگاه» در لباس زندان

سرقت حدی است و نمی‌تواند افساد فی الارض باشد یا برعکس؛ اگر افساد فی الارض است، نمی‌تواند سرقت حدی باشد.

به گفته وکیل متهم «پرونده دو بخش دارد؛ بخش اول حکم دادگاه کیفری یک استان مبنی بر قطع دست است که سرقت حدی در نظر گرفته شده» و بخش دوم پرونده در دادگاه انقلاب مورد رسیدگی قرار گرفته که این دادگاه «ارکان جرم را محرز ندانسته و اقدام به برائت کرده» است.

سرقت از بانک ملی شعبه «دانشگاه» روز ۱۳ خرداد ۱۴۰۱ انجام شد. مونسان عضو هیات رئیسه بانک ملی درباره این سرقت گفته بود: «دزدان از ۲۵۰ صندوق امانات که در اختیار مشتریان بوده، ۱۶۲ صندوق را با دیلم شکسته‌اند و هر صندوقی که پر بوده را خالی کرده‌اند.» او با بیان اینکه صندوق‌ها مجهز به سیستم‌های امنیتی هستند توضیح داد که «تیم سارقانی که وارد شعبه شده‌اند، بسیار ماهر و کارکشته بودند و توانسته‌اند سیستم‌ها را از کار بیاندازند.»

سارقان از طریق در پشت ساختمان و با تخریب و بریدن قفل وارد ساختمان شده بودند. آنها بعد از برش دادن در گاو صندوق بزرگ و هک رمز آن به محوطه صندوق امانات بانک وارد شده‌اند از ۲۵۰ صندوق موجود ۱۶۹ صندوق را خالی کرده و بعد از همان درب پشتی خارج شده در را بسته و قفل آن را محکم کرده و از صحنه دور شده‌اند. در این پرونده ۲۶ نفر بازداشت شده بودند.

روزنامه اعتماد اواسط تیرماه ۱۴۰۳ گزارش داده بود، متهم ردیف اول این پرونده در زندان دست به خودکشی زده است.

● روزنامه «اعتماد» روز شنبه ۱۹ آبان‌ماه گزارش داد «آرمین» و «هاتف»، متهمان ردیف اول و دوم سرقت از صندوق امانات بانک ملی شعبه «دانشگاه» از سوی دادگاه کیفری یک تهران به قطع دست محکوم شدند.

● این افراد از سوی دیوان عالی کشور با اتهام «افساد فی‌الارض» مواجه شده‌اند که می‌تواند حکم اعدام برای آنها در پی داشته باشد.

● اعتماد همچنین از وجود نقص‌هایی در پرونده خبر داده و به نقل از امین گلریز، وکیل آرمین سارق اصلی بانک ملی نوشته است: «یک رفتار نمی‌تواند همزمان دو مجازات داشته باشد؛ اگر دست متهم باید قطع شود پس سرقت حدی است و نمی‌تواند افساد فی الارض باشد یا برعکس؛ اگر افساد فی الارض است، نمی‌تواند سرقت حدی باشد.»

● روزنامه اعتماد اواسط تیرماه ۱۴۰۳ گزارش داده بود، متهم ردیف اول این پرونده در زندان دست به خودکشی زده است.

روزنامه «اعتماد» روز شنبه ۱۹ آبان‌ماه گزارش داد «آرمین» و «هاتف»، متهمان ردیف اول و دوم سرقت از صندوق امانات بانک ملی شعبه «دانشگاه» از سوی دادگاه کیفری یک تهران به قطع دست محکوم شدند.

این افراد از سوی دیوان‌عالی کشور با اتهام «افساد فی‌الارض» مواجه شده‌اند که می‌تواند حکم اعدام برای آنها در پی داشته باشد.

اعتماد همچنین از وجود نقص‌هایی در پرونده خبر داده و به نقل از امین گلریز، وکیل آرمین سارق اصلی بانک ملی نوشته است: «یک رفتار نمی‌تواند همزمان دو مجازات داشته باشد؛ اگر دست متهم باید قطع شود پس

استراتژیک رژیم ایران هستند و بطور غیرمستقیم انگیزه برای تغییر را تقویت می‌کنند.

جنبش ملت ایران باید بر ایجاد یک حضور عمومی و خیابانی متمرکز کند که به وضوح این اهداف و خواسته‌های مشترک را بیان کند. در یک رژیم تمامیت‌خواه، هرچند اعمال نافرمانی مدنی، مانند اعتراض این زن جوان، الهام‌بخش‌اند، ولی اغلب قادر به ایجاد تحرک گسترده نیستند. برخلاف جنبش‌های حقوق مدنی در جوامع دموکراتیک- که اقدامات فردی نظیر اعتراض رزا پارکس در جنبش حقوق مدنی رنگین‌پوستان در آمریکا موجب تغییرات سیاستی شد (رزا پارکس با امتناع از برخاستن از صندلی اتوبوس که مخصوص سفیدپوستان بود جرقه جنبش حقوق مدنی رنگین‌پوستان را روشن کرد).

نافرمانی مدنی در یک رژیم سرکوبگر الهام‌بخش است، اما اغلب از ایجاد موج تغییر گسترده ناتوان است. ایرانیان اکنون باید نه تنها نارضایتی خود، بلکه دیدگاه خود را برای آینده‌ای نوین در ایران بیان کنند: حکومتی سکولار و دموکراتیک که حقوق و آزادی‌هایشان را محترم بشمارد. اعتراضات خاموش، هرچند شجاعانه، اما قدرت لازم برای بسیج یک ملت را ندارد. رژیم سرکوبگر اسلامی از نارضایتی جامعه مطلع است؛ آنچه اکنون باید بشنود، خواسته جمعی مردم برای یک ایران سکولار و دموکراتیک تحت رهبری مشخص است.

ایران سکولار و دموکراتیک سال‌هاست که در گفتمان شاهزاده رضا پهلوی ارائه شده است؛ رهبری که به نماد وحدت‌بخش برای کسانی تبدیل شده که به دنبال پس گرفتن حاکمیت ملی خود در کشورشان هستند. دیدگاه شاهزاده رضا پهلوی از ایرانی که حقوق و حمایت‌های همه شهروندانش را بدون توجه به جنسیت، قومیت یا باور آنان تضمین می‌کند، مسیر ضروری آینده است.

برای تثبیت این مسیر، انقلاب باید زیر پرچمی که این خواسته جمعی را نمایندگی می‌کند متحد شود و اصول جنبش «زن، زندگی، آزادی»، خواسته‌های اقتصادی قیام ۱۳۹۸، اعتراضات محیط زیستی خوزستان و اصفهان و بسیاری از اعتراضات گسترده گذشته را با هدف وسیع‌تری برای یک ایران دموکراتیک و سکولار تحت رهبری مشخص ترکیب کند.

حضور نمادهای ملی ایران مانند پرچم شیروخورشید، تصاویر شاهزاده رضا پهلوی و شعارهایی که صریحاً نام او را صدا می‌کنند و تغییر رژیم را طلب می‌کنند، به‌عنوان نقطه‌ای برای گردهمایی و تمایز مقاصد جنبش عمل می‌کند. با استفاده از این نمادها، انقلاب موضع خود را روشن می‌سازد، خواسته‌هایش را از نارضایتی از چند سیاست رژیم فراتر برده و بیانیه‌ای قاطع برای تغییر کامل رژیم ارائه می‌دهد.

در این مرحله حیاتی، ایرانیان باید بر ایجاد یک حضور عمومی متمرکز شوند که پیامی از وحدت و هدف را منتقل کند. وقتی خواسته‌های مردم مشخص، شعارها و نمادها حاکی از رهبری واحد شاهزاده و مسیر تغییر رژیم روشن باشد، انقلاب ایران نه تنها ادامه خواهد یافت، بلکه سرعت بیشتری خواهد گرفت و هر چه بیشتر به رؤیای یک کشور آزاد نزدیک خواهد شد.

واجد اهمیت است که درک کنیم اقداماتی مانند اعتراض خاموش زن دانشگاه علوم تحقیقات به تنهایی و بطور منفک قدرت ایجاد تغییر را ندارند بلکه تنها «یک» حلقه در این زنجیره شجاعت هستند.

*سیمون درایه فعال سیاسی و مدنی

در انتظار اقدام بعدی اسرائیل: آیا حمله نظامی می‌تواند جمهوری اسلامی را سرنگون کند؟



که رژیم از جمله با قطع اینترنت مانع از سازماندهی مردم می‌شود.

یک شهروند ایرانی می‌گوید: «اگر اسرائیل یا کشورهای غربی بتوانند اینترنت را برای ما برقرار کنند، می‌توانیم خودمان اعتراضات را هماهنگ کنیم.» هدف قرار دادن رهبران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مقامات مسئول سرکوب می‌تواند توانایی رژیم در کنترل اوضاع را تضعیف کند.

بسیاری معتقدند که اقداماتی از این دست، همراه با دسترسی به اینترنت، می‌تواند شرایط را برای سرنگونی رژیم فراهم کند.

یک فعال زیرزمینی می‌گوید: «ما نیاز داریم که اسرائیل رهبران کلیدی رژیم را هدف قرار دهد. اگر رسانه‌های حکومتی را نیز از کار بیندازند و اینترنت در دسترس باشد، خودمان قادر خواهیم بود قدم نهایی را برداریم.»

حمله موشکی اخیر نقطه عطفی در درگیری میان ایران و اسرائیل محسوب می‌شود. اگر اسرائیل با حملات گسترده‌تری پاسخ دهد، ممکن است رژیم ایران بیشتر تضعیف شود و زمینه برای اعتراضات داخلی فراهم شود. اما این موضوع می‌تواند به افزایش تلفات غیرنظامیان و بی‌ثباتی منطقه‌ای نیز منجر شود. برای مردم ایران، این ریسک بالا وجود دارد- ولی یا این فرصت برای تغییر رژیم را غنیمت می‌شمارند یا با دوره‌ای دیگر از سرکوب و خشونت روبرو می‌شوند.

بسیاری از فعالان ایرانی از جامعه بین‌المللی می‌خواهند که به جای مذاکرات پشت پرده با رژیم، از مردم ایران حمایت کنند. آن‌ها معتقدند که ارائه دسترسی به اینترنت در زمان اعتراضات و هدف قرار دادن پروپاگاندای رژیم، می‌تواند مردم را برای تغییرات واقعی تقویت کند.

جامعه بین‌المللی باید در تصمیم‌گیری در ارتباط با ایران، آزادی و دموکراسی مردم ایران را در اولویت قرار دهد. ترکیبی از فشار نظامی، انزوای دیپلماتیک و حمایت از جنبش‌های مردمی می‌تواند بهترین راه برای تحقق تغییرات معنادار باشد.

*دکتر آیدین پناهی استاد پژوهشگر ایرانی- آمریکایی و متخصص انرژی است. او همچنین به عنوان فعال سیاسی و حقوق بشر فعالیت می‌کند.

*منبع: واشنگتن تایمز

ایران را هدف قرار دهد، مردم مثل من به خیابان‌ها خواهند آمد. این می‌تواند همان لحظه‌ای باشد که برای سرنگونی رژیم منتظرش بوده‌ایم.»

با وجود این امیدواری‌ها، نگرانی‌هایی درباره پیامدهای افزایش خشونت وجود دارد. بسیاری از ایرانیان می‌ترسند که ادامه این حملات وضعیت اقتصادی را وخیم‌تر کرده و به رنج بیشتر مردم عادی منجر شود.

یک معلم بازنشسته ایرانی می‌گوید: «ما خواهان تغییر رژیم هستیم، اما نه به قیمت افزایش تلفات غیرنظامیان یا تخریب زیرساخت‌های حیاتی از جمله صنایع نفت و گاز و انرژی. امیدواریم که اقدامات اسرائیل بدون آسیب گسترده به مردم صرفاً بر تضعیف قدرت فرماندهی رژیم متمرکز شود.»

برنامه موشکی ایران پس از امضای برجام در سال ۲۰۱۵ به یکی از مسائل چالش‌برانگیز تبدیل شد. توافق هسته‌ای بیشتر بر محدودیت‌های غنی‌سازی متمرکز بود، اما نتوانست توسعه موشک‌های بالستیک ایران را مهار کند. طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت از رژیم ایران خواسته شده بود تا موشک‌هایی را که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای دارند، طراحی نکنند. با این حال، این درخواست الزام‌آور نبود و رژیم ایران برنامه خود را ادامه داد.

در سال‌های اخیر، برد و دقت موشک‌های تولید ایران افزایش یافته و همزمان حمایت از روسیه در جنگ اوکراین، از طریق ارسال موشک‌ها و پهپادها، اوضاع را پیچیده‌تر کرده است. این مسئله موجب شده تا بسیاری به کارآمدی برجام شک کنند و خواستار بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی از طریق فعال کردن مکانیسم ماشه باشند.

دولت ترامپ پس از بازگشت به قدرت در ماه ژانویه ۲۰۲۵، احتمالاً سیاست «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی را از سر خواهد گرفت و تحریم‌های سنگینی بر صادرات نفت، معاملات مالی و فعالیت‌های نظامی رژیم ایران اعمال خواهد شد. این رویکرد با هدف قطع منابع مالی رژیم و حمایت از اعتراضات مردمی، در نهایت به تضعیف حکومت منجر خواهد شد.

با این حال، چالش‌های عملی در مورد سازماندهی اعتراضات وجود دارد. اعتراضات ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲ نشان داد

● با افزایش تنش‌ها، بسیاری از ایرانیان امیدوارند که اقدامات اسرائیل بتواند قدرت رژیم اسلامی را تضعیف کند. رژیم ایران بطور سنتی از درگیری‌های منطقه‌ای برای جلب حمایت ملی‌گرایانه و سرکوب مخالفان داخلی استفاده کرده است، اما به نظر می‌رسد اینبار مردم کمتر تمایلی به حمایت از این تاکتیک‌ها دارند.

● حمله موشکی اخیر نقطه عطفی در درگیری میان ایران و اسرائیل محسوب می‌شود. اگر اسرائیل با حملات گسترده‌تری پاسخ دهد، ممکن است رژیم ایران بیشتر تضعیف شود و زمینه برای اعتراضات داخلی فراهم شود. اما این موضوع می‌تواند به افزایش تلفات غیرنظامیان و بی‌ثباتی منطقه‌ای نیز منجر شود. برای مردم ایران، این ریسک بالا وجود دارد- ولی یا این فرصت برای تغییر رژیم را غنیمت می‌شمارند یا با دوره‌ای دیگر از سرکوب و خشونت روبرو می‌شوند.

● جامعه بین‌المللی باید در تصمیم‌گیری در ارتباط با ایران، آزادی و دموکراسی مردم ایران را در اولویت قرار دهد. ترکیبی از فشار نظامی، انزوای دیپلماتیک و حمایت از جنبش‌های مردمی می‌تواند بهترین راه برای تحقق تغییرات معنادار باشد.

آیدین پناهی (واشنگتن تایمز)- تنش‌های میان رژیم ایران و اسرائیل که با ترورهای بی‌سابقه و حملات متقابل شدید همراه بوده به نقطه‌ای حساس رسیده است. ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران و حسن نصرالله رهبر حزب‌الله در بیروت توسط اسرائیل، جمهوری اسلامی را بر آن داشت تا بیش از ۱۸۰ موشک بالستیک به سمت اهدافی در اسرائیل شلیک کند.

در پاسخ، اسرائیل حملات هوایی گسترده‌ای به پایگاه‌های نظامی در ایران انجام داد و برخی زیرساخت‌های کلیدی دفاعی رژیم را تخریب کرد. جمهوری اسلامی اعلام کرده که «پاسخ قوی و پیچیده‌ای» در راه است که شامل تسلیحات پیشرفته‌تر خواهد بود. اسرائیل نیز هشدار داده که هرگونه تجاوز دیگر با واکنش قاطع روبرو خواهد شد و تأکید کرده که رژیم «ایران بهای سنگینی خواهد پرداخت.»

این درگیری، پرسش‌های مهمی را درباره ثبات منطقه و آینده رژیم ایران مطرح می‌کند.

اسرائیل سال‌ها است که برنامه موشک‌های بالستیک ایران را تهدیدی جدی برای امنیت خود و منطقه می‌داند. حملات اخیر نشان می‌دهد که رژیم ایران می‌تواند اهداف اسرائیلی را مستقیم مورد هدف قرار دهد و این موضوع بطور جدی ضرورت مقابله با این قدرت نظامی فزاینده را برجسته می‌کند. این حمله‌ها همچنین در سایه حمایت مداوم رژیم ایران از گروه‌هایی مانند حماس و حزب‌الله انجام می‌شود که حملات خود علیه اسرائیل را در هفته‌های اخیر تشدید کرده‌اند.

با افزایش تنش‌ها، بسیاری از ایرانیان امیدوارند که اقدامات اسرائیل بتواند قدرت رژیم اسلامی را تضعیف کند. رژیم ایران بطور سنتی از درگیری‌های منطقه‌ای برای جلب حمایت ملی‌گرایانه و سرکوب مخالفان داخلی استفاده کرده است، اما به نظر می‌رسد اینبار مردم کمتر تمایلی به حمایت از این تاکتیک‌ها دارند.

یکی از فعالان جوان می‌گوید: «اگر اسرائیل رهبران سپاه، پلیس و دیگر مقامات ارشد، از جمله رهبر جمهوری اسلامی

بازگشت ترامپ و نگرانی جمهوری اسلامی



● در عین حال، باز گذاشتن دست نتانیاهو برای تضعیف کامل بازوهای نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه نیز یکی از ابعاد سیاست ترامپ خواهد بود.

● از منظر بسیاری از تحلیلگران، بازگشت ترامپ به کاخ سفید هرچند در کوتاه‌مدت فشارهای اقتصادی بیشتری بر مردم ایران تحمیل خواهد کرد، اما در درازمدت می‌تواند به ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور کمک کند. سیاست‌های ترامپ و تحریم‌های اقتصادی این پتانسیل را دارند که رژیم را در مسیری فرسایشی قرار دهند و به تضعیف توانایی سرکوبگرانه آن منجر شوند. این وضعیت می‌تواند در نهایت به سود مردم و جنبش‌های اعتراضی تمام شود، چرا که فشارهای اقتصادی و اجتماعی، بستر لازم برای رشد اعتراضات را فراهم می‌کند.

محمد خوش بیان - پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات اخیر آمریکا و بازگشت او به کاخ سفید، چالشی بزرگ و نگران‌کننده برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. در حالی که مقامات رژیم ایران بارها ادعا کرده‌اند که برایشان تفاوتی ندارد چه کسی رئیس جمهور آمریکا باشد و سیاست‌های جمهوری اسلامی تحت تأثیر شخص خاصی قرار نمی‌گیرد، این ادعاها در تقابل با واقعیت‌های اقتصادی و سیاسی دوران پیشین ترامپ قرار دارد. بازگشت ترامپ و احیای سیاست فشار حداکثری، زنگ خطری جدی برای رژیم است که برای بقا، وابسته به منابع مالی و ابزارهای سرکوب داخلی است و حالا باید آماده تحمل دوباره این فشارها باشد.

ترامپ صراحتاً اعلام کرده که قصد تغییر رژیم در ایران را ندارد، اما سیاست‌های او، از جمله تحریم‌های شدید اقتصادی و بانکی، جمهوری اسلامی را در تنگنای اقتصادی شدیدی قرار می‌دهد؛ شرایطی که می‌تواند انگیزه‌های اعتراضات مردمی را افزایش دهد. در دوران نخست ریاست جمهوری ترامپ، سیاست فشار حداکثری او توانست فشارهای قابل توجهی بر رژیم وارد کند و بازگشت او به کاخ سفید به معنای احیای همان تهدیدات اقتصادی و اجتماعی است.

مقامات جمهوری اسلامی، از جمله فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی، با تکرار این ادعا که «بازگشت ترامپ تفاوتی برای ما ندارد»، سعی در نمایش استقامت دارند و

چنین وانمود می‌کنند که رژیم قادر به مقابله با هرگونه تهدید خارجی است. اما این ادعاها بیشتر برای کنترل افکار عمومی و اطمینان بخشیدن به نیروهای خود است.

جمهوری اسلامی به خوبی از تأثیرات ویرانگر تحریم‌های ترامپ آگاه است و می‌داند که با پیروزی مجدد او، فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های گسترده، همچون کاهش درآمدهای نفتی و سقوط بیش از پیش ارزش پول ملی، دوباره فعال خواهد شد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که جمهوری اسلامی در برابر تحریم‌های گسترده آسیب‌پذیر است، زیرا این تحریم‌ها، منبع اصلی درآمد رژیم یعنی صادرات نفت را محدود کرده و امکان دستیابی آن به ارز خارجی را به شدت کاهش می‌دهند.

تأثیر تحریم‌های دوران ترامپ تنها به حوزه اقتصادی محدود نبود. این سیاست‌ها در تضعیف توانایی جمهوری اسلامی برای سرکوب مخالفان داخلی نیز مؤثر بودند. کاهش درآمدهای نفتی و کمبود منابع مالی، جمهوری اسلامی را در تأمین هزینه‌های کلان امنیتی و نظامی که برای سرکوب اعتراضات داخلی ضروری است، دچار مشکل کرد. از سوی دیگر، تحریم‌ها مانع از آن شدند که جمهوری اسلامی به‌آسانی از گروه‌های نیابتی خود در منطقه حمایت کند. بنابراین، بازگشت ترامپ به کاخ سفید به معنای تضعیف هرچه بیشتر توان رژیم در سرکوب داخلی و حمایت از نفوذ منطقه‌ای خواهد بود.

از دیگر جنبه‌های واکنش جمهوری اسلامی به پیروزی ترامپ، تلاش برای بهره‌برداری تبلیغاتی از آن و تحریف واقعیت‌هاست. به عنوان مثال، حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ادعا کرده که «مقاومت غزه توانسته دولت جنگ‌افروز آمریکا را تغییر دهد». او به شکلی اغراق‌آمیز استدلال کرده که رأی مردم آمریکا نتیجه عملکرد جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن بوده است. این نوع اظهارات نشان‌دهنده رویکرد تبلیغاتی جمهوری اسلامی برای تفسیر هرگونه تغییر سیاسی خارجی به نفع خود است و به نوعی سعی دارد قدرت و تأثیرگذاری خود را در عرصه بین‌المللی به نمایش بگذارد. این اظهارات همچنین حاکی از اضطراب مقامات جمهوری اسلامی است، که می‌دانند پیروزی ترامپ می‌تواند فشارها علیه رژیم را

تشدید و وضعیت اقتصادی را بیش از پیش تضعیف کند. از سوی دیگر، محمدجواد ظریف وزیر سابق امور خارجه جمهوری اسلامی نیز سعی کرده تا پیروزی ترامپ را به مخالفت مردم آمریکا با سیاست‌های دولت دموکرات و حمایت‌های آن از اسرائیل نسبت دهد. این اظهارات نیز بخشی از سیاست تظاهر به بی‌اعتنایی به نتیجه انتخابات آمریکا است که جمهوری اسلامی برای حفظ اقتدار داخلی و کاهش نگرانی‌های حامیان خود به آن متوسل شده است. از منظر بسیاری از تحلیلگران، بازگشت ترامپ به کاخ سفید هرچند در کوتاه‌مدت فشارهای اقتصادی بیشتری بر مردم ایران تحمیل خواهد کرد، اما در درازمدت می‌تواند به ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور کمک کند. سیاست‌های ترامپ و تحریم‌های اقتصادی این پتانسیل را دارند که رژیم را در مسیری فرسایشی قرار دهند و به تضعیف توانایی سرکوبگرانه آن منجر شوند. این وضعیت می‌تواند در نهایت به سود مردم و جنبش‌های اعتراضی تمام شود، چرا که فشارهای اقتصادی و اجتماعی، بستر لازم برای رشد اعتراضات را فراهم می‌کند.

برخلاف ادعای مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه پیروزی ترامپ تأثیری بر سیاست‌های داخلی و خارجی رژیم ندارد، واقعیت این است که بازگشت ترامپ به معنای بازگشت تهدیدی جدی برای بقای این رژیم است. سیاست‌های فشار حداکثری و تحریم‌های اقتصادی، جمهوری اسلامی را در موقعیتی قرار می‌دهد که توان مقابله با اعتراضات داخلی و سرکوب مخالفان را بیش از پیش از دست خواهد داد و این شرایط، فرصتی برای مردم ایران فراهم می‌کند تا در صورت تمایل، گام‌های بیشتری در مسیر تغییرات سیاسی بردارند.

در عین حال، باز گذاشتن دست نتانیاهو برای تضعیف کامل بازوهای نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه نیز یکی از ابعاد سیاست ترامپ خواهد بود. چنین اقدامی می‌تواند به تضعیف قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی و انزوای بیشتر آن منجر شود. از طرف دیگر، ترامپ بر گسترش پیمان ابراهیم و عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل تأکید دارد و به خاورمیانه‌ای می‌اندیشد که در آن جمهوری اسلامی قادر به ایفای نقش مؤثر و تأثیرگذار نیست.

فشار حداکثری ترامپ، تله اسرائیل و دوراهی سخت جمهوری اسلامی بین مذاکره و جنگ



دونالد ترامپ در شب انتخابات/ وست پالم بیچ فلوریدا/ ۶ نوامبر ۲۰۲۴ / رویترز

بین‌المللی نیست. برعکس، انزواگرایان اگرچه خواهان جنگ نیستند اما برای جنگ آماده‌اند و چنانچه به منافع آمریکا (سربازان آمریکایی، پایگاه‌ها و منافع کلیدی در منطقه) آسیب وارد شود وارد جنگ شده و پاسخ قاطع و محکمی به دشمن ارائه می‌کنند.

با در نظر گرفتن آنچه گفته شد بطور خلاصه می‌توان اینگونه بیان کرد که «انزواگرایی ترامپی» در بُعد بین‌المللی و منطقه‌ای چه در رابطه با جنگ اوکراین و چه در خاورمیانه احتمالاً ملغمه‌ای از دو راهبرد «موازنه از راه دور» Off-shore Balancing و در صورت نیاز مداخله‌گرایی Se-lective Engagement خواهد بود.

بر این اساس آمریکا در دوران ترامپ در سریع‌ترین زمان ممکن به دنبال پایان دادن به جنگ در اوکراین خواهد بود و سعی خواهد کرد ضمن حمایت از اسرائیل از بروز جنگ فراگیرتر در خاورمیانه به شکلی که پای آمریکا به جنگی طولانی باز شود جلوگیری کند.

در دوران پیش رو جمهوری اسلامی نیز احتمالاً با تشدید فشار تحریم‌های آمریکا یا از طریق توافقی جامع بطور حداکثری مهار و تضعیف شده و در نظم نوین منطقه‌ای هضم می‌شود یا اینکه در صورت ادامه سیاست جنگ در منطقه خاکستری از سوی تهران و تشدید تنش اتمی به طرز خطرناک، حکومت به سمت روند سرنوینی با شیب تندتر، فروپاشی از درون و حذف از نظم نوین منطقه‌ای سوق داده می‌شود.

ارکان اصلی سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترامپ

پیش از هر چیز لازم به یادآوری است که امروز خاورمیانه وضعیت متفاوتی را در قیاس با دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ تجربه می‌کند. بین ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ مرکز ثقل نبردها در منطقه خاورمیانه معطوف به جنگ در سوریه و تنش‌ها در عراق و یمن و مبارزه با داعش بود.

در آن بازه زمانی با اینکه ترامپ از توافق برجام ←

از این رو هر آنچه در درازای دو ماه آینده در منطقه و فراتر از آن و در ارتباط با کابینه دولت ترامپ رخ دهد می‌تواند بر سیاست خارجی منطقه‌ای ترامپ تأثیرگذار باشد. بنابراین تحلیل پیش رو بر اساس داده‌های امروز و منطبق با الگوی رفتاری سیاست خارجی ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری اوست.

بنیان‌های انزواگرایی در سیاست خارجی ترامپ

اگر ما رفتار سیاست خارجی ترامپ در دور نخست ریاست جمهوری‌اش (۲۰۱۶-۲۰۲۰) را ملاک قضاوت قرار دهیم می‌توان اینطور استنباط کرد و تخمین زد که سیاست خارجی او در دور دوم نیز احتمالاً مبتنی بر یک راهبرد نئوانزواگرایی (Neo-Isolationist) خواهد بود و بر این اساس او احتمالاً سعی می‌کند با تکیه بر حل مشکلات داخلی دنباله‌رو همان سیاست America First یا «اول آمریکا» باشد.

ذکر این نکته ضروریست که از حیث نظری سیاست انزواگرایی ریشه در نوعی از تفکر جکسونی (برگرفته از مبانی فکری سیاسی «اندرو جکسون» هفتمین رئیس جمهور ایالات متحده ۱۸۲۹-۱۸۳۷) دارد. این تفکر به لحاظ تئوریک مخالف بین‌الملل‌گرایی لیبرالی است و قائل به نگاه به درون است.

پیروان مکتب جکسونی از جمله خود رونالد ریگان به دنبال جنگ‌های بی‌پایان بیرون از مرزهای آمریکا نیستند، مخالف صدور ارزش‌های آمریکایی با اهرم جنگ در برون از مرزها هستند و بیشتر با نگاهی به الزامات اقتصادی و معیشتی آمریکایی‌ها در داخل خواهان ارتقاء قدرت و پرستیژ آمریکا هستند. جکسونی‌ها صلح می‌خواهند اما صلح را با اعمال قدرت و نه ضعف جستجو می‌کنند.

ناگفته‌مانند که انزواگرایی به معنای عقب‌نشینی نظامی تمامعیار آمریکا از حوزه‌های تنش در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی و یا اختیار کردن کنج عزلت و تنهایی در مناقشات

● با پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و همزمان با ادامه درگیری‌های نظامی بین جمهوری اسلامی و اسرائیل در منطقه، گمانه‌زنی‌های متعددی درباره خطر بروز جنگ فراگیرتر بین تهران و تل‌آویو و نیز احتمالاتی درباره امکان کاهش تنش در خاورمیانه و فراتر از آن بین روسیه و اوکراین و تبعات احتمالی آن بر نظم نوین منطقه‌ای و جهانی مطرح شده است.

● جمهوری اسلامی در سناریو مذاکره با دولت ترامپ با چند چالش جدی روبروست؛ از جمله اینکه مذاکره با دولتی که قاسم سلیمانی را کُشت به معنای تسلیم شدن جمهوری اسلامی در برابر فشار حداکثری آمریکا تلقی می‌شود و برای طیف تندروتر در حکومت نوعی سر شکستگی به همراه خواهد داشت. این امر می‌تواند منجر به ایجاد شکاف و انشقاق‌های بیشتر بین جریان‌های سیاسی مختلف در درون حکومت شود.

● جمهوری اسلامی اگر واکنش متناسب، مستقیم و دردناک به اسرائیل نشان دهد به احتمال نزدیک به یقین دولت نتانیاهو اهداف متنوع‌تری را در ایران هدف قرار خواهد داد و به پایانه‌های نفتی، تأسیسات اتمی و مراکز موشکی سپاه و اماکن استراتژیک و نمادین جمهوری اسلامی حمله خواهد کرد.

حسین آقایی- با پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و همزمان با ادامه درگیری‌های نظامی بین جمهوری اسلامی و اسرائیل در منطقه، گمانه‌زنی‌های متعددی درباره خطر بروز جنگ فراگیرتر بین تهران و تل‌آویو و نیز احتمالاتی درباره امکان کاهش تنش در خاورمیانه و فراتر از آن بین روسیه و اوکراین و تبعات احتمالی آن بر نظم نوین منطقه‌ای و جهانی مطرح شده است.

در حالی که جهان شاهد سه حوزه نبرد ژئوپلیتیک تأثیرگذار و تا حدی بهم پیوسته است (نبرد روسیه و اوکراین در قلب اروپا، نبرد جمهوری اسلامی و اسرائیل در قلب خاورمیانه و تنش فزاینده بین چین و تایوان- فلیپین در شرق آسیا) بسیاری از نگاه‌ها به تصمیم‌های آتی دولت ترامپ درباره این کانون‌های جنگ و بازیگران درگیر در آن معطوف شده است.

بطور مشخص تعدادی از مهمترین پرسش‌ها این است که سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترامپ چگونه خواهد بود و تیم جمهوریخواهان که اکنون کنترل مجلس نمایندگان و نیز سنای را در دست دارند در قبال جمهوری اسلامی چه رویه‌ای در پیش خواهند گرفت؟ استراتژی اسرائیل و جمهوری اسلامی در ادامه نبرد رو در رو با یکدیگر چگونه خواهد بود و خاورمیانه در دوران ترامپ دستخوش چه تحولاتی خواهد شد؟

پیش از پاسخ به این پرسش‌ها باید در نظر داشت که از امروز تا ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ که ترامپ رسماً آغاز به کار می‌کند بیش از دو ماه وقت باقیست و در همین بازه زمانی ممکن است تحولات مهم و غیرقابل پیش‌بینی در منطقه از جمله در رابطه با جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی و حتی در مورد جنگ روسیه و اوکراین رخ دهد. همچنین هنوز مشخص نیست که ترامپ چه افرادی را برای پُست‌های کلیدی دولتی (وزارت دفاع، وزارت خارجه و مشاور امنیت ملی کاخ سفید) انتخاب خواهد کرد.

اروپایی احتمالاً مجبور به دادن امتیازات قابل توجه در بُعد تمام تهدیدهای ترکیبی خود خواهد شد از جمله در رابطه با پرونده اتمی که مشخص نیست تهران با دادن این امتیازات حداکثری در ازای بقای خود در ضعیف‌ترین شرایط موافق باشد. سوم، روسیه و اسرائیل در روند مذاکره می‌توانند بر اساس منافع خود اعمال فشار و حتی کارشکنی کنند.

بطور مثال، اسرائیل حتی اگر به تدریج وارد فاز جنگ با شدت کمتر در غزه و لبنان شود و در مقطعی دیگر قصد زدن موضعی در ایران را نداشته باشد احتمالاً در بعد تهدید اتمی فشار زیادی به دولت ترامپ وارد خواهد کرد تا جمهوری اسلامی در مذاکرات اتمی حداکثر امتیازات را بدهد، چرا که اسرائیل قاعده‌تاً مخالف امکان برخورداری جمهوری اسلامی از «زمان گریز هسته‌ای» و دستیابی به بمب اتمی است.

روسیه نیز اگرچه به تدریج وارد فاز دیپلماسی برای پایان دادن به جنگ اوکراین خواهد شد اما احتمالاً برای چراغ سبز نشان دادن به تهران برای مذاکره با واشنگتن و قدرت‌های اروپایی خواهان امتیازاتی شاخص از جمهوری اسلامی خواهد بود، چرا که مسکو نسبت به دورغای قدرت در سپهر سیاسی ایران (بحران جان‌شینی) مطمئن نیست و از هم اکنون خواهان امتیازات مهم برای تضمین منافع درازمدت خود در ایران خواهد بود.

استراتژی احتمالی اسرائیل پس از پیروزی ترامپ

استراتژی دولت نتانیاهو در کوتاه‌مدت به این مسئله بستگی دارد که جمهوری اسلامی به حمله اخیر اسرائیل پاسخ خواهد داد یا نه و مهمتر از همه به چه شکلی پاسخ خواهد داد. جمهوری اسلامی اگر واکنش متناسب، مستقیم و دردناک به اسرائیل نشان دهد به احتمال نزدیک به یقین دولت نتانیاهو اهداف متنوع‌تری را در ایران هدف قرار خواهد داد و به پایانه‌های نفتی، تأسیسات اتمی و مراکز موشکی سپاه و اماکن استراتژیک و نمادین جمهوری اسلامی حمله خواهد کرد. جمهوری اسلامی چنانچه واکنشی نشان ندهد و یا واکنش فحاشی به اسرائیل ارائه کند مهمترین پرسش این خواهد بود که تکلیف زنجیره‌ی واکنش چه خواهد شد؟ آیا اسرائیل حالا که با آمدن ترامپ احتمالاً کمتر با محدودیت‌های بایدن روبروست بدون توجه به واکنش یا عدم واکنش تهران زنجیره‌ی واکنش (اقدامات نظامی سلسله‌وار) را در ایران ادامه خواهد داد؟

نگارنده بر این باور است که فارغ از واکنش جمهوری اسلامی، زنجیره‌ی واکنش در روزها و هفته‌های پیش رو بطور کامل و دائمی قطع نخواهد شد. سیکل کنش و واکنش به احتمال زیاد در یک مقطعی ادامه خواهد یافت بطوری که این روند در یک بازه زمانی کوتاه آنقدر ادامه و چنان سیر تصاعدی خواهد یافت که دو طرف به یک نقطه عطف راهبردی یا نقطه اوج نظامی *culminating point* می‌رسند که باید تصمیم راهبردی نهایی بگیرند.

این زنجیره‌ی واکنش از سوی اسرائیل تنها زمانی بطور کامل متوقف می‌شود که اسرائیل مطمئن باشد در ایران بازدارندگی مطلوب خود را در برابر جمهوری اسلامی احیا کرده است و تا حد زیادی مطمئن شده که تهران دیگر توان و اراده حملات موشکی و پهپادی به اسرائیل ندارد. اگر اسرائیل به هر دلیلی زنجیره‌ی واکنش را شتابزده قطع کند اما نسبت به قطع اراده و توان جمهوری اسلامی برای حمله به اسرائیل اطمینان نباید دچار خطای راهبردی شده است.

با این تفاسیر به نظر می‌رسد که اسرائیل از نظر راهبردی و نظامی به نفع خود می‌بیند که احتمالاً هرچه سریع‌تر (احتمالاً در بازه زمانی دو ماه پیش رو) خود را به نقطه اوج

یا عطف راهبردی نظامی در برابر جمهوری اسلامی ←

«مکانیسم ماشه» علیه تهران تا قبل از اکتبر ۲۰۲۵.

ارکان اصلی سیاست خارجی ترامپ

جمهوری اسلامی با بازگشت «فشار حداکثری» چه خواهد کرد؟ به باور نگارنده هدف آغازین، اصلی و بنیادین دکترین فشار حداکثری در دور نخست ریاست جمهوری ترامپ سرنگونی جمهوری اسلامی نبود.

ترامپ از راه اعمال فشار حداکثری بر تهران و تعیین شروط ۱۲گانه مایک پمپئو وزیر خارجه وقت آمریکا در درجه اول به دنبال تغییر رفتار جمهوری اسلامی در بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی بود.

ترامپ اساساً در صدد آن بود تا حکومت در ایران زیر فشار آمریکا که منجر به کاهش شدید درآمد نفتی جمهوری اسلامی شده بود مجبور به تغییر رفتار به سمت مذاکره و دادن حداکثر امتیازات به واشنگتن و قدرت‌های غربی در بُعد تمامی تهدیدهای ترکیبی‌اش شود (اعم از تهدید اتمی، موشک‌های بالستیک، پهپادی و مداخلات منطقه‌ای و غیره).

ترامپ در دور نخست ریاست جمهوری به این هدف نرسید چرا که اولاً تهران پس از کشته شدن قاسم سلیمانی با هرگونه مذاکره با دولت ترامپ مخالفت کرد و دوم به این دلیل که دولت ترامپ نتوانست در انتخابات ریاست جمهوری برای دور دوم پیروز شده و سیاست فشار حداکثری را ادامه دهد.

اگر فشار حداکثری برای دور دوم ریاست جمهوری ترامپ ادامه پیدا می‌کرد این احتمال وجود داشت که در صورت اصرار تهران به عدم مذاکره و ندادن امتیاز، حکومت با خطر فروپاشی اقتصادی، اعتراضات مردمی بزرگ در داخل ایران و حتی خطر سرنگونی روبرو شود.

اکنون اما ترامپ این فرصت را مجدداً به دست آورده است که همچنانکه بال‌های نیابتی جمهوری اسلامی از جمله حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها و خود نیروهای قدس سپاه به شدت تضعیف شده‌اند، دکترین فشار حداکثری را با شدت بیشتری علیه تهران وضع کرده تا بقیه‌ی تهدیدهای ترکیبی‌اش به‌خصوص تهدید اتمی بطور مؤثر مهار شود.

تیم ترامپ احتمالاً در ابتدا خواهان مذاکره با جمهوری اسلامی خواهد بود و با اهرم فشار تهران را وادار به مذاکره برای دستیابی به یک توافق جامع، درازمدت و قوی بر سر تمامی تهدیدهای ترکیبی‌اش خواهد کرد. بنابراین در ماه‌های ابتدایی دوره ریاست جمهوری ترامپ احتمالاً شاهد فشار شدید بر جمهوری اسلامی از طرف واشنگتن خواهیم بود.

جمهوری اسلامی نیز در برابر چالش فشار حداکثری ترامپ و در سایه تداوم اقدامات نظامی اسرائیل دو راه بیشتر ندارد: یا باید جام زهر را بنوشد و با دولت ترامپ وارد فاز مذاکره از موضع ضعف شود و یا اینکه در صورت عدم مذاکره از سوی تهران، با ادامه فشار حداکثری جمهوری اسلامی به شدت تضعیف خواهد شد بطوری که ایران احتمالاً به سمت بروز سناریو جنگ (عراق دوران صدام) و اعتراضات مردمی گسترده پیش خواهد رفت یا اینکه با سناریو فروپاشی از درون (سناریو شوروی) و یا تبدیل شدن ایران به کشور ناکام *Failed State* مواجه خواهد شد.

جمهوری اسلامی در سناریو مذاکره با دولت ترامپ با سه دسته چالش جدی روبرو است:

اول، مذاکره با دولتی که قاسم سلیمانی را گشت به معنای تسلیم شدن جمهوری اسلامی در برابر فشار حداکثری آمریکا تلقی می‌شود و برای طیف تندروتر در حکومت نوعی سرشکستگی به همراه خواهد داشت. این امر می‌تواند منجر به ایجاد شکاف و انشقاق‌های بیشتر بین جریان‌های سیاسی مختلف در داخل حکومت شود.

دوم، جمهوری اسلامی در مذاکره با آمریکا و قدرت‌های

→ هشتم ماه مه ۲۰۱۸ خارج شد، جمهوری اسلامی به دلیل ماندن بشار اسد در قدرت و حضور نظامی روسیه در سوریه دارای میزان قابل توجهی از «عمق استراتژیک» در منطقه بود.

تشدید حملات ایذایی جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه، حمله‌های محدود به نفتکش‌ها و کشتی‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز، حمله به تأسیسات «آرامکو» عربستان در سپتامبر ۲۰۱۹ همگی در راستای دکترین جنگ در منطقه خاکستری جمهوری اسلامی انجام می‌شد اما با این حال در آن دوران منطقه دچار بحران حاد بازدارندگی نبود.

اکنون اما منطقه با پدیده فروپاشی بازدارندگی روبروست. پس از وقوع جنگ روسیه در اوکراین، بروز حمله تروریستی «هفت اکتبر» علیه اسرائیل، تشدید درگیری‌های نظامی در منطقه خاورمیانه بین اسرائیل و جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش، افزایش تهدیدهای هسته‌ای جمهوری اسلامی و تعمیق روابط مسکو و تهران در حوزه‌های نظامی-امنیتی-اطلاعاتی در جنگ اوکراین، منطقه خاورمیانه در بطن بحران حاد بازدارندگی قرار گرفته و آمریکا نیاز دارد تا بازدارندگی خود را هرچه زودتر احیاء کند.

تداوم وضعیت فروپاشی بازدارندگی در منطقه خاورمیانه باعث عدم تمرکز راهبردی آمریکا برای تغییر فاز مؤثر به سمت مهار چین و حتی روسیه شده است. تا زمانی که آمریکا با پدیده فروپاشی بازدارندگی در خاورمیانه دست و پنجه نرم کند، پدیده‌ای که ریشه در سیاست‌های آشوبگرانه و بی‌ثبات کننده جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش دارد، مهار چین بطور مؤثر در میان‌درازمدت ممکن نخواهد بود. از آنجا که دغدغه اصلی ترامپ احیای قدرت آمریکا، پیشرفت اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم آمریکا در عرصه داخلی، و تنظیم روابط «ترنس آتلانتیک» (دو سوی اقیانوس اطلس) و درگیر نشدن در جنگ‌های بی‌پایان و مهار چین در حوزه سیاست خارجی است، دولت جدید در آمریکا احتمالاً کوشش خواهد کرد تا از تعهدات نظامی و امنیتی ایالات متحده در قبال شرکا و هم‌پیمانانش در منطقه و حتی در اروپا به تدریج کم کرده و در چارچوب سه اصل مهم سیاست خارجی خاورمیانه‌ای خود، منطقه را به سمت کاهش تنش نسبی سوق دهد.

سه اصل مهم سیاست خارجی خاورمیانه‌ای دولت ترامپ عبارتند از:

(۱) بسط و توسعه فراگیر روند عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی منطقه موسوم به پیمان ابراهیم (عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل در دوران ترامپ یک هدف راهبردی منطقه‌ای تلقی می‌شود و نقطه عطف این توافقات به شمار می‌رود).

(۲) تثبیت بازدارندگی نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه بطور مؤثر در برابر جمهوری اسلامی و نیابتی‌ها به پشتوانه حملات حساب شده و دقیق اسرائیل در داخل و خارج از ایران. اقدامات نظامی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی در ایران و در منطقه به تقویت بازدارندگی آمریکا در منطقه نیز کمک می‌کند و ممکن است ترامپ برای مدتی دست اسرائیل را برای ادامه این حملات باز بگذارد.

(۳) بازگشت فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی از طریق تشدید تحریم‌های شدید بر صادرات نفت ایران. تهدیدهای نظامی صریح و علنی آمریکا علیه تهران در صورت ادامه حمایت جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ اوکراین، ادامه حملات به پایگاه‌های نیروهای آمریکایی، ادامه ایجاد ناامنی در آبراه‌های بین‌المللی توسط حوثی‌ها و تداوم حمایت حکومت از گروه‌های شبه‌نظامی. احتمال فعال شدن

جبهه ملی؛ شاه؛ نفت: پوپولیسم و تکنوکراتیسم



پالایشگاه نفت آبادان در جنوب غربی ایران / رویترز

در واقعیت یک ماراثن ۲۲ ساله است که از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت آغاز و با تصویب لایحه تغییر در وضعیت قرارداد نفت ۱۹۵۴ میلادی، موسوم به کنسرسیون، به ثمر رسید.

پروژه ملی شدن صنعت نفت به عنوان یک فرآیند طولانی و پیچیده تاریخی دقیق است. این مسیر ۲۲ ساله از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۵۲، با تغییرات بسیار در سیاست‌ها و راهبردها، در واقع نمایانگر تلاش‌های متعدد و گاه ناموفق ایران برای حفظ استقلال اقتصادی و کنترل منابع طبیعی خود بود.

این راه طولانی با تصویب قانون ملی شدن نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ آغاز شد. در این مرحله، جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق، توانست با حمایت گسترده مردمی و بهره بردن از شرایط داخلی و بین‌المللی، خواسته خود را مبنی بر ملی کردن صنعت نفت به قانون تبدیل کند. این دستاورد نه تنها به عنوان یک پیروزی برای ایرانیان بلکه به عنوان نمادی از مقاومت در برابر استعمار و استثمار اقتصادی بریتانیا تلقی شد. با این حال، عدم درک صحیح از مناسبات قدرت و نداشتن استراتژی مشخص و نقشه راه جایگزین و بطور خلاصه نداشتن بینش استراتژیک و در نهایت با فشارهای بین‌المللی و تهدیدات اقتصادی از سوی انگلیس و کشورهای غربی، دولت مصدق در این مسیر به بن‌بست رسید و در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، پس از نزدیک به دو سال ریاضت شدید و فروپاشی کامل اقتصادی، به دنبال عدم پذیرش فرمان عزل، دولت او سرنگون شد.

پس از این، کنترل بر نفت ایران بطور کامل از دست نرفت، اما مسیری که منجر به انعقاد قرارداد کنسرسیون در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳ خورشیدی) شد، نشان از فاجعه اجباری ایران با قدرت‌های خارجی برای حفظ حتی حداقلی از دستاوردهای پیشین داشت.

به این ترتیب، می‌توان گفت که این مسیر طولانی از ملی شدن تا «ملی‌شدگی واقعی» صنعت نفت، شامل نقاط اوج و فرود بسیاری بود که هرکدام نشان‌دهنده چالش‌های بزرگی در راستای استقلال اقتصادی کشور است.

● **پروژه ملی شدن صنعت نفت در واقعیت یک ماراثن ۲۲ ساله است که از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت آغاز و با تصویب لایحه تغییر در وضعیت قرارداد نفت ۱۹۵۴ میلادی، موسوم به کنسرسیون، به ثمر رسید.** این مسیر ۲۲ ساله از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۵۲، با تغییرات بسیار در سیاست‌ها و راهبردها، در واقع نمایانگر تلاش‌های متعدد و گاه ناموفق ایران برای حفظ استقلال اقتصادی و کنترل منابع طبیعی خود بود.

● **پس از ملی شدن نفت، ایران بطور یکنواخت قراردادهای نفتی با شرکت نفت ایران و انگلیس را لغو کرد.** دولت مصدق تصمیم گرفت صنعت نفت را تحت کنترل کامل دولت ایران قرار دهد و منابع نفتی کشور را بطور مستقیم در دست بگیرد. حرکتی که باعث شد، شرکت نفت ایران و انگلیس تمامی فعالیت‌های نفتی خود را در ایران متوقف کند... در این دوران، نه تنها اقتصاد ایران دچار بحران شد، بلکه تنش‌های سیاسی نیز در سطح داخلی شدت گرفت. مصدق برای برون‌رفت از چالش‌های خودساخته، گفتگوهایی را با دولت شوروی آغاز کرد.

● **بیژن نامدار - در اثنای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در دهه ۲۰ خورشیدی، تأسیس «جبهه ملی ایران» در آبان ۱۳۲۸ یکی از نقاط عطف در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رفت و شاید بتوان گفت مهم‌ترین عمل سیاسی جبهه ملی که تأثیرات ماندگاری بر تاریخ ایران داشت، تلاش برای ملی کردن صنعت نفت و تشکیل دولت به رهبری دکتر مصدق بود.**

در این مقاله به بهانه سالگرد تأسیس جبهه ملی، به واکاوی تاریخ نفت در دوره زمامداری محمدرضا شاه پهلوی که شامل بخش مهمی از حیات سیاسی جبهه ملی است، و نیز بررسی نتایج متفاوت به کار گرفتن استراتژی‌های پوپولیستی یا تکنوکراتیستی برای رسیدن به یک هدف، یعنی ملی شدن صنعت نفت می‌پردازم.

در تاریخ معاصر ایران، پروژه ملی شدن صنعت نفت

برساند تا رژیم در ایران را در برابر سناریو تسلیم قرار دهد تا جمهوری اسلامی دیگر نتواند واکنش بعدی به اسرائیل نشان دهد، تا زنجیره‌ی واکنش در مرحله‌ای که اسرائیل می‌خواهد قطع شود. وگرنه با ادامه درگیری از طرف تهران، اسرائیل ممکن است وارد جنگ تمام‌عیار با جمهوری اسلامی در ایران شود. آنهم در شرایطی که دست‌کم در دو ماه باقی مانده نه بایدن می‌تواند جلوی اسرائیل را بگیرد و نه ترامپ قصد ممانعت از ادامه حملات نظامی اسرائیل را (دست‌کم برای مدتی) خواهد داشت.

نکته اساسی این است که از منظر راهبردی- نظامی، اسرائیل احتمالاً با نگاه به اولویت‌های استراتژیک خودش نیاز به چند اقدام نظامی بیشتر در داخل ایران دارد؛ چندین اقدام با قدرت بیشتر در سریع‌ترین زمان ممکن در کوتاه‌ترین بازه زمانی تا رژیم را به سمت سناریو اختاپوس هل دهد؛ تا اینکه اسرائیل به نقطه عطف راهبردی نظامی مطلوب برسد؛ تا جایی که دیگر باید تصمیم بگیرد سر مار را بزند یا به جمهوری اسلامی به شدت ضعیف شده اکتفا کند. هر دو سناریو می‌تواند به نفع دولت ترامپ باشد.

تداوم زنجیره‌ای واکنش‌ها

این احتمال نیز وجود دارد که اسرائیل به هر دلیلی در این بازه زمانی دو ماهه در داخل ایران اقدامات نظامی بیشتری انجام ندهد (اگر تهران تا آن زمان «وعده صادق ۳» را عملی نکند) و منتظر آغاز به کار رسمی ترامپ در کاخ سفید باشد تا به پشتوانه بازگشت دکترین فشار حداکثری ترامپ، مجموعه فشارهای نظامی خود را علیه جمهوری اسلامی با کمک واشنگتن اعمال کند.

نتیجه‌گیری

با آمدن ترامپ خاورمیانه به سمت شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای حرکت خواهد کرد و معلوم نیست ایران در این نظم نوین چه جایگاهی خواهد داشت.

اگرچه پیش‌بینی درباره خط مشی سیاسی ترامپ در فاصله چند روز از پیروزی قاطع او در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ممکن نیست اما اگر دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ را ملاک قرار دهیم او به احتمال زیاد دست اسرائیل را برای مدتی در برابر جمهوری اسلامی باز خواهد گذاشت؛ فشار حداکثری را بر تهران دوباره اعمال خواهد کرد و ضمن وادار کردن رژیم برای ورود به فاز مذاکره همزمان از اهرم زور و تهدید نظامی بطور محدود علیه حکومت در ایران استفاده خواهد کرد. ترامپ با اتخاذ سیاست انزواگرایی به دنبال جنگ‌های بی‌پایان در منطقه نخواهد بود و برای پایان دادن به جنگ اوکراین تلاش خواهد کرد تا آمریکا به تدریج تمرکز راهبردی کلان خود را به سمت مهار چین معطوف کند.

ترامپ اهل معامله و مذاکره حتی با جمهوری اسلامی است اما روش بازی ترامپ احتمالاً به این شکل خواهد بود که در صورت خودداری تهران از ورود به مذاکره و دادن امتیازات حداکثری در رابطه با تمامی ابعاد تهدیدهای ترکیبی از جمله مسئله اتمی، ایران به سمت جنگ و درگیری‌های نظامی، فروپاشی رژیم از درون، اعتراضات مردمی گسترده علیه جمهوری اسلامی و یا ناآرامی‌های بیشتر و انزوای شدیدتر پیش خواهد رفت.

جمهوری اسلامی اکنون با بحران جدی و فوری برای بقا دست و پنجه نرم می‌کند و بازگشت ترامپ در کنار عزم نتانیاهو در منطقه در پرتو نارضایتی شدید مردمی در ایران کابوس حکام تهران را تکمیل کرده و جمهوری اسلامی را در سخت‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین بن‌بست راهبردی خود در طول ۴۶ سال اخیر گرفتار کرده است.

* حسین آقایی پژوهشگر روابط بین‌الملل و امور استراتژیک

اتفاقات مهم در بازه ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹

۱- پایان جنگ جهانی دوم و تغییر شرایط بین‌المللی

با پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۴، توازن قدرت در جهان تغییر کرد و کشورهای مختلف در تلاش بودند تا نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را گسترش دهند. ایران نیز تلاش می‌کرد با توجه به اهمیت استراتژیک و اقتصادی نفت، موقعیت خود را در صنعت نفت بهبود بخشد. دولت شوروی با تکیه بر این نکته که بریتانیا از طریق شرکت نفت ایران و انگلیس از مزایای ویژه ای برخوردار گردیده است، در نظر داشت با استفاده از فرصت اشغال ایران امتیاز نفت شمال را در قالب پروژه ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی به چنگ آورد. ابزارهای شوروی برای این امر، استفاده از اهرم جدایی‌طلبی در شمال غرب و غرب کشور و نیز حزب توده بود. اما پس از ائتلاف‌سازی‌های گسترده دولت ایران در مجامع بین‌المللی و جلب حمایت ایالات متحده آمریکا و اعمال فشار بر هیات حاکمه شوروی در نهایت دست آنها از این راه قطع گردید لیکن با اتکا به شعارهای ضد امپریالیستی و عوام‌گرایانه جنبش‌های ملی‌گرایان را با هدف تحت فشار قرار دادن منافع غرب در خاورمیانه تحریک می‌کردند.

در این دوره، جبهه ملی تاسیس و به رهبری محمد مصدق به عنوان نماینده اصلی جریان ملی‌گرایان با شعار کنترل بیشتر بر منابع نفتی ایران و کاهش نفوذ بریتانیا به صحنه آمد.

۲- تلاش‌های ناموفق برای مذاکره با شرکت نفت انگلیس و ایران (AIOC)

پیش از جریان ملی شدن صنعت نفت، دولت‌های مختلف ایران تلاش کردند تا با شرکت نفت انگلیس و ایران برای افزایش سهم ایران از درآمد نفتی مذاکره کنند. اما این تلاش‌ها به دلیل مخالفت‌های مجلس شورای ملی با شکست مواجه شد.

سپهبد حاجعلی رزم‌آرا از فرماندهان نظامی برجسته و سیاستمداران دوران پهلوی اول و دوم در سال ۱۳۲۹ به سمت نخست‌وزیری منصوب شد. وی یکی از مخالفان سرسخت ملی شدن صنعت نفت، «به هر قیمتی» در ایران بود و معتقد بود که این اقدام بدون داشتن امکانات لازم، ممکن است باعث ایجاد بحران اقتصادی و سیاسی برای کشور شود. از همین رو، با جبهه ملی و دکتر محمد مصدق در تضاد قرار گرفت.

در نهایت، او در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ در مسجد شاه تهران توسط خلیل طهماسبی، یکی از اعضای «فدائیان اسلام» ترور شد. مرگ رزم‌آرا نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ایران بود، چرا که پس از آن و در فضای باز سیاسی ایجاد شده، زمینه برای تصویب قانون ملی شدن نفت فراهم گردید.

۳- افزایش فشارهای داخلی و خارجی

نارضایتی‌های داخلی در ایران از تسلط اقتصادی و سیاسی بریتانیا بر نفت کشور و حمایت‌های بریتانیا از مواضع خود، منجر به افزایش فشارهای سیاسی داخلی شد. در عین حال، دولت بریتانیا نیز برای حفظ منافع خود در ایران و صنعت نفت، به فشارهای دیپلماتیک و تهدیدات مختلف متوسل شد. در نهایت این انسداد سیاسی منجر به ارائه لایحه ملی شدن صنعت نفت ایران از سوی حسین علاء نخست‌وزیر وقت در تاریخ ۲۴ اسفند شد.

مجلس ایران کمیسیون ویژه‌ای به نام «کمیسیون نفت» تشکیل داد تا به مسائل مربوط به نفت رسیدگی کند. این کمیسیون تحت هدایت مصدق و دیگر اعضای جبهه ملی، نهایتاً به تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ منجر شد.

پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت تحت رهبری

دکتر محمد مصدق، تحولات گسترده‌ای در عرصه داخلی و بین‌المللی رخ داد. این اقدام که باعث قطع روابط ایران با شرکت نفت ایران و انگلیس (AIOC) شد، نه تنها منجر به تغییرات سیاسی و اقتصادی در ایران گردید، بلکه تأثیرات عمیقی در روابط ایران با بریتانیا و سایر قدرت‌های جهانی گذاشت که در ادامه به آنها می‌پردازم.

اتفاقات مهم در بازه ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲

نخست‌وزیری مصدق

حسین علاء بلافاصله پس از تصویب قانون ملی شدن نفت استعفاء کرد و محمد مصدق در اردیبهشت سال ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری رسید و نخستین اقدام دولت خود را در تمرکز بر اجرای قانون مربوطه و خلع ید کمپانی نفتی گذاشت. بی‌آنکه به فردای بدون حضور مستشاران و پیمانکاران نفتی و نقش آنها در تولید، پالایش، فروش و حمل نفت اندیشیده باشد!

همزمان با ملی شدن نفت در ایران، شوروی تلاش کرد که از هرگونه نفوذ در ایران استفاده کند و در برخی موارد اقداماتی را برای حمایت از احزاب چپ‌گرای ایرانی و گروه‌های مخالف حکومت انجام داد. با این حال، عمده دخالت‌های شوروی بیشتر از طریق سیاست‌های پشت پرده و نه بطور مستقیم در تحریک یا مدیریت جنبش ملی‌گرای نفت بود.

حزب توده ایران (حمایت سیاسی از دولت مصدق)

حزب توده با ایدئولوژی کمونیستی و روابط نزدیک با شوروی، در آن دوران از دولت مصدق حمایت می‌کرد و نقش مهمی در گسترش پایه‌های اجتماعی ملی شدن نفت داشت. اگرچه مصدق خود با حزب توده رابطه رسمی نداشت و در برخی از مقاطع با آنها مخالفت می‌کرد، اما حزب توده به ویژه در میان کارگران نفت و جنبش‌های مردمی از او حمایت می‌کرد و تلاش می‌کرد تا برنامه‌های چپ‌گرایانه خود را در دولت مصدق تقویت کند.

تلاش‌های شوروی برای حمایت از دولت مصدق

در آن دوران، شوروی علاقمند به حمایت از دولت مصدق در برابر نفوذ بریتانیا و آمریکا بود، زیرا به نظر می‌رسید که سیاست ملی کردن نفت ایران می‌تواند به گسترش نفوذ کمونیستی در منطقه کمک کند. به همین دلیل، برخی از مقامات شوروی بطور غیررسمی از دولت مصدق حمایت می‌کردند. البته این حمایت بطور مستقیم و در قالب کمک‌های مالی یا نظامی نبود، بلکه بیشتر از طریق روابط دیپلماتیک و حمایتی از سیاست‌های مصدق بود.

قطع روابط ایران با بریتانیا و شرکت نفت ایران و انگلیس (AIOC)

پس از ملی شدن نفت، ایران بطور یکجانبه قراردادهای نفتی با شرکت نفت ایران و انگلیس را لغو کرد. دولت مصدق تصمیم گرفت صنعت نفت را تحت کنترل کامل دولت ایران قرار دهد و منابع نفتی کشور را بطور مستقیم در دست بگیرد. حرکتی که باعث شد، شرکت نفت ایران و انگلیس تمامی فعالیت‌های نفتی خود را در ایران متوقف کند.

این اقدام همچنین به تحریم‌های اقتصادی از سوی بریتانیا منجر شد. بریتانیا برای اعمال فشار به ایران، ابتدا واردات نفت ایران به بریتانیا را متوقف کرد و در ادامه سعی کرد ایران را از بازارهای جهانی نفت خارج کند.

محاصره نفتی ایران

جبهه ملی به رهبری مصدق گمان می‌کرد که می‌تواند با اهرم توقف تولید نفت، بریتانیا را تحت فشار گذاشته و در کنار آن نفت را به دیگران بفروشد. اما بریتانیا با استفاده از نفوذ خود در جامعه بین‌المللی و همکاری با سایر کشورهای مصرف‌کننده نفت، تلاش کرد تا صادرات نفت ایران را محدود

کند. یکی از راه‌های عمده بریتانیا برای انجام این کار، راه‌اندازی کمپین‌های دیپلماتیک و اقتصادی علیه ایران بود. این اقدامات شامل تهدید به توقف خرید نفت از ایران و استفاده از فشارهای اقتصادی به منظور انزوای اقتصادی ایران در بازار جهانی نفت بود. بسیاری از کشورهای غربی تحت تأثیر فشارهای بریتانیا قرار گرفتند و تجارت نفت ایران با آنها محدود شد.

همچنین بریتانیا با همراهی کشورهای عرب تولیدکننده نفت، توانست کاهش عرضه و در نتیجه افزایش قیمت‌ها را در بازار جهانی مدیریت کند، در این حال هیچ نقصانی در عرضه نفت به وجود نیامده و دولت مصدق عملاً خلع سلاح شد.

در کنار همه اینها، بریتانیا در سازمان ملل متحد و در سطح بین‌المللی تلاش کرد تا ایران را به عنوان یک کشور بی‌مسئولیت که به قراردادهای بین‌المللی بی‌اعتناست معرفی کند.

فشارهای داخلی و خارجی به دولت مصدق

دولت مصدق که در ابتدا از حمایت‌های مردمی برخوردار بود، در تلاش بود تا سیاست‌های خود را در راستای ملی کردن نفت پیش ببرد، اما در داخل مخالفت‌های سیاسی و اقتصادی به تدریج بالا گرفت. از یکطرف، نهادهای اقتصادی و تجاری ایران تحت فشار قرار گرفتند، و از طرف دیگر، در داخل دولت، برخی مقامات به ویژه دیگر احزاب و شاه، که تمایلی به قطع روابط با بریتانیا نداشتند، به مصدق فشار می‌آوردند.

در این دوران، نه‌تنها اقتصاد ایران دچار بحران شد، بلکه تنش‌های سیاسی نیز در سطح داخلی شدت گرفت. مصدق برای برون‌رفت از چالش‌های خودساخته، گفتگوهایی را با دولت شوروی آغاز کرد.

در خرداد ۱۳۳۲ (ژوئن ۱۹۵۳)، وزیر امور خارجه شوروی، ویچاسلا مولوتوف، نامه‌ای به دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر ارسال کرد. این نامه در بحبوحه تنش‌های داخلی و فشارهای بین‌المللی بر ایران و دولت مصدق نوشته شد، و موضوع اصلی آن تأکید بر حمایت شوروی از حق حاکمیت و استقلال ایران، حمایت از ملی کردن نفت و پیشنهاد کمک به دولت مصدق بود. این نامه منتج به امضای یک موافقتنامه اقتصادی میان ایران و شوروی به امضای سادچیکف و نماینده دولت در ۲۰ خرداد ۱۳۳۲ شد.

این نزدیکی‌ها تا جایی پیش رفت که در ۸ تیر ۱۳۳۲ مولوتوف وزیر امور خارجه شوروی در پیامی که به وسیله آراسته سفیر ایران در مسکو برای نخست‌وزیر مصدق فرستاد ابراز گرایش به از میان برداشتن اختلافات ایران و شوروی اعلام می‌شود.

در اینجا شاید خطر غلتیدن ایران به اردوگاه کمونیسم بیش از پیش احساس شد. در نهایت، فشارهای اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی، ویرانی اقتصادی و فقر گسترده مردم، منجر به سقوط دولت مصدق شد.

تأسیس کنسرسیوم نفتی

در مواجهه با تحریم‌ها و محاصره نفتی از سوی بریتانیا، ایران در نهایت مجبور شد با کشورهای دیگر برای ادامه صادرات نفت به توافق برسد. در سال ۱۳۳۳، کنسرسیوم نفتی (که شامل شرکت‌های نفتی آمریکایی، انگلیسی، هلندی، فرانسوی و سایر کشورهای غربی بود) به عنوان راه حلی برای عبور از بحران نفت شکل گرفت.

• در این کنسرسیوم، ایران توانست بخشی از کنترل بر منابع نفتی خود را حفظ کند، اما شرکت‌های خارجی به ویژه آمریکایی در مدیریت این منابع مشارکت داشتند.

• در این توافق، سهم ایران از درآمدهای نفتی به

➔ ۵۰ درصد رسید. این توافق ۲۵ ساله و انقضای آن سال ۱۹۷۹ میلادی یا ۱۳۵۸ خورشیدی بود!

توافق جدید را شاید بتوان گام اول در مدیریت فضای آشفته‌ی پس از مصدق و راهبرد جدید نفتی شاه در مواجهه با شرایط اسفناک اقتصادی و سیاسی دانست که در نتیجه اقدامات احساسی جبهه ملی بر ایران تحمیل شد.

محمدرضا شاه در بخشی از مصاحبه اختصاصی خود با شبکه CBC News کانادا به آن دوران اشاره می‌کند:

«... ما چاره‌ای جز امضای قرارداد نداشتیم. آیا باید از گرسنگی می‌مردیم؟ باید از جایی شروع می‌کردیم که بتوانیم کشورمان را بسازیم. به ما دیکته کردند که قیمت‌ها را کاهش دهیم. در حالی که همه کالاها در حال گران شدن بود به ما گفتند یا این قرارداد را امضاء کنید یا قرارداد دیگری در کار نیست. ما مجبور شدیم قبول کنیم...»

درواقع شاه در آن دوران کشور تحریم شده با اقتصادی ویران را تحویل گرفت و توانست از تهدید، فرصت بسازد. به دنبال این اقدام، جریان درآمدهای نفتی مجدداً آغاز شد و اقتصاد در ریل خود قرار گرفت، محمدرضا شاه در ۱۳۳۵ دستور به تاسیس شرکت ملی نفتکش را داد. این اقدام را می‌توان اولین گام از سلسله اقدامات عملی و علمی شاه در ملی کردن صنعت نفت دانست.

شایان یادآوری است در زمانی که جبهه ملی قصد «ملی کردن نفت» و اخراج شرکت انگلیسی را داشت اساساً به این نکته توجهی نداشت که در فرای آن روز، به فرض پیدا کردن مشتری، در تحریم‌های بین‌المللی، چگونه می‌خواهد نفت خود را به بازارهای جهانی حمل کند در حالی که هیچ نفتکشی در اختیار ندارد. شاید خوشبینانه‌تر آن باشد که بگوییم به فکرشان نرسید.

حرکت بعدی شاه، دستور به تدوین برنامه هفت ساله دوم توسعه ایران، به منظور ایجاد شرایط تحول اقتصادی و هزینه کرد پول نفت در توسعه کشور بود تا در بزنگاه‌های تاریخی، توان مقاومت در برابر بحران‌ها را داشته باشد و با توسعه همه‌جانبه، کشور را بیمه کرده باشد.

حرکت به سمت ایجاد و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی؛ وقایع سال‌های ۴۰ تا ۴۹

تنهایی عمیق ایران در جریان اتفاقات اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در عرصه بین‌المللی و همراهی اعراب با انگلیس شاه را به این درک صحیح رساند که باید برای حفظ استقلال ملی و کسب قدرت در عرصه بین‌المللی به دنبال ائتلاف‌سازی‌های اقتصادی با همسایگان و قدرت‌های فرمانتکه ای باشد.

دیپلماسی ائتلاف‌های اقتصادی

۱- موافقت با افزایش قدرت کشورهای تولیدکننده نفت
شاه محمدرضا پهلوی به خوبی درک کرده بود که منابع نفتی ایران و دیگر کشورهای تولیدکننده نفت در خاورمیانه نقش حیاتی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کنند، اما در همان زمان، سلطه شرکت‌های نفتی چندملیتی (مانند شرکت نفت ایران و انگلیس) بر این منابع باعث می‌شد که کشورهای نفتی نتوانند بطور عادلانه از درآمدهای نفتی خود بهره‌برداری کنند.

شاه در دوره‌ای که به شدت نیاز به افزایش قدرت اقتصادی ایران و استقلال سیاسی داشت، به دنبال این بود که کشورهایی که منابع نفتی غنی دارند، بتوانند بر قیمت‌ها و تولید نفت کنترل بیشتری داشته باشند.

شاه ایران از همان ابتدا در عرصه بین‌المللی از دیدگاه‌های مشترک کشورهای تولیدکننده نفت حمایت می‌کرد و در تلاش بود تا اتحادهای منطقه‌ای و جهانی میان این کشورها ایجاد کند.

شاه بر این باور بود که اگر کشورهای نفتخیز با هم متحد شوند، می‌توانند در مقابل شرکت‌های نفتی چندملیتی و کشورهای مصرف‌کننده نفت، که قیمت‌ها را تعیین می‌کنند، موضع قوی‌تری اتخاذ کنند.

ایران در شکل‌گیری اوپک به ویژه از ایده‌های کشورهایمانند ونزوئلا که خواستار کنترل بیشتر بر منابع نفتی خود بودند، حمایت کرد.

۲- نقش ایران در تأسیس اوپک

در آن زمان، شرکت‌های نفتی غربی کنترل زیادی بر منابع نفتی داشتند و سهم کشورهای تولیدکننده نفت در درآمدهای نفتی بسیار کم بود. شاه محمدرضا پهلوی با پشتیبانی از ایجاد اوپک به دنبال کاهش وابستگی ایران به این شرکت‌ها بود و می‌خواست با ایجاد یک سازمان همکاری میان کشورهای نفتخیز، قدرت چانه زدن ایران و سایر کشورهای عضو اوپک را در برابر شرکت‌های نفتی افزایش دهد.

در سال ۱۹۶۰، زمانی که اوپک تأسیس شد، شاه محمدرضا پهلوی از اولین کشورهای عضو بود که در مذاکرات مربوط به تأسیس این سازمان شرکت کرد.

۳- حمایت از گسترش اوپک

پس از تأسیس اوپک، شاه بطور مداوم از گسترش این سازمان و جذب کشورهای دیگر به اوپک حمایت می‌کرد. وی باور داشت که اوپک نه تنها به نفع ایران، بلکه به نفع تمامی کشورهای تولیدکننده نفت خواهد بود.

تکمیل پازل قدرت- پادشاه نفت جهان

پس از تأسیس اوپک، شاه یکی پس از دیگری پازل تحکیم قدرت خود را در عرصه اقتصاد نفت محکم می‌کند. اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی نفتی از آن جمله‌اند:

پایانه نفتی خارک در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ خورشیدی)، طرح توسعه و تجهیز میدان نفتی اهواز، -پایانه نفتی ماهشهر (۱۳۴۳ خورشیدی)، -پالایشگاه‌های نفت و گاز و توسعه خطوط لوله انتقال نفت.

این تأسیسات و پروژه‌ها به همراه افزایش تولید و صادرات نفت ایران در این دهه، سبب شد تا صنعت نفت ایران به یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین صنایع در جهان تبدیل شود.

تولید نفت ایران در دهه ۱۳۴۰ (۱۹۶۰-۱۹۷۰)

۱۹۶۳-۱۹۶۰: تولید نفت ایران در حدود ۳/۵ میلیون بشکه در روز بود. در این دوره، ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده نفت در جهان شناخته می‌شد.

۱۹۶۹-۱۹۶۴: تولید نفت ایران به تدریج افزایش یافت و به ۴/۵ میلیون بشکه در روز رسید. در این دوره، ایران یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین نفت کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده و کشورهای اروپایی به شمار می‌رفت.

تأسیس شرکت ملی گاز ایران

در این دهه درخشان اقتصادی، ایران به دنبال تنوع بخشیدن به درآمدهای خود، توسعه صنعتی و نیز ارتقای رفاه اجتماعی بود. در دهه ۴۰، با افزایش تولید گاز و نیاز به سازماندهی این صنعت، شرکت ملی گاز ایران تأسیس شد.

این شرکت مسئولیت جمع‌آوری، پالایش، توزیع و فروش گاز طبیعی را بر عهده داشت و ساختار سازمانی و قانونی برای بهره‌برداری از منابع گازی کشور ایجاد شد.

تا دهه ۱۳۵۰، بخش قابل توجهی از مصرف گاز طبیعی ایران به بخش خانگی اختصاص یافت، به ویژه در مناطق شهری مانند تهران و برخی شهرهای بزرگ جنوب کشور.

تأسیس شرکت پتروشیمی ایران

در این دهه صنعت پتروشیمی ایران بطور رسمی شروع به شکل‌گیری کرد. شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران (NPC)

در سال ۱۳۴۳ تأسیس شد تا تولید محصولات پتروشیمی را در کشور توسعه دهد.

در ابتدا، صنعت پتروشیمی ایران بیشتر به تولید محصولات پایین‌دستی نفت مانند گازهای طبیعی، بنزین، نفت سفید و گازوئیل متمرکز بود.

برخی از محصولات پتروشیمی در این دوران بطور مستقیم از نفت خام و گاز طبیعی استخراج می‌شدند. این محصولات بیشتر به نیازهای داخلی کشور، به ویژه در صنایع سوخت و انرژی پاسخ می‌دادند.

گاز طبیعی به عنوان منبع اصلی خوراک پتروشیمی، در فرآیند تولید مواد شیمیایی به کار می‌رفت. محصولات تولیدی شامل اتیل، پروپیلن، آمونیاک و اوره، بنزن، تولوئن، زایلین می‌شدند.

دهه ۵۰ خورشیدی؛ ملی شدن صنعت نفت!

در آغاز این دهه برنامه‌های اقتصادی توسعه کشور یکی پس از دیگری رکوردهای تحقق اهداف را در جنبه‌های مختلف می‌شکستند. قدرت اقتصادی و نظامی ایران ارتقاء چشمگیری یافته و این عوامل در سایه اضمحلال تدریجی بریتانیا و اتحاد استراتژیک با آمریکا، پادشاهی ایران را به بازیگر اول منطقه بدل کرده و اسباب رشک همسایگان خود شده بود. حال وقت آن رسیده بود که روای دیرینه مردم ایران یعنی ملی کردن صنعت نفت و در اختیار گرفتن و کنترل کامل منابع و منافع آن جامه عمل بپوشد. اکنون ابتکار عمل در دست ایران قرار داشت. ۴ بهمن ۱۳۵۱ محمدرضا شاه پهلوی که به همراه ملکه فرح در اجتماع چند هزار نفری در استادیوم سرپوشیده آریامهر سخنانی می‌کرد خطاب به شرکت‌های عضو کنسرسیوم گفت:

«... ما مردمانی هستیم که به امضاء خودمان پایبندیم. نتیجه! دو راه پیش رو دارید. اول اینکه تا ۱۹۷۹ یعنی ۶ سال دیگر، کمپانی‌های نفتی موجود در ایران (کنسرسیوم) به کارشان ادامه دهند به شرطی که درآمد هر بشکه نفتی که به ما می‌رسد از درآمد کشورهای غربی کمتر نباشد. دوم، قدرت صادرات ایران بشود ۸ میلیون بشکه در روز! (تغییر در قرارداد) و اگر اینطور نشود. راه دوم پیش می‌آید: در ۱۹۷۹ قرارداد ما خاتمه پیدا خواهد کرد و شرکت‌های فعلی باید بروند در صف طولانی که بعدها برای نفت ما شکل می‌گیرد بایستند تا بهشان نفت بدهیم.»

در نتیجه این سخنانی، پرویز مینا مدیر روابط بین‌الملل شرکت نفت رسماً به شرکت‌های عضو کنسرسیوم اولتیماتوم داد که اگر در قرارداد ۱۹۵۴ تجدید نظر نشود، این قرارداد تمدید نخواهد شد.

شرایط ایران آن زمان به این شرح است:

از امروز تمام امور نفتی به ایران واگذار می‌شود و این شرکت‌ها فقط می‌توانند خریدار نفت باشند، البته در مقابل از تخفیف مناسب نسبت به سایر کشورها بهره مند خواهند بود.

متعاقباً شاه در ۵ تیرماه ۱۳۵۲ (۲۶ ژوئن ۱۹۷۳) طرح تغییر در وضعیت قرارداد نفت را امضاء کرده و جهت تصویب به مجلس شورای ملی و مجلس سنا فرستاد. طرح مربوطه در ۸ مرداد به تصویب رسید و در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۵۲ نفت ایران در عمل و واقعیت ملی شد.

شاه ایران با تکمیل پازل توانمندسازی کشور، تفاوت دو نگاه عوامفریبانه و واقع‌بینانه در موضوع ملی کردن صنعت نفت را به روشنی به تصویر کشید.

یکی نگاهی متکی بر هیاهو و جنجال پوپولیستی و دیگری مبتنی بر اقدامات وطنپرستانه و عملگرایانه؛ شاید به همین دلیل بوده و هست که هواداران جبهه «ملی» هیچگاه با نهاد پادشاهی بی‌حساب نمی‌شوند.

رافائل گروسی به تهران می‌رود؛ منابع حکومتی: آژانس در تصمیمات خود مستقل نیست



رافائل گروسی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی / عکس: رویترز

رافائل گروسی در آستانه سفر به تهران: حکومت ایران باید درک کند که فضای بین‌المللی وخیم شده است

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز سه‌شنبه ۱۲ نوامبر (۲۲ آبان‌ماه) در آستانه سفر به تهران، هشدار داد که «فضا برای مانور در برنامه هسته‌ای ایران در حال کم شدن است.» او همچنین افزود که وضعیت بین‌المللی روز به روز وخیم‌تر می‌شود.»

● او همچنین عنوان کرد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مجاز است در ایران بازرسی انجام دهد، اما «نظارت ما باید بیشتر شود، با توجه به اندازه، ابعاد و توسعه برنامه‌های اتمی ایران، ما باید راه‌های بیشتری برای نظارت بر نامه‌های اتمی ایران پیدا کنیم.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز سه‌شنبه ۱۲ نوامبر (۲۲ آبان‌ماه) در آستانه سفر به تهران، هشدار داد که «فضا برای مانور در برنامه هسته‌ای ایران در حال کم شدن است.» او همچنین افزود که وضعیت بین‌المللی روز به روز وخیم‌تر می‌شود.»

به گزارش خبرگزاری فرانسه، رافائل گروسی در حاشیه اجلاس آب و هوای «COP29» در باکو گفت: «حکومت ایران باید درک کند که وضعیت بین‌المللی بطور فزاینده‌ای وخیم می‌شود و فضای مانور در حال کاهش است و یافتن راه‌هایی برای دستیابی به راه‌حل‌های دیپلماتیک ضروریست.»

این اظهارات در پی پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا و حملات هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران بیان شده است. آنهم در شرایطی که مقامات جمهوری اسلامی تهدید به انتقام کرده‌اند.

او همچنین عنوان کرد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مجاز است در ایران بازرسی انجام دهد، اما «نظارت ما باید بیشتر شود، با توجه به اندازه، ابعاد و توسعه برنامه‌های اتمی ایران، ما باید راه‌های بیشتری برای نظارت برنامه‌های اتمی ایران پیدا کنیم.» رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید تأکید کرد که «من قبلاً در زمان دولت اول کار کردم و به خوبی هم با یکدیگر کار کردم.»

رافائل گروسی قبلاً بارها گفته بود برجام به یک «پوسته توخالی» تبدیل شده و باید توافق جدیدی برای نظارت بر برنامه‌های اتمی ایران در دستور کار قرار داد. برنامه ترامپ اما پس از بازگشت به قدرت به نظر می‌رسد که احیای «کارزار فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی باشد.

طبق گزارش آژانس، جمهوری اسلامی ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی خود را به شدت افزایش داده است. گروسی بارها هشدار داده که این میزان غنی‌سازی هیچ توجیه معتبر غیرنظامی ندارد. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار است چهارشنبه ۲۳ آبان‌ماه برای دیدار با مقامات جمهوری اسلامی به تهران سفر کند. او پیش از این سفر با دیوید لی وزیر خارجه انگلیس دیدار کرد.

اتمی خودداری کنند زیرا پیامدهای زینبار آن از جمله آلودگی‌های ناشی از رادیواکتیو برای شهروندان و محیط زیست فاجعه‌بار است.

دکترین جدید جمهوری اسلامی

پیش از سفر مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حوالی شاهرود یک موشک بالستیک پرتاب کرد. شماری از عوامل نظام دستیابی به سلاح اتمی برای «حفظ موجودیت نظام» را ضروری می‌دانند و چند مقام ارشد از جمله کمال خرازی رئیس شورای راهبردی جمهوری اسلامی بار دیگر از احتمال تغییر «دکترین هسته‌ای» نظام خبر داده است.

برخی کارشناسان معتقدند با توجه به ضربات سنگین اسرائیل علیه «حزب‌الله» و «حماس» به عنوان «کمر بند امنیتی جمهوری اسلامی» جریان‌هایی پرنفوذ در داخل نظام در حال زمینه‌سازی برای اعلام «اتمی شدن ایران» هستند و با اظهارات خود فضای داخلی و بین‌المللی را محک می‌زنند؛ از جمله حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که گفته است، «به هرچه برای غلبه بر دشمن نیاز باشد تجهیز می‌شویم.»

حسین موسویان سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان نیز در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر پیروزی ترامپ بر استراتژی امنیت ملی ایران» می‌نویسد در دکترین جدید امنیت ملی جمهوری اسلامی یکی از عناصر «دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای و بازدارندگی هسته‌ای است.» او مدعی شده یک «نظرسنجی در اوایل امسال نشان داد که نزدیک به ۷۰ درصد از ایرانی‌ها موافقت که کشورشان باید سلاح هسته‌ای داشته باشد.»

واکنش‌ها به سفر گروسی

در ایران، مقامات قویاً بر این باورند که یکی از عوامل شکست مذاکرات برجام در دولت بایدن، «اسناد جعلی» بوده که اسرائیل در اختیار آژانس گذاشت.

اسماعیل بقایای سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفته «آژانس باید به دور از فشارهای سیاسی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی کار خود را انجام دهد.»

روزنامه «وطن امروز» در واکنش به سفر گروسی در تهران می‌نویسد: «تجربه نشان داده است آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تصمیم‌های خود مستقل نیست و بسیاری مواقع تحت تأثیر فشار قدرت‌های غربی قرار می‌گیرد.»

موضع رسمی جمهوری اسلامی تا کنون این بوده که بر اساس «فتوای خامنه‌ای» ساخت و استفاده از بمب اتم حرام است، اما گروسی می‌گوید صرفاً استناد به یک فتوای شرعی کافی نیست و جمهوری اسلامی باید در عمل ثابت کند که به دنبال ساخت بمب اتم نیست. با اینهمه اما در ایران غنی‌سازی اورانیوم به ۶۰ درصد رسیده است که به گفته آژانس «هیچ مصرف غیرنظامی» ندارد.

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار است چهارشنبه ۲۳ آبان‌ماه برای دیدار با مقامات جمهوری اسلامی به تهران سفر کند. این سفر در شرایطی انجام می‌شود که رهبر جمهوری اسلامی می‌خواهد حمله اسرائیل به مراکز نظامی در ایران را با «پاسخ دندان‌شکن» تلافی کند.

● اسرائیل کاتز وزیر دفاع جدید اسرائیل در اولین جلسه با فرماندهان ارشد ارتش گفته «وضعیت دیپلماتیک، عملیاتی و تاکتیکی برای حمله به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی هرگز به اندازه وضعیت فعلی شدنی، واقع‌بینانه و محتمل نبوده است.»

● رافائل گروسی که تأکید کرده سفرش به تهران از «اهمیت بسیار زیادی» برخوردار است، بارها به طرفین جنگ‌های مختلف توصیه کرده که از هدف قرار دادن تأسیسات اتمی خودداری کنند زیرا پیامدهای زینبار آن از جمله آلودگی‌های ناشی از رادیواکتیو برای شهروندان و محیط زیست فاجعه‌بار است.

● برخی کارشناسان معتقدند با توجه به ضربات سنگین اسرائیل علیه «حزب‌الله» و «حماس» به عنوان «کمر بند امنیتی جمهوری اسلامی» جریان‌هایی پرنفوذ در داخل نظام در حال زمینه‌سازی برای اعلام «اتمی شدن ایران» هستند و با اظهارات خود فضای داخلی و بین‌المللی را محک می‌زنند، از جمله حسین سلامی فرمانده سپاه که گفته است، «به هرچه برای غلبه بر دشمن نیاز باشد تجهیز می‌شویم.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار است چهارشنبه ۲۳ آبان‌ماه برای دیدار با مقامات جمهوری اسلامی به تهران سفر کند. این سفر در شرایطی انجام می‌شود که رهبر جمهوری اسلامی می‌خواهد حمله اسرائیل به مراکز نظامی در ایران را با «پاسخ دندان‌شکن» تلافی کند.

یکی از گزینه‌های اسرائیل برای تلافی حمله موشکی «وعده صادق ۲»، هدف قرار دادن تأسیسات اتمی داخل ایران بود که بنا بر ملاحظات امنیتی و همچنین فشارهای دولت جو بایدن به بنیامین نتانیاهو از آن اجتناب شد اما اسرائیل کاتز وزیر دفاع جدید اسرائیل در اولین جلسه با فرماندهان ارشد ارتش که ۲۲ آبان برگزار شد، عنوان کرد، «وضعیت دیپلماتیک، عملیاتی و تاکتیکی برای حمله به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی هرگز به اندازه وضعیت فعلی شدنی، واقع‌بینانه و محتمل نبوده است.»

کاتز همچنین اشاره کرد که طی دو عملیات هوایی در داخل ایران (اردیبهشت و مهرماه ۱۴۰۳) نیروی هوایی اسرائیل تا چه اندازه قدرتمند است.

رافائل گروسی که تأکید کرده سفرش به تهران از «اهمیت بسیار زیادی» برخوردار است، بارها به طرفین جنگ‌های مختلف توصیه کرده که از هدف قرار دادن تأسیسات

خودکشی کیانوش سنجری روزنامه‌نگار و فعال سیاسی در اعتراض به جمهوری اسلامی



کیانوش سنجری

بازداشتگاه‌های ۵۹ سپاه و ۲۰۹ وزارت اطلاعات بازجویی و شکنجه شد.

وی سپس در سال ۱۳۸۶ از کشور خارج شد و مدتی در نروژ بود و پس از آن به آمریکا رفت و مدت ۸ سال به عنوان خبرنگار حوزه حقوق بشر با شبکه صدای آمریکا همکاری نمود تا اینکه در سال ۹۵ به عشق مادرش و میهن به ایران بازگشت و چند روز بعد از ورود به کشور بازداشت و به ۱۱ سال زندان (پنج سال حبس تعزیری، ۶ سال حبس تعلیقی) و دو سال ممنوع‌الخروجی محکوم شد. او پس از تحمل سه سال زندان آزاد گشت.

کیانوش سنجری در کنار آنها که دوستانش می‌داشت کیانوش سنجری پس از آزادی در مردادماه ۱۴۰۰ گفت که در دوره حبس به صورت اجباری او را در بیمارستان روانی امین‌آباد بستری کردند و در این مدت علاوه بر تحمل ۹ بار بیهوشی مجبور به تحمل درمان اجباری با شوک الکتریکی شده بود.

به نوشته «دادبان» که مسائل حقوق بشری را پوشش می‌دهد «او سابقه دست‌کم ۹ بار بازداشت، زندانی شدن و حبس در سلول انفرادی را دارد و در گفتگوهایی با رسانه‌ها از شکنجه خود در تیمارستان امین‌آباد گفته بود: «من بارها تجربه زندان داشتم ولی بدترین و ددمنشانه‌ترین تجربه، حضور در بیمارستان رازی یا همان امین‌آباد بود که من را با پایبند به آنجا بردند و کنار بیمارستان روانی قرار داده بودند و من به آمپول تزریق کردند که یک هفته فک من را از کار انداخت. این اوج قساوت بود. می‌خواستند مرا کاملاً منکوب کنند. من سالم بودم. من حتی قرص افسردگی هم مصرف نمی‌کردم. پس از این اتفاق، به بیماری‌های بدی مبتلا شدم.» اعزام معترضان به بیمارستان‌های روانی یکی از شکنجه‌های جمهوری اسلامی است که تا کنون بسیاری از جوانان از جمله دختران معترض به حجاب اجباری را در چنین مراکزی به اسارت فرستاده و شماری از آنان در این «درمانگاه»ها حتی جان خود را از دست داده‌اند.

در شبکه ایکس نوشت: «اگر تا ساعت هفت امروز فاطمه سپهری، نسرین شاکرمی، توماج صالحی و آرشام رضایی از زندان آزاد نشوند و خبر آزادی‌شان در سایت خبری قوه قضاییه منتشر نشود، من در اعتراض به دیکتاتوری خامنه‌ای و شرکایش به زندگی‌ام پایان خواهم داد.»

وی در ادامه پیام خود اظهار امیدواری کرد که شاید این اقدام «تلنگری» باشد.

پس از آن و در ساعت ۷ و بیست دقیقه شب وی با انتشار عکسی از پل حافظ در حساب کاربری خود نوشت: «الوعده وفا. هیچکس نباید به خاطر بیان عقایدش زندانی شود. اعتراض حق هر شهروند ایرانی‌ست. زندگی من پس از این توثیق به پایان خواهد رسید اما فراموش نکنیم که ما برای عشق به زندگی جان داده و می‌دهیم، و نه مرگ. آرزومندم روزی ایرانیان بیدار و بر بردگی چیره شوند. پاینده ایران.»

وی با پریدن از پل حافظ جان باخت و ویدئویی نیز در همین زمینه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. این ویدئو که توسط فردی تهیه و پخش شده که با تغییر صدایش در آن با اعلام تاریخ می‌گوید: «یکی خودش رو از بالای پل انداخته پایین» شک و تردیدهایی را در ارتباط با «خودکشی» این روزنامه‌نگار برانگیخته است که چه بسا اکانت وی در دست نیروهای امنیتی بوده و به دلیل مواضع صریح وی که در حمایت از مردم و همچنین پادشاهی و پهلوهای صحبت می‌کرده، او را به قتل رسانده و برای خودکشی قلمداد کردن آن زمینه‌سازی کرده‌اند. آتهم در شرایطی که هم خود سنجری می‌دانسته از یکسو با تهدید وی هیچ زندانی آزاد نخواهد شد و از سوی دیگر و مهم‌تر از همه، جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین دوران خود بسر می‌برد و امید به تغییر در جامعه افزایش یافته است.

کیانوش سنجری با نام اصلی مهدی سنجری‌باف ندر ۲۰ شهریور ۱۳۶۱ در تهران به دنیا آمد. وی در اولین سالگرد ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بازداشت و به زندان انفرادی فرستاده شد. پس از آن نیز به دلیل فعالیت‌هایش چند بار دستگیر و در

● کیانوش سنجری که از ۱۷ سالگی و در جریان جنبش دانشجویی دهه هفتاد سال‌های زیادی از عمر خود را در زندان بسر برد، صبح چهارشنبه ۲۳ آبان با انتشار پیامی در شبکه ایکس نوشت: «اگر تا ساعت هفت امروز فاطمه سپهری، نسرین شاکرمی، توماج صالحی و آرشام رضایی از زندان آزاد نشوند و خبر آزادی‌شان در سایت خبری قوه قضاییه منتشر نشود، من در اعتراض به دیکتاتوری خامنه‌ای و شرکایش به زندگی‌ام پایان خواهم داد.»

● وی با پریدن از پل حافظ جان باخت و ویدئویی نیز در همین زمینه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. این ویدئو که توسط فردی تهیه و پخش شده که با تغییر صدایش در آن با اعلام تاریخ می‌گوید: «یکی خودش رو از بالای پل انداخته پایین» شک و تردیدهایی را در ارتباط با «خودکشی» این روزنامه‌نگار برانگیخته است.

● سنجری در سال ۱۳۸۶ از کشور خارج شد و مدتی در نروژ بود و پس از آن به آمریکا رفت و مدت ۸ سال به عنوان خبرنگار حوزه حقوق بشر با شبکه صدای آمریکا همکاری نمود تا اینکه در سال ۹۵ به عشق مادرش و میهن به ایران بازگشت و چند روز بعد از ورود به کشور بازداشت شد.

● به نوشته «دادبان» که مسائل حقوق بشری را پوشش می‌دهد «او سابقه دست‌کم ۹ بار بازداشت، زندانی شدن و حبس در سلول انفرادی را دارد و در گفتگوهایی با رسانه‌ها از شکنجه خود در تیمارستان امین‌آباد گفته بود.»

کیانوش سنجری روزنامه‌نگار و فعال سیاسی در اعتراض به جمهوری اسلامی و علیه بازداشت‌های فعالان سیاسی و برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران خودکشی کرد. وی پیش از گرفتن جان خود، در پیامی در شبکه ایکس خواستار آزادی چهار زندانی سیاسی شده بود.

کیانوش سنجری که از ۱۷ سالگی و در جریان جنبش دانشجویی دهه هفتاد سال‌های زیادی از عمر خود را در زندان بسر برد، صبح چهارشنبه ۲۳ آبان با انتشار پیامی

صدور گواهینامه موتور برای زنان؛ منع قانونی وجود ندارد اما همچنان مردان جمهوری اسلامی مقاومت می‌کنند!



● رئیس فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی گفته صدور گواهینامه موتور با رعایت اصول ایمنی و آموزش‌های لازم برای زنان، احیای فرصتی برابر و تشویق به مشارکت و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی آنان است.

● زنان به ویژه پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ که فصل تازه‌ای از مبارزات مدنی زنان برای دستیابی به حقوق برابر در جمهوری اسلامی را آغاز کرد، بیش از پیش از موتورسیکلت استفاده می‌کنند.

رئیس فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی از طرح پیشنهادی این فدراسیون برای اصلاح قانون صدور گواهینامه موتور برای زنان خبر داده است. در شرایطی که به دلیل خلاء قانونی برای زنان گواهینامه موتور صادر نمی‌شود اما دختران و زنان زیادی، به ویژه پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱، در خیابان‌های ایران موتورسیکلت می‌رانند.

مازیار ناظمی رئیس فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی با اعلام طرح پیشنهادی این فدراسیون برای اصلاح قانون صدور گواهینامه برای زنان، گفته صدور گواهینامه موتور با رعایت اصول ایمنی و آموزش‌های لازم برای زنان، احیای فرصتی برابر و تشویق به مشارکت و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی آنان است. به گفته او وزارت ورزش و جوانان برای اصلاح ماده بیستم قانون راهنمایی و رانندگی در برنامه هفتم توسعه و پیشرفت کشور از فدراسیون نظرخواهی کرده است.

رئیس فدراسیون موتورسواری افزوده که «ما نیز با مشورت و نظرخواهی از هیئت رئیسه، بانوان مربی، همچنین کارشناسان و رؤسای هیئت‌های استانی فدراسیون اعلام کردیم که صدور گواهینامه موتور برای بانوان در صورت رعایت ضوابط ایمنی و ملاحظات فرهنگی و شرعی، هیچگونه ضرری برای منافع عمومی ندارد و حتی می‌تواند به توسعه و رفاه اجتماعی و اقتصادی بانوان کشور کمک کند.» مازیار ناظمی همچنین گفته «این آمادگی را داریم که با استفاده از توان مربیان و قهرمانان بانو در سراسر ایران و همکاری هیئت‌های استانی و باشگاه‌ها، به آموزش و کمک به علاقمندان این بخش پردازیم. پیست‌های فدراسیون و هیئت‌ها نیز به عنوان مکان‌های ایمن و فنی در اختیار این افراد قرار خواهد گرفت.»

رئیس فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی همچنین تأکید کرده که «توانمندی دختران ورزشکار ایرانی در این رشته بسیار مهم است. قهرمانان زن ما نه تنها در مسابقات جهانی کراس بلکه برای اولین بار در مسابقات موتور ریس کاپ آسیا نیز شرکت کرده‌اند و مایه افتخار کشور هستند.»

موضوع صدور گواهینامه موتور برای زنان طی سال‌های گذشته چند بار مطرح شده است. حقوقدانان می‌گویند قانونی برای منع صدور گواهینامه موتور به زنان وجود ندارد بلکه اصطلاحاً «سکوت قانونی» در اینباره وجود دارد.

زنان به ویژه پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ که فصل تازه‌ای از مبارزات مدنی زنان برای دستیابی به حقوق برابر در جمهوری اسلامی را آغاز کرد، بیش از پیش از موتورسیکلت استفاده می‌کنند. افزایش شمار زنانی که در سطح شهرها موتورسیکلت می‌رانند، بار دیگر موضوع صدور گواهینامه موتور برای زنان را در پاییز ۱۴۰۱ برجسته کرد.

سرهنگ علی اصغر شریفی رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ آبان‌ماه ۱۴۰۱ در اینباره گفته بود «قانون در اینباره سکوت کرده و ما هم سکوت می‌کنیم.»

در قانون مجازات داریم. حالا اینکه آقایان عنوان کنند قانون ساکت است و ما هم سکوت می‌کنیم، برخلاف کل ضوابط و مقررات قانون اساسی است.»

این وکیل دادگستری افزوده بود که «ما نمی‌توانیم اشخاص را از چیزی که می‌توانند داشته باشند، منع کنیم. اگر این حق می‌تواند وجود داشته باشد، یا باید ممنوع شود یا اگر ممنوع نشده و قانون سکوت کرده، اصل را باید بر براءت بگذاریم. یعنی بگوییم آن حق وجود دارد و هر شخصی می‌تواند از آن استفاده کند.»

نعیم‌رضا نظامی چهارمحالی افزوده بود که «اگر قرار بود رانندگی ممنوع باشد، می‌توانستند پیش‌بینی کنند، اگر قرار بود رانندگی زنان جرم تلقی شود باید مطابق ماده دو مجازات اسلامی برای مجازات تعیین می‌کردند، آن زمان با یک جرم مواجه بودیم. هدف از ممنوعیت چه چیزی است؟ حقی را که می‌تواند وجود داشته باشد، کنار بگذاریم. باید یک دلیل قانع‌کننده وجود داشته باشد، آن ممنوعیت در قالب قانون در مجلس شورای اسلامی برود، شورای نگهبان آن را تأیید کند، در روزنامه رسمی منتشر شود و بعد به مرحله اجرا برسد. اما اگر در برابر آن سکوت کرده، دال بر این است که موضوع مجاز است و به اصل براءت نظر کنیم و ممنوعیتی وجود نداشته باشد. اگر هم مسائل دیگری وجود دارد، می‌توانند قانون‌گذاری کنند که آن هم تشریفات خاص خودش را دارد.»

قابل توجه آنکه اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره دوچرخه‌سواری و موتورسواری زنان در ملاء عام نظریه مشورتی صادر کرد و این اعمال را فاقد وصف مجرمانه دانست. بر اساس این نظریه به دلیل اینکه برای دوچرخه‌سواری یا موتورسواری بانوان مجازاتی پیش‌بینی نشده است، صرف دوچرخه‌سواری یا موتورسواری بانوان فاقد وصف کیفری دانسته شده است. حکم دیوان عدالت اداری در «الزام» راهنمایی و رانندگی به صدور گواهینامه موتور برای زنان و تفسیری از قانون، به نفع زنان شد اما هنوز هم گواهینامه موتور برای بانوان صادر نمی‌شود.

رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور افزوده بود که قانون گفته «هر کسی که گواهینامه موتورسیکلت دارد می‌تواند رانندگی کند اما هیچ‌خانگی گواهینامه موتورسیکلت ندارد. تبصره ماده ۲۰ صدور گواهینامه موتورسیکلت برای مردان را بر عهده نیروی انتظامی گذاشته است.»

این در حالیست که بر اساس قانون راهنمایی و رانندگی، هر شخصی که گواهینامه داشته باشد ممنوعیتی برای استفاده از موتورسیکلت نخواهد داشت. درواقع، قانون در این بند به وضوح بیان کرده است که جنسیت هیچ تأثیری در ممنوعیت استفاده از موتورسیکلت ندارد.

در تبصره ماده ۲۰ این قانون نوشته است: «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان، بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است.» بر اساس همین تبصره است که پلیس از صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان امتناع می‌کند و آن را ممنوع می‌داند.

از سوی دیگر بسیاری از حقوقدانانها و وکلا معتقدند بر اساس همین تبصره می‌توان نتیجه گرفت که صدور گواهینامه برای زنان می‌تواند از مرجعی دیگر انجام شود.

نعیم‌رضا نظامی چهارمحالی وکیل پایه یک دادگستری نیز آذرماه ۱۴۰۱ در گفتگو با روزنامه «شرق» به ابعاد حقوقی صدور گواهینامه برای زنان پرداخته و گفته بود: «به‌صورت کلی رانندگی در قوانین و ضوابط راهبر تعیین کرده که رانندگی با وسایل نقلیه در چه شرایط و سنی مجاز است و همه اینها تعریف شده است؛ مثلاً در قانون به دنبال این بودند که برای رانندگی افراد کهنسال به دلیل شرایطی که دارند، مانند اینکه امکان دارد تسلط کافی بر رانندگی نداشته باشند، محدودیتی ایجاد کنند اما در حال نمی‌توانیم بگوییم رانندگی جرم است. آیین‌نامه‌هایی که در بحث راهنمایی و رانندگی وجود دارد، بیشتر درباره شرایط و ضوابط کیفیت تصادفات و این‌طور مسائل است. ما در قانون عام مجازات اسلامی، بی‌احتیاطی در رانندگی را جرم شناختیم. تعاریفی در باب مسائلی که منجر به بروز صدمات جانی و مالی می‌شود،

واردات بنزین سوپر آزاد شد؛ پیش‌درآمد افزایش قیمت بنزین

● بر اساس مصوبه هیئت وزیران دولت پزشکيان، واردات و توزیع بنزین سوپر توسط اشخاص حقوقی دارای مجوز از وزارت نفت با قیمت غیریارانه‌ای آزاد شد.

● با توجه به قیمت ۱/۲ دلاری بنزین سوپر به نرخ فوب خلیج فارس، قیمت هر لیتر بنزین سوپر با نرخ دلار آزاد حدود ۸۰ هزار و با نرخ دلار نیمایی ۶۱ هزار تومان برای هر لیتر خواهد شد.

● وبسایت «روزگار خودرو» با محاسبه قیمت ریالی بنزین سوپر وارداتی توسط بخش خصوصی نوشته «اما آیا بنزین سوپر با چنین قیمت‌هایی خریدار دارد؟ باید منتظر ماند و دید!»

هیئت وزیران دولت چهاردهم در مصوبه‌ای واردات بنزین سوپر را آزاد اعلام کرد. آزاد شدن واردات بنزین سوپر پیش‌درآمدی برای افزایش قیمت بنزین به شمار می‌رود.

بر اساس مصوبه هیئت وزیران دولت پزشکيان، واردات و توزیع بنزین سوپر توسط اشخاص حقوقی دارای مجوز از وزارت نفت با قیمت غیریارانه‌ای آزاد شد. همچنین اعلام شده این مصوبه بر اساس ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۸ قانون بودجه ۱۴۰۳ بوده است.

خبرگزاری «تسنیم» با انتشار این مصوبه نوشته پیش‌بینی می‌شود بنزین سوپر وارداتی توسط بخش خصوصی با قیمت نزدیک به قیمت‌های جهانی عرضه شود.

قیمت بنزین سوپر فوب خلیج فارس حدود ۱/۲ دلار است. در صورتیکه هدف دولت محاسبه قیمت بنزین وارداتی با قیمت فوب خلیج فارس باشد و این قیمت با دلار آزاد محاسبه شود، قیمت هر لیتر بنزین سوپر حدود ۸۰ هزار تومان خواهد بود. همچنین در صورت محاسبه با قیمت دلار مبادله‌ای یا همان ارز نیمایی، نرخ هر لیتر بنزین سوپر تقریباً ۶۱ هزار تومان برای هر لیتر خواهد شد.

وبسایت «روزگار خودرو» با محاسبه قیمت ریالی بنزین سوپر وارداتی توسط بخش خصوصی نوشته «اما آیا بنزین سوپر با چنین قیمت‌هایی خریدار دارد؟ باید منتظر ماند و دید!»

مقامات دولتی همچنین نرخ‌های متفاوتی برای بنزین تولید داخل از ۸۰۰ تا ۳۰ هزار تومان را مطرح می‌کنند. سعید مداح مروج، عضو هیئت‌مدیره و مدیر هماهنگی و نظارت بر عملیات شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در گفت‌وگویی که در اردیبهشت ۱۴۰۲ با روزنامه ایران داشت، متذکر شد که در شرایط فعلی، تولید هر لیتر بنزین ۱۸ هزار تومان هزینه دربردارد.

او اضافه کرد که برخی شرکت‌های دانش‌بنیان مدعی هستند که با قیمت‌های پایین‌تر امکان تولید بنزین وجود دارد. اگر چنین باشد، میزان یارانه بنا بر هر پالایشگاه متفاوت بوده و منطقاً یارانه اعمال‌شده با توجه به تکنولوژی متفاوت خواهد بود.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی هزینه تمام شده تولید بنزین در پالایشگاه‌های داخلی را برآورد کرده است. بر اساس صورت مالی منتشرشده پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس در اسفند ۱۴۰۰ جمع میزان بنزین تولیدشده شامل صادرات و مصرف داخلی در کشور، حدوداً ۱۲ میلیارد لیتر بوده است. بهای تمام‌شده میزان فروش خالص بنزین در این سال، یک میلیارد و ۳۲۱ میلیون محاسبه شده است.



مسعود پزشکيان پس از آنکه به عنوان رئیس دولت چهاردهم و پیروز انتخابات ریاست جمهوری معرفی شد، در گفت‌وگویی با وبسایت علی‌خامنه‌ای به ناترازی بنزین اشاره کرده و گفته بود که «در حال حاضر برای خرید بنزین، هشت میلیارد دلار پول پرداخت می‌شود. یعنی بنزین را حدود ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می‌خریم، بعد ۱۵۰۰ تومان می‌فروشیم. خوب تا کجا می‌توانیم این کار را بکنیم؟»

او در مورد قیمت بنزین در جلسه دفاع از لایحه بودجه ۱۴۰۴، گفته بود: «امروز هزینه تمام شده بنزین بدون لحاظ قیمت نفت که شامل هزینه پالایش، هزینه حمل فرآورده و هزینه جایگاه دارد؛ حدود ۸۰۰۰ تومان است. امسال حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان و در صورت ادامه وضع موجود در سال آینده باید ۱۳۰ هزار میلیارد تومان واردات بنزین انجام شود و هر لیتر بنزین وارداتی بین ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان هزینه دارد.»

پزشکيان در اظهارنظر دیگری گفته بود که «هیچ منطقی وجود ندارد که ما بنزین را به قیمت دلار آزاد بخریم و به قیمت سوبسید دار بفروشیم.»

در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری نیز علی‌ابوالفضل‌زاده رئیس ستاد انتخاباتی مسعود پزشکيان در یک کنفرانس خبری در خبرگزاری «ایرنا» با اشاره به ارقام ۲۵ و ۵۰ هزار تومان برای هر لیتر بنزین، گفته بود «هر قیمتی که برای بنزین کارشناسی شود، خواهید دید که آنچنان با آرامش و همکاری مردم جا می‌افتد!»

ناصر عاشوری دبیر کل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پالایش هفته گذشته اعلام کرد که قیمت هر لیتر بنزین وارداتی ۳۸ هزار تومان است.

دبیر کل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پالایش افزوده بود که «متوسط مصرف روزانه بنزین در کشور به ۱۱۲ میلیون لیتر رسیده، در حالی که تولید بنزین بین ۹۸ تا ۱۰۴ میلیون لیتر است و بین ۸ تا ۱۴ میلیون لیتر بنزین کم می‌آوریم.»

جدا از آنکه جمهوری اسلامی نتوانسته توسعه

این بدان معناست که بهای تمام‌شده هر لیتر بنزین در این پالایشگاه در محدوده ۱۰ هزار و ۸۶ تومان قرار دارد. مطابق صورت مالی منتشر شده پالایشگاه شیراز منتهی به سال مالی ۱۴۰۱، مقدار ۳۶۵ هزار مترمکعب بنزین با مبلغ ۶۰۴ همت به فروش رسیده است. این بدان معناست که بهای تمام‌شده هر لیتر بنزین در این پالایشگاه، ۱۷ هزار و ۷۹۱ تومان بوده است.

همچنین بهای تمام‌شده تولید هر لیتر بنزین تولیدی در پالایشگاه تهران بر اساس صورت مالی منتشرشده منتهی به سال مالی ۱۴۰۱، ۱۴ هزار و ۶۲۱ تومان و بر اساس صورت مالی منتهی به سال مالی ۱۴۰۲، هزینه هر لیتر تولید بنزین در پالایشگاه اصفهان ۱۸ هزار تومان است.

این ارقام نشان از یارانه بالایی است که دولت برای بنزین مصرفی در نظر گرفته است. قیمت هر لیتر بنزین بین ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان برای مصرف‌کننده در نظر گرفته شده است. حذف یارانه بنزین از جمله اقداماتی است که در سالهای گذشته در دستور کار دولت‌های جمهوری اسلامی قرار داشته اما به علت وابستگی شدید قیمت تمامی کالاها و خدمات در کشور به قیمت بنزین، با افزایش قیمت این محصول موجی از گرانی در بین همه کالاها و خدمات ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی بخش زیادی از جمعیت کشور که درآمدهایی کمتر از هزینه سبد معیشت داشته و زیر خط فقر قرار دارند، تحمل این افزایش قیمت‌ها را ندارند.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تجربه اعتراضات سراسری ۹۸ که در پی افزایش قیمت ناگهانی و شبانه بنزین رخ داد را تکرار نکند اما به نظر می‌رسد افزایش قیمت بنزین نیز راهکاری جدی در دستور کار دولت است.

زمزمه افزایش قیمت بنزین از زمان انتخابات ریاست جمهوری مطرح شد و در ماه‌های گذشته با اظهارنظرهای مقامات دولتی تقویت شده است. افزایش قطعی قیمت بنزین اما همچنان با تأیید و تکذیب‌هایی از سوی مقامات دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو است.



گزارش‌ها درباره اختلال در سیستم خودپردازها و احتمال هک «بلو بانک»



اواخر شهریورماه ۱۴۰۳ گزارش شد که شبکه اطلاعات ۲۰ بانک داخلی هک شده است

نریمان غریب پژوهشگر پژوهشگر اینترنت و فناوری در واکنش به این رویدادها در «ایکس» نوشت «در چند روز اخیر اتفاقات عجیبی در حال رخ دادن است؛ از قبیل قطع برق، اختلال در GPS، اختلال در سیستم فیلترینگ، از کار افتادن سیستم پرداخت بانک ملت و سایر بانک‌ها، و همچنین مشکلات پرداخت با کارت بانکی در جایگاه‌های پمپ بنزین. آیا این اتفاقات بخشی از یک رزمایش است که ما هنوز از آن بی‌خبر هستیم؟»

همچنین مهدی کریمی صبا خبرنگار انرژی صداوسیما جمهوری اسلامی نیز گزارش داد «اختلال در شبکه پرداخت بانک ملت باعث شد سوخت‌رسانی جایگاه‌ها به مشکل بخورد.» منابع خارجی از جمله وبسایت «پولیتیکو» اوایل سپتامبر (اواسط شهریورماه) گزارش دادند در یک حمله سایبری توسط گروهی به نام «IRLeaks» سیستم بانکی ایران هک شد و جمهوری اسلامی را مجبور کرد با یک باج چند میلیون دلاری توسط شرکتی که هک شده بود موافقت کند.

درباره حمله سایبری گروه IRLeaks به شبکه اطلاعاتی بانک‌های ایران، پایگاه خبری «پولیتیکو» چهارم سپتامبر (۱۴ شهریورماه)، گزارش داد هرکرا ابتدا تهدید کرده بودند که داده‌های جمع‌آوری شده را که شامل اطلاعات حساب مشتریان و کارت اعتباری میلیون‌ها ایرانی می‌شود، در «دارک وب» خواهند فروخت، مگر اینکه ۱۰ میلیون دلار ارزش دیجیتال دریافت کنند، اما بعداً به مبلغ کمتری رضایت دادند. مبلغی که «پولیتیکو» آن را سه میلیون دلار اعلام کرده که از سوی شرکت «توسن» در ایران که مسئولیت امنیت این داده‌ها را بر عهده دارد پرداخته شد.

مدت‌هاست با گسترش درگیری‌ها میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، حملات سایبری و خرابکاری‌های صنعتی در ایران افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته که از جمله می‌توان به اختلال در سیستم فروش بلیت مترو (فروردین ۱۴۰۳)، حمله سایبری به سیستم توزیع سوخت (آذر ۱۴۰۲)، سیستم حمل و نقل راه‌آهن (فروردین ۱۴۰۳) و همچنین حمله سایبری به شرکت ارتباطات زیرساخت و سازمان بنادر اشاره کرد.

● بر اساس گزارش‌های دریافتی از ایران، از شنبه شب ۱۹ آبان‌ماه سیستم پرداخت «عابربانک‌ها» (خودپرداز) و همچنین سیستم «بلو بانک» با اختلال مواجه شده است.

● به گزارش «دیجیاتو»، یک گروه هکری مدعی شد که بلو بانک را هک کرده و برای اثبات ادعای خود، به شکل نمونه داده‌های منتسب به ۲۵ هزار نفر را منتشر کرد اما تیم امنیت بلو بانک مدعی شد که «اطلاعات مشتریان و حساب‌های بلو در امنیت کامل قرار دارند و هک نشده‌اند».

● مهدی کریمی صبا خبرنگار انرژی صداوسیما جمهوری اسلامی نیز گزارش داد «اختلال در شبکه پرداخت بانک ملت باعث شد سوخت‌رسانی جایگاه‌ها به مشکل بخورد».

بر اساس گزارش‌های دریافتی از ایران، از شنبه شب ۱۹ آبان‌ماه سیستم پرداخت «عابربانک‌ها» (خودپرداز) و همچنین سیستم «بلو بانک» با اختلال مواجه شده است.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند بلو بانک هک شده است اما این خبر طی یک اطلاعیه تکذیب شد.

به گزارش «دیجیاتو» یک گروه هکری مدعی شد که بلو بانک را هک کرده و برای اثبات ادعای خود، به شکل نمونه داده‌های منتسب به ۲۵ هزار نفر را منتشر کرد اما تیم امنیت بلو بانک مدعی شد که «اطلاعات مشتریان و حساب‌های بلو در امنیت کامل قرار دارند و هک نشده‌اند».

در اطلاعیه بلو بانک آمده «امنیت حساب‌های بلو بانک با به‌روزرسانی ابزارها و تکنولوژی‌ها تأمین می‌شود و هیچ اتفاقی برای هیچ‌کدام از حساب‌های کاربران بلو نیفتاده است.»

همچنین تأکید شده «باج دادن به هرکراهی که با شیوه‌هایی از این دست به شکل مستمر، در فضای مجازی حضور دارند، در دستگاه اخلاقی بلو بانک جایی ندارد» و «از هر کسی یا هر مجموعه‌ای که بخواهد به شکل حرفه‌ای و اخلاقی باگی را گزارش دهد، استقبال و قدردانی می‌کنیم.»

خبر اختلال در شبکه بانکی ایران، همزمان با رویدادهایی از جمله اختلال در GPS و اختلال در سیستم پرداخت پمپ بنزین‌ها منتشر شده است.

صنعت نفت و پالایشگاهی را حتی متناسب با نیاز داخلی پیش برد و کمبود بنزین نیز ناشی از عدم توسعه این صنعت است اما در آنسو، کسری بودجه یکی از عوامل محرک دولت برای افزایش قیمت بنزین به شمار می‌رود.

مژگان خانلو، سخنگوی ستاد بودجه سازمان برنامه و بودجه گفته ناترازی انرژی موضوع جدی است و نیازمند تصمیم‌گیری با بررسی تمامی ابعاد است؛ تصمیم‌گیری که اعم از سیاست‌های قیمتی، غیرقیمتی، افزایش بهره‌وری، واردات خودرو، توسعه حمل‌ونقل عمومی و افزایش ظرفیت تولید باشد.

مژگان خانلو گفته «در لایحه بودجه ۱۴۰۴ هیچ افزایش نرخ بنزین لحاظ نشده است» و مدعی شده «سیاست دولت، کنترل و کاهش مصرف از طریق سیاست‌های غیرقیمتی است.»

محمد بهرامی نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی هم در ادعایی مشابه گفته که در لایحه بودجه ۱۴۰۴ پیشنهادی دولت، افزایش قیمت بنزین پیش‌بینی نشده است و بنزین سال آینده با همین نرخ فعلی عرضه خواهد شد.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «امروزه بحث گران شدن قیمت بنزین به یک دغدغه برای مردم تبدیل شده و اطمینان خاطر می‌دهم که در بودجه سال آینده خبری از گران شدن بنزین نیست و البته امیدوارم در زمینه اصلاح الگوی مصرف سوخت فرهنگ سازی لازم انجام شود تا بخشی از ناترازی را بتوانیم جبران کنیم.»

در آنسو اما برخی دیگر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی افزایش قیمت بنزین را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هشتم آبان‌ماه در مخالفت با لایحه بودجه ۱۴۰۴ گفته بود در لایحه بودجه سال آینده افزایش قیمت بنزین تا ۴۰ درصد آمده است چرا که بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان برای آن منابع پیش‌بینی شده است.

حسین صمصامی همچنین تأکید کرده بود دولت در لایحه بودجه سال آینده قیمت کالاهای اساسی را افزایش داده که این موجب کوچک شدن سفره مردم خواهد شد.

پیش از این مهرداد لاهوتی نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «هی‌خواهیم دروغ بگوییم و بلوف بزنیم» گفته بود «بنزین به احتمال زیاد در سال آینده با افزایش قیمت روبرو می‌شود.»

او گفته بود «موضوع کاملاً روشن است، امسال برای واردات بنزین ۹۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود اما برای سال آینده واردات بنزین ۶۵ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. معنای این تغییر اعداد، شفاف و روشن است که دولت به احتمال زیاد می‌خواهد نرخ بنزین را در سال آینده افزایش دهد.»

نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بود «می‌دانیم که امکان صرفه‌جویی بنزین وجود ندارد و خودروهای موجود در کشورمان هم تغییری نکرده‌اند که با کیفیت خودروها، مصرف بنزین کاهش پیدا کند. تغییری هم در مصرف بنزین و وضعیت حمل و نقل عمومی ایجاد نمی‌شود و انتظار صرفه‌جویی و کاهش مصرف نباید داشته باشیم، بنابراین راه دوم افزایش قیمت بنزین است.»

مهرداد لاهوتی همچنین گفته بود «در جلسه اخیر کمیسیون تلفیق آقای پاک‌نژاد وزیر نفت، شفاف و روشن به نمایندگان مجلس اعلام کرد که گزینه‌هایی برای نحوه افزایش قیمت بنزین در جلسه سرا قوا مطرح کردیم.»

رفع فیلترینگ؛ ابزار کسب پایگاه اجتماعی برای دولت پزشکیان؟

اجتماعی ایکس با وجود فیلتر آن از سوی حکومت حمایت کرده و گفته «عموم مردم اجازه ندارند در منطقه جنگی حضور پیدا کنند، مگر کسانی که آموزش دیده باشند. وگرنه طرف یا خودش لطمه می‌بیند یا به بقیه ضربه می‌زند. اما عده‌ای که وظیفه دفاع دارند، باید حضور پیدا کنند.»

همه این اظهارنظرها در حالی مطرح می‌شود که تصمیم‌گیری برای رفع فیلتر در اختیار دولت نیست و سران نظام درباره آن تصمیم‌گیری می‌کنند.

با اینهمه علیرضا عبداللہی نژاد رئیس مرکز روابط عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، در نشست ویژه کارزارهای رفع فیلترینگ اعلام کرده که «موضوع رسمی وزارت ارتباطات این است که محدودیت‌های فیلترینگ باید برداشته شود و گشایش اتفاق بیفتد.»

رئیس مرکز روابط عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات افزوده که «ما در لایه‌های فنی گزارش‌های دقیقی تهیه کرده‌ایم و در اختیار دولت قرار داده‌ایم. از اینجا به بعد، در دست رئیس‌جمهور است و ایشان موضوع را به جد دنبال می‌کند.»

علیرضا عبداللہی نژاد با اشاره به آسیب‌هایی که فیلترینگ به کشور زده است، گفته که «ادامه این وضعیت به مصلحت نیست و امیدواریم که هرچه زودتر خبرهای خوبی درباره رفع فیلترینگ بشنویم.»

به نظر می‌رسد در حالیکه مقامات دولت پزشکیان رفع فیلتر را یکی از ابزارهای مهم برای کسب پایگاه اجتماعی در نظر دارند، برخی از منتقدان دولت در حکومت این موضوع را ابزار گروکشی کرده‌اند.

رضا تقی پور عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی شروطی را برای پایان دادن به فیلترینگ مطرح کرده است. او گفته «تمامی کشورها در این حوزه قانون و چارچوب دارند و در مسیر حکمرانی قانونمند در فضای مجازی هستند و صرفاً این حق برای کشور ما به دلایل بسیار سخیف همچون تحریم نقض شده است بنابراین اگر بخواهیم امنیت روانی جامعه در این فضا حفظ شود باید در این مسیر حرکت کنیم.»

رضا تقی‌پور افزوده که «آقای رئیس‌جمهور بارها اعلام کردند که به کار کارشناسی اعتقاد دارند بر همین اساس به عنوان یک کارشناس معتقدم اگر دولت می‌تواند محتوای ضد اخلاقی که در داخل این سکوها منتشر می‌شود، حذف یا مسدود کند و راه حل فنی برای این کار دارد، بیاید ارائه بدهد و فیلترینگ را بردارد.»

عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی همچنین گفته «مصوبات شورای عالی فضای مجازی به خصوص مصوبه ساماندهی پیام‌رسان‌ها که برای ۱۳ خرداد سال ۱۳۹۶ است، کامل و جامع اجرا شود، اصلاً نیاز به فیلترینگ نداشته و نداریم. مسئولین امر باید بیایند پاسخ بدهند چرا این مصوبه بسیار مهم چرا تاکنون بر زمین مانده و اجرا نشده است!»

اینهمه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی به جمع‌بندی درباره شکست فیلترینگ رسیده و مردم هم در آسوی از سدهای فیلتر عبور کرده و پیوند خود با جهان از طریق شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها حفظ می‌کنند. در چنین شرایطی رفع فیلتر نیز تصمیمی مربوط به کل حکومت و رهبری آن است و نه یک جناح و دولت مسعود پزشکیان؛ حتی اگر دولت چهاردهم آن را، اگر که به فرض عملی شود، به عنوان مہرہ درخشان در کارنامه خود قلمداد کند.



پزشکیان و شمار دیگری از مقامات حکومتی «فیلترینگ» را بهانه‌ای برای متفاوت نشان دادن خود از دیگر بخش‌های حکومت هستند.

در همین رابطه حجت‌الاسلام یاسر خلیلی مدیرکل حقوقی ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیز به شکست فیلترینگ اعتراف کرده و گفته «فیلترینگ عامل سلبی در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی است که اتفاقاً به دلیل وجود بازار فیلترشکن‌ها که اسباب خروج ارز را فراهم می‌کند، عملاً نتیجه‌ای جز هزینه برای مردم نداشته و ندارد.»

او معتقد است که در کنار قوانین بازدارنده در رابطه با شیوه حضور و رفتار شهروندان در شبکه‌های اجتماعی، حکومت باید فرهنگ‌سازی نیز انجام دهد: «درکنار این قوانین بازدارنده نباید از آموزش غافل شد. آموزش خانواده‌ها و فرزندان در بسته‌های مختلف در دسترس که نتیجه آن می‌تواند به استفاده صحیح از این فضا منجر شود.»

مدیرکل حقوقی ستاد امر به معروف و نهی از منکر ادعا کرده که تمام جوامع پیشرفته قوانین بازدارنده و دقیق در استفاده از فضای مجازی، حقوق فضای مجازی، حریم خصوصی، نشرآزاد اطلاعات، در کشورهای متبوع خود وضع کرده‌اند.

مهرداد لاهوتی نایب رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی نیز گفته «می‌گویند فیلتر واتساپ، اینستاگرام و تلگرام برای برقراری امنیت مردم لازم بوده و ما هم این را حرف حساب می‌دانیم و همه باید به این تصمیم احترام بگذاریم. اما موضوع این است که تقریباً همه در حال استفاده از این شبکه‌های اجتماعی و مجازی هستند با این تفاوت که تمام مسئولان کشور و نمایندگان مجلس به طور کامل رایگان از این شبکه‌ها و فضای مجازی استفاده می‌کنند اما مردم باید بهای آن را بپردازند و فیلترینگ فقط برای مردم پولی شد.»

برخی دیگر از نمایندگان موافق فیلترینگ البته «خودی و ناخودی بودن اینترنت» را تأیید و حتی از آن دفاع کرده‌اند. حمید رسایی نماینده مجلس شورای اسلامی و از مدافعان فیلترینگ، در گفتگو با صداسیما از حضور خود در شبکه

● مجید انصاری معاون حقوقی مسعود پزشکیان روز گذشته اعلام کرد فروشندگان فیلترشکن‌ها به دلیل درآمد هنگفت با تمام توان جلوی رفع آن ایستاده‌اند، و این موضوع نادیده گرفت حقوق مردم است.

● مدیرکل حقوقی ستاد امر به معروف و نهی از منکر: فیلترینگ عامل سلبی در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی است که اتفاقاً به دلیل وجود بازار فیلترشکن‌ها که اسباب خروج ارز را فراهم می‌کند، عملاً نتیجه‌ای جز هزینه برای مردم نداشته و ندارد.

● جمهوری اسلامی به جمع‌بندی درباره شکست فیلترینگ رسیده و رفع فیلتر نیز تصمیمی مربوط به کل حکومت و رهبری آن و نه یک جناح و دولت مسعود پزشکیان است حتی اگر دولت چهاردهم آن را، اگر که به فرض عملی شود، به عنوان مہرہ درخشان در کارنامه خود قلمداد کند!

در شرایطی که حتی گزارش‌ها و آمارهای حکومتی از شکست فیلترینگ اینترنت در ایران حکایت دارند اما همچنان گروهی در حکومت با رفع فیلترینگ مخالفت می‌کنند. مقامات دولت پزشکیان می‌گویند مخالفان رفع فیلتر از مافیاهای فروش فیلترینگ هستند که سالانه سود کلانی به جیب می‌زنند.

رفع فیلتر اینترنت از جمله وعده‌های مسعود پزشکیان در زمان تبلیغات انتخابات بود؛ وعده‌ای که بعدها نیز برخی مقامات دولت از جمله عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد از ضرورت عملی شدن آن گفتند.

مقامات دولت پزشکیان مدعی هستند ساز و کار رفع فیلتر را در دستور کار دارند اما در آسوی همچنان برخی جریان‌ها و مقامات حکومت با این اقدام مخالف هستند. مخالفان رفع فیلتر حتی اوایل آبان امسال تجمعی را در تهران مقابل مرکز ملی فضای مجازی برگزار کردند.

معتزمان بزهایی در دست داشتند که روی آنها شعارها و جملاتی از جمله «وزیر ارتباطات حیا کن، طرح رفع فیلتر رو رها کن» و «در هیچ کشوری مانند ایران به سکویای دشمن اینقدر آزادی عمل نمی‌دهند» نوشته شده بود.

مجید انصاری معاون حقوقی مسعود پزشکیان روز گذشته اعلام کرد فروشندگان فیلترشکن‌ها به دلیل درآمد هنگفت با تمام توان جلوی رفع آن ایستاده‌اند.

مجید انصاری همچنین گفت «اینکه مردم زندگی خود را روی این پلتفرم‌ها شکل دهند و بعد ناگهان ما با فیلترینگ زندگی آنها را بهم بریزیم و آنها را به سراغ فیلترشکن فروش‌ها بفرستیم، نادیده گرفتن حقوق مردم است.»

او همچنین فیلترینگ را از جمله «برخوردهای جناحی و تنگ‌نظرانه» عنوان کرد که مردم را از اندیشه‌ها و توانمندی‌های بخشی از جامعه محروم کرده است.»

معاون حقوقی مسعود پزشکیان در بخش دیگری از سخنانش گفت «ما در حال حاضر در بعضی قاعده‌گذاری‌ها درباره موضوعاتی که جدیداً وارد زندگی مردم شده عقب هستیم؛ موضوع فیلترینگ فضای مجازی گواهی بر آماده نبودن کشور برای پذیرش این ابزار جدید ارتباط جمعی است.»

تشدید فیلترینگ در ایران با شروع اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ با تصمیم در رأس نظام آغاز شد. تصمیم در اینباره با دولت نبوده و رفع فیلتر نیز از حیطه اختیارات دولت خارج است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد دولتمردان

تیم اقتصادی دولت پزشکيان، بی عمل و دور از وعده‌های انتخاباتی!



که ارز حاصل از صادرات را بیاورند داخل و عرضه ارز زیاد و افزایش قیمت متوقف می‌شود این در حالیست که متغیر تاثیرگذار برای تشویق تجار به آوردن ارز، بیرونی‌ست نه داخلی یعنی حتی اگر قیمت ارز نیمایی هم افزایش یابد، تجار تا زمانیکه تنش در منطقه است و با توجه به پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا، ارز خود را به بازار داخل نمی‌آورند و در نتیجه این وسط فقط مردم ضرر می‌کنند.»

این اقتصاددان افزوده «گران شدن ارز ترجیحی، یک تورم شدید به اقتصاد کشور وارد می‌کند به خصوص در مورد کالاهایی که تا امروز مشمول واردات با ارز دولتی بودند؛ بنابراین احتمال گرانی کالاهای اساسی، دارو تجهیزات پزشکی، یک احتمال جدی‌ست؛ متأسفانه با این سیاست‌های ارزی سال آینده دوباره یک موج تورمی جدید خواهیم داشت.»

مرتضی افقه در بخش دیگری از سخنانش به افزایش قیمت حامل‌های انرژی اشاره کرده و گفته دولت به صورت چراغ خاموش در حال افزایش نرخ خدمات اساسی از جمله برق، مخابرات و اینترنت است و قیمت اینها را افزایش می‌دهد؛ البته حساسیت اجتماعی روی افزایش قیمت بنزین است که بازمهم با صحبت‌های رئیس‌جمهور -چه قبل از انتخابات و چه بعد از انتخابات- تصور می‌رود تلاش دارند در اولین فرصت قیمت بنزین را افزایش دهند هرچند گرانی بنزین را به صراحت در بودجه نیاورده‌اند اما به نظر می‌رسد تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین، جدی‌ست.

او تأکید کرده که «متأسفانه آثار و تبعات این گرانی‌ها فقط برای مردم عادی‌ست به خصوص کارگران و مزدبگیرانی که درآمد ثابت دارند.»

این استاد دانشگاه معتقد است این سیاست‌ها با وجود اثر ویرانگری که بر معیشت مردم دارد اما برخلاف تصور دولت، خیلی هم باعث جبران کسری بودجه نمی‌شود: «هر چند ممکن است به صورت مقطعی کسری بودجه را کم کند اما در بلندمدت چون به تورم دامن می‌زند و خود دولت یکی از خریداران بزرگ این خدمات است، تورم موجب می‌شود که هزینه‌های دولت بالا برود و لاجرم کسری بودجه تشدید می‌شود.»

کامران ندری معتقد است که در چند سال آینده چیزی از بخش بزرگی از جمعیت کشور که حقوق‌بگیر هستند باقی نمی‌ماند. این استاد دانشگاه توضیح می‌دهد که دولت هر سال حقوق کارمندان را کمتر از نرخ تورم افزایش می‌دهد که با این روند قدرت خرید مردم به‌طور پیاپی کاهش پیدا می‌کند و با تداوم این مسیر، بخش بزرگی از جمعیت زیرخط فقر قرار می‌گیرد.

او تأکید کرده این فشار به طبقه حقوق‌بگیر وارد می‌شود و درنهایت به‌جایی خواهیم رسید که شکاف به‌جان‌آمده بین فقیر و ثروتمند را نمی‌توان به‌راحتی اصلاح کرد.

به عقیده کامران ندری، شکی در این نیست که ما در مسیر نادرستی هستیم و اگر امسال هم دولت پزشکيان، سیاست دولت‌های قبلی را پیش بگیرد و بگوید به‌ناچار مجبور به افزایش حقوق کارمندان کمتر از نرخ تورم است، باید این چشم‌انداز را به مردم بدهد که در سال‌های آینده نرخ تورم را کاهش می‌دهد و میزان افزایش حقوق را بالا تعیین می‌کند در غیر این صورت جمعیت حقوق‌بگیر، به مرور زمان از دست می‌روند.

او همچنین درباره رویکرد کلی دولت پزشکيان گفته دولت باید اولویت خود را بر حذف تحریم‌ها و نه دور زدن آن‌ها قرار دهد. سیاست دور زدن تحریم‌ها، یعنی در واقع جولان دادن و میدان دادن به کسانی که می‌خواهند از شرایط موجود سوءاستفاده کنند و از آب گل‌آلود، ماهی بگیرند. دور زدن تحریم‌ها، جز فساد، دستاورد دیگری برای اقتصاد ندارد.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز نیز در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» درباره سیاست‌های ارزی تیم اقتصادی دولت پزشکيان گفته «سیاست غلطی که دولت آقای پزشکيان - البته از روی ناچاری و کمبود بودجه- در پیش گرفته، تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیار دارد. آقای همتی روی افزایش نرخ ارز نیمایی و تک‌نرخ کردن ارز تمرکز کرده و تک‌نرخ کردن ارز در واقع اسم رمز گران کردن آن است.»

مرتضی افقه افزوده «آقایان تصورشان این است که اگر قیمت ارز نیمایی زیاد شود، تجار و بازرگانان تشویق می‌شوند

● مسعود پزشکيان و تیم همراه او در زمان انتخابات با نقدهای تند و جدی به عملکرد اقتصادی دولت سه ساله ابراهیم رئیسی، وعده‌های زیادی در رابطه با حل مشکلات اقتصادی از تولید تا معیشت داده بودند.

● در طول سه ماه و نیم گذشته وضعیت تورم و گرانی بدتر شده و امیدی به بهبود شرایط نیز در میان تجار، تولیدکنندگان و صنعتگران به چشم نمی‌خورد.

با وجود وعده‌های اقتصادی مسعود پزشکيان و تیم او درباره حل مشکلات اقتصادی کشور، با گذشت بیش از سه ماه از فعالیت رسمی دولت چهاردهم، تیم اقتصادی دولت عملکرد قابل توجه و اقدام موثری برای حل هیچیک از بحران‌های اقتصادی کشور نداشته است.

مسعود پزشکيان و تیم همراه او در زمان انتخابات با نقدهای تند و جدی به عملکرد اقتصادی دولت سه ساله ابراهیم رئیسی، وعده‌های زیادی در رابطه با حل مشکلات اقتصادی از تولید تا معیشت داده بودند.

با گذشت حدود سه ماه و نیم از فعالیت رسمی دولت، حتی مشخص نیست ساز و کار مورد نظر تیم اقتصادی پزشکيان چیست. وضعیت تورم و گرانی بدتر شده و امیدی به بهبود شرایط نیز در میان تجار، تولیدکنندگان و صنعتگران به چشم نمی‌خورد. تیم اقتصادی دولت حتی در چشم‌انداز بلندمدت نیز به دنبال عملی کردن وعده‌های رئیس‌جمهور نیستند. برای نمونه، رعایت قانون برابری حداقل حقوق و تورم از وعده‌های اصلی پزشکيان در زمان انتخابات بود. او گفته بود «این ظلم به کارمند و کارگر است که حداقل حقوق مطابق نرخ تورم افزایش نمی‌یابد.»

مسعود پزشکيان در دوران تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری با کنایه به عملکرد دولت رئیسی گفته بود رفتار تورم‌زای دولت را متوقف خواهد کرد در حالی که بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت او، با چراغ سبز علی‌خامنه‌ای رقم هنگفت ۳۵۰ هزار میلیارد تومان از صندوق توسعه ملی برداشته و به دولت چهاردهم داده شد!

لایحه بودجه ۱۴۰۴ نیز نشان می‌دهد دولت همچنان قرار است با دست‌برد به منابع صندوق توسعه ملی و جیب مردم، کسری بودجه خود را جبران کند.

مسعود پزشکيان همچنین گفته بود تا وقتی حقوق‌ها با تورم همسان نشود، «فاصله کارمندان و کارگران بیشتر می‌شود و تورم رو به افزایش. باید کار و روندی را پیش بگیریم تا حقوق با تورم همسان باشد. اعتراض بازنشستگان و کارمندان به دلیل رعایت نشدن قانون است. آن‌ها مطالبات قانونی را مطرح می‌کنند و تا زمانی که دولت لایحه بودجه را با کسری به مجلس می‌برد، قادر به جبران خسارتی که به کارگران و بازنشستگان می‌زند، نیست و با این وضعیت اعتراض هم وجود دارد.»

این در حالیست که تیم اقتصادی پزشکيان اکنون بودجه را با کسری به مجلس ارائه داده و حتی افزایش کارکنان و بازنشستگان دولت در این لایحه هیچ نسبتی با تورم موجود و البته تورم فزاینده سال آینده ندارد!

کامران ندری اقتصاددان و استاد دانشگاه نیز روز شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۳ در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» گفت که دولت هر سال حقوق کارمندان را کمتر از نرخ تورم افزایش می‌دهد که با این روند قدرت خرید مردم به‌طور پیاپی کاهش پیدا می‌کند و با تداوم این مسیر، بخش بزرگی از جمعیت زیرخط فقر قرار می‌گیرد.

خاموشی در سراسر ایران به دلیل کمبود برق؛ نارضایتی عمومی در راه است؟

● «راهکار» جمهوری اسلامی برای مدیریت کمبود گاز و برق، قطع گاز و برق در بخش خانگی، صنعتی و کشاورزی است؛ کارشناسان معتقدند این راهکار نیز تنها حکم تنفس مصنوعی دارد و نمی‌تواند کشور را از بحران کمبود گاز و برق عبور دهد.

● شهیر محمدنیا کارشناس انرژی: در عمل قطع مکرر برق می‌تواند منجر به افزایش نارضایتی‌های عمومی شود و تبعات امنیتی به خود بگیرد.

جمهوری اسلامی که با وعده «برق و گاز رایگان» توسط بنیانگذارش بر حاکمیت بلامنازع و انحصاری بر قدرت در ایران تکیه زد، نه تنها برق و گاز را هر سال گران و گران‌تر کرد بلکه اکنون پس از چهار دهه تباہکاری نه تنها کشور با کمبود شدید برق و گاز روبروست بلکه نهادهای مسئول برق و گاز گران را هم برای مردم قطع می‌کنند.

آغاز خاموشی‌های سراسری در کشور به دلیل کمبود برق، آنهم در فصل سرما که مصرف برق بطور معمول کاهش پیدا می‌کند، بیانگر عمق فاجعه‌ای است که از مدت‌ها پیش کارشناسان درباره آن هشدار می‌دادند. عدم سرمایه‌گذاری هدفمند و موثر در صنعت گاز و برق سبب کمبود شدید انرژی در کشور شده است.

«راهکار» جمهوری اسلامی برای مدیریت کمبود گاز، قطع گاز صنایع و برای مدیریت کمبود برق نیز قطع چند ساعته برق بخش خانگی در سراسر کشور است؛ کارشناسان معتقدند این راهکار نیز تنها حکم تنفس مصنوعی دارد و نمی‌تواند کشور را از بحران کمبود گاز و برق عبور دهد.

هفته گذشته وزارت نیرو اعلام کرد که از هفته جاری قطع منظم و از پیش اعلام شده برق طی ساعاتی در روز و در شهرهای مختلف کشور را به عنوان راهکار برای «مدیریت مصرف برق» به اجرا درخواهد آورد. این طرح از روز گذشته در شهرهای مختلف ایران اجرا شد و از امروز دوشنبه ۲۱ آبان‌ماه ۱۴۰۳ نیز پایتخت با دست‌کم دو ساعت خاموشی روبرو می‌شود. بر اساس اعلام شرکت توزیع نیروی برق تهران قطع برق بین ساعات ۹ صبح تا ۵ عصر و به مدت دو ساعت در محله‌های مختلف شهر صورت می‌گیرد. شرکت توزیع برق تهران جدول قطع برق برای مناطق مختلف پایتخت را نیز منتشر کرده است.

وزارت نیرو گزارش داده که از شهریور امسال فرآیند پر شدن ذخایر سوخت مایع نیروگاه‌ها متوقف شده و به مرور حجم این ذخایر به یک‌سوم رسیده است. همچنین تامین گاز نیروگاه‌های تولید برق طی دو هفته نخست آبان‌ماه ۳۰ درصد نسبت به پارسال کاهش یافته و ذخیره گازوئیل نیروگاه‌ها هم به کمتر از ۱۲۶۰ میلیون لیتر رسید.

اینهمه به معنای کاهش شدید تولید برق و قرار گرفتن شبکه برق ایران در شرایطی اضطراری و حتی فوق‌اضطراری است. این در حالیست که حتی در صورت تامین کافی گاز نیز، تولید برق در کشور برای روزهای پیک مصرف تابستان کافی نیست چرا که غالب نیروگاه‌ها فرسوده هستند و راندمان پایینی دارند و برنامه‌های توسعه‌ای صنعت برق نیز اجرایی نشده است؛ فرسودگی در شبکه توزیع نیز سبب هدر رفت برق در زمان انتقال می‌شود.

در حال حاضر دستکم در ۱۴ نیروگاه کشور از سوخت مازوت یا نفت کوره به جای گاز استفاده می‌شود که اثرات بسیار نامطلوبی بر محیط زیست و سلامت شهروندان دارد. هفته گذشته معاون رئیس‌جمهور و سخنگوی دولت



گاز در ماه‌های آینده استفاده کنیم» میزان کمبود برق در کشور نیازمند سرمایه‌گذاری قابل توجهی است که در شرایط کنونی به نظر نمی‌رسد دولت موفق شود این سرمایه را جذب کند. احمد مرادی رئیس کمیته برق کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفته که «کشور با کمبود ۲۰ هزار مگاوات برق مواجه است.» او افزوده که «در دولت قبلی، برنامه‌ریزی برای اضافه کردن ۳۰ هزار مگاوات برق به شبکه وجود داشت، اما تنها ۷ هزار مگاوات به ظرفیت تولید افزوده شد.»

مقامات دولتی به دلیل هراس از بروز اعتراضات سراسری در پی قطع گاز و برق شهروندان و صنایع در شهرهای مختلف، ادعاهایی درباره جذب سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر مطرح کرده‌اند.

مسعود پزشکیان روز گذشته در نشست «بررسی راهکارهای رفع ناترازی برق» گفته تعدادی از سرمایه‌گذاران در جلسه‌ای، برای ایجاد ظرفیت تولید ۳۰ هزار مگاوات برق خورشیدی و بادی اعلام آمادگی کرده و عنوان کردند که برای این منظور صرفاً مجوزها و تسهیلات محدودی از دولت می‌خواهند.

حمید پور محمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه افزایش ظرفیت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر و افزایش ظرفیت تولید پساب به عنوان دو راهکار اصلی برای جبران کمبود در حوزه تولید برق و آب ارزیابی کرده و گفته با اصلاح ساختار اقتصادی صنعت آب و برق می‌توان امکان توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و ظرفیت تولید پساب را فراهم کرد. او همچنین مدعی شده فراهم‌سازی امکان صادرات برق تجدیدپذیر در ایام غیرپیک، تخصیص زمین و تسهیلات به سرمایه‌گذاران در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، جذب سرمایه‌گذار خارجی و استفاده از ظرفیت شبکه انتقال برق و ایجاد امکان عرضه آزاد برق سبز در بورس از جمله اقداماتی است که دولت برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی در این حوزه اجرایی کرده است.

کمبود برق تنها بحران روزهای آینده و سرد در ایران نیست و کمبود گاز نیز بحران فزاینده دیگری به ویژه برای صنایع خواهد بود.

به صورت مشترک از شروع «خاموشی منظم» خبر دادند و علت این مسئله را توقف مصرف مازوت در ۳ نیروگاه کشور مطرح کردند. اگرچه مقامات دولتی از توقف مازوت‌سوزی در سه نیروگاه اراک، اصفهان و کرج به دلیل وجود نیروگاه‌ها در جوار شهرها خبر دادند و از برنامه‌هایی برای توقف مازوت‌سوزی در کل نیروگاه‌ها گفتند اما کارشناسان معتقدند بستریهای توقف مازوت‌سوزی برای آینده نزدیک فراهم نیست.

در همین رابطه شهیر محمدنیا کارشناس انرژی گفته که مازوت‌سوزی، اگرچه یکی از گزینه‌های تولید برق در ایران است و بصورت سنتی در پیک های مصرفی گاز از این روش برای پوشش ناترازی استفاده شده است، اما به دلیل آلودگی شدید زیست‌محیطی با انتقادات زیادی روبرو است. حذف کامل مازوت‌سوزی به شرایط مطلوبی از نظر تامین گاز و برق نیاز دارد، اما با توجه به وضعیت ناترازی گاز، این امر در کوتاه‌مدت دشوار به نظر می‌رسد.

این کارشناس انرژی همچنین گفته دولت برای جلوگیری از نارضایتی مردم در پی کمبود برق ناچار است روند مازوت‌سوزی را ادامه دهد «اگرچه دولت در تلاش است تا میزان مازوت‌سوزی را کاهش دهد، اما در صورت عدم تامین سوخت جایگزین، احتمالاً ناچار به بازگشت به این روش در فصول سرد خواهد بود. چون ظاهر مساله آسان به نظر می‌رسد و در عمل قطع مکرر برق می‌تواند منجر به افزایش نارضایتی‌های عمومی شود و تبعات امنیتی به خود بگیرد؛ عیناً مانند موضعی که در مورد بنزین با آن روبرو هستیم.» رضا سپه‌وند عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز ناچار بودن دولت به مازوت‌سوزی را تأیید کرده و گفته «اگر مازوت‌سوزی انجام نشود منابع دیگری نداریم و تنها راه، قطع برق و گاز خانگی و صنعتی است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «تجربه قطع برق صنعتی را در تابستان داشتیم که بخش صنعت و کشاورزی ضربه خورد و قطعی‌های مکرر مشکلات زیادی هم برای بخش خانگی ایجاد کرد، حالا اگر مازوت‌سوزی انجام نشود، ما منبع دیگری نداریم که بخواهیم برای تامین

قطع برق از فردا؛ کمبود گاز هم جدی است



تأمین برق بهینه در کشور و جلوگیری از استفاده از مازوت به عنوان سوخت نیروگاهها است که همزمان با تلاشهای دولت برای کاهش آلودگیهای زیست محیطی صورت میگیرد.

طی روزهای گذشته خبر آغاز مازوت سوزی در نیروگاههای تولید برق از جمله نیروگاه شازند اراک منتشر شده بود. فاطمه مهاجری سخنگوی دولت سه روز پیش در شبکه «ایکس» نوشت: «شرط عدالت نیست برای تولید برق، بخشی از جامعه با جان خود هزینه آن را پرداخت کند. از همین رو به دستور رئیس جمهور مازوت سوزی در سه نیروگاه اراک، کرج و اصفهان که شرایط ویژه ای دارند، متوقف می شود. می توان برای مدت محدودی، «خاموشی منظم» را جایگزین «تولید سم» برای عموم شهروندان کرد.» این در حالیست که با وجود آغاز قطع برق از فردا، مازوت سوزی نیز همچنان ادامه خواهد داشت. بر اساس اعلام دولت ۱۴ نیروگاه بخاری توانایی استفاده از مازوت را دارند.

این روند سبب توضیحاتی از سوی شینا انصاری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست شده است. او گفته موضوع اصلاً اولویت داشتن سلامت مردم برخی شهرها و بی اهمیت بودن برخی دیگر نیست. این تصمیم براساس میزان مصرف مازوت در این نیروگاهها و نقش آنها در آلودگی هوا گرفته شده است.

از سوی دیگر دولت از گران شدن قیمت برق هم خبر داده است. عباس علی آبادی وزیر نیرو گفته بر اساس قانون «مانع زدایی از صنعت برق»، دولت موظف است دیگر نقشی در تأمین ریالی برق نداشته باشد و مردم باید برق مورد نیاز خود را خریداری کنند؛ به خصوص پرمصرفها که مصطفی رحبئی مشهدی مدیرعامل شرکت توانیر نیز با اعلام جزئیاتی از افزایش قیمت برق گفته «مطابق ماده ۶ قانون مانع زدایی از توسعه صنعت برق مصوبه سال ۱۴۰۱ مجلس شورای اسلامی، مصارف مازاد بر الگو در تعرفه مشترکان خانگی بر اساس روش پلکانی- افزایشی

● بر اساس اعلام وزارت نیرو از فردا یکشنبه ۲۰ آبان ماه قطع برق از ساعت ۹ صبح تا ۱۷ عصر به صورت منظم و برنامه ریزی شده انجام خواهد شد تا به مدیریت مصرف برق کمک کند.

● با وجود آغاز قطع برق از فردا، مازوت سوزی نیز همچنان ادامه خواهد داشت. بر اساس اعلام دولت ۱۴ نیروگاه بخاری توانایی استفاده از مازوت را دارند.

● کارشناسان پیشتر گزارش داده بودند که کمبود انرژی به دلیل سالها بی توجهی جمهوری اسلامی به سرمایه گذاری در این بخش، به مرز بحران رسیده و دیگر قطع برق و گاز به صورت فصلی نخواهد بود و این مشکل تمام سال وجود دارد.

● صندوق توسعه ملی نیز چند ماه پیش در گزارشی به کمبود گاز پرداخت و پیش بینی کرد ایران از سال ۱۴۲۰ ایران نمی تواند دوسوم نیاز گازی خود را تأمین کند.

کمبود برق و گاز امسال بیش از سالهای گذشته نمایان شده و گاز صنایع جیره بندی و مازوت سوزی در نیروگاهها آغاز شده است. همچنین مانند فصل گرما، از فردا در پاییز و زمستان نیز قطع برق بخش خانگی در دستور کار قرار گرفته است.

نیروگاههای تولید برق با کمبود شدید گاز روبرو هستند و به همین دلیل برخی نیروگاهها مازوت سوزی را آغاز کرده اند. با اینهمه کمبود برق به حدی برجسته است که قطع برق از فردا بطور رسمی و با ارائه برنامه از سوی وزارت نیرو در سراسر کشور انجام شود.

بر اساس اعلام وزارت نیرو از فردا یکشنبه ۲۰ آبان ماه قطع برق از ساعت ۹ صبح تا ۱۷ عصر به صورت منظم و برنامه ریزی شده انجام خواهد شد تا به مدیریت مصرف برق کمک کند.

خبرگزاری «ایسنا» با اعلام خبر آغاز خاموشیها از فردا نوشته تا کنون برای اعمال محدودیت برای صنایع تصمیم گیری نشده است.

مسئولان دولتی مدعی هستند که این اقدام در راستای

حسین سلاحورزی رئیس سابق اتاق بازرگانی در یادداشتی در روزنامه «هم میهن» نوشته «ناترازی گاز در ایران، که پیش بینی می شود در زمستان امسال به بیش از ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز برسد، به بحرانی تمام عیار در حوزه اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. با وجود هشدارهای کارشناسان و تجارب سالهای گذشته، هنوز نشانه ای از برنامه های کارآمد و فوری از سوی دولت برای مهار این ناترازی و جلوگیری از پیامدهای گسترده آن دیده نمی شود.»

حسین سلاحورزی تأکید کرده که «به نظر می رسد که کاهش سرمایه گذاری در زیرساخت های انرژی، فرسودگی شبکه های تولید و توزیع و عدم بهینه سازی مصرف، همگی به این بحران دامن زده و تبعاتی فراتر از بخش های تولیدی، معیشت مردم و حوزه خدمات بر جا خواهند گذاشت. اثرات این ناترازی در زمستان پیش رو نه تنها بر تولید ملی و تراز تجاری، بلکه بر بازار سرمایه و اعتماد عمومی نیز به شدت تأثیرگذار خواهد بود.»

او افزوده که «ناترازی گاز، به ویژه بر صنایع بزرگ انرژی بر نظیر فولاد، پتروشیمی و سیمان، که اصلی ترین مصرف کنندگان گاز در کشور هستند، آسیب های جدی وارد می کند. این صنایع سهم بزرگی در تولید و صادرات غیرنفتی دارند و کاهش یا قطع گاز، تولیدات آنها را مختل کرده و بازارهای صادراتی ایران را با خطر از دست رفتن مواجه می کند. کاهش ظرفیت یا توقف تولید در این صنایع، به معنای کاهش درآمدهای ارزی و وابستگی بیشتر به واردات است؛ پدیده ای که موجب کاهش تراز تجاری و فشار بیشتر بر منابع ارزی خواهد شد.»

محمدرضا مدیری مدیرعامل پتروشیمی زنجان نیز هشدار داده ایران با یک تصویر آخرازمانی از بحران انرژی روبرو است. محمدرضا مدیری در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» گفته کشور از سال ۱۴۰۶ به بعد دچار افت تولید گاز خواهد شد و تأکید کرده که ۳۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری لازم است تا برای اصلاح وضعیت انرژی فقط «زمان» بخریم!

محمدرضا مدیری گفته که ایران پس از گاز، در زمینه نفت هم با وجود منابع غنی، به واردکننده تبدیل خواهد شد. او توضیح داده که اگرچه در بخش فروش نفت کشور دچار تحریم است اما در بخش تولید خیلی تحت فشار تحریم نیست؛ «به معنی اینکه ما تقریباً حداکثر توان تولیدی کشور را تولید می کنیم. هر قدر هم که نفت و فرآورده مازاد داریم، می فروشیم. من کلمات را با هم خلط می کنم و به مخاطبان محترم این دقت را می دهم که فقط برای ساده سازی است. به این مفهوم که ما در حال حاضر نفتی نداریم که کسی از ما بخرد.»

این فعال صنفی گفته «فارغ از آثار قیمتی، سهولت و هزینه هایی که تخمین زده می شود نزدیک به ۲۰ درصد تأثیر دارد، آن را اگر کنار بگذاریم و فقط به حجم نگاه کنیم، همین امروز هم تحریمها را برداریم ما بیش از این مقداری که اکنون نفت می فروشیم، نمی توانیم جمع نفت و فرآورده بفروشیم!»

او همچنین گفته گازوئیل هم به تدریج در سبد واردات کشور قرار می گیرد و با تأکید بر اینکه بخشی از فرآورده های نفتی هم به واردات افزوده شده گفته بخشی از فرآورده ها را هم وارد می کنیم؛ همان بنزینی که شما به آن اشاره کردید و واردات گازوئیل هم به تدریج روی میز آمده و همینطور رشد خواهد کرد؛ یعنی ما بنزین و گازوئیل را به تدریج در سبد واردات خود خواهیم دید.

صندوق توسعه ملی نیز چند ماه پیش در گزارشی به کمبود گاز پرداخت و پیش بینی کرد ایران از سال ۱۴۲۰ ایران نمی تواند دوسوم نیاز گازی خود را تأمین کند.

تعیین می‌شود». وی تاکید کرد: «قیمت برق مشترکان پرمصرف پلکانی افزایش می‌یابد».

کارشناسان پیشتر گزارش داده بودند که کمبود انرژی به دلیل سال‌ها بی‌توجهی جمهوری اسلامی به سرمایه‌گذاری در این بخش، به مرز بحران رسیده و دیگر قطع برق و گاز به صورت فصلی نخواهد بود و این مشکل تمام سال وجود دارد.

اکنون دولت در اقدامی بی‌سابقه در فصل پاییز و زمستان قرار است مانند تابستان برق بخش خانگی را جیره‌بندی و قطع برق را در دستور کار قرار داده، و همزمان مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها را هم ادامه می‌دهد. مقامات دولتی برای جلوگیری از اعتراض افکار عمومی مدعی هستند در حال توسعه بخش انرژی تجدیدپذیر هم هستند!

حمید پور محمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه افزایش ظرفیت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر و افزایش ظرفیت تولید پساب به عنوان دو راهکار اصلی برای جبران کمبود در حوزه تولید برق و آب ارزیابی کرده و گفته با اصلاح ساختار اقتصادی صنعت آب و برق می‌توان امکان توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و ظرفیت تولید پساب را فراهم کرد.

او همچنین مدعی شده فراهم‌سازی امکان صادرات برق تجدیدپذیر در ایام غیرپیک، تخصیص زمین و تسهیلات به سرمایه‌گذاران در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، جذب سرمایه‌گذار خارجی و استفاده از ظرفیت شبکه انتقال برق و ایجاد امکان عرضه آزاد برق سبز در بورس از جمله اقداماتی است که دولت برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی در این حوزه اجرایی کرده است.

اینهمه در حالیست که حتی اگر بر اساس ادعای رئیس سازمان و برنامه و بودجه، چنین طرح‌هایی واقعا اجرایی شوند، رسیدن به بهره‌برداری در آنها زمان‌بر خواهد بود و در شرایطی که کمبود برق در ایران دائمی شده به نظر می‌رسد یک دوره سخت برای مردم و بخش صنعت در پیش باشد. به ویژه آنکه کمبود گاز نیز همچنان بحرانی عمیق در کنار کمبود برق است.

سعید تاجیک رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران به تازگی نسبت به بحران انرژی در ایران هشدار داد و گفت این بحران امروز اقتصادی است ولی در آینده نه چندان دور تبدیل به بحران امنیتی می‌شود.

به گفته رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران باید همین امروز تلاش کنیم که تکنولوژی بیاوریم و کاهش مصرف و کاهش تولید کربن را کلید بزیم. در ضمن اگر می‌خواهیم از حمایت‌های بین‌المللی استفاده کنیم باید به کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی بپیوندیم.

رضا سپه‌وند عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی با اشاره به انواع مشکلات ناشی از سوءمدیریت هشدار داد که ناترازی تولید و مصرف گاز طبیعی در ایران «دائم» در حال افزایش است.

عضو کمیسیون انرژی در مجلس شورای اسلامی گفته «فشار مخازن در پارس جنوبی کاهش پیدا کرده و استخراج گاز سخت‌تر شده است و یکسری از منابع مشکل پیدا کرده‌اند».

محمدرضا مدیری مدیرعامل پتروشیمی زنجان نیز هشدار داده ایران با یک تصویر آخ‌الزمانی از بحران انرژی روبرو است. محمدرضا مدیری در گفتگو با وبسایت «تجارت‌نیوز» گفته کشور از سال ۱۴۰۶ به بعد دچار افت تولید گاز خواهد شد و تأکید کرده که ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است تا برای اصلاح وضعیت انرژی فقط «زمان» بخریم!

محمدرضا مدیری گفته که ایران پس از گاز، در زمینه نفت هم با وجود منابع غنی، به واردکننده تبدیل خواهد شد. او توضیح داده که اگر چه در بخش فروش نفت کشور دچار تحریم است اما در بخش تولید خیلی تحت فشار تحریم نیست؛ «به معنی اینکه ما تقریباً حداکثر توان تولیدی کشور را تولید می‌کنیم. هر قدر هم که نفت و فرآورده مازاد داریم، می‌فروشیم. من کلمات را با هم خلط می‌کنم و به مخاطبان محترم این دقت را می‌دهم که فقط برای ساده‌سازی است. به این مفهوم که ما در حال حاضر نفتی نداریم که کسی از ما بخرد.»

این فعال صنفی گفته «فارغ از آثار قیمتی، سهولت و هزینه‌هایی که تخمین زده می‌شود نزدیک به ۲۰ درصد تأثیر دارد، آن را اگر کنار بگذاریم و فقط به حجم نگاه کنیم، همین امروز هم تحریم‌ها را برداریم ما بیش از این مقداری که اکنون نفت می‌فروشیم، نمی‌توانیم جمع نفت و فرآورده بفروشیم!»

او همچنین گفته گازوئیل هم به تدریج در سبد واردات کشور قرار می‌گیرد و با تأکید بر اینکه بخشی از فرآورده‌های نفتی هم به واردات افزوده شده گفته بخشی از فرآورده‌ها را هم وارد می‌کنیم؛ همان بنزینی که شما به آن اشاره کردید و واردات گازوئیل هم به تدریج روی میز آمده و همینطور رشد خواهد کرد؛ یعنی ما بنزین و گازوئیل را به تدریج در سبد واردات خود خواهیم دید.

صندوق توسعه ملی نیز چند ماه پیش در گزارشی به کمبود گاز پرداخت و پیش‌بینی کرد ایران از سال ۱۴۲۰ ایران نمی‌تواند دوسوم نیاز گازی خود را تأمین کند.

رضا حاجی کریم عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران در گفتگو با خبرگزاری «میزان» در مورد ناترازی انرژی، گفته «اینکه چرا با وجود دانسته‌های فراوان برای رفع ناترازی و کمبودهای انرژی و ارائه پیشنهادها هنوز با مشکلاتی روبرو هستیم، به تصمیماتی که باید در حاکمیت انرژی اتخاذ شود بازمی‌گردد.»

این در حالیست که عملکرد چهار دهه گذشته جمهوری اسلامی و شرایط کمبود شدید انرژی در ایران که ذخائر قابل توجهی از نفت و گاز دارد نشان از شکست مدیریت انرژی در جمهوری اسلامی است که به «حاکمیت انرژی» نیز تعبیر می‌شود.

هاشم اورعی استاد برق دانشگاه صنعتی «شریف» درباره وضعیت کمبود انرژی گفته «امسال و سال گذشته بیشتر از ۵ درصد افزایش مصرف برق داشتیم. برای امسال تا ۸ درصد هم اعلام شد. میزان تقاضا هر سال ۷ درصد افزایش پیدا می‌کند. در مقابل میزان تولید ما هم به دلیل کهنگی تجهیزات، ۵ درصد کاهش می‌یابد. وقتی هوا گرم می‌شود، تولید برق کم می‌شود. این دو عامل دست به دست هم داده‌اند و باعث شده از یک طرف تولید را ثابت نگه نداریم و تقاضا هم در حال افزایش است. البته این آمارها بستگی دارد که چقدر نیروگاه جدید در مسیر بیاوریم.»

هاشم اورعی توضیح داده که موضوع کمبود برق و گاز دیگر فصلی نیست و در تمام طول سال هم کمبود گاز و هم کمبود برق وجود دارد: «مصرف برق دو مصرف دارد، اول بار پایه است که همیشه نیاز داریم. تاکنون مشکل ما بار پایه نبوده بلکه بار متغیری است که در زمان گرما افزایش می‌یابد. با این فرمان که ما حرکت می‌کنیم، به ناترازی در بار پایه هم می‌رسیم. ناترازی در بار پایه یعنی در تمامی فصل‌ها با مشکل برق مواجه می‌شویم. با توجه به کمبود گاز و اینکه سرمایه‌گذاری لازم را انجام ندادیم، کم کم وارد مرحله‌ای می‌شویم که امکان تأمین بار پایه را هم از دست می‌دهیم.»

کمبود جدی بنزین؛ هزینه هر لیتر بنزین وارداتی ۳۸ هزار تومان است!

● دبیر کل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پالایش: متوسط مصرف روزانه بنزین در کشور به ۱۱۲ میلیون لیتر رسیده، در حالی که تولید بنزین بین ۹۸ تا ۱۰۴ میلیون لیتر است و بین ۸ تا ۱۴ میلیون لیتر بنزین کم می‌آوریم.

● پیش از این مهرداد لاهوتی نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «فی‌خواهیم دروغ بگویم و بلوف بزیم» گفته بود «بنزین به احتمال زیاد در سال آینده با افزایش قیمت روبرو می‌شود».

در حالیکه همچنان مقامات حکومتی به تأیید و تکذیب درباره افزایش قیمت بنزین طی ماه‌های آینده مشغول هستند، دبیر کل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پالایش گفته قیمت هر لیتر بنزین وارداتی ۳۸ هزار تومان است. او همچنین کمبود بنزین را ۱۴ میلیون لیتر بنزین عنوان کرده است.

ناصر عاشوری، دبیر کل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پالایش گفت: «بنزین وارداتی لیتری ۳۸ هزار تومان تمام می‌شود.» او اضافه کرد: «متوسط مصرف روزانه بنزین در کشور به ۱۱۲ میلیون لیتر رسیده، در حالی که تولید بنزین بین ۹۸ تا ۱۰۴ میلیون لیتر است و بین ۸ تا ۱۴ میلیون لیتر بنزین کم می‌آوریم.»

احتمال افزایش قیمت بنزین در ماه‌های آینده همچنان با تأیید و تکذیب‌های مقامات حکومتی همراه است. در حالیکه به دولت مسعود پزشکیان به طور مستقیم افزایش قیمت بنزین را در لایحه بودجه ۱۴۰۴ نیاورده است اما برخی معتقدند کسری بودجه موجود در لایحه و همچنین کمبود منابع در دسترس دولت برای واردات بنزین، در نهایت دولت را ناچار به افزایش قیمت بنزین خواهد کرد.

مژگان خانلو، سخنگوی ستاد بودجه سازمان برنامه و بودجه گفته ناترازی انرژی موضوع جدی است و نیازمند تصمیم‌گیری با بررسی تمامی ابعاد است؛ تصمیم‌گیری که اعم از سیاست‌های قیمتی، غیرقیمتی، افزایش بهره‌وری، واردات خودرو، توسعه حمل‌ونقل عمومی و افزایش ظرفیت تولید باشد. مژگان خانلو گفته «در لایحه بودجه ۱۴۰۴ هیچ افزایش نرخ بنزین لحاظ نشده است» و مدعی شده «سیاست دولت، کنترل و کاهش مصرف از طریق سیاست‌های غیرقیمتی است».

حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی اما نظری متفاوت دارد. او هشتم آبان‌ماه در مخالفت با لایحه بودجه ۱۴۰۴ گفته بود در لایحه بودجه سال آینده افزایش قیمت بنزین تا ۴۰ درصد آمده است چراکه بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان برای آن منابع پیش‌بینی شده است.

حسین صمصامی همچنین تأکید کرده بود دولت در لایحه بودجه سال آینده قیمت کالاهای اساسی را افزایش داده که این موجب کوچک شدن سفره مردم خواهد شد. ←



دو روز پیش نیز محمد بهرامی نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی هم در ادعایی دیگر گفت که در لایحه بودجه ۱۴۰۴ پیشنهاد دولت، افزایش قیمت بنزین پیش‌بینی نشده است و بنزین سال آینده با همین نرخ فعلی عرضه خواهد شد.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بود که «امروزه بحث گران شدن قیمت بنزین به یک دغدغه برای مردم تبدیل شده و اطمینان خاطر می‌دهم که در بودجه سال آینده خبری از گران شدن بنزین نیست و البته امیدوارم در زمینه اصلاح الگوی مصرف سوخت فرهنگ سازی لازم انجام شود تا بخشی از ناترازی را بتوانیم جبران کنیم.»

پیش از این مهرداد لاهوتی نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «منی خواهیم دروغ بگوییم و بلوف بزنیم» گفته بود «بنزین به احتمال زیاد در سال آینده با افزایش قیمت روبرو می‌شود.»

او گفته بود «موضوع کاملا روشن است، امسال برای واردات بنزین ۹۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود اما برای سال آینده واردات بنزین ۶۵ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. معنای این تغییر اعداد، شفاف و روشن است که دولت به احتمال زیاد می‌خواهد نرخ بنزین را در سال آینده افزایش دهد.»

نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بود «می‌دانیم که امکان صرفه‌جویی بنزین وجود ندارد و خودروهای موجود در کشورمان هم تغییری نکرده‌اند که با کیفیت خودروها، مصرف بنزین کاهش پیدا کند. تغییری هم در مصرف بنزین و وضعیت حمل و نقل عمومی ایجاد نمی‌شود و انتظار صرفه‌جویی و کاهش مصرف نباید داشته باشیم. بنابراین راه دوم افزایش قیمت بنزین است.»

مهرداد لاهوتی همچنین گفته بود «در جلسه اخیر کمیسیون تلفیق آقای پاک‌نژاد وزیر نفت، شفاف و روشن به نمایندگان مجلس اعلام کرد که گزینه‌هایی برای نحوه افزایش قیمت بنزین در جلسه سرا قوا مطرح کردیم.»

همه این اظهارات و ادعاها در حالی مطرح می‌شود که دولت فقط بر «گران نشدن بنزین» تأکید دارد اما اقدامی برای جبران کمبود شدید بنزین در کشور هم ارائه نمی‌دهد. این موضوع به تازگی با انتقاد برخی کارشناسان همراه شده بطوریکه دبیر کل فدراسیون صنعت نفت معتقد است «ناترازی تصمیم» در دولت وجود دارد.

عرفان افاضلی دبیر کل فدراسیون صنعت نفت در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» گفته «ما به صورت روزانه با ناترازی بنزین و به صورت فصلی با ناترازی گاز و برق مواجهیم، این کسری‌ها در حال حاضر در حال بزرگتر شدن است و هر ساله اعداد کسری به اعداد بزرگتری تبدیل می‌شود.»

دبیر کل فدراسیون صنعت نفت افزوده آنچه که اکنون دست به گریبان هستیم این است که دولت متوجه کسری شده اما اقدام عملی، عاجل، جدی و قاطع را انجام نمی‌دهد یعنی بیشتر از اینکه با ناترازی مواجه باشیم با ناترازی تصمیم روبرو هستیم.

دبیر کل فدراسیون صنعت نفت گفته «مراکز پژوهشی دانشگاهی و مراکز صنعتی و اتاق بازرگانی راهکارهایی به دولت پیشنهاد داده‌اند که از جمله آنها می‌توان افزایش راندمان نیروگاه‌های حرارتی، افزایش توسعه و بکارگیری نیروگاه‌های تجدیدپذیر و افزایش بهره‌وری تولید و بهینه‌سازی مصرف را نام برد که از شاخص‌ترین و پربسامدترین راهکارها هستند.»

او تأکید کرده که آنچه باید به مسئولین و تصمیم‌گیران منتقل شود این مشکلی نیست که توسط حاکمیت درک و شناسایی

شده و راهکارهایی که طی سال‌ها توسط دانشگاهیان، متخصصان، کارشناسان، پژوهشگران و صنعتگران ارائه شده بلکه امروز نیاز به تصمیم قاطع و عمل به تصمیمات هستیم تا هرچه زودتر بتوانیم بر ناترازی فائق آییم. افزایش قیمت بنزین با آغاز به کار دولت چهاردهم جدی‌تر شده و مسعود پزشکیان بارها نسبت به قیمت فعلی بنزین اعتراض کرده و فروش بنزین به قیمت فعلی را غیرمنطقی خوانده است.

مسعود پزشکیان پس از آنکه به عنوان رئیس دولت چهاردهم و پیروز انتخابات ریاست جمهوری معرفی شد، در گفتگویی با وبسایت علی خامنه‌ای به ناترازی بنزین اشاره کرده و گفته بود که «در حال حاضر برای خرید بنزین، هشت میلیارد دلار پول پرداخت می‌شود. یعنی بنزین را حدود ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می‌خریم، بعد ۱۵۰۰ تومان می‌فروشیم. خب تا کجا می‌توانیم این کار را بکنیم؟»

او در مورد قیمت بنزین در جلسه دفاع از لایحه بودجه ۱۴۰۴، گفته بود: «امروز هزینه تمام شده بنزین بدون لحاظ قیمت نفت که شامل هزینه پالایش، هزینه حمل فرآورده و هزینه جایگاه دارد؛ حدود ۸۰۰۰ تومان است. امسال حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان و در صورت ادامه وضع موجود در سال آینده باید ۱۳۰ هزار میلیارد تومان واردات بنزین انجام شود و هر لیتر بنزین وارداتی بین ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان هزینه دارد.» پزشکیان در اظهارنظر دیگری گفته بود که «هیچ منطقی وجود ندارد که ما بنزین را به قیمت دلار آزاد بخریم و به قیمت سوبسید دار بفروشیم.»

در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری نیز علی عبدالعلی‌زاده رئیس ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان در یک کنفرانس خبری در خبرگزاری «ایرنا» با اشاره به ارقام ۲۵ و ۵۰ هزار تومان برای هر لیتر بنزین، گفته بود «هر قیمتی که برای بنزین کارشناسی شود، خواهید دید که آنچنان با آرامش و همکاری مردم جا می‌افتد!»

علی‌اصغر نخعی‌راد نماینده مشهد و عضو کمیسیون شوراهای مجلس شورای اسلامی نیز ماه گذشته از افزایش قیمت بنزین به گونه‌ای که مردم «تحت فشار اقتصادی قرار نگیرند و تأثیرات تومری زیادی بر اقتصاد نداشته باشد» خبر داد. این نماینده مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بود رقم افزایش بین ۱۵ تا ۲۰ درصد و کمتر از نرخ تورم خواهد بود و از مردم خواست به شایعات توجه نکنند و به تصمیمات

قانونی مجلس اعتماد کنند.

پیشتر نیز دولت حسن روحانی نیز در آبان ۹۸ اقدام به افزایش قیمت بنزین کرد و اعلام این خبر سرآغاز اعتراضاتی شد که برای روزهای پیاپی در سراسر ایران تداوم یافت. یکی از دلایلی که طی سال‌های گذشته بنزین در ایران گران‌تر نشده، هراس حکومت از برگزاری اعتراضاتی شبیه اعتراضات سراسری سال ۹۸ است؛ بدین ترتیب افرادی در پیرامون دولت تلاش دارند افکار عمومی را برای افزایش قیمت بنزین آماده کنند.

دولت ابراهیم رئیسی نیز اقداماتی برای افزایش قیمت بنزین انجام داد اما عمر آن به اقدام نهایی برای افزایش قیمت بنزین قد نداد، یا اینکه ارزیابی نهادهای امنیتی حاکی از ایجاد اعتراضاتی گسترده در صورت افزایش قیمت بنزین بود و به همین دلیل دولت سیزدهم از افزایش قیمت‌ها خودداری کرده بود.

برای نمونه در نخستین روزهای بهمن‌ماه ۱۴۰۲ دولت بدون اعلام قبلی و بطور ناگهانی سهمیه بنزین ۳۰۰۰ تومانی یا همان نرخ آزاد در کارت‌های سوخت شخصی را از ۱۵۰ لیتر به ۱۰۰ لیتر کاهش داد. همچنین ذخیره سهمیه بنزین ۱۵۰۰ تومانی که تا پیش از این، ۹ ماه و به‌میزان حداکثر ۵۴۰ لیتر بود، از این پس به ۶ ماه و حداکثر ۳۶۰ لیتر کاهش یافت.

چند روز بعد گزارش‌های غیررسمی از یک نرخ سوم برای بنزین با قیمت هر لیتر ۸۰۰۰ تومان خبر دادند. خبرگزاری «ایرنا» هم همزمان در هفته نخست بهمن گزارش داد که «دولت بعد از دو گام حفظ بنزین سهمیه‌ای و محدودیت بنزین ۳۰۰۰ تومانی در نظر دارد تا با ایجاد یک نرخ سوم مصرف بنزین بیشتر از سهمیه (مجموع یارانه‌ای و آزاد) را به نرخ گران‌تری به پرمصرف‌ها عرضه کند.»

با اینهمه دولت سیزدهم طی سه سال فعالیت که با مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی پایان یافت، اقدام به افزایش قیمت بنزین نکرد. مهمترین علت آن نگرانی از بروز اعتراضات مردمی ارزیابی می‌شود. افزایش قیمت بنزین بطور مستقیم و غیرمستقیم بر گرانی همه کالاها و خدمات موثر است.

جمهوری اسلامی در سال ۹۸ و پس از افزایش قیمت بنزین توسط دولت حسن روحانی با موجی از اعتراضات سراسری مردم روبرو شد و کارشناسان معتقدند افزایش قیمت بنزین در شرایط وخیم معیشت مردم می‌تواند بار دیگر موجی از اعتراضات را ایجاد کند.

دروغجویی مقامات دولت پزشکيان درباره علت قطع برق



این گزارش افزوده که دولت چهاردهم می‌توانست با تداوم این روند نزولی، قدم به قدم مازوت را از سبد سوخت نیروگاه‌ها حذف کند، به‌گونه‌ای که کشور درگیر خاموشی گسترده نیز نشود.

«فرهیختگان» همچنین به «کاهش سطح ذخایر گازوئیل نیروگاه‌ها» اشاره کرده و نوشته از شهریور امسال تا کنون، میزان پُرشدگی مخازن گازوئیل نیروگاه‌ها از ۵۰ درصد به ۳۵ درصد کاهش یافته است. این مخازن تا قبل از تغییر تیم وزارت نفت، در حال پُر شدن بود و در سه ماه گذشته به ناگهان در حال تخلیه است. به عنوان مثال در مردادماه، به صورت خالص روزانه ۱۱.۷ میلیون لیتر گازوئیل در نیروگاه‌ها ذخیره می‌شد اما در آبان‌ماه این رقم به منفی ۲۱ میلیون لیتر رسیده که بیانگر تخلیه روزانه ۲۱ میلیون لیتر گازوئیل است.

بر اساس این گزارش تخلیه مخازن گازوئیل نیروگاه‌ها در سه ماه گذشته درحالی رقم خورده که در پنج‌ماهه نخست امسال نسبت به سال قبل، وزارت نفت دولت سیزدهم حتی گازوئیل بیشتری نیز به نیروگاه‌ها ارسال کرده و میزان تحویل گازوئیل ۲۴ درصد افزایش داشته است.

محمدرضا مدیری مدیرعامل پتروشیمی زنجان به تازگی با هشدار نسبت به کمبود گازوئیل در کشور گفته بود «گازوئیل هم به تدریج در سبد واردات کشور قرار می‌گیرد. بخشی از فرآورده‌ها را هم وارد می‌کنیم؛ همان بنزینی که شما به آن اشاره کردید و واردات گازوئیل هم به تدریج روی میز آمده و همینطور رشد خواهد کرد؛ یعنی ما بنزین و گازوئیل را به تدریج در سبد واردات خود خواهیم دید.» جلیل مختار سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز دوم آبان‌ماه آمار کاهش ذخایر سوخت مایع گازوئیل و مازوت نیروگاه‌ها از ۴۹ درصد در شهریورماه امسال به ۴۶ درصد در ماه جاری را تأیید کرده بود.

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی

سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها را ندارد!
در همین رابطه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده علت تصمیم دولت برای قطع برق، کاهش ذخایر گازوئیل و نفت کوره نیروگاه‌ها در ۶ ماهه ۱۴۰۳ و افزایش ناترازی گاز بوده که چالش‌هایی را برای تأمین برق در زمستان به وجود آورده است.

دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این گزارش افزوده که در سال ۱۴۰۱ میزان ناترازی گاز طبیعی در اوج مصرف به ۳۱۵ میلیون مترمکعب در روز رسید و اگر چه به واسطه افزایش دما در سال ۱۴۰۲ این عدد به حدود ۲۸۰ میلیون مترمکعب در روز کاهش یافت، اما همچنان چالش ناترازی گاز طبیعی در کل سال به‌ویژه ماه‌های سرد وجود دارد.

در این گزارش آمده که از سوی دیگر مصرف سوخت مایع در نیروگاه‌های حرارتی افزایش یافته و در زمان حاضر ذخایر گازوئیل و نفت کوره نیروگاه‌ها در ۶ ماهه ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش پیدا کرده و افزایش ناترازی گاز و عدم امکان تأمین سوخت مایع جایگزین، چالش‌هایی را برای تأمین برق در زمستان به وجود آورده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که انتظار می‌رود تدوین لایحه بودجه و احکام آن متناسب با وضعیت ناترازی انرژی و چالش‌های آن بوده و راهکارهایی برای مدیریت و کاهش ناترازی در آن مدنظر قرار گرفته باشد.

روزنامه «فرهیختگان» نیز در شماره روز گذشته در گزارشی نوشت طبق آمار وزارت نفت (تصویر ۱)، بیشترین رشد مصرف مازوت در نیروگاه‌ها به سال ۱۳۹۹ و دولت دوازدهم برمی‌گردد که بیش از ۳۶ درصد رشد داشت. در دولت سیزدهم، رشد مصرف مازوت در نیروگاه‌ها روندی نزولی به خود گرفت، بطوری که در سال ۱۴۰۲ نسبت به ۱۴۰۱، مصرف مازوت ۱۷ درصد کاهش یافت.

● مقامات دولت در ادعایی دروغ گفته بودند قطع برق برای پرهیز از «مازوت‌سوزی» در برخی نیروگاه‌های برق و ممانعت از آلودگی بیشتر هوا و در جهت حفظ سلامت شهروندان صورت گرفته است.

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده علت تصمیم دولت برای قطع برق، کاهش ذخایر گازوئیل و نفت کوره نیروگاه‌ها در ۶ ماهه ۱۴۰۳ و افزایش ناترازی گاز است.

● روزنامه «فرهیختگان» نیز در گزارشی نوشته از شهریور امسال تا کنون، میزان پُرشدگی مخازن گازوئیل نیروگاه‌ها از ۵۰ درصد به ۳۵ درصد کاهش یافته است.

● پیش از این محمدرضا مدیری مدیرعامل پتروشیمی زنجان با هشدار درباره کمبود گازوئیل گفته بود «گازوئیل هم به تدریج در سبد واردات کشور قرار می‌گیرد».

در حالی که مقامات دولت پزشکيان ادعا کرده بودند قطع برق بخش خانگی برای عدم استفاده از مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها برای جلوگیری از آلودگی هوا و در جهت سلامت شهروندان رخ داده، پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده قطع برق به دلیل کاهش شدید تولید در پی کسری همزمان گاز، گازوئیل و مازوت در دستور کار قرار گرفته است.

از ابتدای هفته قطع برق بخش خانگی در شهرهای مختلف ایران به مدت چند ساعت در روز به اجرا درآمده است. مقامات دولت در ادعایی دروغ گفته بودند قطع برق برای پرهیز از «مازوت‌سوزی» در برخی نیروگاه‌های برق و ممانعت از آلودگی بیشتر هوا و در جهت حفظ سلامت شهروندان صورت گرفته است.

این ادعا در حالی مطرح شد که گزارش‌های دیگری نشان می‌دهد قطع برق به دلیل کاهش شدید تولید در پی کسری همزمان گاز، گازوئیل و مازوت بوده و دولت توان تأمین

ادامه اعتراض کارگران پیمانکاری پارس جنوبی و بی تفاوتی مسئولان

و این اعتراضات با در نظر گرفتن منافع ملی و بدون آنکه به تولید مجموعه آسیب بزند تا رسیدن به مطالبات ادامه دارد.» این فعال صنفی گفته «دور جدید این اعتراضات از زمان تشکیل دولت چهاردهم شروع شده و متأسفانه تاکنون هیچ تماسی از سوی مدیران منطقه‌ای، استانی یا کشوری و وزارت نفت با ما برقرار نشده است. ما به اعتراضات خود ادامه می‌دهیم اما تاکنون مطالبات مان دیده نشده است.» به گفته علیرضا میرغفاری «مجموعه کارگری تمام تلاش خود را کرده تا اعتراضات به صورت نمادین انجام شود تا بتوانیم به مدیران بالادستی اعلام کنیم که کارگران نسبت به وضعیت موجود به شدت گلایه‌مند هستند.»



رئیس هیئت مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر نیز گفته «اگر مطالبات ما به نتیجه نرسد و برنامه‌های نیز برای اجرایی شدن آن‌ها ارائه نشود، ما نحوه اعتراضات مان را تغییر خواهیم داد. ممکن است اعتراضات تجمیعی انجام دهیم یا مدت زمان اعتراضات را افزایش دهیم.»

عضو کانون عالی انجمن صنفی کارگران گفته حتی رایزنی با نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز تا کنون به نتیجه نرسیده و افزوده که «در تلاش هستیم تا مطالبات مان را به آنها منتقل کنیم و اگر حمایت کنند، بتوانیم ارتباط موثری با وزارت نفت و وزیر نفت برقرار کنیم تا موضوعات مان به سمت وصول و اجرایی شدن پیش برود.»

کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت همواره ارقام دستمزدی کمتری از کارگران رسمی وزارت نفت دریافت می‌کنند. آنها همچنین از مزایای شغلی کمتری برخوردار هستند اما شیفت‌های کاری طولانی‌تری دارند و مدت زمان مرخصی آنها در طول ماه کمتر است.

در حالیکه کارگران رسمی وزارت نفت ۱۴ روز کار در ماه و ۱۴ روز استراحت دارند، کارگران شرکت‌های پیمانکاری در بهترین حالت ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت دارند.

این کارگران طی سالهای گذشته چند مرحله دیگر اعتراضات را نیز برگزار کردند که هر بار با وعده و وعیدهای مقامات وزارت نفت و یا به دلیل تهدید به اخراج از سوی کارفرما ناچار به ادامه کار شدند.

● کارگران پالایشگاه‌های پارس جنوبی از اوایل امرداد امسال و با هماهنگی کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های پارس جنوبی دور تازه‌ای از اعتراضات خود را آغاز کردند.

کارگران پالایشگاه‌های پارس جنوبی، از اوایل امرداد امسال دور جدیدی از اعتراضات صنفی خود را آغاز کردند. این اعتراضات در حالی همچنان ادامه دارد که به گزارش منابع صنفی مسئولان پالایشگاه‌ها و مقامات وزارت نفت همچنان نسبت به این اعتراضات بی‌تفاوت هستند و پاسخی به کارگران نداده‌اند.

کارگران پالایشگاه‌های پارس جنوبی از اوایل امرداد

امسال و با هماهنگی کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های پارس جنوبی دور تازه‌ای از اعتراضات خود را آغاز کردند.

اعتراض کارگران پالایشگاه‌های پارس جنوبی طی هفته‌های گذشته هر سه‌شنبه به صورت تجمع در محل کار صورت گرفته و به «سه‌شنبه‌های اعتراضی» معروف شده است.

مهمترین مطالبات کارگران اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت عادلانه و هم‌تراز دستمزد با نیروهای رسمی و قراردادی، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای نیروهای اداری و پشتیبان، عمل به توافقات قبلی از جمله موضوع مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به صورت یکجانبه توسط برخی از مسئولان مجتمع دچار تغییراتی شده، است. یکی دیگر از خواسته‌های کارگران معترض بازگشت به کار

حجت رضایی، نماینده اخراجی کارگران است. هفته جاری نیز کارگران معترض اعلام کرده‌اند با گذشت چهارده هفته از اعتراضات، خواسته‌های آنان از سوی دولت بی‌پاسخ مانده و در نتیجه ناچار خواهند بود شکل اعتراضات خود را تغییر دهند.

علیرضا میرغفاری عضو کانون عالی انجمن صنفی کارگران و رئیس هیئت مدیره کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» درباره این اعتراضات گفته «در این مدت، کارگران هر سه‌شنبه در پالایشگاه‌ها برای بیان مطالباتشان تجمع کرده‌اند

تأکید کرده بود که «این یک ناترازی آشکاری است که اگر برطرف نشود، ممکن است کشور در فصل سرما دچار مشکل شود. به همین دلیل از وزارتخانه های نفت، نیرو و صمت خواسته‌ایم تا هر چه سریع‌تر برنامه های خود را ارائه دهند.»

جلیل مختار توضیح داده که «وزیر نفت به عنوان تأمین کننده نیازهای نیروگاه‌ها باید با احصای وضعیت موجود، برنامه‌های خود برای کمک به وزارت نیرو را ارائه دهد و وزارت نیرو هم درصدد است با برنامه‌های کوتاه مدت که قول آن را داده‌اند ناترازی‌های موجود را برطرف کنند تا در زمستان به سختی برنخوریم.»

در شرایطی که سوخت کافی برای فعالیت نیروگاه‌های تولید برق وجود ندارد و سطح تولید به شدت کاهش یافته، مقامات دولت مسعود پزشکیان طی روزهای گذشته با اعلام خبر آغاز قطع برق چند ساعته و روزانه در سراسر کشور مدعی شدند این خاموشی‌ها در پی توقف مازوت‌سوزی در چند نیروگاه برای کاهش آلودگی و حفظ سلامت شهروندان انجام می‌شود.

هفته گذشته وزارت نیرو اعلام کرد که از هفته جاری قطع منظم و از پیش اعلام شده‌ی برق طی ساعاتی در روز و در شهرهای مختلف کشور را به عنوان راهکار برای «مدیریت مصرف برق» به اجرا درخواهد آورد.

بر اساس اعلام شرکت توزیع نیروی برق تهران قطع برق بین ساعات ۹ صبح تا ۵ عصر و به مدت دو ساعت در محله‌های مختلف شهر صورت می‌گیرد. شرکت توزیع برق تهران جدول قطع برق برای مناطق مختلف پایتخت را نیز منتشر کرده است.

هفته گذشته معاون رئیس‌جمهور و سخنگوی دولت به صورت مشترک از شروع «خاموشی منظم» خبر دادند و علت این مسئله را توقف مصرف مازوت در ۳ نیروگاه کشور مطرح کردند.

فاطمه مهاجری سخنگوی دولت هفته گذشته در شبکه «ایکس» نوشت: «شرط عدالت نیست برای تولید برق، بخشی از جامعه با جان خود هزینه آن را پرداخت کند. از همین رو به دستور رئیس‌جمهور مازوت‌سوزی در سه نیروگاه اراک، کرج و اصفهان که شرایط ویژه‌ای دارند، متوقف می‌شود. می‌توان برای مدت محدودی، «خاموشی منظم» را جایگزین «تولید سم» برای عموم شهروندان کرد.»

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان اما این ادعای واهی را امروز سه‌شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۴ تکرار کرد و گفت با تصویب هیئت وزیران قرار شد مازوت‌سوزی کم باشد و به همین دلیل قطع برق نیز وجود دارد.

او در حضور خبرنگاران مدعی شد که «در میان دوگانه قطع برق یا دوگانه سوزاندن مازوت، تأکید دولت بر سلامت مردم است و با تصویب همه افراد هیات دولت انتخاب شد که مازوت‌سوزی کم شود که البته در کنار این موضوع قطع برق اجتناب‌ناپذیر است؛ رئیس‌جمهور شخصا پیگیری حل مشکل ناترازی است.»

سخنگوی دولت پزشکیان البته ناچار شده اعتراف کند که مازوت‌سوزی همچنان ادامه دارد: «مازوت‌سوزی متوقف نمی‌شود کم می‌شود و به دنبال این موضوع قطع برق خواهیم داشت!»

اگرچه مقامات دولتی از توقف مازوت‌سوزی در سه نیروگاه اراک، اصفهان و کرج به دلیل وجود نیروگاه‌ها در جوار شهرها خبر دادند و از برنامه‌هایی برای توقف مازوت‌سوزی در کل نیروگاه‌ها گفتند اما کارشناسان معتقدند بستری‌های توقف مازوت‌سوزی برای آینده نزدیک فراهم نیست.

تلاش دوباره حکومت برای «سازماندهی تجمعات و اعتراضات شهروندان»؛ آیا ارزیابی جمهوری اسلامی موج تازه‌ای از اعتراضات سراسری است؟

● دبیر کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی گفته هدف از طرح برگزاری قانونی اینست که «مجاز از طریق مراجع ذیصلاح صادر شود و در این شرایط افرادی که قصد و غرض دارند، نمی‌توانند نفوذ کنند!»

● سخنگوی کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی هم گفته اگر این طرح به صورت قانون در بیاید و کسی از آن سربچی کند و از اجرای قانون خودداری کند، حتماً با تنبیهاتی روبرو خواهد شد.

● لایحه «نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها» دوم اردیبهشت ۱۴۰۲ و چند ماه پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ به تصویب هیئت وزیران سیزدهم رسید و برای قانونی شدن به مجلس شورای اسلامی ارسال شد.

● در لایحه مصوب دولت رئیسی، دست قوه قضاییه برای اعلام عدم صلاحیت برگزارکنندگان باز گذاشته شده و با یک نامه قوه قضاییه برگزاری هرگونه تجمعی ممنوع خواهد بود!

● آنچه مشخص است هدف این طرح حکومتی کردن تجمعات صنفی و باز گذاشتن دست نهادهای امنیتی و قضایی برای برخورد شدیدتر با شهروندانی است که در خارج از چارچوب دیکته شده حکومت اقدام به برگزاری تجمعی کنند.

کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی بار دیگر بررسی طرح «نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها» را در دست بررسی قرار داده است. به نظر می‌رسد این طرح به دلیل هراس از شکل‌گیری تجمعات سراسری با تحت اختیار گرفتن روند تجمعات صنفی و اعتراضی، و برای پنهان کردن شکاف میان شهروندان و حکومت تدوین شده است.

در شرایطی که سال‌هاست اصناف و گروه‌های مختلف شهروندان از مالباختگان تا آموزگاران و بازنشستگان و پرستاران و کارگران تجمعات صنفی مختلفی را برگزار می‌کنند، جمهوری اسلامی تلاش دارند این تجمعات را در چارچوب حکومتی قرار دهد.

پیشنهاد حکومتی کردن اعتراضات صنفی و مدنی از

چند کشته و زخمی در حمله مسلحانه به کاروان نیروهای سپاه حوالی راسک



تصویری از درگیری‌های مسلحانه در جاده فیروزآباد

مزدور» ضربه زدند و مقدار قابل توجهی سلاح و مهمات کشف و ضبط گردید.

منابع حکومتی ادعا می‌کنند افراد مسلح که به کاروان سپاه حمله کردند وابسته به گروه «جیش العدل» بودند. درگیری‌ها باعث زخمی شدن تعدادی از شهروندان شد که از همان مسیر عبور می‌کردند.

منابع نزدیک به جیش‌العدل گزارش داده بودند در جریان رزمایش کشتک سپاه و نیروهای نظامی پاکستان در نواحی مرزی ۱۲ عضو این گروه حوالی سراوان کشته شدند. رد یا تأیید این ادعا به صورت مستقل ممکن نیست.

محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۴ آبان‌ماه ادعا کرد که «اطلاع دقیقی داریم» سرویس‌های اطلاعاتی دشمن با برگزاری جلسات مختلف در برخی کشورهای منطقه، گروه‌های تروریستی را مأمور به ایجاد بی‌ثباتی در ایران کرده‌اند.

او در جلسه با تعدادی از سران طوایف در زاهدان، با اشاره به افزایش درگیری‌های مسلحانه با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در استان سیستان و بلوچستان گفت: «اقدامات تروریستی صورت گرفته در منطقه جنوب شرقی اتفاقی نیست و با هدایت سرویس‌های دشمن صورت می‌گیرد».

پاکپور مدعی شد عوامل اسرائیل در پوشش سوخت‌بَر از مرز عبور کرده و به ایران وارد می‌شوند.

پس از این درگیری‌ها وضعیت در برخی شهرهای استان سیستان و بلوچستان به حالت امنیتی در آمد. پایگاه خبری «حال‌وش» گزارش داد هلی‌کوپترهای نظامی بر فراز سراوان و راسک پرواز می‌کنند.

● حمله مسلحانه به کاروان نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوالی شهرستان راسک در استان سیستان و بلوچستان که جمعه ۱۸ آبان ماه ۱۴۰۳ رخ داد چند کشته و زخمی برجا گذاشت.

● منابع محلی گزارش دادند کاروان نیروهای سپاه از رزمایش «شهدای امنیت» باز می‌گشت.

● این درگیری حوالی روستای فیروزآباد در پنج کیلومتری شهر راسک اتفاق افتاد. گفته می‌شود یک نفر از نیروهای سپاه و پنج نفر از افراد مسلح کشته شدند.

● برخی منابع غیررسمی نیز گزارش دادند که شش نفر از نیروهای سپاه در این درگیری کشته و زخمی شدند.

-درگیری‌ها باعث زخمی شدن تعدادی از شهروندان شد که از همان مسیر عبور می‌کردند.

حمله مسلحانه به کاروان نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوالی شهرستان راسک در استان سیستان و بلوچستان که جمعه ۱۸ آبان ماه ۱۴۰۳ رخ داد چند کشته و زخمی برجا گذاشت.

منابع محلی گزارش دادند کاروان نیروهای سپاه از رزمایش «شهدای امنیت» باز می‌گشت.

در این درگیری که حوالی روستای فیروزآباد در پنج کیلومتری شهر راسک اتفاق افتاد یک نفر از نیروهای سپاه و پنج نفر از افراد مسلح کشته شدند.

برخی منابع غیررسمی نیز گزارش دادند که شش نفر از نیروهای سپاه در این درگیری کشته و زخمی شدند.

خبرگزاری تسنیم به نقل از سخنگوی رزمایش می‌نویسد، «قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه» به «تروریست‌های

این لایحه مکان‌های تعیین شده برای تجمعات قانونی باید داشته باشند.

بر اساس ماده‌های ۴ و ۵ این لایحه، هرگونه تجمع که «به استقلال، وحدت و تمامیت ارضی ایراد وارد کرده، به مقدسات دینی بی حرمتی کند، در آن سلاح حمل شود، موجب اخلاف در نظم و امنیت شود، احتمال تخریب اموال

که این طرح قصد دارد ترتیبی دهد تا مردم تجمعات خود را به صورت مسالمت‌آمیز برگزار کنند تا هر تجمعی حمل بر مخالفت سیاسی یا مخالفت با نظام تلقی نشود. او گفته بر اساس این طرح حتی دانشجویانی که در دانشگاه قصد تجمع دارند نیز نیازمند اخذ مجوز خواهند بود.



نمایی از اعتراضات سراسری شهریور ۱۴۰۱ در تهران

عمومی و خصوصی برود، به محتوای اصول تغییرناپذیر قانون اساسی ایراد وارد شود، موجب ایجاد اخلاف جدی در خدمات رسانی به شهروندان شود و برگزارکنندگان بر اساس قوانین یا آرای مراجع قضایی فاقد صلاحیت برگزاری تجمع باشند، ممنوع است.»

قابل توجه اینکه پس از محدود ساختن محتوای تجمعات در این دو ماده، در نهایت دست قوه قضاییه برای اعلام عدم صلاحیت برگزارکنندگان نیز باز گذاشته شده و بدین ترتیب با یک نامه قوه قضاییه برگزاری هرگونه تجمعی ممنوع خواهد بود!

از سوی دیگر در این لایحه آمده که اگر فرماندار تشخیص دهد که شرایط ماده ۴ و ۵ رعایت نشده است، می‌تواند مانع برگزاری تجمع شود.

همچنین در این لایحه تأکید شده که تجمع باید حداکثر بیست و حداقل پنج روز کاری پیش از برگزاری تجمع، تقاضای خود را در سامانه مخصوص ثبت کنند. آنها باید اسامی برگزارکنندگان، هدف تجمع، مکان و تاریخ و ساعت تجمع، تعداد تخمینی تجمع‌کنندگان، اسامی سخنرانان، متن قطعنامه و فهرست لوازم و تجهیزات مورد استفاده را اعلام کنند. فرمانداری هم موظف است ظرف چهار روز کاری از زمان ثبت درخواست، نسبت به تایید یا رد درخواست اقدام نماید.

مشخص نیست پس از بررسی نهایی این طرح با تغییراتی از سوی کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی روبرو خواهد شد یا نه، اما آنچه مشخص است هدف این طرح از یکسو حکومتی کردن تجمعات صنفی و از سوی دیگر باز گذاشتن دست نهادهای امنیتی و قضایی برای برخورد شدیدتر با شهروندانی است که در خارج از چارچوب دیکته شده حکومت اقدام به برگزاری تجمع کنند.

ولی‌الله بیاتی تأکید کرده که «اگر این طرح به صورت قانون در بیاید و کسی از آن سرپیچی کند و از اجرای قانون خودداری کند، حتماً با تنبیهاتی روبرو خواهد شد. به ویژه اینکه موضوع تجمعات جنبه مردمی هم دارد.»

دولت ابراهیم رئیسی بیش از یک سال و نیم پیش هدف از تهیه این لایحه را رفع خلاءهای قانونی اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی اعلام و تأکید کرده بود که «امروزه برخی خلاءهای قانونی نسبت به تحقق کامل اصل بیست و هفتم قانون اساسی مشاهده شده و چگونگی برقراری تعادل و موازنه میان تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی در کنار تأمین نظم و امنیت عمومی به یک چالش تبدیل شده است. از یک سو لزوم امکان طرح و استماع مطالبات عمومی و اعتراضات مردمی ضروری بوده و از سوی دیگر تضمین نظم و امنیت عمومی لازم است. بنابراین در این لایحه تلاش شده است تا بین تأمین امنیت عمومی و تضمین آزادی‌های عمومی تعادلی برقرار شود.»

بر اساس لایحه ۴۶ ماده‌ای که از سوی هیئت دولت ابراهیم رئیسی تصویب شد، شوراهای تأمین استان موظف هستند مکان‌هایی را برای برگزاری تجمعات تعیین کنند.

همچنین شوراهای تأمین استان مکلفند برای شهرهای با جمعیت کمتر از سیصد هزار نفر حداقل یک مکان، برای شهرهای با جمعیت سیصد تا پانصد هزار نفر حداقل دو مکان، برای شهرهای با جمعیت پانصد هزار نفر تا یک میلیون نفر حداقل سه مکان و برای شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر، حداقل چهار مکان و برای شهر تهران حداقل ده مکان برای برگزاری تجمع تعیین نمایند.

دسترسی مناسب، وسعت مناسب و قابلیت حفاظت انتظامی و امنیتی از جمله ویژگی‌هایی است که بر اساس

سازمان اطلاعات سراسری سال‌های گذشته و در پی برگزاری اعتراضات سراسری ضد حکومت از دی ۹۷ و بعدها در آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ از سوی اصلاح‌طلبان و با عناوینی چون «هدفمند کردن» و «قانونمند کردن» اعتراضات داده شد. اکنون طرحی که از مدت‌ها پیش در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی مطرح شده بود دوباره در دستور بررسی قرار گرفته است.

دولت لایحه «نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها» را با پیشنهاد معاونت حقوقی ابراهیم رئیسی تهیه و این لایحه در جلسه روز دوم اردیبهشت ۱۴۰۲ و چند ماه پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ به تصویب هیئت وزیران سیزدهم رسید. این طرح اما همچنان در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی ماندگار شده و طی روزهای گذشته بار دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

در همین رابطه محمد بیات دبیر کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» گفته «کل طرح برگزاری قانونی تجمعات با این هدف است که مجوز از طریق مراجع ذیصلاح صادر شود و در این شرایط افرادی که قصد و غرض دارند، نمی‌توانند نفوذ کنند!»

به گفته دبیر کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی «انتقاد اگر کارشناسی باشد و به خاطر رضای خدا و سازنده باشد، قطعاً می‌تواند برای جامعه هدفش مفید واقع شود.»

محمد بیات گفته تجمع تعریف دارد و بیشتر در حوزه سیاسی مطرح است. به عبارت دیگر ما تجمعات فرهنگی و اجتماعی داریم که در مورد آنها صدور مجوز ضرورتی ندارد اما تجمعات سیاسی است که دشمن و افراد با قصد و غرض از آن سوءاستفاده می‌کنند وگرنه درباره تجمعات اجتماعی و فرهنگی ضرورت مجوز وجود ندارد.

او همچنین افزوده که «اعتراضاتی که سیاسی است به مطالبات مربوط می‌شود و در این جریان شاید ناخواسته آسیبی به کشور وارد شود اما اگر هدفمند باشد و مجوز بگیرند، افرادی که خدایی نکرده نباید قاطی این ماجرا شوند، رصد می‌شوند.»

او همچنین گفته در تجمعات هدفمند لازم است که مسئولین ذی ربط هم اجباراً باید در آن جلسه حضور داشته باشند و پاسخگوی اعتراضات باشند.

روح‌الله موسوی دبیر دوم کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس شورای اسلامی اما برخلاف دبیر این کمیسیون گفته در این طرح و هنوز موضوع «مجوز» مطرح نیست اما گفته همه تجمعات باید زیر نظر وزارت کشور جمهوری اسلامی برگزار شوند: «وزارت کشور که یک وزارتخانه میان‌دور است و همه این موارد باید در هماهنگی وزارت کشور باشد چراکه وزارت کشور متولی امنیت کشور است و به عنوان وظیفه وزارتخانه مادر باید برنامه‌ریزی کند و حتماً دخیل خواهد بود.»

ماحصل همه طرح‌هایی که از قبل مطرح بودند و طرح فعلی این است که زمینه تجمعات قانونی صنف‌ها و قشرهای مختلف در رابطه با صنف خودشان برگزار شود. به این ترتیب که اگر اقشار یا اصناف به دنبال برگزاری تجمع و رساندن خواسته و مطالبه به گوش مسئولین بودند، این در یک چارچوب قانونی خاص صورت بگیرد و به این ترتیب نباشد که به صورت پراکنده از هر گوشه‌ای صورت بگیرد.

هفته گذشته نیز ولی‌الله بیاتی سخنگوی کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی گفته بود

کیانوش سنجری روزنامه‌نگار مخالف حکومت به زندگی خود پایان داد

کیانوش سنجری روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر شامگاه چهارشنبه ۲۳ آبان، در اعتراض به سرکوب آزادی بیان در ایران به زندگی خود پایان داد.

او از بالکن ساختمان چهارسو کنار پل حافظ در تهران خود را به پایین پرت کرد.

سنجری پیش از اقدام به خودکشی با انتشار پستی در شبکه «ایکس» نوشته بود: «هیچکس نباید به خاطر بیان عقیده زندانی شود. اعتراض حق هر شهروند ایرانی است.»

او یک روز پیش از خودکشی، خواستار آزادی زندانیان سیاسی توماج صالحی، نسرین شاکرمی، فاطمه سپهری و آرشام رضایی شده بود و تاکید کرده بود اگر تا ساعت هفت شب روز چهارشنبه آزاد نشوند خودکشی خواهد کرد.

او دقایقی قبل از آنکه به زندگی خود پایان دهد از بالای ارتفاع عکسی منتشر کرد و نوشت: الوعهه وفا.

پیام شاهزاده رضا پهلوی درباره اعتصاب غذای منوچهر بختیاری

منوچهر بختیاری پدر دادخواه پویا بختیاری، پسر ایران، از قهرمانان آبان ۹۸ که به یکی از نمادهای شاخص جنبش آزادیخواهی ایرانیان تبدیل شده، دو هفته است در زندان دست به اعتصاب غذا زده است. خانواده وی نسبت به وضعیت سلامت وی که به جرم دادخواهی زندانی شده است، نگرانند.

در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی روز سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۳ طی پیامی در رسانه‌های اجتماعی خود خطاب به وی چنین نوشته است:

«جناب آقای منوچهر بختیاری، پدر گرمی جاویدنام پویا بختیاری،

شما از نمادهای ایستادگی و دادخواهی یک ملتید. اعتصاب غذای تان نگرانی من و بسیاری از مردم ایران را برانگیخته

روزنامه آلمانی «بیلد»:

جمهوری اسلامی به دنبال ساخت سلاح شیمیایی برای نیروهای نیابتی خود است

-روزنامه آلمانی «بیلد» روز سه‌شنبه ۱۲ نوامبر (۲۲ آبان‌ماه) گزارش داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دنبال ساخت سلاح شیمیایی برای نیروهای نیابتی خود است.

در این گزارش آمده، حکومت ایران چندین دهه است که علیه اسرائیل می‌جنگد و از شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان با تسلیحات - احتمالاً از جمله تجهیزات جنگ شیمیایی - پشتیبانی می‌کند. اکنون مقامات امنیتی آمریکا به صراحت درباره سلاح‌های ترسناک جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند! ماتیو لویوت کارشناس مشهور مرکز مبارزه با تروریسم در آمریکا به «بیلد» گفته است، بر اساس اسناد سازمان سیا، جمهوری اسلامی از سال ۱۹۸۴ با کمک کارشناسان چینی و روسی در حال کار بر روی تولید تسلیحات شیمیایی بوده است.

لویوت توضیح داد، دولت آمریکا در هشدارهای خود بطور خاص به سلاح‌های شیمیایی مبتنی بر دارو اشاره کرده که سیستم عصبی را هدف قرار می‌دهد و به ظاهر ناتوان‌کننده و غیرکشنده نامیده می‌شوند، اما در عمل می‌توانند کشنده باشند.

شاهزاده رضا پهلوی:

ایرانیان مهاجر می‌توانند نقشی تحول‌آفرین در بازسازی یک ایران مرفه پس از سقوط جمهوری اسلامی بازی کنند

شنبه ۹ نوامبر ۲۰۲۴ ایلان ماسک کارآفرین مشهور و مالک رسانه اجتماعی «ایکس» در همین شبکه در پاسخ به یک کاربر ایرانی تبار در ارتباط با موضوع و مشکلات مهاجرت نوشت: «آمریکا از ورود ایرانیان بسیار بااستعداد سود برده است.»

قتل خبرنگار ایرنا توسط شوهرش با چاقو و دمبل!

خبرگزاری‌های داخلی گزارش دادند، منصوره قدیری جاوید خبرنگار «ایرنا» بامداد شنبه ۱۹ آبان‌ماه توسط شوهرش که وکیل دادگستری است کشته شده است. تیم جنایی که برای بررسی صحنه قتل اعزام شده بود گزارش داد این زن جوان با ضربات دمبل و چاقو به قتل رسیده است. پایگاه خبری «رکنا» می‌نویسد قاتل در اعترافات اولیه خود گفت، از سال‌های گذشته با همسرش اختلاف داشته است بعد از یک مشاجره عصبانی شده و در یک لحظه او را کشته است. وی همچنین عنوان کرد، «قصدم داشتن فرزند مشترک‌مان را هم به قتل برسانم و خودکشی کنم اما پیشیمان شدم و جنایت را به پلیس اطلاع دادم.»

یک زندانی به جرم «تجاوز به زنان و دختران» در همدان اعدام شد

منابع وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۲۲ آبان‌ماه گزارش داد «محمدعلی سلامت» به جرم تجاوز به بیش از ۲۰۰ زن و دختر، در همدان اعدام شده است. حکم اعدام در ملاء عام انجام شد. بهروز محمدی مهر رئیس کل دادگستری همدان در تشریح جزئیات پرونده اظهار داشت: «این شخص طی سال‌های متمادی با فریب قربانیان خود به بهانه‌های مختلف از جمله ازدواج، دوستی و تهیه دارو، آنها را مورد تجاوز قرار می‌داد.»

نامه سناتورهای فرانسوی درباره سرنوشت «دختر علوم تحقیقات»

در نامه‌ای که توسط ۱۴۵ سناتور فرانسوی امضا شده از رئیس‌جمهور این کشور خواسته شده تا پیگیر سرنوشت آهو دریایی باشد که پس از برهنه شدن در محوطه دانشکده علوم تحقیقات بازداشت و از قرار معلوم به یک بیمارستان روانی منتقل شده است. در این نامه از جمله آمده است: «تصاویر آهو دریایی که در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی



منتشر شده که قبل از دستگیری در اعتراض به آزار و اذیت پلیس اخلاق برهنه شده، میلیون‌ها فرانسوی را بهت‌زده کرد. ما درباره سرنوشت وی نگران هستیم. سنای جمهوری فرانسه همواره به آزادی و حقوق زنان متعهد بوده است و ۱۴۵ سناتور با تشکیل یک کمیته حمایت از آهو دریایی تصمیم گرفته‌اند به حمایت از وی پرداخته و از رئیس‌جمهور بخواهند که برای آزادی او تلاش کند.»

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به این جمله‌ی ماسک در «ایکس» نوشت: «ایلان حق دارد. ایرانی‌ها برخی از بزرگترین کمپانی‌های آمریکا را ساخته‌اند. آنها همچنین می‌توانند با کمک به بازسازی یک ایران مرفه پس از سقوط جمهوری اسلامی، نقشی تحول‌آفرین در کشور خودشان ایفا کنند. چنین ایران نوینی به نفع مردم خودش، آمریکا و جهان خواهد بود.»

است. از شما خواهش می‌کنم برای ادامه این مسیر پرچالش و مبارزه با قاتلان پویا، اعتصاب غذا را بشکنید. سلامت و حضور شما در این راه حیاتی است. همیشه به یاد داشته باشید که صدای شما از پس دیوارهای زندان هم شنیده می‌شود و این رژیم جنایتکار، از قدرت و ایستادگی شما در هراس است. دوستدارتان، رضا پهلوی»

آتش‌سوزی مهیب در «شهرک صنعتی نور» مازندران

یک کارخانه تولید محصولات شیمیایی واقع در «شهرک صنعتی نور» در استان مازندران به دلایل نامعلوم روز چهارشنبه ۲۳ آبان‌ماه دچار آتش‌سوزی مهیب شد. به علت وجود مواد شیمیایی و مواد آتش‌زا در این کارخانه مهار شعله‌های آتش بسیار دشوار بود. در این حریق دست‌کم دو نفر مصدوم شدند. فرماندار شهر نور گفته مکانی که آتش گرفته کارخانه تولید «محصولات بهداشتی و طبی» بود.

نقاشی آلکساندر پالمبو بر دیواری نزدیک کنسولگری جمهوری اسلامی در میلان

آلکساندر پالمبو هنرمند سرشناس ایتالیایی که با نقاشی‌های دیواری‌اش درباره موضوعات سیاسی و اجتماعی شهرت دارد، روز ۸ نوامبر ۲۰۲۴ در شهر میلان در نزدیکی کنسولگری جمهوری اسلامی، «دختر علوم تحقیقات» را نقاشی کرد. این هنرمند دو سال پیش نیز همزمان با خیزش «زن زندگی آزادی» مارچ سیمپسون شخصیت کارتونی را در حالی که موهایش را قیچی می‌کرد در همینجا نقاشی کرده بود که با استقبال بسیار روبرو شد.

ادعای «اسکای نیوز عربی»:

جمهوری اسلامی پس از پیروزی ترامپ، حمله به اسرائیل را به تعویق انداخت

شبکه «اسکای نیوز عربی» روز چهارشنبه ۱۳ نوامبر (۲۳ آبان‌ماه) به نقل از «منابع ایرانی» گزارش داد که جمهوری اسلامی پس از پیروزی دونالد ترامپ در ریاست جمهوری آمریکا، پاسخ به اسرائیل را به تعویق انداخته است. نشانه‌های دیگری مبنی بر اینکه فعلاً مقامات تهران حمله به اسرائیل را به تعویق انداخته‌اند وجود دارد هرچند که تجربه نشان می‌دهد رفتارهای جمهوری اسلامی بطور کلی بر اساس عقل و منطق نیست. عباس عراقچی وزیر خارجه



جمهوری اسلامی در حاشیه نشست هیأت دولت گفته، «بعضاً اختلافاتی که با آمریکا داریم بسیار اصولی و مبنایی است و ممکن است حل‌شدنی نباشد ولی باید مدیریت کنیم تا هزینه‌های آن و تنش‌ها کاهش یابد». علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بعد از حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات پدافندی و موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش، گفته بود «پاسخ دندان‌شکن» خواهد داد.

انتقاد به روش جمهوری اسلامی:

اگر در مرزها دیوار و سیم خاردار بکشیم، چطوری انقلاب‌مان را صادر کنیم؟!

علی کرد نماینده خاش از استان سیستان و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی در حالی که جمهوری اسلامی بزرگترین خطر نه تنها برای مرزنشینان کشور بلکه برای همه مردم ایران است، به خبرنگاری «ایلنا» گفته: «مرزها را نباید تهدیدی برای مرزنشینان کرد باید فرصتی برای مباحث اقتصادی، امنیتی و فرهنگی دانست. وقتی که دیوار و سیم خاردار کشیدیم چگونه می‌توانیم صدور انقلاب کنیم؟»

زیان هنگفت ۱۳۴ شرکت و سازمان بر اساس گزارش تفریح بودجه ۱۴۰۲

بر اساس گزارش تفریح بودجه در این سال ۱۳۴ شرکت مبلغ ۳۵۴ هزار میلیارد تومان زیان داشته‌اند. ۸۰ درصد زیان شرکت‌های دولتی در سال ۱۴۰۲ مربوط به شرکت بازرگانی دولتی ایران، سازمان هدفمندسازی، سازمان بیمه سلامت ایران، شرکت مادر تخصصی برق حرارتی، سازمان صداوسیما رژیم و سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح بوده است. به گفته رئیس دیوان محاسبات در سال ۱۴۰۲، ۳۵۰ هزار میلیارد تومان منابع کم آمده و از آنطرف نزدیک به صد هزار میلیارد هزینه‌ها افزایش پیدا کرده است.

یک گوجه فرنگی ۱۲ هزار تومان! املت هم گران شد!

گوجه فرنگی کیلویی ۷۵ هزارتومانی باعث شده که قیمت یک املت ساده با دو عدد تخم مرغ به ۱۸۵ هزار تومان برسد. «سرانه» نوشته است: «مدت‌هاست که خبر گرانی گوجه فرنگی دست به دست می‌شود و حال کار به جایی رسیده که امروز نرخ روی کیلویی ۷۵ هزار تومان ایستاده است. با این حساب اگر هر کیلو گوجه فرنگی حدودی ۶ عدد باشد، دیگر



باید برای خرید هر یک عدد حدود ۱۲ هزار تومان هزینه کنید.» این رسانه همچنین نوشته است: «حال اگر قصد تهیه املت در منزل را داشته باشید برای ۳ نفر باید از حدود ۴ عدد تخم‌مرغ و ۵ گوجه استفاده کنید که با احتساب تخم مرغ دانه‌ای ۷ هزار تومان و گوجه فرنگی کیلویی ۷۵ هزار تومان و کره ۱۰۰ گرمی ۵۵ هزار و ۹۰۰ تومانی باید حدود ۱۵۴ هزار تومان هزینه کنید.»

خودکشی ۱۶ دانش‌آموز از ابتدای سال ۱۴۰۳

ساختار بیمار آموزش و پرورش جمهوری اسلامی بلای جان نوجوانان

پدر آرزو خاوری گفته دخترش یک روز پیش از اقدام به خودکشی در اردوی دانش‌آموزی «شلوار جین» پوشیده و در مسیر رفتن به اردو هم «رقص و شادی» می‌کرد و فردای آن روز مدیر او را تنبیه کرد و به کلاس راه نداد. وی گفته از مدیر مدرسه شکایت کرده تا «به خاطر بدرفتاری که با دخترش کرده مجازات شود تا دختر دیگری به خاطر این سختگیری‌ها خودکشی نکند». آییناز کریمی لاک ناخن داشته و موهایش را رنگ کرده بود؛ مدیر مدرسه تا ساعت آخر نگذاشته آییناز سر کلاس برود، حتی نگذاشته به خانه برگردد. وقتی هم به خانه برگشته، ناهار نخورده در حالی که یونیفرم مدرسه به تن داشته، خود را با شال در انبار خانه حلق آویز کرده است. خودکشی آرزو و آییناز از جمله ۱۶ مورد خودکشی دانش‌آموزان از ابتدای سال ۱۴۰۳ است که خبر آنها منتشر شده است. از این تعداد ۱۳ مورد منجر به مرگ شده و تنها سه دانش‌آموز نجات پیدا کرده و به زندگی بازگشته‌اند.

عوامل جمهوری اسلامی در میلان

دیوارنگار هنرمند ایتالیایی در حمایت از آهو دریائی را تخریب کردند

آلکساندر پالمبو هنرمند سرشناس ایتالیایی که با نقاشی‌های دیواری‌اش درباره موضوعات سیاسی و اجتماعی شهرت دارد، روز ۸ نوامبر ۲۰۲۴ در شهر میلان در نزدیکی کنسولگری جمهوری اسلامی، «دختر علوم تحقیقات» را نقاشی کرد که حالا عوامل رژیم آن را تخریب کرده‌اند.

سست شدن ستون‌های آرامگاه حافظ به علت شستشوی مداوم!

خبرگزاری «ایلنا» دوشنبه ۲۱ آبان‌ماه گزارش داد ستون‌های آرامگاه حافظ در شیراز به دلیل شستشوی مداوم محوطه



حافظیه سست شده است. رحمان سلیمانی، مرمتگر آرامگاه حافظ و یکی از مرمتگران با تجربه آثار تاریخی شیراز که در حال مرمت پایه ستون‌های آرامگاه حافظ است هشدار داده است که اگر روند شستشوی مداوم محوطه حافظیه در شیراز ادامه بیابد نفوذ آب به پایه ستون‌های آرامگاه حافظ منجر به فرسودگی ملات مورد استفاده در پایه‌های این آرامگاه و سستی آنها خواهد شد.



عکس هفته | کیانوش سنجری؛ «مرگ خود خواسته»؟!

کیانوش سنجری روزنامه‌نگار و فعال سیاسی که از ۱۷ سالگی و در جریان جنبش دانشجویی دهه هفتاد سال‌های زیادی از عمر خود را در زندان و تحت فشار نیروهای امنیتی بسر برد، شامگاه چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۳ با اعلام قبلی و در اعتراض علیه جمهوری اسلامی به زندگی خود پایان داد.